

تَعَالَى



فصلنامه چند زبانه علمی - اختصاصی

PURE LIFE

دوره نهم | اولین کنفرانس بین المللی ظرفیت شناسی و تأسیس‌کننداری فضای مجازی

در ارتقای آموزش های دینی (۷) |

سال پنجم، شماره شانزدهم، اسفند ۱۳۹۷، رجب المرجب ۱۴۴۰، مارس ۲۰۱۹

صاحب امتیاز: جامعة المصطفی العالمیة
دانشگاه مجازی المصطفی، معاونت پژوهشی و تولید

مدیر مسئول: حجة الاسلام دکتر محسن قنبری

سرمدبیر: دکتر عابدین سیاحت اسفندیاری

دبیر علمی: دکتر توفیق اسداف

مدیر اجرایی: حجة الاسلام محمد جواد نجف‌لو

هیئت تحریریه:

معاون آموزش جامعة المصطفی العالمیة (ایران)	محسن قنبری
معاون پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفی (ایران)	عابدین سیاحت اسفندیاری
مدیر گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی (آذربایجان)	توفیق اسداف
مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (پاکستان)	غلام جابر محمدی
عضو هیئت علمی دانشگاه مجازی المصطفی (هند)	سید محمد علی عون نقوی
عضو هیئت علمی جامعة آل‌البيت (عراق)	یحیی عبدالحسن الدوخی
استاد دانشگاه مجازی المصطفی (ترکیه)	ییلدیز قدری

صندوق پستی: ۳۷۱۳۹۱۳۵۰۴

نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، بین کوچه ۴ و ۶

تلفن و نمابر: ۳۲۱۱۴۱۷۵ - ۳۲۶۱۳۸۷۵

تعداد صفحات: ۲۴۴ صفحه شمارهگان: چاپ الکترونیکی

Web: <http://p-l-journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

بر اساس مصوبه:

جلسه ۲۲ شورای نشریات المصطفی ﷺ

(مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹)،

و شناسه مجوز ۷۴۳۲۷ سامانه جامع رسانه‌های کشور

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / مورخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

این نشریه در سطح نشریات علمی – اختصاصی، تعیین شد.

این نشریه به صورت الکترونیکی است، که در نشانی زیر،

قابل دریافت است:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

راهنمای نویسندگان مقالات

۱) مقاله باید شامل قسمت‌های زیر باشد:

- عنوان، چکیده و کلیدواژگان، مقدمه یا طرح موضوع، بدنه اصلی مقاله، نتیجه‌گیری، فهرست منابع.
- ۲) تنها مقاله‌هایی قابل بررسی است که قبلاً منتشر نشده باشند، و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد.
- ۳) مسئولیت صحت و سقم مقاله به‌لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسنده مسئول است.
- ۴) حق رد یا قبول مقاله‌ها برای نشریه محفوظ است؛ البته دبیرخانه نشریه موظف است ظرف حداکثر یک ماه - ۳۰ روز - به‌نویسنده مسئول مقالات ارسالی، آخرین وضعیت مقاله را گزارش دهد.
- ۵) تأیید نهایی مقاله برای چاپ در نشریه، پس از نظر داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
- ۶) حجم مقاله حداقل ۸ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای خواهد بود.
- ۷) نقل و اقتباس از مقاله‌های نشریه، با ذکر مأخذ آزاد است.
- ۸) جهت نوشتن مقاله به‌زبان‌های فارسی و عربی، از فونت ۱۳، و خط (IRLotus) استفاده شود، جهت نوشتن مقاله به‌زبان اردو از فونت (۱۴) و خط (Alvi Nastaleeq) استفاده شود و جهت نوشتن مقاله به‌زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها از فونت ۱۴ و خط (Times New Roman) استفاده شود.
- ۹) فهرست منابع به‌ترتیب حروف الفبا و به‌شرح زیر آورده شود:
 - ✓ نام خانوادگی، نام؛ (سال نشر). عنوان (Bold). نام مترجم. چاپ. محل نشر: نام ناشر.
 - ۱۰) درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به‌صورت (نام مؤلف، سال نشر: صفحه) آورده شود.
 - ۱۱) ارجاعات هر صفحه مانند صورت لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و... در پاورقی همان صفحه آورده شود.
 - ۱۲) نویسنده لازم است به‌همراه ارسال مقاله به‌نشانی رایانامه معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه ["research@mou.ir"](mailto:research@mou.ir) نام و نام خانوادگی و رتبه علمی خود را ارسال نماید.
 - ۱۳) با توجه به چندزبانه بودن نشریه، پژوهشگران محترم می‌توانند مقالات خود را به‌زبان‌های فارسی، عربی، اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آذری و... ارسال نمایند.
 - ۱۴) پس از چاپ مقاله، دبیرخانه نشریه موظف است یک نسخه از نشریه الکترونیکی را به‌رایانامه نویسنده/ نویسندگان ارسال کند.

فهرست مطالب

بخش فارسی

- سخن مدیر مسئول ۹
- سخن سردبیر ۱۰
- تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان ۱۱
صفورا شکوهی، پریسا اصغرزاده طالبی
- اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان ۲۵
هادی جعفریان، حسام‌الدین مؤیدیان
- آسیب‌شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان ۴۷
شجاعت علی، محمد نظیر عرفانی
- تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان ۶۵
مریم عباسی
- چالش رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی؛ به سوی رهیافتی همگرایانه و مشارکتی .. ۷۹
محمد جعفر اسفندیاری
- چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن ۱۳۱
بهنام ریحانی
- بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی (لاین، تلگرام، فیسبوک، اینستاگرام)
و میزان دینداری جوانان ۲۹-۱۸ سال شهر مشهد ۱۶۵
علی نباتی، غلامرضا خدیوی رفوگر

القسم العربي

١٩٨	كلمة المشرف العام
١٩٩	كلمة رئيس التحرير
٢٠١	القدرات التعليمية في الفضاء الإلكتروني في العالم الإسلامي: الواقع والتحديات عزوز بن تمسك

English Section

A Word from Chief Editor	228
A Word from Managing Editor	229
The Role of State and Religious Organizations in Indonesia in Web-based Teachings	231
Supratman	

سخن مدیر مسئول

”PURE LIFE“ در پیچه‌ای به زندگی جاوید بشری خواهد بود. دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ رسالت خود را معرفی آموزه‌های الهی برای انسان خاک‌نشین می‌داند تا از رهگذر دانشی که خداوند در اختیار او گذارده، زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کند؛ به نحوی که آرامش دنیوی و سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد.

”PURE LIFE“ فرصتی برای دانش‌پژوهان و دانش‌آموختگان دانشگاه و سایر پژوهشگران است تا آموزه‌های علمی - معرفتی خود را بر پهنای فضای مجازی بگسترانند، و با زبان عالمانه معرفت دینی را در ساحت‌های مختلف زندگی بشری بازتاب دهند.

امید که با همت جویندگان نور دانش، این پنجره هر چه پرفروغ‌تر گردد.

سخن سردیسر

پژوهش به‌عنوان شریان حیات در حوزه دانش و بینش عمل می‌کند که پویایی آن می‌تواند به تحریک در رویش و گسترش مرزهای دانش انجامیده، و بی‌توجهی به این حوزه، ایستایی و نهایتاً میرایی دانش را رقم می‌زند که جهل، اولین دستاورد آن است؛ در دنیای امروز نیز شاهد جهالت مدرن هستیم که محصول عدم پژوهش سلیم در حوزه‌های مختلف است.

امروزه پژوهش مجرای گسترش مرزهای دانش بوده، و جایگاه سترگی در فعالیت‌های بشری به‌خود اختصاص داده است؛ هم‌چنین تتبع در حوزه علوم انسانی و اسلامی می‌تواند انسان را در فهم مسائل و دشواری‌های انسانی توانمند ساخته، و برای آن‌ها راه حل ارائه کند. پیشرفت روزافزون حوزه‌های دانشی، ضرورت ورود به عرصه‌های علمی بیشتری را می‌طلبد؛ چه آن‌که امروزه بسیاری از حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نیازمند تبیین و ارائه در عرصه جهانی است.

فصلنامه علمی - اختصاصی **“PURE LIFE”** به‌منظور ایجاد فضای ارائه مقاله‌های دانش‌پژوهان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ و سایر پژوهشگران در تلاش است ضمن ارتقای سطح پژوهش‌های دانش‌پژوهی مرتبط با علوم اسلامی، بستر مناسبی برای توسعه ارتباط میان پژوهش‌گران عرصه علوم اسلامی - انسانی باشد.

“PURE LIFE” به‌صورت فصلنامه چندزبانه و الکترونیکی منتشر می‌شود. این شماره به‌موضوع «اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی (۷)» می‌پردازد، و ماحصل ۹ مقاله برتر به ۳ زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

فصلنامه **“PURE LIFE”** با عنایت کمیسیون نشریات جامعه المصطفی ﷺ العالمية و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نخستین نشریه علمی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ آمادگی انتشار مقاله‌های دانش‌پژوهان را دارد.

تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان

نویسندگان: صفورا شکوهی (ایران)^۱، پریسا اصغرزاده طالبی (ایران)^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱

چکیده

فضای مجازی- اینترنت- نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است. تأثیرات و پیامدهای مثبت و منفی فضای مجازی به عنوان یک پدیده نوین در اجتماعات انسانی همواره در حال گسترش است. فضای مجازی موقعیتی است که نگهداری و نقل و انتقال اطلاعات بسیار ارزان و ساده انجام می‌شود؛ از این جهت برای فضای تربیتی و اخلاقی جامعه، هم تهدید محسوب می‌شود و هم به نوعی فرصت به شمار می‌رود. در این فضای چالشی باید برای تبدیل تهدید به فرصت یا برای کاهش تهدیدها در مقابل فرصت‌ها- فعالانه- وارد عرصه تولید و انتقال اطلاعات شد. در عصر حاضر که فضای مجازی جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل کرده است و مردم جهان را از قسمت‌های مختلف با فرهنگ‌ها و باورهای متفاوت، به همدیگر مرتبط می‌کند، مباحث تربیتی فرزندان با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. در مقابل یکی از ابزارهای کارآمد به منظور حفظ و احیای اعتقادات و تربیت اسلامی، فضای مجازی است. هدف از انجام این پژوهش بررسی ابعاد و ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی در جهت تربیت فرزندان بوده است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در صدد بررسی و تبیین ابعاد گوناگون فضای مجازی و تربیت از حوزه تربیت اسلامی به مفهوم‌سازی تربیت در فضای مجازی و نقش آن به عنوان ابزاری مهم در جوامع امروزی پرداخته است.

-
۱. کارشناسی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران،
s.shokohi96@gmail.com
 ۲. کارشناسی گروه فیزیک، دبیری فیزیک، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران،
parisa.asgharzade73@gmail.com

نتایج پژوهش نشان می‌دهد فضای مجازی دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی است که در صورت فراهم بودن شرایط و ایجاد آن اثرات قابل توجهی در شکل‌گیری شخصیت افراد به خصوص کودکان خواهد داشت و به خوبی می‌توان در جهت دستیابی به اهداف والای دینی از آن استفاده کرد.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، کودکان، فضای مجازی

مقدمه

یکی از مهمترین تغییرات جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می‌سازد، شکل‌گیری فضای جدید در عصر حاضر با عنوان فضای مجازی^۱ است.

همانطور که از عنوان مشخص است، فضای مجازی نوع دومی از ارتباطات است که بدون حضور فیزیکی و قرار گرفتن در کنار هم بوجود می‌آید.

جهان واقعی با خصایصی مانند جغرافیا داشتن، دارای نظام سیاسی خاص بودن، محبوس بودن و طبیعی بودن شکل می‌گیرد؛ در حالی که جهان مجازی در مقابل با خصیصه‌هایی همچون بی‌مکانی، فرازمان بودن، تکرار داشتن و قابل دسترس بودن همزمان تعریف می‌شود.

از نظر عاملی، مهمترین تغییری که با ظهور فضای مجازی و در پرتو آن- شکل‌گیری جهان مجازی- به وجود آورده است، تغییر در روابط انسانی است.

با توجه به اهمیت ارتباطات و حضور در اجتماع، با شکل‌گیری فضای مجازی و تغییرات به وجود آمده- در این تحقیق- ابتدا تعریفی جامع از فضای مجازی ارائه شده و در ادامه به نقش فضای مجازی در تربیت کودکان پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی فضای مجازی

فضای مجازی فضایی است که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می‌دهد؛ این واژه در دهه ۱۹۸۰ میلادی وارد ادبیات علمی- تخیلی شد و شاغلان در زمینه کامپیوتر و علاقمندان- به سرعت- آن را به کار بردند تا اینکه در دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شد.

تأثیر فضای مجازی بر تربیت دینی کودکان / ۱۳

در این دوره استفاده از اینترنت، شبکه و مخابرات دیجیتال- سریعاً- در حال رشد بود و لفظ فضای مجازی توانست بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را نمایندگی کند.

فضای مجازی برای نخستین بار توسط ویلیام گیسون^۱- نویسنده کانادایی رمان‌های علمی و تخیلی- در سال ۱۹۸۲ میلادی مورد استفاده قرار گرفت. فضای مجازی برای گیسون فضایی تخیلی است که از اتصال رایانه‌هایی پدید آمده است که تمامی انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی در جهان را به هم متصل کرده است. این معنا به صورت تقریبی مشابه معنایی است که امروزه از کاربرد لفظ فضای مجازی در نظر گرفته می‌شود.

در تعریفی دیگر فضای مجازی توصیفی برای تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار می‌رود.

با توجه به این تعاریف، نکته مهم این است که این فضا محیط الکترونیکی یا محیط شبکه‌ای از کامپیوترها است که با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی می‌کند اشیا و واقعیت‌های سه بعدی جهان واقعی را مشابه‌سازی کند.

مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت به مجموع روش‌ها و برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که در برخورد با افراد در زمینه‌های مختلف استفاده می‌شود.

تربیت افراد- به خصوص کودکان- با توجه به تغییرات سریع جهان و تحولات مهمی همچون شکل‌گیری فضای مجازی با مسائل متعددی روبه‌رو است.

با توجه به اهمیت تربیت کودکان و تأثیرات به‌سزایی که در شکل‌گیری شخصیت آنان در بزرگسالی دارد، توجه و التزام بر تربیت مناسب- بیش از پیش- دارای اولویت است.

1. William Gibson

مدت زیادی است که در غرب تحقیقات دامنه‌دار و عمیقی پیرامون روانشناسی تربیت کودک انجام می‌شود و به نتایج چشمگیری دست یافته است؛ البته هیچ‌گاه نمی‌توان به دیده اطمینان به آن نگاه کرد اما مهمترین این محققان عبارت‌اند از: ژان پیاژه^۱، اسکینر^۲، باندورا^۳، کلارک هال^۴ و اریکسون^۵ که هر کدام از دیدگاه خاص خود دنیای کودکی را مورد بررسی قرار داده- نتایج به دست آمده در سایه انجام آزمایش‌های متمادی طی سالیان دراز و استفاده از فناوری است؛ اما به طور قطع نمی‌توان به نتایج به دست آمده در خصوص نحوه تربیت، تغذیه، رشد، عادت‌ها و رفتارهای کودکان اعتماد کرد؛ چرا که میان نظریات پژوهشگران، تفاوت و تقابل بسیاری وجود دارد.

ارتباط اسلام و تربیت دینی کودکان

با توجه به اعتقاد به دین مبین اسلام و شریعت پیامبر اکرم ﷺ و مطالعه نحوه تربیت و برخورد ایشان با کودکان، صدها سال پیش که هیچ‌یک از امکانات پژوهشی عصر حاضر وجود نداشته است، حضرت در گفتار و رفتار خود، چه زیبا و شایسته با کودکان برخورد می‌کردند؛ برخوردهایی که امروزه دانشمندان غربی در ژرفای آن در مانده‌اند به طور کلی، دین اسلام به تربیت کودکان توجه خاصی داشته و در این خصوص آیات، احادیث و داستان‌های زیادی جهت راهنمایی و هدایت افراد ارائه کرده است. در کلامی ساده از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است:

«اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَكُمْ»^۶؛ فرزندانان را گرامی بدارید و با آداب و روش پسندیده با آنان رفتار کنید.

1. Jean Piaget
2. Burrhus Frederic Skinner
3. Albert Bandura
4. Clark Leonard Hull
5. Erik Erikson

با اندکی تأمل در این کلام مبارک، حاصل می‌شود که روش پسندیده دارای اهمیت و ارزش فراوانی است و از این نظر دین اسلام رهنمودهای فراوانی ارائه کرده است تا والدین در تربیت کودکان خود دچار خطا نشوند و در مسیر حرکت دین اسلام گام بردارند.

در روایات فراوانی نقل شده است که آغاز تعلیم و تربیت کودک در هفت سالگی آغاز می‌شود. در همین رابطه امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

کودک هفت سال آزاد است و هفت سال مورد ادب و توجه و هفت سال دیگر مورد خدمت و یاور است.^۱

در حدیث دیگری نیز امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

کودک هفت سال بازی می‌کند و هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد می‌گیرد.^۲

با توجه به این دسته احادیث در فرهنگ اسلام، کودک در هفت سال اول زندگی خود مشغول بازی و سرگرمی است و از نظر فراگیری علوم مختلف آزاد است و نیازی به سخت‌گیری از سوی والدین نیست. در هفت سال دوم کودک آمادگی و شرایط لازم برای آموزش و یادگیری آداب اسلامی و معلومات دیگر را پیدا می‌کند و در هفت سال سوم نیز وارد مرحله نوجوانی شده و تا حد زیادی شخصیت خود را شکل می‌دهد؛ لذا هفت سال دوم مورد توجه بیشتری از سوی عالمان دین است. بنابراین، مهمترین دوره‌ای که نقشی اساسی در تربیت مناسب کودک دارد، سنین ۷ تا ۱۲ سالگی است که لازم است خانواده، تلاش خود را برای تربیت و پرورش هرچه بهتر کودک- در این دوره- بکار گیرد.

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۶۵.

۲. کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۷-۴۶.

در همه جوامع انسانی این دوره مورد توجه خاص از سوی افراد و بزرگان هر جامعه است و پژوهش‌های فراوانی جهت رهنود والدین از سوی مراکز مختلف علمی، آموزشی و دینی ارائه می‌شود. روانشناسان مختلفی نیز تحقیقات متعددی در این راستا انجام داده و کماکان در حال انجام هستند. در جامعه ایران و فرهنگ اسلامی- ایرانی نیز این مسئله حایض اهمیت فراوان است و منابع خوبی در خصوص چگونگی تربیت مناسب کودک تدوین شده است.

بر این اساس، همه اقدامات انجام شده در کنار یگدیگر و بصورت مناسب می‌تواند نسلی امیدبخش و مقتدر برای آینده کشور به وجود آورد؛ اما همانطور که در قسمت‌های قبل بیان شد، با شکل‌گیری فضای مجازی و روند رو به رشد آن، تربیت کودکان بی‌تأثیر از این فضا نبوده و در این مسیر آثار خاص خود را بر فرایند رشد و تربیت کودکان به جای خواهد گذاشت.

با توجه به اهمیت موضوع و نقش کلیدی کودکان در آینده‌سازی کشور، لازم است تمامی مسئولان و تصمیم‌سازان کشور از فضای مجازی و محتوای آن آگاهی کامل داشته باشند و بتوانند این فرایند را به طور مناسب کنترل کنند؛ چه اینکه فضای مجازی فضای دو سویه و دو قطبی است که می‌تواند آثار مثبت و منفی خود را به افراد منتقل کند. آنچه مهم است اینکه از این رهگذر بتوان از عناصر مثبت و مفید آن استفاده نمود و از امکانات فضای مجازی در جهت تربیت و پرورش هر چه بهتر کودکان بهره گرفت. در غیر این صورت و با غفلت و نا آگاهی، همین فضای مجازی می‌تواند تبدیل به عنصری مخرب و یک عامل خطرناک در راه رسیدن به تربیت مطلوب باشد.

طبق تحقیقات متعددی که در سال‌های اخیر در این زمینه صورت گرفته است، نتایج به دست آمده نگران‌کننده بوده و آثار منفی زیادی بر افراد جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان داشته است.

در یکی از این تحقیقات که (پاداشیان‌فرد) بر روی خانواده‌های شهر ارومیه انجام داده است، نشان می‌دهد فضای مجازی در تربیت دینی خانواده‌ها تأثیرات منفی زیادی داشته و والدینی که به اعتقادات مذهبی - بیشتر - پایبند باشند، فرزندان بهتری تربیت خواهند کرد.^۱

فرهنگ استفاده از فضای مجازی

فرهنگ؛ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است که در مورد آداب و رسوم و رفتارهای خاص آن محیط، اطلاق می‌شود. به طبع فرهنگ‌های محیطی با گسترش و پیشرفت امکانات، از محلی به محل دیگر منتقل می‌شود؛ پدیده‌ای که امروزه به وفور یافت می‌شود، تبادل فرهنگ‌های مختلف در نقاط مختلف جهان است. هر جامعه نیز متناسب با سطح فرهنگ خود و قدرتمندی که در مدیریت جامعه دارد، می‌تواند از همین فضای مجازی برای صادرات و انتشار فرهنگ مورد نظر خود در سایر فرهنگ‌ها استفاده کند.

فضای مجازی به گونه‌ای است که قابل دسترس همگان بوده و افراد می‌توانند در دورترین نقاط از یکدیگر به کمک اینترنت و دسترسی به شبکه‌های مختلف و متنوع مجازی و ماهواره‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

در این گذر، جوامع بزرگتر و پیشرفته‌تر موقعیت را مناسب می‌دانند و با برنامه‌ریزی‌های از قبل انجام شده، سعی در اشنائه فرهنگ خود در سایر جوامع کرده و می‌خواهند فرهنگ خاص خود را جهانی کنند؛ اتفاقی که امروزه به وفور مشاهده می‌شود و جوانان و نوجوانان زیادی به تقلید از فرهنگ غرب روی می‌آورند؛ مسئله‌ای که همراه با آسیب‌های فراوانی برای آنان است.

طبق تحقیقات انجام شده، ۳۵ درصد استفاده کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهد و میانگین صرف شده برای اینترنت، ۵۲ دقیقه در هفته است. از طرف دیگر- به نقل از آمار- مردم ایران رتبه سوم را در استفاده از فضای مجازی کسب کرده‌اند.^۱

آمارهای ارائه شده زنگ خطر را برای جامعه در حال گذر که به سمت توسعه‌یافتگی در حرکت است، به صدا در می‌آورد و لزوم هوشیاری و دقت هرچه بیشتر بر فضای مجازی و مدیریت آن را طلب می‌کند.

برنامه‌ریزی برای ایجاد بسترهای مناسب در برخورد با امکانات و آسیب‌های فضای مجازی از واجبات جامعه است که می‌بایست مورد توجه مسئولان و مدیران ارشد کشور قرار گیرد؛ در این میان نقش دولت و نهادهای فرهنگی بیش از پیش مورد توجه است.

نقش دولت در فرهنگ‌سازی دینی

دولت به عنوان سرپرست و حامی مردم جامعه باید تمامی تلاش خود را بکار گیرد و با مدیریت هرچه بهتر فضای مجازی مراقب آثار و پیامدهای مثبت و منفی استفاده از این محیط مجازی بر روی افراد- به ویژه کودکان- باشد.

کودکان بنا به موقعیت و شرایط سنی و رشدی که دارند، آمادگی پذیرش و یادگیری مطالب مختلف را به خوبی دارا هستند که همین نکته از سوی غربی‌ها و متفکران آنان مورد توجه قرار گرفته است؛ به نحوی که توانسته‌اند با تولید برنامه‌ها و رسانه‌های مختلف و متنوع، فرهنگ خود را در میان کودکان، توزیع کنند.

کودکان با توجه با شرایط روحی- روانی خود آمادگی یادگیری هرگونه محتوا و آموزشی را دارند؛ پس اگر مسئولان جامعه غفلت کنند و متوجه مسئله نباشند، خطرات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری کودکان را تهدید می‌کند.

با نگاهی اجمالی به تولیدات صوتی و تصویری جوامع غربی که با توجه به جهانی شدن فضای مجازی به سهولت در دسترس کودکان قرار می‌گیرد، روشن می‌شود که این تولیدات در جهت پیاده‌سازی فرهنگی خاص بر کودکان است که از جمله مهمترین این آسیب‌ها عبارتند از: ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته در مقابل ساختار خانواده، خیانت، عادی جلوه دادن روابط جنسی نامشروع، ترویج فرهنگ هم‌باشی به جای ازدواج، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت کودکان، انزوای اجتماعی و فاصله گرفتن از اجتماع و ارتباطات اجتماعی که نیاز امروز جامعه است، تعارض ارزش‌ها و ایجاد حالت شک و تردید در مقابل ارزش‌های دینی و فرهنگ ملی - مذهبی که همگی از آثار و پیامدهای منفی فضای مجازی است که اثرات آن بر روی کودکان با توجه به شرایط خاصی که دارند، چند برابر نسبت به بقیه افراد جامعه است.

متفکران غربی با طراحی بازی‌های مختلف رایانه‌ای که همگی به نوعی به دنبال فرهنگ خشنونت و جنگ و دعوا هستند، کودکان زیادی را سرگرم کرده و از لابه لای همین بازی‌ها شخصیت کودکان شکل می‌گیرد؛ شخصیتی ناآرام و پریشان که آثار مخربی بر روح و روان کودک و نحوه ارتباط او با اطرافیان خود می‌گذارد.

استفاده از گوشی‌های هوشمند و فوق پیشرفته در خانواده‌های ایرانی یکی دیگر از معضلات فرهنگ نامناسب فضای مجازی در عصر حاضر است. طبق یک آمار ارائه شده استفاده از گوشی‌های هوشمند در جامعه افزایش قابل توجهی داشته و بدون آنکه فرهنگ استفاده از آن آموخته شده باشد، از آن استفاده می‌شود و این یعنی - به طور ناخواسته - درگیری با مسائل و مشکلات آنها ایجاد خواهد شد.

شبکه‌های مجازی و برقراری ارتباط با افراد مختلف نیز بدون کسب شناخت افراد و موقعیت‌های پیش رو باعث ورود زود هنگام کودکان به فضای مجازی شده و خطرات زیادی برایشان به همراه دارد.

همین گوشی‌های هوشمند به راحتی به شبکه اینترنت متصل شده و کودکان می‌توانند ساعت‌های طولانی به دور از کنترل خانواده در صفحات مختلف، مطالب متفاوت و گاهی نامناسب را مشاهده کنند.

به طور کلی، اینترنت و شبکه‌های مجازی مملو از تصاویر و فیلم‌هایی که ممکن است متناسب با سن کودک نباشد و کودک به صورت ناخودآگاه ترغیب می‌شود از این صفحات بازدید کند. همه این تصاویر و فیلم‌ها برنامه‌ریزی شده و از سوی متفکران غربی برای القای فرهنگ خودشان به راحتی و سرعت بالا در اختیار کودکان قرار می‌گیرد.

تولید برنامه‌های مخصوص به کودک از جمله انواع کارتون‌ها و انیمیشن، وسایل بازی و اسباب‌بازی متنوع- حتی طراحی لوازم التحریر با طراحی فرهنگ اروپایی که به وفور در همه جا مشاهده می‌شود- به صورت غیر مستقیم در حال القای فرهنگ خود به کودکان است که غفلت و ناآگاهی از سوی والدین و مسئولان کشور و نیز نهادهای فرهنگی جامعه، باعث می‌شود کودکان در این گرداب از پیش طراحی شده گرفتار مشکلات روحی- روانی و جسمی فراوانی شوند که جبران آن، مشکل خواهد بود.

در کنار این مسائل، یادگیری یکی از مهمترین فرایندهای روانی است که زمینه‌های اصلی آن در سنین کودکی شکل می‌گیرد و به تدریج با افزایش سن کودک، استعدادهای او نیز بیشتر شکوفا می‌شود.

کودک به دلیل وجود حس قوی تقلید، تلاش می‌کند رفتاری همسان با والدین خود بازسازی کند که وجود این حس قوی کمک زیادی در یادگیری او دارد. والدین کودک می‌توانند از این احساس قوی در تربیت فرزند خود استفاده کرده و با آموزش‌های ابتدایی زمینه‌های آشنایی کودک با تعالیم دینی و مبانی اعتقادی به ویژه نماز را در او بوجود آورند.

والدین به عنوان الگوی فرزندان باید همواره مراقب رفتار و گفتار بوده و جانب احتیاط را در رفتارهای خود رعایت کنند. در زمینه تربیت دینی نیز این مسئله مهم است؛ چرا که کودکان رفتارهای والدین خود را سرمشق قرار داده و همچون والدین خود رفتار خواهند کرد. طبق مطالعه‌ای که تأثیرات دین را بر رشد و ارتقای کودکان بررسی کرده است، مشخص شده کودکانی که والدین مذهبی دارند، بهتر از دیگر کودکان برخوردار می‌کنند و خود را با شرایط تطبیق می‌دهند.

نتایج بدست آمده نشان داده است والدینی که به طور مرتب در مراکز دینی شرکت داشته‌اند و با کودک خود در مورد دین صحبت می‌کردند، نسبت به سایر کودکان کنترل بهتر و مهارت‌های اجتماعی و تمایل به یادگیری مناسب‌تری داشتند. محققان در توجیه این یافته‌ها می‌گویند: آموزش‌های مذهبی و تربیت اسلامی کودکان به چند دلیل زیر مهم است:

۱. گروه‌های مذهبی از والدین حمایت اجتماعی می‌کنند و این برای رشد مهارت‌های آنان مفید است. کودکانی که وارد گروه‌های مذهبی می‌شوند وقتی همان حرف‌های والدینشان را می‌شوند که سایر بزرگترها نیز تأیید می‌کنند - بهتر - حرف‌های والدین خود را درک می‌کنند.
۲. در تربیت اسلامی انواع ارزش‌ها و هنجارهایی که در گروه‌های مذهبی به کودکان آموزش داده می‌شود، در رشد کودک مهم است.
۳. در تربیت دینی محتوای آموزشی و تعلیم بر اساس شرایط و نیاز کودکان در نظر گرفته می‌شود و این نکته‌ای است که غالب دانشمندان و روانشناسان بر آن تأکید دارند.

پیشنادهایی در راستای حل مسئله پژوهش

بنا بر مطالب ارائه شده، ارائه پیشنهاد و لزوم برنامه‌ریزی در جهت نیل به این هدف که تربیت فرزندان سالم و متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی است، مهم می‌باشد. در همین خصوص پیشنهادهای متناسب با موضوع بیان می‌شود:

۱. اهمیت نقش الگویی والدین در تربیت دینی کودکان؛ والدین نزدیکترین افراد به کودکان هستند، لذا لازم است مراقب رفتار و گفتار خود بوده و با تشویق و ترغیب به روش محبت‌آمیز فرزندان خود را در رسیدن به تربیت اسلامی یاری دهند که یکی از بادوام‌ترین و مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی کودکان، نگرش مثبت فرزندان نسبت به مذهب و دین است؛ پس والدین می‌بایست با روش محبت‌آمیز و به دور از هرگونه اجبار کودک خود را به انجام اعمال مذهبی و فراگیری آن تشویق کنند.
۲. فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر مناسب و آموزش‌های لازم به کودکان در خصوص استفاده از فضای مجازی.
۳. با توجه به حجم بالایی از گوشی‌های هوشمند و در دسترس بودن آن، ارگان‌های دولتی می‌بایست نظارت و کنترل بیشتری داشته باشند و نسبت به واردات این وسایل تصمیم مناسبی اتخاذ کنند؛ به گونه‌ای که هر شخصی با توجه به نیاز و شرایط کاری خود بتواند از این رسانه‌ها استفاده کند.
۴. حمایت از افراد خلاق و هنرمند در زمینه تولید کارتون و ساخت بازی‌های رایانه‌ای مناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی؛ به نحوی که گرایش و میل کودکان به سمت استفاده از بازی‌های ساخت فرهنگ داخل، سوق داده شود؛
۵. حمایت از تولید داخلی در عرصه ارائه لوازم التحریر و کنترل و نظارت بیشتر بر واردات این نوع کالاها.
۶. برگزاری نمایشگاه‌ها و مراسمی با هدف به نمایش گذاشتن تولیدات ساخت داخل - در عرصه فرهنگی - در سراسر کشور.
۷. برگزاری مسابقات فرهنگی - هنری با محوریت قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام در شهرهای مختلف و با حضور کودکان.
۸. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی.

نتیجه گیری

آنچه در این تحقیق بیان شد، نشان دهنده اهمیت موضوع در مقیاس جهانی است. در فضای امروز که شرایط با سرعت در حال تغییر است، می‌طلبد که همه مسئولین و برنامه‌ریزان کشوری، با همفکری و برنامه‌ریزی مناسب بتوانند از موقعیت شکل گرفته در جهت مثبت و رسیدن به نتایج مطلوب بهره بگیرند.

بر این اساس، کودکان به عنوان آینده‌سازان کشور و پرچم‌دار سربلندی و آزادگی نیاز دارند در محیطی آرام و پر از آرامش و پرتوی از انوار الهی پرورش یابند و به گونه‌ای تعلیم داده شوند که بتوانند- در آینده- کشور خود را در بالاترین نقطه از پیشرفت همه‌جانبه برسانند. این مهم در صورتی تحقق خواهد یافت که امروز همه مردم جامعه و اقشار مختلف در بخش‌های گوناگون، بتوانند فرزندان سالم، پاک و با عزم و ایمانی راسخ تربیت نمایند.

فهرست منابع

۱. پاداشیان‌فرد، عزیزه. و احمد جهانی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تأثیرات منفی فضای مجازی و تربیت دینی خانواده‌ها. چکیده مقالات هشتمین همایش علمی تربیت اسلامی، فضای مجازی: فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها. تهران: پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش.
۲. ستارزاده، داود (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن (مطالعه موردی: شهر ساری). مطالعات علوم اجتماعی ایران. دوره ۳. شماره ۳ (شماره پیاپی ۱۴): ۱۴۲-۱۲۰.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی. قم: انتشارات اجود.
۴. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، علامه مجلسی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اثربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان

نویسندگان: هادی جعفریان (ایران)^۱، حسام‌الدین مؤیدیان (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

چکیده

ورود فناوری به عرصه اطلاعات و ارتباطات تمام ابعاد زندگی بشری را متحول نموده تا جایی که انتقال داده‌های آموزشی با پذیرش رویکرد مدرن و حذف نمودن بسیاری از محدودیت‌های معمول در آموزش فیزیکی، به صورت الکترونیکی و از طریق محیط مجازی ارائه می‌گردد. بدین ترتیب، تحقیق حاضر تأثیر آموزش مجازی در بیان مفاهیم دینی برای کودکان را مورد تحلیل قرار داده و تأثیر آن بر باورهای دینی گروه پیش‌گفته را مورد ارزیابی قرار داده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه چهارسطحی برگرفته از پرسشنامه باورهای دینی گلاک و استارک بوده که میان ۸۲ نفر از والدین فرزندان ۱۲-۷ سال کارکنان شاغل در نیروی انتظامی استان چهارمحال و بختیاری تقسیم گردید. اجرای این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی-ارزشیابی، به صورت نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون بوده و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی شامل آزمون T همبسته استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های نگرش و اعتقادات دینی، اطلاعات دینی، اعمال و تجارب دینی از سوی فرزندان ارتقای بسزایی نسبت به قبل از برگزاری آموزش مجازی داشته است؛ اما این روش آموزشی تأثیری بر انجام فرائض-واجبات- و ترک محرمات دینی نداشته است.

واژگان کلیدی: تربیت، باورهای دینی، کودکان، آموزش‌های جنسیتی، آموزش‌های خانوادمحور، آموزش مجازی

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

jafarian1367@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۳، حوزه علمیه، قم، ایران.

مقدمه

اسلام دینی جامع‌نگر است که تمامی ابعاد و دوران زندگی بشری را پوشش می‌دهد و برای تمامی امور زندگی بشر برنامه دارد. به نظر می‌رسد در هیچ مکتب و آئینی به اندازه دین اسلام به موضوع تربیت کودک پرداخته نشده است؛ همچنان که این سنت در سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام به روشنی پیداست؛ چه اینکه با توجه به تمایلات و گرایش کودک، این دوران فرصت مناسبی برای تربیت دینی و پرورش روحیه دین‌باوری در آنان است. بر این اساس، این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی آموزش‌های مجازی بر باورهای دینی کودکان انجام می‌شود و در جهت تحقق اهداف پژوهش، پاسخ به سؤال‌های زیر مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱. آیا آموزش مجازی تأثیری بر نگرش و اعتقادات دینی کودکان دارد؟
۲. آیا آموزش مجازی تأثیری بر ارتقای سطح اطلاعات دینی و مذهبی کودکان دارد؟
۳. آیا آموزش مجازی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت تشویق کودکان به انجام واجبات و یا عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرّمات، تأثیرگذار باشد؟
۴. آیا آموزش مجازی تأثیری بر اعمال و تجارب دینی کودکان - رعایت ادب، اخلاق و احترام به والدین - داشته است؟

تبیین تربیت دینی

یکی از پژوهشگران در تعریف تربیت دینی چنین گفته است:

مجموعه رفتار عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر هر دین به افراد دیگر، به گونه‌ای است که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند باشند.^۱

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۲۷

بنابراین آموزش و انتقال صحیح و تعمیق باورهای دینی در کودکان- با عنوان آینده‌سازان جوامع بشری- یکی از موضوعات مهم در نظام جامعه است.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه ارزش‌ها و باورهای دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت کرده و خواسته‌ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان‌هایی برای جامعه تربیت می‌نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند، تربیت دینی شکوفا کردن قوای انسان به طور متعادل و در چارچوب ارزش‌های الهی است که در نهایت سعادت دنیوی- اخروی را تضمین می‌نماید.^۱

تأکید بر تربیت دینی و اخلاقی و تقویت آن در کودکان از این جهت اهمیت دارد که آنها در آینده‌ای نه چندان دور مسئولیت اداره جامعه را بر عهده خواهند گرفت و اگر این تربیت درست اتفاق بیفتد، می‌توان امیدوار بود که آیندگان نیز در انتقال آن ارزش‌ها به نسل بعد موفق باشند؛ در این باره درونی کردن ارزش‌ها می‌تواند به این هدف بزرگ جامعه عمل پیوشاند.^۲

پیامبر اکرم ﷺ غایت تربیت انسان را طاعت و بندگی خداوند می‌داند که از راه علم به اوامر الهی و اطاعت خالصانه به دست می‌آید؛ به طوری که می‌فرماید:

«إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّ لَكُمْ مَعَالِمَ فَانْتَهُوا إِلَى مَعَالِمِكُمْ وَإِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً

فانْتَهُوا إِلَى نَهَائِكُمْ»؛^۳ مردم! شما در راه سعادت نشانه‌هایی دارید؛

دنبال آنها را بگیرید، و مقصد و نهایی دارید؛ بکوشید تا بدان برسید.

۱. بیات و تلخایی، ۱۳۸۱: ۵۳.

۲. خادمی، ۱۳۷۹: ۱۱.

۳. ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۷: ۵۲.

حضرت در جاهای دیگر می‌فرمایند:

- «بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَبِالْعِلْمِ يَعْرِفَ اللَّهُ»^۱: علم وسیله طاعت، عبادت و شناسایی خدا است.
- در تحصیل علم بکوشید که فرا گرفتن آن خوبی و گفتگوش تسبیح و کاوش در آن جهاد و آموختن آن به جاهل صدقه و نشرش باعث قرب است. همچنین، امام علی علیه السلام هدف غایی تربیت را تقوا و پرستش خداوند می‌داند^۲ و امام حسین علیه السلام کمال عقل را پیروی از حق و نهایت سعادت را ایمان و مبارزه با باطل و لقای پروردگار اعلام می‌دارد.^۳
- در همین راستا، حکمای مسلمان نیز دیدگاه‌های عمیقی ارائه نموده‌اند که به سه نمونه اشاره می‌شود:

- امام محمد غزالی:
کار انسان، طلب سعادت است و سعادت وی در معرفت خدای تعالی است، و معرفت خدای تعالی وی را به معرفت صنع خدای تعالی حاصل آید، و آن جمله عالم است؛ معرفت عجایب عالم وی را از راه حواس حاصل می‌آید.^۴
- خواجه نصیرالدین طوسی:
کمال آدمی در این است که با استفاده از امکاناتی که انسان دارد، به درک معقولات و به حد تمیز قبیح از جمیل برسد و به یاری اندیشه و از روی اراده، ممدوح را بر مذموم اختیار کند.^۵

۱. ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۷: ۵۲.

۲. ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۳. دشتی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۵۹۷ و ۳۱۸.

۴. غزالی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۵ و ۱۸.

۵. شکوهی، ۱۳۸۱: ۳۹.

اثربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۲۹

- ابوعلی سینا:

هدف غایی در تربیت انسان، پاک کردن نفس از اخلاق بد به وسیله عبادت الهی، کسب علوم و معارف و قرار گرفتن انسان در سعادت راحت مطلق بدون رنج و الم است.^۱

با این وصف از دغدغه‌های موجود، عامل اساسی ناموفق بودن تربیت دینی در فهم نادرست از دین، عمل نکردن به فرمان‌های دینی یا نادرست معرفی کردن آن است؛ از سوی دیگر، اثربخشی نامطلوب آموزش‌های ارائه شده تا جایی است که متخصصان را برآن داشته با استعانت از روش‌های نو، این خلأ را جبران نمایند.

جستاری بر آموزش مجازی

امروزه دسترسی و تسلط بر تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و بهره‌گیری از آن در امر مهم آموزش و تربیت افراد، از مؤلفه‌های مهم قدرت محسوب می‌شود که نباید از آن چشم پوشید.

به کارگیری تصویر در آموزش جهت یادگیری هرچه بهتر مطالب، بدین معنی است که درس‌ها را از حالت انتزاعی و شنوایی مفرط خارج نموده و حواس بیشتری از افراد را مورد درگیری قرار داد؛ با این تعریف- فناوری- قدرت آموزش و یادگیری ندارد، بلکه سیستمی نظام‌مند برای انتقال دانش و یادگیری است.^۲

همچنین با تأثیر فناوری اطلاعات، وجود رایانه‌ها و ابزارهای رسانه امکان ارتباط از طریق شبکه‌های ارتباطی مجازی میسر شده است.^۳

۱. ابوعلی سینا، ۱۳۵۰: ۹۰.

۲. ایکاف، ۱۳۸۲.

۳. ذوفن، ۱۳۸۴.

اشتراک دانش به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند ثروت جامعی را برای ملت‌ها در قالب آموزش بهتر، سلامت، احساس اجتماعی زیرساخت‌ها و بهبود بیشتر کیفیت زندگی ایجاد کند.^۱

اثرات رو به رشد و فزاینده تکنولوژی‌ها بر همه جنبه‌های زندگی - از جمله در سطح آموزش - باعث شده برای رشد و توسعه کشورها تمرکز بر پیشرفت در حیطه آموزش عالی از طریق پذیرش نظام و تکنولوژی‌های جدید آموزشی ضرورت یابد. به طور کلی، هدف از آموزش مجازی، فراهم نمودن امکان دسترسی یکسان، رایگان و جستجوپذیر در دوره‌های درسی و ایجاد فضای آموزشی یکنواخت برای اقشار مختلف در هر نقطه و بهینه‌سازی شیوه‌های ارائه مطالب درسی به منظور یادگیری عمیق‌تر است.^۲

در چنین فضای آموزشی برخلاف روش‌های آموزشی سنتی استادمحور، افراد به اندازه توانایی خود از موضوعات بهره‌مند می‌گردند؛ چه اینکه در آموزش مجازی می‌توان از ترکیب نمودن شیوه‌های مختلف یادگیری، از قبیل متن، صوت و تصویر به حداکثر بازده در یادگیری دست یافت.

به طور کلی، استفاده از روش نمایشی و به صورت محسوس و مشهود در آوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش‌هایی است که در قرآن کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است تا جایی که قرآن کریم با استفاده از روش نمایشی توانسته است اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل درک و فهم نماید.

به عنوان مثال؛ هنگامی که در صدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسئله معاد است، به ارائه نمونه‌های مشابه حسی و قابل مشاهده در این دنیا

۱. پان دیا و گور، ۲۰۱۱.

۲. بنی سی و همکاران، ۱۳۸۸.

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۳۱

می‌پردازد که یکی از نمونه‌های عینی آن که بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد زمین و گیاهان است.^۱ علاوه بر تعالیم وحی، معصومان علیهم‌السلام نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن مفاهیم و حقایق دینی از روش نمایشی استفاده نموده‌اند؛ همچنان که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موارد متعددی- مانند آموزش نماز و حج- از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛^۲ نماز بگزارید آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم.

بنابراین، جنبه آموزشی روش نمایشی مؤثرتر و پرجاذبه‌تر از روش گفتاری صرف است؛ چرا که روش نمایشی- به طور همزمان- گوش و چشم مخاطب را به کار می‌گیرد؛ لذا به دلیل نیاز انسان به الگو و همانندسازی در تربیت، لازم است الگوهای والا به درستی معرفی شوند تا انسان با بینشی روشن مصداق کمال حقیقی را تشخیص دهد و به الگوگیری و اسوه‌پذیری بپردازد.

نتیجه آنکه آموزش مجازی دیدمان جدیدی است که در حوزه آموزش و یادگیری پدید آمده و ضمن کمک به جوامع در حال رشد از منظر اقتصادی و اجتماعی، در زمینه آموزش، امکان یادگیری مداوم را برای هر فرد و در هر زمان و مکان فراهم نموده است. از طرف دیگر و از آنجا که محیط آموزش مجازی مکملی برای محیط‌های آموزش فیزیکی است، لازم است سقف مطالبات از این محیط نیز در چارچوب همین ویژگی ماهیتی تعیین گردد؛ بدین ترتیب علی‌رغم هیجان، امکانات و

۱. ر. ک: بقره، ۱۶۴؛ انعام، ۹۵؛ روم، ۱۹ و ۵۰؛ فاطر، ۹؛ جاثیه، ۵.

۲. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۲۶.

جاذبه‌هایی که استفاده از آموزش مجازی به همراه دارد، به کارگیری آن بدون تجزیه و تحلیل اینکه آیا آموزش‌های مجازی برگزار شده از اثربخشی لازم برخوردار بوده یا خیر، ممکن است باعث شکست این مقوله گردد.

با توجه به اینکه سنجش اثربخشی دوره‌های برگزار شده یکی از ضروری‌ترین اموری است که در هر سازمانی باید انجام گیرد، این نیاز در نهاد عقیدتی سیاسی به عنوان سازمانی که خود داعیه امر آموزش و پژوهش پیرامون مبانی اعتقادی و مذهبی دارد، دوچندان می‌شود.

پیشینه پژوهش با تأکید بر مطالعات آموزش مجازی

یکی از نظریات مشهور در آموزش مجازی، نظریه راسل^۱ (۲۰۰۹) است که طی مطالعات متعدد خود کلاس‌های آموزش سنتی و مجازی را با یکدیگر مقایسه نمود؛ هر چند او از مخالفان آموزش مجازی بود، اما طی مطالعاتش به این نتیجه رسید که در صورت امکان پذیر بودن آموزش مجازی، این نوع از آموزش‌ها از نظر علمی و اقتصادی به صرفه بوده و امکان پذیر خواهد بود.

در همین راستا تحقیقات دیگری نیز انجام گردیده است که برخی از آنها اشاره می‌شود:
- ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود به مزایای آموزش مجازی مانند افزایش کیفیت یادگیری و آموخته‌های دانشجویان، سهولت دسترسی به حجم بالایی از اطلاعات و دانش‌های موجود در جهان، دسترسی سریع و به موقع اطلاعات در زمان اندک، کاهش برخی هزینه‌های آموزشی، بالا بردن کیفیت دقت و صحت مطالب درسی و علمی، ارتقای علمی دانشجویان و مدرسان اشاره دارند.

- مؤمنی‌راد (۱۳۸۸) در تحقیق خود که در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی انجام داده است، به این نتیجه رسیده که دوره آموزش الکترونیکی رشته فناوری اطلاعات این دانشگاه از کیفیت مطلوبی برخوردار است.

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۳۳

- کریمخان‌لویی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان یادگیری دوروش آموزش سنتی و الکترونیک تفاوت معنادار آماری وجود ندارد.
- حسن‌زاده (۱۳۸۱) معتقد است آموزش مجازی مؤثر برگرفته از کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرصت‌های آموزشی است؛ همچنان که تعداد زیادی از مطالعات بر تفسیر منافع و معایب آموزش مجازی و نیز تأثیر این نوع نظام آموزشی در کاهش هزینه‌های تحصیل دانشجویان تأکید دارند. تجارب کنونی ثابت کرده‌اند برطرف کردن موانع روش‌شناختی تدریس از طریق بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در حوزه آموزش امکان‌پذیر است که این مطلب، نیازمند تدوین استانداردهای بومی و میان‌رشته‌ای نظام آموزشی الکترونیکی است.
- آکاسلان و همکاران^۱ (۲۰۱۰) معتقدند نظام آموزش الکترونیکی از دیدگاه کاربردی به چهار دسته: آموزش مبتنی بر وب، سیستم‌های پشتیبانی از عملکرد، کلاس‌های مجازی ناهمزمان و کلاس‌های مجازی همزمان تقسیم می‌شود.
- پژوهش نیکولز^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که آموزش مجازی می‌تواند به صورت‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد و نیز به دو صورت همزمان و غیر همزمان به فراگیران آموخته شود. با این آموزش، اطلاعات فراگیران به روز شده و در مواردی که با مشکلی مواجه می‌شوند، می‌توانند با استاد مربوطه ارتباط برقرار نمایند.
- کلارک^۳ (۱۹۹۴) در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان فناوری و یادگیری پرداخته و در نتیجه ورود فناوری و وسایل ارتباط رسانه‌ای را در مباحث آموزشی، حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

1. Akaslan and Others
2. Nichols
3 clark

روش تحقیق

اجرای این پژوهش به صورت نیمه‌آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون (قبل و بعد از برگزاری آموزش) تحقق یافته است که آموزش مجازی یکبار به عنوان متغیر وابسته و یکبار نیز به عنوان متغیر مستقل به کار رفته که شامل سرفصل‌های زیر است:

۱. بعد اعتقادی- سطح اعتقادات دینی شامل: مصادیق حضور خداوند، وجود شیطان، وجود معاد و حضور حضرت موعود.

۲. بعد مناسکی- سطح انجام فرائض و ترک محرمات دینی- شامل: انجام واجبات مثل اقامه نماز، امانت‌داری و روزه گرفتن.

۳. بعد فکری- سطح اطلاعات دینی- شامل: آشنایی با احکام تعیین مرجع تقلید، آشنایی با واجبات، آشنایی با محرمات دین اسلام.

۴. بعد پیامدی- سطح اعمال و تجارب حاصل از باورهای دینی- شامل: مصادیق رعایت اخلاق، رعایت ادب در برخورد با دیگران و احترام به والدین.

روش انجام کار نیز بدین صورت بوده است که قبل از آغاز آموزش، فرزندان مورد مطالعه در این پژوهش از طریق پرسشنامه‌ای که در اختیار والدین ایشان بود؛ مورد آزمون اولیه- پیش‌آزمون- قرار گرفتند، سپس هر یک از فرزندان موصوف در بازه زمانی شش ماهه، مورد آموزش مجازی واقع شدند و به فاصله یک هفته بعد از پایان آموزش، آزمون ثانویه- پس‌آزمون- به همان طریق بیان شده در مرحله اول اخذ گردید، سپس یافته‌های پس‌آزمون و پیش‌آزمون گروه آزمایش، مورد مقایسه و تحلیل واقع شد.

ابزار مورد استفاده جهت ارزیابی تأثیر آموزش‌های مجازی بر باورهای دینی، پرسشنامه چهارسطحی برگرفته از پرسشنامه باورهای دینی گلاک و استارک (۱۹۶۵) بود که میان والدین فرزندان ۱۲-۷ سال کارکنان شاغل در نیروی انتظامی استان چهارمحال و بختیاری تقسیم گردید.

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۳۵

روایی پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتبار بالایی آن در ابعاد مختلف است. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در سنجش نیز لیکرت^۱ است و سطوح بیان شده در پرسشنامه در دو بازه زمانی قبل و بعد از برگزاری آموزش بر اساس پنج درجه ارزشی - خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم - مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

همچنین، پرسشنامه از حیث محتوایی مورد تأیید کارشناسان و پژوهشگران متعددی قرار گرفته است؛ به نحوی که برآورد کمی از اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ^۲ - در مجموع پرسشنامه - ۰/۸۳ بوده است که - به تفکیک - برای برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد فکری ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ بوده است؛ این آمار نشان می‌دهد پرسشنامه به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آزمون T همبسته، استفاده شده است که دلیل استفاده از این آزمون به خاطر طراحی نوع پرسشنامه است؛ به این ترتیب که عمل اندازه‌گیری یک بار قبل از اجرای متغیر مستقل یا متغیر آزمایشی و بار دوم پس از اجرای این متغیر صورت گرفته است، سپس با استفاده از آزمون مذکور، معنادار بودن اختلاف بین این دو اندازه‌گیری معین می‌گردد.

به بیان دیگر، با به کار بردن این آزمون آماری، تغییراتی که در اثر اجرای متغیر مستقل به وجود آمده است، تعیین می‌گردد.

نکته حائز اهمیت اینکه با توجه به ارزشگذاری انجام شده، میانگین پاسخ‌های داده شده برای هر آیتام در نظر گرفته شده است؛ ضمناً در آزمون T همبسته به سطح

1. Likert Scale
2. Cronbach's Alpha

معناداری آزمون رجوع می‌گردد که چنانچه مقدار آن از ۰/۰۵ کمتر باشد، فرض صفر (H_0) - فرض نبود تفاوت بین میانگین‌ها- رد شده و فرضیه در نظر گرفته شده (H_1) پذیرفته می‌شود، و چنانچه بیشتر از مقدار موصوف باشد فرض صفر پذیرفته شده و در نتیجه فرضیه در نظر گرفته شده رد می‌گردد.

فرمول محاسبه حجم نمونه برای برآورد میانگین نیز $n = \frac{z^2 s^2}{d^2}$ بوده به شرح زیر:

S: انحراف معیار صفت مورد نظر Z: ضریب اطمینان

d: مقدار اشتباه مورد قبول در برآورد صفت مورد نظر (d=0.1)

ضریب اطمینان در نظر گرفته شده: ۹۵ درصد

با توجه به محاسبه این فرمول در جامعه موصوف- با این وصف که تعداد جامعه مشخص بوده- تعداد نمونه، ۸۲ نفر در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: آیا آموزش مجازی تأثیری بر نگرش و اعتقادات دینی کودکان دارد؟

H_0 : دوره آموزش مجازی تأثیری بر نگرش و اعتقادات مذهبی فرزندان کودک نداشته است.

H_1 : دوره آموزش مجازی تأثیری بر نگرش و اعتقادات مذهبی فرزندان کودک داشته است.

جدول ۱: محاسبه نمونه‌های زوجی سطح نگرش و اعتقادات مذهبی

خطای میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	میانگین	زمان آزمون
۳۷۳۱۷/	۳/۳۷۹۲۳	۸۲	۴/۰۷۴۴	قبل از برگزاری آموزش
۰۵۱۳۹/	۴/۶۵۳۴	۸۲	۴/۴۹۶۲	بعد از برگزاری آموزش

مطابق با اطلاعات جدول، با توجه به اینکه میانگین در قبل از دوره ۴/۰۷۴ و پس از اتمام دوره

۴/۴۹۶۲ بوده است و از سوی دیگر، با محاسبه اندازه اثر برای این آزمون، T که با عدد ۰/۰۰۱

برابراست- با توجه به معیار کوهن- اثر کمی است و در نتیجه تفاوت قبل و بعد از دوره متصور است.

اتربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۳۷

جدول ۲: آزمون T نمونه‌های زوجی (همبسته) سطح نگرش و اعتقادات مذهبی

زمان آزمون	احصاء تفاوت زوجی					T	درجه آزادی	سطح معناداری آزمون
	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین	فاصله اطمینان از میانگین با ضریب ۹۵ درصد				
				پایین‌ترین حد	بالا‌ترین حد			
قبل و بعد از برگزاری آموزش	-۰.۴۲۱۸۳	۳/۴۲۰۶۴	۳۷۷۷۵/	-۱/۱۷۳۴۳	۳۲۹۷۷/	-۱/۱۱۷	۸۱	۰/۰۴۱

مطابق با اطلاعات جدول، با توجه به اینکه $\text{sig} = ۰/۰۴۱$ بوده و کمتر از سطح معناداری در نظر گرفته شده ($۰/۰۵$) برای این آزمون بوده، می‌توان گفت که در مجموع تفاوت معناداری در قبل از برگزاری دوره و بعد از آن مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، میانگین $۰/۴۲۱۸۳$ افزایش یافته که با فاصله اطمینان ۹۵ درصد دامنه آن $۰/۳۷۷۷۵$ تا $۱/۱۷۳۴۳$ است؛ نتیجه آنکه نتایج آزمون T همبسته نشان دهنده اثرگذاری دوره بر اعتقادات فرزندان با درصد قابل توجهی بوده است.

سؤال دوم: آیا آموزش‌های تصویری تأثیری بر ارتقای سطح اطلاعات دینی کودکان دارد؟
 H_0 : دوره آموزش مجازی تأثیری بر ارتقای سطح اطلاعات دینی گروه آزمایش نداشته است.
 H_1 : دوره آموزش مجازی تأثیری بر ارتقای سطح اطلاعات دینی گروه آزمایش داشته است.

جدول ۳: محاسبه نمونه‌های زوجی سطح اطلاعات دینی

زمان آزمون	میانگین	حجم نمونه	انحراف معیار	خطای میانگین
قبل از برگزاری آموزش	۳/۵۶۱۰	۸۲	۸۳۲۹۳/	۰/۹۱۹۸/
بعد از برگزاری آموزش	۴/۵۳۶۶	۸۲	۵۲۵۷۶/	۰/۵۸۰۶/

با توجه به اینکه میانگین اطلاعات دینی در قبل از دوره ۳/۵۶۱۰ و پس از اتمام دوره ۴/۵۳۶۶ بوده است، اثرگذاری این دوره قابل مشاهده است.

جدول ۴: آزمون T نمونه‌های زوجی (همبسته) سطح اطلاعات دینی

زمان آزمون	احصاء تفاوت زوجی					T	درجه آزادی	سطح معناداری آزمون
	انحراف معیار	انحراف معیار	خطای میانگین	فاصله اطمینان از میانگین با ضریب ۹۵ درصد				
				پایین‌ترین حد	بالا‌ترین حد			
قبل و بعد از برگزاری آموزش	-۰.۹۷۵۶۱	.۶۴۷۴۲	.۰۷۱۵۰	-۱/۱۱۷۸۶	-۰.۸۳۳۳۶	-۱۳/۶۴۶	۸۱	.۰۰۰

مطابق اطلاعات جدول، $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ است؛ یعنی از سطح معناداری آزمون پایین‌تر بوده و فرض تأثیر دوره تأیید می‌گردد؛ لذا- در مجموع- تفاوت معناداری در قبل از برگزاری دوره و بعد از آن مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، میانگین به میزان ۰/۹۷۵۶۱ افزایش یافته که با فاصله اطمینان ۹۵ درصد، دامنه آن از ۰/۸۳۳۳۶ تا ۱/۱۱۷۸۶ است. در نتیجه فرض بر این است که دوره اثرگذاری مطلوبی بر ارتقای سطح معلومات دینی فرزندان داشته است.

سؤال سوم: آیا آموزش مجازی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت تحریک کودک به انجام واجبات و به عنوان عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرمات ایفای نقش نماید؟

H_0 : دوره آموزش مجازی نقش ابزاری در جهت تحریک کودکان به

انجام واجبات و به عنوان عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرمات نداشته است.

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۳۹

H_1 : دوره آموزش مجازی نقش ابزاری در جهت تحریک کودکان به انجام واجبات و به عنوان عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرمات داشته است.

جدول ۵: محاسبه نمونه‌های زوجی سطح انجام فرائض و ترک محرمات دینی

خطای میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	میانگین	زمان آزمون
۳/۳۶۹۳۸	۳/۳۴۴۹۰	۸۲	۴/۱۸۲۹	قبل از برگزاری آموزش
۵/۶۱۹۳۴	۵/۶۰۸۳۴	۸۲	۹۹۵/۴	بعد از برگزاری آموزش

در جدول، با توجه به اینکه میانگین ترک محرمات در قبل از دوره ۴/۱۵۸۵ و پس از اتمام دوره ۴/۵۴۸۸ بوده است، تفاوت چشمگیری از حیث عددی مشاهده نمی‌شود که این خود دال بر عدم تفاوت در زمان برگزاری دوره است.

جدول ۶: آزمون T نمونه‌های زوجی (همبسته) سطح انجام فرائض و ترک محرمات دینی

زمان آزمون	احصاء تفاوت زوجی					T	درجه آزادی	سطح معناداری آزمون
	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین	فاصله اطمینان از میانگین با ضریب ۹۵ درصد				
				پایین‌ترین حد	بالا‌ترین حد			
قبل و بعد از برگزاری آموزش	-۰/۳۹۰۲۴	۳/۱۶۵۲۳	۳۴۹۵۴/	-۱/۰۸۵۷۲	۳/۰۵۲۳	-۱/۱۱۶	۸۱	۹۸۷/

در جدول، میانگین $-۰/۳۹۰۲۴$ افزایش یافته که با فاصله اطمینان ۹۵ درصد دامنه آن از $۳/۰۵۲۳$ تا $۱/۰۸۵۷۲$ است که بدان معناست که دوره آموزش بر ترک محرمات و انجام واجبات از سوی فرزندان تا حدودی نقش ابزاری ایفا نموده؛ اما تأثیر دوره از حیث مناسکی قابل ملاحظه نبوده است.

از طرف دیگر، sig به دست آمده عدد ۰۹۸۷. را نشان می‌دهد که به علت بیشتر بودن آن از سطح معناداری آزمون، فرض سوم مورد تأیید واقع نمی‌گردد.

سؤال چهارم: آیا آموزش مجازی تأثیری بر اعمال و تجارب دینی کودکان- رعایت ادب، اخلاق و احترام به والدین- داشته است؟

H₀: دوره آموزش مجازی تأثیری بر اعمال و تجارب دینی فرزندان کودک نداشته است.

H₁: دوره آموزش مجازی تأثیری بر اعمال و تجارب دینی فرزندان کودک داشته است.

جدول ۷: محاسبه نمونه‌های زوجی سطح اعمال و تجارب دینی

خطای میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	میانگین	زمان آزمون
۰/۹۲۵۴	۸۳۷۹۷/	۸۲	۳/۸۰۴۹	قبل از برگزاری آموزش
۰/۵۹۷۶	۵۴۱۱۴/	۸۲	۴/۵۹۷۶	بعد از برگزاری آموزش

در جدول، با توجه به اینکه میانگین اعمال و تجارب دینی در قبل از دوره ۳/۸۰۴۹ و پس از اتمام دوره ۴/۵۹۷۶ بوده است، می‌توان تفاوت قبل و بعد از برگزاری دوره را مشاهده نمود.

جدول ۸: آزمون T نمونه‌های زوجی (همبسته) سطح اعمال و تجارب دینی

زمان آزمون	احصاء تفاوت زوجی					T	درجه آزادی	سطح معناداری آزمون
	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین	فاصله اطمینان از میانگین با ضریب ۹۵ درصد				
				پایین‌ترین حد	بالا‌ترین حد			
قبل و بعد از برگزاری آموزش	-۰/۷۹۲۶۸	۰/۷۴۹۲۸	۰/۰۸۲۷۴	-۰/۹۵۷۳۲	-۰/۶۲۸۰۵	-۹/۵۸۰	۸۱	۰۰۰۰

اثربخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۴۱

در جدول، $\text{sig} = 0/000$ است و این عدد کمتر از سطح معناداری آزمون است؛ در نتیجه فرض تأثیر دوره در بعد پیامدی تأیید می‌گردد. از سوی دیگر، میانگین $0/97561$ افزایش یافته که با فاصله اطمینان ۹۵ درصد دامنه آن $0/62805$ تا $0/95732$ است؛ لذا- در مجموع- تفاوت معناداری در قبل از برگزاری دوره و بعد از آن از این حیث مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤال اول، دوم و چهارم با عنایت به یافته‌های به دست آمده از آزمون T همبسته برای ازریایی تأثیر دوره در فرزندان کارکنان، ملاحظه می‌گردد که دوره آموزش مجازی- تصویرسازی- بر اعتقادات، اطلاعات دینی و اعمال و تجارب مخاطبین در گروه سنی مورد مطالعه این تحقیق، تأثیرگذار بوده و اثربخشی دوره از این حیث قابل ملاحظه بوده است.

از طرف دیگر، علت عدم اثربخشی آموزش مجازی در بعد مناسکی- انجام واجبات و ترک محرّمات دینی- را می‌بایست از طریق میانگین پاسخ‌های ارائه شده در پیش از برگزاری این دوره آموزشی تحلیل نمود که با توجه به داده‌های به دست آمده در بازه زمانی موصوف این‌گونه متصور بوده است که گروه آزمایش- کودکان- در بعد مناسکی اهمیت ویژه‌ای برای انجام واجبات و ترک محرّمات قائل بوده‌اند.

به بیان دیگر، با توجه به بالا بودن میانگین پاسخ‌های ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که در قبل از برگزاری دوره آموزش مجازی رعایت مصادیق بعد مناسکی در سطح بالایی بوده است؛ به همین جهت آموزش مجازی هر چند توانسته اثرات مثبتی از این حیث بر مخاطبین گروه آزمایش داشته باشد؛ اما نظر به علت بیان شده، تفاوت چشمگیری از حیث آماری میان پیش از برگزاری آموزش و بعد از آن قابل احصاء

نموده است؛ لذا دوره آموزش مجازی نقش ابزاری در جهت تحریک کودکان به انجام واجبات و به عنوان عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرمات نداشته است.

در مجموع یافته‌های این تحقیق با نتایج حاصل از پژوهش کلارک (۱۹۹۴) و نیکولز (۲۰۰۳) همخوانی دارد؛ کلارک ورود فناوری و وسایل ارتباط رسانه‌ای را در مباحث آموزشی حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند؛ اما هرگونه فناوری را نباید بدون چون و چرا به کار برد.

به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که به جای افزایش کمی دوره‌های آموزش مجازی به کیفیت آن توجه نمود؛ بدین لحاظ باید به سنجش اثربخشی آموزش‌های ارائه شده پرداخته و چنان‌چه از اثربخشی لازم برخوردار نیست، برای آن تدبیری اندیشیده و نسبت به رفع معایب آن اقدام نمود.^۱

بر اساس یافته‌های تحقیق موصوف که براینده نظرات پاسخ دهندگان در ابعاد اشاره شده است، اثربخشی مثبت این دوره آموزشی به دست می‌آید.

از سوی دیگر، با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤال دوم- سطح اعمال و تجارب دینی- و با عنایت به یافته‌های به دست آمده از آزمون T همبسته برای ارزیابی تأثیر دوره در فرزندان کارکنان، ملاحظه می‌گردد که دوره آموزش مجازی- تصویرسازی- تاحدودی توانسته است به عنوان ابزاری در جهت تحریک کودک به انجام واجبات و نیز به عنوان عامل بازدارنده‌ای در جهت ترک محرمات ایفای نقش نمود؛ اما تأثیر دوره از این حیث قابل ملاحظه نبوده است.

با توجه به پاسخ‌های ارائه شده این‌گونه متصور است که عملکرد فرزندان مورد سنجش این پژوهش در حوزه انجام واجبات و ترک محرمات در پیش از دوره نیز مطلوب والدین بوده؛ به همین جهت، هر چند آموزش تصویری بر افزایش این

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۴۳

فاکتورها اثرگذار بوده، اما تفاوتی معنادار احصاء نشده است و بدین صورت فرضیه موصوف مورد تأیید قرار نگرفته است.

با عنایت به موارد اشاره شده، پیشنهادهای زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. با توجه به اینکه دانش آموزان در دوره ابتدایی - به ویژه در سال‌های اول - با

امور حس شدنی و ملموس سر و کار دارند، والدین و معلمان و مربیان حوزه دین می‌بایست به این نکته توجه نمایند که طرح جنبه‌های استدلالی معارف اعتقادی به کودکان دبستانی کار درستی نیست و در امر تدریس و آموزش مبانی و باورهای دینی و مفاهیم مذهبی از ابزارهای آموزش مجازی - هم‌چون عکس، اسلاید و به ویژه فیلم‌های آموزشی - استفاده نمایند.

۲. نقش الگویی مسئولین فرهنگی مدرسه و خانواده، مورد تأیید دانش آموزان

است. آن‌ها معتقدند معلمان تا حدی توانسته‌اند با اخلاق و رفتار خود الگوی خوبی برای دانش آموزان باشند که این موضوع نشان می‌دهد نظریات مطرح در تغییرات اخلاقی دوره کودکی - نه تنها آموزش اخلاق و دین - کودکان را با اخلاق و متدین نمی‌کند، بلکه باید محیط زندگی ایشان - به ویژه والدین و معلمان - اسوه سالم اخلاق و دین باشد. در همین راستا، ارائه ارزش‌های اسلامی در قالب الگوهای تصویری و یا تشویق دانش‌آموزان دارای الگوهای رفتاری مطلوب اسلامی، می‌تواند نقش شایانی ایفا نماید.

۳. فضا و امکانات موجود در محیط مدارس نیز در مجموع مناسب با

انتظارات و برنامه‌های امور تربیتی نیست؛ چرا که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های پرورشی از قبیل صبحگاه، نماز جماعت، کتابخانه، گروه‌های دانش آموزی و هنری از قبیل روزنامه‌نگاری، تئاتر و امثال آن باید از

فضای موجود در مدارس استفاده کنند؛ در حالی که در وضعیت فعلی، کمبود فضا مانع برگزاری برخی از برنامه‌های آموزشی و پرورشی در مدارس شده است؛ به همین علت پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت بهینه‌سازی فضاهای معنوی از طریق آموزش مجازی، امکانات و ابزار مورد نیاز آموزش‌های از این قبیل در محیط مدارس تعبیه گردد.

۴. پیشنهاد می‌گردد ارزش‌های اسلامی با زبان قابل فهم و ساده همراه با تصاویر مربوط در کتب درسی گنجانده شود؛ هم‌چنین در غنی‌سازی کتب درسی که با مسائل دینی و مذهبی ارتباط تنگاتنگ دارند- نظیر کتاب «دین و زندگی»- اهتمام بیشتری شده و در جهت جذابیت این دسته آثار از تصاویر مربوطه استفاده گردد. نظر به اهمیت آموزش رسانه‌ای، ارائه ارزش‌های اسلامی در قالب تئاتر، فیلم، شعر و موسیقی می‌تواند کمک شایان توجهی در انتقال باورها و مبانی اسلامی به دانش‌آموزان صورت دهد.
۵. لازم است در نصب شعائر مناسب در محیط‌های آموزشی که به نحوی ترویج دهنده فرهنگ و تربیت دینی است، اهتمام بیشتری صرف گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۰). رساله اضحویه. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴. ایکاف، راسل (۱۳۸۲). بازآفرینی سازمان. ترجمه تقی ناصر شریعتی، اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. چاپ ۲. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

اثر بخشی آموزش مجازی بر تربیت باورهای دینی کودکان / ۴۵

۵. بنی سی، ریناز. ملانیان، صدیقه. و فاطمه پیکری فر (۱۳۸۸). سازمان و مدیریت آموزش مجازی. تهران: اولین کنفرانس دانشجویی آموزش الکترونیکی.
۶. بیات، یحیی. و محمود تلخایی (۱۳۸۱). بررسی میزان آگاهی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه استان زنجان از احکام دینی. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان زنجان.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۳۶۷). تحف العقول. ترجمه احمد جنتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. حسن‌زاده، مریم (۱۳۸۱). یادگیری الکترونیکی. تدبیر، ۱۳ (۱۲۲): ۱۱۳-۱۱۲.
۹. خادمی، عین‌الله (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر در درونی کردن ارزش‌های اسلامی در دانش آموزان. تهران: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش.
۱۰. داودی، محمد (۱۳۸۴). نقش معلم در تربیت دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام. قم: انتشارات مؤسسه تحقیقات امیرالمومنین علیه السلام.
۱۲. ذوالفقاری، میترا. سرمدی، محمد رضا. نگارنده، رضا. زندی، بهمن. و فضل‌الله احمدی (۱۳۸۸). نگرش اعضای هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران به تدریس از نظام یادگیری الکترونیکی ترکیبی. مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات). ۱۵ (۴۰): ۳۹-۳۱.
۱۳. ذوفن، شهناز (۱۳۸۴). کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش. تهران: انتشارات سمت.

۱۴. شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۱). **تعلیم و تربیت و مراحل آن**. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۵. غزالی، امام محمد (۱۳۶۰). **کیمیای سعادت**. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. کریمخان‌لویی، گیتی. موسوی‌نسب، نورالدین. و عارفه فیاضی (۱۳۸۸). **مقایسه میزان موفقیت دانشجویان رشته‌های پزشکی و داروسازی در درس زبان انگلیسی با آموزش مجازی و سنتی**. توسعه آموزش در علوم پزشکی. شماره ۲: ۱۶-۱۳.

۱۷. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**، علامه مجلسی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۸. مؤمنی‌راد، مرتضی (۱۳۸۸). **بررسی کیفیت رشته فناوری اطلاعات دوره آموزش الکترونیکی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی بر اساس استانداردهای آموزش الکترونیکی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

19. Akaslan, D. Chong, L. and L Effie (2010). **E-Learning in the Science of Electricity in Higher Education in Turkey in Terms of Environment Andenergy**. Society: Heath, Culture and the Environment Conference. 1(1): 1-10.
20. Clark, R. E (1994). **Media will never Influence Learning, Educational Technology**. Research and Development. Vol 42. Issue 2: 21-29.
21. Nichols, M (2003). **A Theory for E-Learning**. Educational Technology and Society. 6(2): 1-10.
22. Pandya, K. and K Gor (2011). **Knowledge Management: A Success Key for Higher Education**. Fed Uni Journal of Higher Education. 5 (1): 16- 23.

آسیب‌شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان

نویسندگان: شجاعت علی (پاکستان)^۱، محمد نظیر عرفانی (هندوستان)^۲

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۵

چکیده

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که مرزهای قابل نفوذی دارد و فضای مجازی توانسته است در آن رخنه کند؛ لذا ورود فضای مجازی به کانون خانواده موجب بروز آسیب‌هایی در هنجارها و نقش‌های اعضای خانواده به ویژه کودکان شده است. هدف از این تحقیق، بررسی آسیب‌های فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان بوده است که در آن، آثار و پیامدهای منفی اینترنت را در رابطه با آداب و اخلاق زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار داده است. روش علمی تحقیق نیز به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد گسترش فضاهای مجازی اینترنتی آسیب‌های گوناگونی در زمینه تعلیم و تربیت کودکان ایجاد کرده است؛ از جمله آسیب‌های اخلاقی همچون دسترسی آسان به منابع غیر اخلاقی، تضعیف باورهای دینی و القای شبهات و تعارض ارزش‌ها؛ آسیب‌های شخصیتی مثل اعتماد به فضای مجازی، انزوای اجتماعی و اتلاف وقت؛ و آسیب‌های خانوادگی از قبیل کاهش ارتباطات خانوادگی، تغییر الگوی تعامل میان والدین و فرزندان، از بین رفتن تعادل قدرت در خانواده و شکاف نسل‌ها. بنابراین، هدایت و نظارت والدین در کنار شناخت و آگاهی از آسیب‌های پیش روی فضای مجازی بهترین راهکار رفع آسیب‌های آن است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، کودکان، فضای مجازی، آسیب‌شناسی

۱. کارشناس ارشد گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، قم، ایران،

shigariy@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه قرآن و علم، گرایش اجتماعی، جامعه المصطفی (ص) العالمية، قم، ایران،

mna8181@yahoo.com

مقدمه

فضای مجازی به عنوان نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی توانسته است علی‌رغم عمر اندک، به سرعت در ابعاد گوناگون زندگی مردم نفوذ کند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند. امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است؛ روش‌هایی از جمله پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت روم‌ها، وب پایگاه‌ها، بازی‌ها و...

امروزه خانواده‌ها در سبب فرهنگی خود مواجه با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های پیشرفته هستند که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرایند اثرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند به طوری که بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای به طور تخصصی تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده‌اند و پیام مشترک برنامه‌های این شبکه‌ها عبارت‌اند از: ترویج خانواده‌هایی بی‌سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار خانواده، عادی‌سازی خیانت همسران به یکدیگر، عادی جلوه دادن روابط جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج، ترویج فرهنگ هم‌باشی به جای ازدواج و عادی جلوه دادن سقط جنین برای دختران.^۱

مفهوم فضای مجازی

پیشرفت و توسعه فضای مجازی، زمینه‌ساز فضا‌های اجتماعی جدید شده و مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده است؛ فضای بدون مرزی که روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین‌سان فناوری‌های نوین اطلاعات،

۱. شکر بیگی، ۱۳۹۱.

اقصى نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی ساخته شده از ابزارها به یکدیگر پیوند داده و ارتباطات رایانه‌ای، مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده است. فضای مجازی شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه را در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت‌افزار و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر متصل می‌کند؛ این شبکه جهانی از طریق خطوط تلفن، رایانه‌های شخصی و شبکه‌های رایانه‌ای به یکدیگر متصل می‌شود و با اختصاص نشانی‌های الکترونیکی مشخص به هر یک از آنها، برقراری ارتباط سریع و گسترده را میان کل کسانی که به شبکه متصل هستند، فراهم می‌کند و تبادل اطلاعات میان آنان را به صورت متن، صدا، تصویر و فیلم میسر می‌سازد.

شبکه جهانی اینترنت، یکی از مهم‌ترین نوآوری‌هایی است که بعضی از نظریه پردازان برای تأکید بر اهمیت آن، تأثیرات این بزرگراه عظیم اطلاعاتی را مشابه با تأثیرات اختراع چاپ بر زندگی انسان‌ها ذکر کرده‌اند.^۱

فضای آزاد اینترنتی، محل حضور میلیون‌ها کنشگر اینترنتی است که می‌توانند با تفسیرهای نمادین در اینترنت به موارد زیر پردازند:

- ۱- به کنش فردی و جمعی متقابل پردازند.
- ۲- در اجتماعات مجازی حضور سایبری داشته باشند.
- ۳- گروه مجازی تشکیل بدهند.
- ۴- با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند، به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون پردازند.

۵- از اطلاعات و اخبار موجود در سایت‌های اینترنتی به صورت گزینشی و بدون داشتن محدودیت‌های رسانه‌های دیگر- که بر خلاف اینترنت- عمدتاً یک‌سویه‌اند، استفاده کنند.^۱

آسیب‌های اخلاقی

۱- دسترسی آسان به منابع غیر اخلاقی

مهم‌ترین محصولات فرهنگی اعم از فیلم، عکس، متن، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی را غرب و گاه شرق، تولید و سپس در فضای مجازی تبلیغ و توزیع می‌کند؛ بدین‌سان، یکی از خطرهای ناشی از فضای سایبر متوجه کشورهایی است که فرهنگ‌های متضاد با فرهنگ حاکم بر فضای سایبری دارند.^۲

یکی از نگرانی‌های عمده در خصوص افزایش دسترسی به اینترنت در خانه، قرار گرفتن نوجوانان در معرض مطالب جنسی است. سادگی دسترسی و فراوانی مطالب جنسی در اینترنت، نگرانی را نسبت به اثرات زیان‌بخش این‌گونه مطالب افزایش داده است. تصور بر این است که دسترسی کودکان و نوجوانان به هرزه‌نگاری از طریق اینترنت، ساده‌تر از روش‌های سنتی آن است.

یک فرض ضمنی دیگر این است که دسترسی گسترده به مطالب هرزه‌نگاری در اینترنت و از طریق تبلیغات، منجر به قرار گرفتن داوطلبانه در معرض این مطالب خواهد شد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد افشای تصادفی در بین ۱۰ تا ۳۰ درصد از نوجوانان رخ داده است.

فروش نوارهای ویدئویی و آلات و لوازم جنسی از طریق اینترنت، هشت درصد از فعالیت‌های تجاری رژیم آمریکا را که افزون بر ۱۸ میلیارد دلار است در بر می‌گیرد.

۱. جلالی، ۱۳۷۹: ۹۶.

۲. طارمی، ۱۳۸۷: ۳۲.

قشر جوان به خصوص نوجوانان در گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال قربانیان عمده عاملان و دست‌اندرکاران چنین تجارت هنگفتی هستند. این گروه سنی عامل اصلی ثبات حرفه پورنوگرافی است.

بررسی نتایج پژوهش‌های روانشناسان دانشگاه تورنتو نشان می‌دهد کودکان - بیشتر - بعدازظهرها و نوجوانان و جوانان ساعت‌های پایانی شب را برای مراجعه به اینترنت انتخاب می‌کنند که هر چه اشتیاق به بازدید از سایت‌های غیر اخلاقی بیشتر باشد، زمان استفاده از اینترنت به سمت ساعت‌های پس از نیمه شب گرایش می‌یابد.^۱

۲- تضعیف باورهای دینی و القای شبهات فکری

از جمله چالش‌های شبکه‌های اجتماعی، تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی افراد است. گروه‌های مغرض با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه‌های مخصوص، اقدام به تزلزل در باورهای کاربران سست‌عقیده و کم اطلاع می‌نمایند؛ هم‌چنان که هم‌اکنون شبکه‌های اجتماعی، یکی از ابزارهای مورد استفاده برای تبلیغ بهائیت و عرفان‌های کاذب است؛ البته بهترین شیوه تنها انفعالی برخورد کردن و اکتفا نمودن به پاسخگویی به شبهات نیست؛ بلکه این حضور باید همراه با تهاجم نیز باشد؛ به این معنا که عقاید و باورهای فرهنگ مهاجم را نیز با سؤالاتی که در مورد عقاید و نگرش‌هایشان وجود دارد، مورد هدف قرار داد و هیبت ظاهری آنان را شکست.

۳. تعارض ارزش‌ها

تغییرات فناوری، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از چالش‌های فراروی فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است؛ چون ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی-ارزش‌های اسلامی و ایرانی- است، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی به همراه داشته باشد؛ مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود؛ هم‌چنان که در یک مطالعه تجربی نشان داده شد استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزش‌های خانواده شده است.^۱

آسیب‌های شخصیتی

۱- اعتیاد به فضای مجازی

یکی از آسیب‌های فضای مجازی، اعتیاد به آن است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده‌کننده از اینترنت در رژیم آمریکا، ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی گریبانگیر هستند.^۲ در کشور ایران نیز با گسترش روزافزون اینترنت، این مسئله مشاهده می‌شود. نتیجه تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد بیشترین استفاده‌کنندگان از اینترنت، جوانان هستند و ۳۵ درصد از آنها به خاطر حضور در چت‌روم، ۲۸ درصد برای بازی‌های اینترنتی، ۳۰ درصد به منظور بررسی کردن پست الکترونیکی و ۲۵ درصد نیز به دلیل جستجو، وارد شبکه جهانی می‌شوند. اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از

۱. زنجانی‌زاده اعزازی و علی، ۱۳۸۴.

۲. اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵۸.

اینترنت را تحمل کنند، در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند؛ پدیده‌ای که اکنون نیز مشاهده می‌شود، به طوری که برخی از جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند؛ مسئله‌ای که آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز می‌شود. طی تحقیقاتی که در خصوص دلایل گرایش و استفاده اعتیادآور افراد از اینترنت صورت گرفته است، به این نتایج رسیدند: افرادی که وقت زیادی را صرف استفاده از کامپیوتر می‌کنند، کسانی هستند که در زندگی با مشکلاتی مواجه‌اند. این افراد چون رغبتی به برخورد با مشکلات زندگی ندارند و مایل نیستند حتی با آنها رو به رو شوند؛ لذا به فعالیت اعتیادآور در اینترنت می‌پردازند.^۱

اعتیاد به اینترنت، ضمن آن‌که معضلات کلی که نوجوانان و جوانان را در هنگام دسترسی به اینترنت با آن روبرو می‌شوند را تشدید می‌کند، عامل مسائل و مصائب زیادی برای آنان می‌شود. افزایش حضور در فضای مجازی، تصور زندگی مجازی را جایگزین تصور زندگی واقعی می‌کند و در عین حال- به خصوص نوجوانان- به علت تأثیرپذیری بیشتر به علت موقعیت سنی خویش درک خود را از زندگی بر اساس فضای مجازی تجربه شده تعریف می‌کنند، و در هنگام ارتباط با فضای واقعی ممکن است یا توانایی درک آن فضا و برقراری ارتباط با آن را از دست بدهند و یا در تلاش باشند که بر اساس مناسبات مجازی آن را تفسیر نمایند.

از سوی دیگر، حضور بیش از اندازه در فضای اینترنت باعث کاهش سطح مسئولیت‌پذیری جوانان و نوجوانان و غفلت آنان از برنامه‌های آموزشی و تربیتی پیش‌بینی شده برای آنها می‌گردد که ادامه این وضعیت باعث عقب افتادن نوجوانان از سایر همسالان‌شان در برنامه‌های تحصیلی می‌گردد.

۲- انزوای اجتماعی

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و جایگزین روابط دوستانه و خانوادگی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی می‌گذرانند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چرا که این‌گونه افراد، سایر فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورند.

نتایج پژوهش شاندرزا^۱ نشان داد استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند به طور قابل ملاحظه‌ایی با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند.^۲

بررسی محققان نشان می‌دهد- شاید- هیچگاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود، آگاه نباشند و یا حتی در صورت آگاهی نیز آن را تأیید نکنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که دنیای اجتماعی در آینده، دنیای منزوی است؛ چرا که اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیت‌های کاذبی که برای نوجوانان ایجاد می‌کند، آنها را به خود معتاد ساخته و جانشین والدین می‌شود.

هم‌چنین، استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ بر عکس، کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای با مادر و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند؛ البته این نتایج جهت‌گیری خاصی را نشان نمی‌دهد؛ مثلاً نمی‌توان گفت که آیا نوجوانان دارای ارتباطات ضعیف اجتماعی با گرایش به طرف فعالیت اینترنتی، ارتباطات اجتماعی خود را کاهش می‌دهند.^۳

1. Chanders

۲. صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶.

۳. معیدفر و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۱.

۳. ائتلاف وقت

اگر فضای مجازی، میزان استفاده از آن تابع ضابطه و قاعده‌ای نباشد که در این صورت جوانان و نوجوانان عادت می‌کنند، اوقات فراغت خود را به بیهودگی و بدون برنامه‌ریزی بگذرانند و این تصور در ذهن آنها شکل می‌گیرد که نهایت زندگی، چیزی جز بازی و سرگرمی و کامجویی نیست و وجه دوم، نوع بهره‌برداری از آن و مراجعه به سایت‌هایی است که موارد ناهنجار و غیر اخلاقی را ترویج می‌کنند که از این طریق، هم هویت ملی فرد را مورد هجوم قرار می‌دهند و هم به تخریب شخصیت اجتماعی و حوزه روانی او می‌پردازند.^۱

در حال حاضر، میلیون‌ها جوان در حال حاضر از اینترنت استفاده می‌کنند و هر سال میلیون‌ها نفر دیگر به جمع آنان اضافه می‌شود. در شبکه جهانی، سایت‌های بسیاری که هدف آنها جذب و جلب توجه کودکان و نوجوانان به مسائل آموزشی و سرگرمی است، به فعالیت مشغول هستند.

بر خلاف چنین رشد عظیم اجتماعی، تحقیقات بسیار کمی در مورد چگونگی استفاده نوجوانان از سایت‌های اینترنتی انجام شده است؛ نتیجه پژوهش‌های جاکوب نلسون^۲ با عنوان مطالعات استفاده‌کنندگان ۱۳ تا ۱۷ ساله از اینترنت قرار دارد،^۳ نشان می‌دهد دلیل عمده استفاده نوجوانان از اینترنت در موارد زیر خلاصه می‌شود:

- انجام تکالیف و پروژه‌های درسی که از طرف معلم به آنها محول شده است.

۱. «آثار رفتاری اینترنت بر جوانان».

2. Jacob Nelson

3. <https://www.useit.com>

- گذراندن اوقات فراغت با مسائل گوناگونی که مورد علاقه آنهاست.
- سرگرمی و وقت‌گذرانی؛ شامل گوش کردن، دانلود موزیک، بازی‌های کامپیوتری و خواندن اخبار هنری و ورزشی.
- تحقیق در مورد بهداشت و سلامت فردی که از میان گذاشتن آن با دیگران خجالت می‌کشند.
- یافتن قیمت اجناس و اقلامی که در آینده تصمیم و یا آرزوی خری آن را دارند.

هم‌چنین، برخی تحقیقات نشان می‌دهد نوجوانان- بیشتر- وقت خود در وبگردی را متوجه حضوری سرگرم کننده می‌کنند و به همین جهت به جز در مورد اول که درصد کمی از وقت جوانان و نوجوانان به هنگام حضور در اینترنت را تشکیل می‌دهد، در باقی موارد به دنبال موارد سرگرم کننده و غالباً جذاب و رنگارنگ موجود در اینترنت هستند.

آسیب‌های خانواده

۱- کاهش ارتباطات خانوادگی

بر اساس مطالعه‌ای که به تازگی درباره انواع مختلف کاربری‌های اینترنت از سوی نوجوانان و زمان اختصاص یافته به خانواده صورت گرفته، استفاده از اینترنت، زمانی را که نوجوانان با خانواده‌هایشان سپری می‌کنند، کاهش می‌دهد. نکته قابل توجه این است که فعالیت‌های مختلف، آثار مختلفی داشته‌اند. پرداختن به بازی‌های آنلاین، هم زمان سپری شده با خانواده و هم زمان اختصاص یافته به ارتباط با اعضای خانواده را کاهش می‌دهد؛ اما استفاده از اینترنت برای برقراری ارتباط با دوستان کاهش کمی در زمان اختصاص یافته به خانواده

ایجاد می‌کند؛ به همین ترتیب، به کار بردن اینترنت به منظور کارهای درسی زمان اختصاص یافته به خانواده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.^۱ در مجموع، شواهد عملی در مورد رابطه اینترنت با زمان اختصاص یافته به خانواده نشان می‌دهد، اینترنت زمانی را که والدین و فرزندان با یکدیگر سپری می‌کنند، کاهش می‌دهد.

۲- تغییر الگوی تعامل بین والدین و فرزندان

دسترسی به اینترنت در خانه، الگوهای تعامل بین والدین و فرزندان را تحت تأثیر قرار داده و با افزایش تعارضات بین نسلی انسجام خانوادگی را تضعیف می‌کند. خانواده‌ها نظام‌هایی اجتماعی هستند که از طریق سلسله‌مراتب قدرت شکل می‌گیرند که ورود رایانه می‌تواند این سلسله‌مراتب را تغییر دهد؛ زیرا نوجوان در خانواده تبدیل به متخصص می‌شود و سایر اعضا باید از او راهنمایی‌های فنی بگیرند.^۲ در این شرایط، نوجوان منابعش را نسبت به والدین افزایش می‌دهد و توانایی‌اش برای چیره شدن بر فضا بیشتر می‌شود. مطالعه‌ای که در خصوص جستجوی کمک در رابطه با رایانه در میان ۹۳ خانواده آمریکایی نشان داده است نوجوانان بیشتر از سایر اعضای خانواده تمایل به کمک کردن به دیگران دارند. نوجوانان تبدیل به کارشناس شده‌اند و وقتی که والدین در این زمینه نیاز به کمک داشته باشند، باید به اطلاعات و توصیه‌های آنان تکیه کنند.

۱. لی و چای، ۲۰۰۷.

۲. وات و وایت، ۱۹۹۴.

۳- از بین رفتن تعادل قدرت در خانواده

ورود رایانه به خانه‌ها این قابلیت را دارد که در زمینه قدرت و خودمختاری موجب تعارضات جدیدی شود. نگرانی والدین ممکن است آنان را وادار سازد قوانینی را در خصوص میزان استفاده از اینترنت ایجاد کنند، اما نوجوانان این قوانین را دخالت در امور شخصی و تلاش برای کاهش خودمختاری‌شان می‌دانند. استفاده از رایانه مستلزم دانش و مهارت است و کودکان بیش از والدین‌شان این مهارت را دارا هستند. هنگامی که نوجوان تبدیل به فردی می‌شود که دیگران برای گرفتن راهنمایی به او مراجعه می‌کنند، تعادل قدرت در خانواده دستخوش تغییر می‌شود. مطالعات نشان داده است که در این موارد، نوجوانان رایانه را انحصاری و استفاده سایر اعضای خانواده را محدود می‌کنند.^۱

۴. شکاف نسل‌ها

اینترنت شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقه‌مند به فضای مجازی نیز آشکار شده است؛ به گونه‌ای که هیچیک زبان دیگری را نمی‌فهمند.

امروزه با ورود وسایل و فناوری‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند؛ بدون آن‌که حرفی برای گفتن داشته باشند؛ لذا کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری با هم گفتگو کنند و نظریات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند.

در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده، دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف، زندگی را از دیدگاه خودمی‌نگرند و مطابق با بیش‌خود آن را تفسیر می‌کنند.

نسل دیروز- والدین- احساس‌دانی و باتجربگی می‌کند و نسل امروز- فرزندان- که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است در برابر آنها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آنها بر نمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد.^۱

فرزندان در مقایسه با والدین، با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند؛ البته عوامل متعددی بر این پدیده تأثیرگذارند و این شکاف را روز به روز بیشتر می‌کنند که سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعه یافته، توجه بیشتر جوانان به برنامه‌های جهانی شدن فرهنگ، رسانه‌ها، گسترش روزافزون انجمن‌ها و کانون‌هایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آنها از آن جمله است.^۲

راهکارهایی برای رفع آسیب‌های پیش‌گفته

راهکارهای متنوعی برای رفع آسیب‌های فضای مجازی قابل استفاده است به طوری که زمینه‌های مختلفی برای حضور مفید و ارزشمند نوجوانان در اینترنت وجود دارد که با هدایت و نظارت والدین می‌تواند ضمن کمک به فراگیری مهارت‌های مختلف زندگی و فراگیری مناسب آموزش‌های مرتبط با تحصیلات آنها، ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی نوجوانان و جوانان را باعث شده و زمینه‌ساز افزایش سطح علمی این رده سنی گردد.

۱. رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۹.

۲. همان.

کمک والدین به حضور نوجوانان در سایت‌های دوستیابی مرتبط با فعالیت‌های فرهنگی و علمی که در نهایت منجر به فعالیت در فضای واقعی و ارتباطات انسانی نیز گردد، از جمله کمک‌هایی است که منجر به افزایش توانمندی حضور اجتماعی نوجوانان و جوانان می‌شود. سایت‌های مختص به این رده سنی که از سلامت اخلاقی برخوردار هستند، در اینترنت به فراوانی یافت می‌شود و تنها نیازمند یافتن و برقراری ارتباط با آنها می‌باشد.

اینترنت پدیده‌ای است که باید آن را شناخت؛ حُسنی که اینترنت برای جوانان دارد، این است که آنها می‌توانند بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم و قیودات فرهنگی و اجتماعی، با دیگران ارتباط برقرار کنند و خیلی سریع از این موانع و سدها عبور کرده و بخشی از نیازهای روانی خود برای برقراری ارتباط با دیگران را برطرف کنند که این امر به خودی خود امری مثبت است؛ اما زمانی جنبه منفی این پدیده بروز می‌کند که فرد، برقراری ارتباط از طریق اینترنت را با ارتباط واقعی یکی بداند؛ چون می‌تواند در فرد این توهم را به وجود آورد که می‌تواند به هویت خود آن‌طور که دوست دارد و به شکل فعال شکل دهد.

اینترنت به خودی خود به وجود آورنده مشکلات ارتباطی نیست؛ بلکه توجه افرادی را جلب می‌کند که مشکلات اجتماعی دارند، اما برای آنها راه‌حلی پیدا نمی‌کنند؛ مثل این می‌ماند که گفته شود: داروهای افسردگی مولد این بیماری هستند. پیش از ظهور داروهای ضد افسردگی، افسردگی وجود داشت، اما وسیله‌ای برای تسکین یا درمان آن وجود نداشت. گسترش ارتباطات اینترنتی در میان جوانان ایران نیز نشان دهنده بخشی از مشکلاتی است که آنها در جامعه با آن روبرو هستند.

از سوی دیگر- اینترنت- محدود به تأثیرات روانی نیست؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد می‌تواند تأثیرات رفتاری و عملی فراوانی را بر نوجوانان و جوانان به جای بگذارد که در صورت عدم کنترل و نظارت والدین، منجر به رفتارهای خشونت آمیز و خطرناک از سوی جوانان و نوجوانان گردد که در مراحل نیز غیر قابل کنترل می‌گردد.

به نظر می‌رسد در صورت نظارت و حضور والدین بر استفاده نوجوانان و جوانان از اینترنت نه تنها می‌توان از تأثیرات منفی آن کاست، بلکه فضای استفاده را به سمت هدفمندی و ارزشمندی هدایت نمود و آن را در راستای ارتقای سطح علمی و اخلاقی نوجوانان و جوانان قرار داد.

بنابراین، فضای سایبر- اینترنت- در کنار دستاوردها و کاربردهای انکارناپذیر و مثبتی که در زمینه‌های گوناگون دارد، پیامد نامطلوبی نیز به همراه دارد که باید مورد توجه والدین، مربیان و همه مسئولان امر تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه قرار گیرد.

حریم خصوصی افراد آن‌قدر اهمیت دارد که احترام به آن در قرن حاضر از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان ضمانت قانونی پیدا کرده است؛ اما شئون انسانی و اهمیت حفظ آن در فضای مجازی و امنیت اطلاعات مبادله شده با چالش‌هایی مواجه شده و سلامت اخلاقی و حتی جسمانی کودکان و نوجوانان در جامعه به مخاطره افتاده است. غالب والدین نیز به دلیل عدم آشنایی با اینترنت و ظرفیت‌های آن و شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی و فناوری نوین ارتباطی، از رفتارهای آنلاین فرزندانشان در فضای مجازی اطلاعی ندارند. همین مسئله راه را برای صیادان اینترنتی باز می‌کند تا راحت‌تر بتوانند وارد حریم خصوصی خانواده شوند.

نتیجه‌گیری

اینترنت ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه‌های بشری محسوب می‌شود به شرط آن‌که در راه صحیح استفاده شود. افراد به ویژه کودکان باید برای ورود به دنیای مجازی، اطلاعات کافی در اختیار داشته باشند تا دچار مشکلات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی نشوند.

از طرف دیگر، ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری جوانان و خانواده‌ها نسبت به تهدیدات فضای سایبری در درجه نخست اولویت قرار دارد. پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم است و برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند و بدانند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آنهاست و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آنها به صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود؛ لذا چنانچه خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان، خودآگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از بروز بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری به عمل می‌آید.

فضای مجازی- فی‌نفسه- ابزاری بی‌طرف و خنثی است؛ اما اینکه اکنون مردم چگونه از آن استفاده می‌کنند، تعیین کننده است. اگر استفاده مناسب و مثبت باشد، در جهت توسعه جامعه حرکت خواهد کرد، در غیر این صورت مشکلات عمده‌ای را برای خانواده و اعضای آن به وجود می‌آورد.

به عبارت دیگر، شبکه جهانی اینترنت یک شبکه اطلاعاتی سریع با منابع بی‌شمار است که استفاده نادرست و بیش از حد از آن در بین برخی از افراد و غرق شدن در دنیای رایانه و جدایی از دنیای واقعی، فواید آن را به آسیب تبدیل می‌کند؛ به طوری که هم‌اکنون استفاده نادرست از این ابزار در میان کاربران- در جوامع توسعه یافته- چنان گسترش یافته است که از آن به عنوان یک بیماری نوظهور نام می‌برند که محصول عصر ارتباطات و انقلاب رایانه‌ای است.

فهرست منابع

۱. آثار رفتاری اینترنت بر جوانان. (۱۳۸۸). روزنامه شاپرک، شماره ۱۸۳۴: ۲۲ آذر.
۲. احمدی، احیا (۱۳۸۵). نگاهی به استفاده از اینترنت در میان کودکان، نوجوانان و جوانان. روزنامه همشهری. بخش دانش. شماره ۴۱۴۳: ۶ آذر.
۳. اکبری، ابوالقاسم. و مینا اکبری. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۴. جلالی، علی اکبر (۱۳۷۹). نقش اینترنت در جهان آینده. پژوهش و سنجش. سال ۷، شماره ۲۲-۲۱: ۹۶-۱۱۰.
۵. ذکایی، محمد سعید. و فاخره خطیبی (۱۳۸۵). بررسی رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. علوم اجتماعی. شماره ۳۳: ۲-۳۵.
۶. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز.
۷. زنجانی‌زاده اعزازی، هما. و محمد جواد علی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۳-۸۲). جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶. شماره ۲: ۱۴۶-۱۲۱.
۸. سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۲). بررسی اثرات اینترنت بر خانواده‌های ایرانی دارای فرزند نوجوان. پژوهش‌های ارتباطی. دوره ۲۰. شماره ۷۶ (شماره پیاپی ۴): ۱۶۹-۱۴۳.
۹. شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده. نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۱۰. صبور، خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶). بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱۱. طارمی، محمد حسین (۱۳۸۷). فضای سایبر؛ آسیب‌ها و مخاطرات. ره‌آورد نور، شماره ۲۲: ۳۹-۳۲.
۱۲. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: انتشارات دیدار.
۱۳. معیدفر، سعید. حبیب‌پور، کریم. و احمد گنجی (۱۳۸۴). اعتیاد اینترنتی، علل و پیامدهای آن، رسانه، سال ۱۶. شماره ۳.

14. Lee, S. J. and Y.G Chae (2007). **Children's Internet Use in a Family Context: Influence on Family Relationships and Paternal Mediation.** Cyber Psychology and Behavior. Vol 10. No 2: 640-644.
15. Watt, D. and J. M White (1999). **Computers and the Family Life: A Family Developmental Perspective.** Journal of Comparative Family Studies. Vol 30. No 1: 1-15.
16. <https://www.useit.com>

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان

نویسنده: مریم عباسی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴

چکیده

نوجوانی را سنی حساس در ایجاد تغییرات سریع فیزیکی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی و نیز گسترش رفتارهای مقابله‌ای و پاسخ به نیازهای محیطی می‌دانند. در این دوره، نوجوان برای اینکه بتواند خود و جایگاه خود را در جامعه و خانواده ثابت کند و برای خود نقش و جایگاهی داشته باشد، ممکن است به رفتارهای پرخطر و کم‌خطر روی بیاورد که از جمله رفتارهای پرخطر به ویژه در عصر حاضر، اعتیاد به اینترنت است. فضای مجازی- سایبری- امروزه به هر چیز مرتبط با کامپیوتر، اطلاعات و اینترنت گفته می‌شود؛ فضایی که در آن رسانه‌های ارتباط جمعی از میان تمامی ابزارها و فنون جدید، بیشترین تأثیر فرهنگی را دارند. در این میان، تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، موقعیت و یا عرصه‌ای را فراهم آورده است که روز به روز مسانل زندگی عمومی جامعه در آن عرصه متجلی می‌شود؛ لذا برنامه‌های ماهواره جایگاه بروز تحول در فرهنگ هستند و به صورت مختلف بر فرهنگ و سبک زندگی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، فضای مجازی و ماهواره در سطح جامعه، جایگاهی را اشغال کرده‌اند که به طور فزاینده- چه در سطح ملی و چه بین‌المللی- مطرح شده‌اند تا جایی که محتوای برنامه‌های ماهواره بر شیوه‌های زندگی و سلیقه‌های عمومی در جامعه نیز تأثیر گذاشته است. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش شد با شناخت معماری خاص اینترنت و شناخت دقیق از محیط کنشگر، استفاده از فضای مجازی و ماهواره را بهینه نموده و آسیب‌های آن را بر نوجوانان کاهش دهد.

واژگان کلیدی: ماهواره، نوجوانان، فضای مجازی

۱. کارشناسی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

مقدمه

نوجوانی را سنی حساس در ایجاد تغییرات سریع فیزیکی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی و گسترش رفتارهای مقابله‌ای و پاسخ به نیازهای محیطی می‌داند. در این دوره، نوجوان با انبوهی از مشکلات همراه است.

نوجوان برای اینکه بتواند خود و جایگاه خود را در جامعه و خانواده ثابت کند و برای خود نقش و جایگاهی داشته باشد، ممکن است به رفتارهای پرخطر و کم‌خطر روی بیاورد؛ رفتارهای پرخطر به رفتارهایی اطلاق می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روانشناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می‌دهد؛ همچنین، حالت‌های افسردگی، اضطراب زیاد و نیاز شدید به تأیید اجتماعی با رفتارهای پرخطر ارتباط دارد.^۱

از جمله رفتارهای پرخطر به ویژه در عصر حاضر، اعتیاد به اینترنت است. فضای مجازی- سایبری- امروزه به هر چیز مرتبط با کامپیوتر، اطلاعات و اینترنت گفته می‌شود؛ فضایی که از طریق انبوه شبکه‌های ارتباطی الکترونیک مثل اینترنت خلق شده که قادر است ارتباط‌گران کامپیوتر را در هر موقعیت اجتماعی پوشش دهد. مجازی نیز به معنای آن چیزی است که در مقابل حقیقی قرار می‌گیرد و از آن جهت مجازی است که در محیط مادی فضایی را اشغال نکرده و در ذهن کاربران در نتیجه تعامل با یک واسط الکترونیکی وجود دارد.^۲

برخی نیز موج چهارم تحول بشریت را جهان مجازی یا عصر مجازی می‌دانند.^۳

۱. قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۹.

۲. رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۲۵.

۳. میثم، ۱۳۹۱: ۲۰۲.

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان / ۶۷

در فضای مجازی رسانه‌های ارتباط جمعی از بین تمامی ابزارها و فنون جدید، بیشترین تأثیر فرهنگی را دارند. این رسانه‌ها در پیدایش عادت تازه، تغییر باورها، خلق و خوی و رفتار انسان‌ها، تکوین فرهنگ جهانی و نزدیک کردن جوامع و ملل سهمی شگرف دارند؛ البته میزان تأثیر رسانه‌ها و نیز استقبال همگانی از آنها در همه جوامع یکسان نبوده و تابع متغیر رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است. در جهان کنونی فرآیند ارتباط جمعی با واسطه صورت می‌پذیرد؛ این واسطه‌ها که همان رسانه‌ها هستند افراد را در فضایی نمادین و متفاوت گرد هم می‌آورند. تماشای برنامه‌های ماهواره موقعیت و یا عرصه‌ای را فراهم آورده که روز به روز هرچه بیشتر مسائل زندگی عموم در آن عرصه متجلی می‌شود. برنامه‌های ماهواره جایگاه بروز تحول در فرهنگ اند و به صورت مختلف بر فرهنگ و سبک زندگی تأثیر می‌گذارند.

به عبارت دیگر، افراد تحت تأثیر ماهواره به سلیقه‌ها و روش‌های زندگی خود شکل می‌دهند. در دهه‌های پایانی قرن بیستم، جهان شکل تازه‌ای به خود گرفت و حتی می‌توان گفت وارد مرحله جدیدی شده است. آنچه موجب شکل‌گیری این مرحله جدید گردیده، چیزی جز تحولات پرشتاب علمی- تکنولوژیک نیست که تمامی جنبه‌های زندگی انسان معاصر را تحت تأثیر قرار داده و متحول کرده است. فضای مجازی و ماهواره در سطح جامعه، جایگاهی را اشغال کرده‌اند که به طور فزاینده- چه در سطح ملی و چه بین‌المللی- مطرح شده‌اند تا جایی که محتوای برنامه‌های ماهواره بر شیوه‌های زندگی و سلیقه‌های عمومی در جامعه تأثیر می‌گذارند؛ لذا بیش از هر زمان دیگری نیاز به بررسی و مطالعه دقیق و منظم دارند.^۱

فضای مجازی جذابیت‌ها و قابلیت‌های بسیار متفاوتی را پیش‌روی کاربران خود گذاشته است، این فضاها می‌تواند در قالب یک رایانه شخصی که تابع بی‌چون و چرای فرد است به راحتی و بدون هیچ‌گونه محدودیتی انواع اطلاعات و داده‌ها را در اختیار وی قرار می‌دهد. این در حالی است که والدین اطلاعات کافی از این قبیل موارد- به دلایل مختلف- ندارند، چه اینکه نسل پیشین در محیطی رشد یافته که به این فضا دسترسی نداشته و طبیعی است که در جریان استفاده فرزندان خود از فضای مجازی و ابعاد آن نباشند.

از طرف دیگر، با بالا رفتن سن فرزند از ۱۸ سال به بعد این نظارت به دلایلی- چون استقلال فکری فرزند از والدین و رفتن به سمت و سوی آزادی‌های بیشتر فردی- کاهش پیدا می‌کند. در این برهه زمانی والدین با نوعی بحران هویت فرزند روبرو می‌شوند، بحران هویتی که فرزند در بیرون از محیط خانواده به دنبال پاسخ به آن است و امروزه به نوعی دیگر بروز یافته است.

در مجموع- اینترنت و فضای مجازی- جمعی از همه رسانه‌هاست و در آن، هم پیام کتبی و صوتی و شفاهی تولید می‌شود و هم محتوای تبلیغی و ایدئولوژیک وجود خواهد داشت.

در دنیایی که با محدودیت منابع روبه‌روست ایجاد دنیایی موازی دنیای واقعی به نام فضای مجازی می‌تواند در صرفه‌جویی منابع طبیعی یاری‌دهنده باشد؛ اما به همین میزان، افرادی که در این دنیا هستند نیز ماهیت مجازی دارند و این به خودی خود می‌تواند هم در زندگی واقعی و هم در زندگی مجازی کاربران خطراتی را داشته باشد. شناخت معماری خاص اینترنت از این رو مهم است که کمک می‌کند با شناخت دقیق از محیطی که در آن کنشگری می‌شود، استفاده از این فضا را بهینه نمود و آسیب‌های آن را کاهش داد.

بیان مسئله پژوهش

یکی از نگرانی‌های مشترک والدین در همه جوامع نحوه استفاده دانش‌آموزانشان از فضای مجازی است. استفاده از فضای مجازی می‌تواند آثار و پیامدهای منفی بر رفتارهای جوانان و نوجوانان داشته باشد؛ اما این تأثیرها به درستی و با روش‌های علمی در جامعه ایران مورد بررسی قرار نگرفته است.

نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، استفاده زیاد از فضای مجازی با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای با مادر و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند؛ لذا رشد چشمگیر استفاده از فضای مجازی غیر قابل کتمان است.

بر این اساس، رشد گسترده اینترنت و تفاوت در جنبه‌های گوناگون فضای مجازی در بین گروه‌های جمعیت‌شناختی، موضوع جالب توجه پژوهش‌های اخیر بوده است. امروزه پژوهشگران تعابیر مختلفی از جمله اعتیاد اینترنتی، وابستگی اینترنت، اعتیاد تکنولوژیکی، کاربرد مشکل‌ساز اینترنت، آسیب‌شناسی کاربرد اینترنت و اختلال اعتیاد اینترنت به کار می‌برند و مطالعات گسترده‌ای در این زمینه در حال انجام است.

از طرفی دیگر، علی‌رغم امتیازات مثبت فضای مجازی از قبیل جنبه‌های آموزشی و ارائه خدمات ارتباطی، جنبه‌های منفی نیز وجود دارد؛ نوجوانان ممکن است در معرض مطالب و تصاویر خشن و غیر مجاز موجود در فضای مجازی قرار گیرند. دسترسی به چنین مطالبی ممکن است تصادفی یا عمدی باشد که هر دو طریق دستیابی مورد توجه متخصصان بوده و کارشناسان نسبت به صدمات جبران‌ناپذیری که از طریق اینگونه برنامه‌ها به نوجوانان می‌رسد - به ویژه ایجاد مسائلی مانند انحراف جنسی، خشونت، اعتیاد، رفتارهای ضد اجتماعی، اشاعه جرم و جنایت

در طیف وسیع- هشدار داده‌اند؛ چرا که دانش‌آموزان بیش از دیگران در معرض آسیب‌های ناشی از کاربرد نادرست اینترنت قرار دارند.

در عین حال، رشد روزافزون اینترنت و فضای مجازی، فواید و اهمیت غیر قابل انکاری دارد؛ چنان‌که در دوران حاضر، نقش محوری اینترنت چنان اساسی است که بدون آن امکان برنامه‌ریزی، توسعه و بهره‌وری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی در جهان آینده امکان‌پذیر نخواهد بود.

در این میان، فضای مجازی به عنوان رسانه‌ای قوی و تکنولوژی‌ای چند رسانه‌ای، غالب نیازهای بنیادین بشر را تأمین می‌کند که همین مسئله موجب کشش افراد برای تأمین نیازهایشان به دنیای مجازی است تا حدی که این وابستگی تبدیل به اعتیاد آنها به این محیط می‌شود.

وقتی مبتکران بزرگ دنیا جدیدترین اختراعات خود را برای راحتی انسان بوجود آوردند، شاید فکرش را نمی‌کردند که روزی انسان هزاره سوم از این وسایل سوء استفاده کرده و به دنبال چاره‌ای برای رفع خطرات این اختراعات و وسایل نوین ارتباطی باشند، وسایلی که در وهله اول دنیای مجازی را برای انسان به ارمغان آورد. افزایش تولید وسایلی از قبیل تلفن همراه و اینترنت در نهایت سهولت دسترسی، سبب شد گروه‌های کثیری از افراد جامعه با سنین مختلف به این دنیای مجازی راه پیدا کنند؛ به طوری که در قرن ۲۱ میلادی داشتن تلفن همراه یک کودک ۶ ساله برای کسی عجیب نیست.

فضای مجازی با اینکه عمر زیادی ندارد، توانسته به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان / ۷۱

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است؛ چنان‌که پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه و چت‌روم‌ها روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از پایگاه‌هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. بنابراین، فضای مجازی قادر است تأثیرات عمیقی در ساختار فرهنگی جامعه از جمله سبک زندگی نوجوانان به جای گذارد. اینگونه پایگاه‌ها بر مبنای تشکیلات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دسته‌ای از کاربران اینترنتی با ویژگی خاص را گرد هم می‌آورند.

نقش رسانه‌ها در زندگی نوجوانان

رسانه‌ها نقش عمده، متفاوت، خرد و کلانی در زندگی روزمره نوجوانان ایفا می‌کنند که از میان این نقش‌ها می‌توان به دو نقش عمده اشاره کرد:

۱. کمک به فرآیند هویت‌سازی نوجوان

مهمترین پدیده در بررسی رابطه میان فضای مجازی و سبک زندگی جوانان، هویت‌بخشی رسانه‌ها و شکل‌گیری شخصیت و هویت نوجوان است. نوجوانان از آنچه محیط و رسانه‌ها در اختیارشان قرار می‌دهند، عناصری را به میل خود برمی‌گزینند و با آن، خود را تعریف می‌کنند.

اشتراک در سبک زندگی مشخص، مانند مصرف، سرگرمی و فراغت، پوشش، آرایش و تزئین بدن که شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای می‌توانند در ارائه آنها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند، تمیز دهنده هویت‌های نوجوانان به صورت انفرادی و در سطح گروهی است.^۱

۲. کمک به فرآیند معنایابی نوجوان

نوجوانان از اطلاعات گوناگونی که انواع شبکه‌های ماهواره‌ای ارائه می‌دهند، بخش‌هایی را برمی‌گزینند که برای آنها معنا دارد و از آنها جهان‌بینی - به نسبت - منسجمی را می‌پروراند که آنها را از دیگران متمایز می‌کند.

جهانی که فضای مجازی برای مخاطبان جوان خود می‌سازند، با سبک زندگی اسلامی - ایرانی آنها در تعارض است و در نتیجه، باعث می‌شود مخاطبان این شبکه جهان‌بینی خود را تغییر دهند و در راستای آن، جهان‌بینی جدید و سبک زندگی متناسب با آن نگرش خاص به جهان را برگزینند.

با توجه به روند رو به رشد فناوری‌های تکنولوژی عصر جدید می‌توان به یقین بیان نمود که جوامع بشری با استفاده از ابزارهای کنونی به راحتی هر چه تمام‌تر با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و همین امر باعث شده است سبک‌ها و روش‌های زندگی جدیدی در سطح دنیا در حال گسترش و انتقال باشند.^۱

با مراجعه به اعداد و ارقام موجود در جهان می‌توان به این واقعیت پی برد که رسانه‌های جمعی - به خصوص تلویزیون - بیشترین سهم را در گذراندن اوقات فراغت افراد دارد.

دنیایی کنونی عصر تاخت و تاز وسایل ارتباط جمعی - از جمله رادیو، تلویزیون، ماهواره، تلفن همراه و اینترنت - است؛ لذا نوجوانان، محدودیت‌های گذشته را ندارند و هر لحظه و در هر کجا می‌توانند با هر نقطه از جهان ارتباط برقرار کنند.

بنابراین، ورود به دنیای مجازی و یا به عبارت بهتر زندگی در محیط‌های مجازی امری روشن به شمار می‌رود.

۱. فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳: ۴۷.

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان / ۷۳

از شاخصه‌های مهم رسانه‌های پست مدرن این است که به راحتی در اختیار افراد با سبک‌ها و هنجارهای مختلف اجتماعی قرار گرفته و این امر به مرور میزان کنترل خانواده‌ها و مدارس بر آموخته‌های نسل جدید و نیز جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی خانواده‌ها، مدارس و جامعه را متأثر ساخته است.

بر این اساس، لازمه تعادل در این محیط‌های مجازی برخورداری از یکسری مهارت‌های فنی و فناوری است. فضای مجازی به عنوان ابزار نوین اطلاع‌رسانی علاوه بر داشتن کاربردهای گسترده در حوزه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی، ارتباط‌دهی، تداوم‌بخشی، مفرح‌سازی و تحریک‌پذیری برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی نیز دارد؛ مانند اعتماد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعاملات اجتماعی، زوال تدریجی ادبیات ملی، بلوغ زودرس، پیام‌های غیر اخلاقی، و به خطر افتادن امنیت شخصی. به طور کلی، ۲۳ درصد استفاده‌کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهند و میانگین صرف شده برای اینترنت، ۲۲ دقیقه در هفته است که باعث شده شبکه‌های دوستیابی در کشور به سرعت در میان جوانان ایرانی محبوب شده و رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب نمایند.

همچنین، فرهنگ رسانه‌ای اینترنت، فضای ذهنی جوانان را اشغال کرده است؛ به نحوی که مطالعات اخیر نشان می‌دهد استفاده از اینترنت سبب ایجاد احساس ناکامی، تنهایی، اضطراب و کاهش سلامت روانی می‌شود؛ لذا اشخاصی که از اینترنت - بیشتر - استفاده می‌کنند علاوه بر آن که بر زندگی خانوادگی آنها تأثیر منفی می‌گذارد، زمان کمتری با خانواده صحبت می‌کنند و احساس تنهایی، افسردگی و کمبود عزت نفس در آنها بیشتر می‌شود.^۱

ضرورت انطباق آگاهانه با فضای مجازی و دنیای جدید

نسل جوان امروز نسبت به نسل گذشته با سرعت بیشتری از والدین خود رشد می‌کنند که برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی فضای مجازی، باید در جهت آگاه‌سازی خانواده‌ها تلاش کرد.

بروز آسیب‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد؛ به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی و آسیب‌شناسی آنها ضروری است.

میزان مذهبی بودن والدین و دوستان، میزان دنیاگرایی و جنسیت اثرات مستقیمی بر هویت مذهبی دارند. همچنین، آگاهی افراد از ارزش‌ها و سمبل‌های مشترک، میزان برخورداری از امکانات رفاهی و رضایت از زندگی،^۱ تعهد تعمیم یافته و تعاملات بین گروهی از افراد،^۲ میزان عام‌گرایی و عدالت اجتماعی، تعاملات اجتماعی و اقتدار مشروع^۳ از جمله مهم‌ترین متغیرها در رابطه با هویت‌یابی افراد است.

در دنیای جدید، روند تحولات هویت‌های جمعی از حالت‌های جمعی کوچک خاص‌گرایانه خانوادگی، محلی و قومی به هویت‌های جمعی بزرگتر و عام‌گرایانه‌تر جهانی در حال حرکت است.

ضرورت بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی

برای این منظور، لازم است موارد زیر مورد بررسی و دقت قرار بگیرد:

- نباید با نگرش منفی و سخت از فرصت‌های پیش روی فضاهاى مجازى محروم شد.

۱. نوزدی، ۱۳۷۷: ۵۵.

۲. عظیمی‌هاشمی، ۱۳۷۳: ۲۹.

۳. رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۵.

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان / ۷۵

- تلاش خانواده‌ها نقش مؤثری در استفاده از فضاهای مجازی دارد.
- باید چاره‌جویی شود که با سبک و روش خاصی به مصاف فضاهای مجازی رفت.
- ضرورت مدیریت چگونگی استفاده از فناوری‌ها توسط دانش آموزان و همکاران و آگاهی بخشی جنبه‌های مثبت فضای مجازی، مبرهن است.
- نظارت کارشناسی و مستمر بر فضای مجازی و برنامه‌ریزی برای آینده لازم است.

نتیجه‌گیری

در جهان امروز ارتباط جمعی با واسطه صورت می‌پذیرد، این واسطه‌ها رسانه‌های مختلف هستند و این ارتباطات بر سطح زندگی فردی و اجتماعی، در قرن بیستم وارد مرحله جدیدی شده و هر کس برای خودش نوعی سبک زندگی دارد؛ لذا نظرات گوناگونی در این مورد ارائه شده است که بهترین نمود آن در سبک زندگی الهی تجلی می‌شود و نمونه بارز آن آیات وحی الهی است.

بنا به این اهمیت، ترویج سبک زندگی اسلامی از مهمترین دغدغه‌های رهبر انقلاب است. از طرف دیگر، استفاده از ماهواره و فضای مجازی- در حال حاضر- بدترین شکل رسانه‌ای بوده و معادلات زندگی اسلامی را به هم زده است.

در مجموع می‌توان چنین استنباط نمود که رسانه‌های الکتریکی جدید حامل پیام‌ها و فرهنگ خاصی هستند که با گسترش خود، فرهنگ‌ها گسترش می‌یابد؛ لذا فضای مجازی در ایجاد تزلزل خانوادگی نقش اساسی داشته و موجب از بین رفتن حجاب‌های اخلاقی و دینی از بسیاری مسائل به ویژه در زمینه جنسی و خشونت می‌شود.

همچنین، مطالب فضای مجازی بر اساس واقعیت نبوده و ارزش‌های اخلاقی را تهدید و تخریب می‌کند. فضای مجازی همواره بر اعتقاد، فرهنگ، اخلاق و آلودگی روحی تأثیر بسزایی داشته و دارد؛ لذا بیش از هر زمان دیگر باید فرهنگ اسلامی و قرآنی در جامعه گسترش یافته و قبل از هر چیز مسائل ریز و شفاف می‌شود و مورد مطالعه دقیق و منظم قرار می‌گیرد.

رسانه‌های مجازی با ماهیت خاصی که دارند باعث رشد فردگرایی شده و فرصت‌های لازم برای رشد هویت‌های قوی و باثبات را از بین می‌برند. افراد با این رسانه‌ها ارتباط ایجاد می‌کنند و رسانه‌ها نیز آنها را به صورت افراد مستقل و اعضای بی‌نام و نشان یک مخاطب انتزاعی و همگانی محسوب می‌کنند. این روند باعث از هم گسستن پیوندهای اصیل خانوادگی و اجتماعی شده و جاذبه‌های آن باعث می‌شود افراد، بیشترین اوقات خود را با این برنامه‌ها سپری کنند.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد هویت‌شکنی، تغییر اخلاق، بی‌اهمیت شدن ارزش‌های خانواده و روابط خانوادگی و ترویج مادی‌گرایی از جمله عمده‌ترین پیامدهای فضای مجازی هستند که نه تنها کاربران را متزلزل می‌کند؛ بلکه توسط این افراد- به صورت مستقیم و غیر مستقیم- به نسل آینده و فرزندان آتی منتقل می‌شوند.

علاوه بر این، مشغلات ذهنی ایجاد شده در خانواده‌های مریمان تأثیر نامطلوبی بر فرآیند یاددهی و یادگیری کلاس درس خواهد داشت؛ لذا باورها و اندیشه‌ها را از همان دوران کودکی در نوجوانان نهادینه می‌کند و با این اوصاف، آینده روشنی در انتظار آنها و میهن اسلامی نخواهد بود.^۱

تأثیر استفاده از فضای مجازی و ماهواره بر نوجوانان / ۷۷

نتیجه آنکه فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای با تضعیف ایفای نقش‌های سازگار فرهنگی و محیطی بر هویت دینی دانشجویان و معلمان تأثیر داشته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد تمامی متغیرهای موجود در پژوهش، با تربیت دینی و جامعه‌پذیری دینی نوجوانان و جوانان رابطه مستقیم و مثبت دارند؛ به این معنا که هر چه میزان اهتمام دینی در خانواده، میزان مذهبی بودن برنامه‌های دینی صدا و سیما و میزان مشارکت و معاشرت دینی نوجوانان و جوانان افزایش یابد، جامعه‌پذیری دینی آنها نیز افزایش می‌یابد.

فهرست منابع

۱. رزازی فر، افسر (۱۳۷۹). الگوی جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن). مطالعات ملی، سال ۲. شماره ۵: ۱۳۳-۱۳۱.
۲. سروش، مریم (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان (مطالعه موردی: جوانان شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۳. عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۷۳). عام‌گرایی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴. فتحی، سروش. و مهدی مختارپور (۱۳۹۳). بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان علوم و تحقیقات تهران). مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۶. شماره ۲: ۱۱۸-۱۰۱.
۵. قاسم‌زاده، گلزار. محرمی، ابوالفضل. محمدی، بتول. و فاطمه شیروانی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فضای مجازی اینترنت بر عملکرد آموزشی دانش آموزان. تهران: پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.
۶. قادری، سعیده سادات. (۱۳۹۱). فضای مجازی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مدیریت ارتباطات. شماره ۲۵: ۴۲.
۷. میثم، امید علی (۱۳۹۱). نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در تغییر زندگی جوانان (با تأکید بر شبکه من و تو). مطالعات جوان و رسانه. سال ۲. شماره ۵: ۶۵-۴۹.
۸. نوذری، حسینعلی (۱۳۷۷). فرهنگ سیاسی و روشنفکران ایرانی؛ نگاهی به کتاب روشنفکران ایران در قرن بیستم، نوشته علی قیصری. تاریخ معاصر ایران. سال ۲. شماره ۷: ۲۸۲-۲۷۷.

چالش رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی؛ به سوی رهیافتی همگرایانه و مشارکتی

نویسنده: محمد جعفر اسفندیاری (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵

چکیده

با ظهور فناوری‌های رسانه‌ای جدید در چند دهه اخیر، به تدریج فرایندهای رسانه‌ای شدن خانواده مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، تغییر ماهیت جسمانی رسانه‌های متحرک جدید از چیزی متعلق به فضای عمومی به فضای خصوصی، موجب جهان‌زیست ارتباطی جدیدی با عنوان ارتباطات خانه به دوشی می‌شود که در تقابل با عمومیت قلمروی خانه بوده و اسلوب کاربری رسانه‌های جدید را- همراهی با سایر عوامل و عناصر جهان اجتماعی مدرن- به سمت وسوی نوعی منش فردگرایانه رهنمون می‌سازد. در این میان، برخی از نظریه‌پردازان برآنند که رسانه‌ها- لزوماً- استحاله‌کننده سنت‌های ارتباطی حاکم بر نهادهای سنتی نظیر دین و خانواده نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند آنها را تغییر شکل داده و از حیاتی تازه برخوردار کنند. این مسئله به آن معناست که تکنولوژی‌های رسانه‌ای جدید، در تعارض ذاتی و جبری با ساختارهای ارتباطی سنتی و سنت‌های ارتباطی شفاهی حاکم بر جوامع قرار ندارند؛ لذا می‌توان از همگرایی تکنولوژی‌های ارتباطی جدید با نهادها و ارتباطات سنتی نظیر خانواده و دین نیز سخن به میان آورد، اما تحقق این همگرایی نهادی میان خانواده و رسانه‌های جدید- عمیقاً- در گروی مشارکت رسانه‌ای والدین است؛ از این رو، بسیاری از محققان و سیاستگذاران با سابقه حوزه سواد رسانه‌ای، روی به رهیافت‌های همگرایانه و نهادگرایانه‌ای آورده‌اند که بتواند مواجهات و مصارف رسانه‌ای فرزندان را در بستر غیر رسمی و خودمانی خانواده و روابط خانوادگی

۱. کارشناس ارشد گروه علوم ارتباطات، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران،

سامان بخشد. برای تحقق این منظور، می‌توان مجموعه‌ای از سازوکارها و روش‌های حمایتی مشارکتی را برای نقش‌آفرینی والدین طراحی و پیاده نمود؛ سازوکارهایی که بخش عمده‌ای از آن، ناظر به شرایط محیطی و زمینه‌ای دریافت و مصرف رسانه‌ای است و بخش دیگر، معطوف به محتوای رسانه‌های جدید است. بر این مبنا و به ترتیب اولویت، دو رهیافت حمایتی مشارکتی برای والدین قابل اجرا خواهد بود؛ وساطت متنی و فرامنتی. بر این اساس، مهم‌ترین هدف از اعمال وساطت‌های متنی، راهنمایی مستقیم و متن‌محور فرزندان، برای مقابله با محتوای نامناسب در دسترس آنان است؛ مهمترین هدف از وساطت‌های فرامنتی نیز سوق دادن مقیاس فردی رسانه‌های شخصی جدید به کیفیتی جماعتی و خانوادگی با اتکا به عوامل محیطی مثبت و غیر مستقیم است. در این پژوهش تلاش شده است مطابق با مطالب بیان شده، چالش رسانه‌های جدید را در تقابل با ارزش‌های خانوادگی در مسیر حرکت به سمت رهیافتی همگرایانه و مشارکتی پی‌جویی نماید.

واژگان کلیدی: ارزش‌های خانوادگی، سواد رسانه‌ای، رسانه‌های جدید، رهیافت همگرایانه، رهیافت مشارکتی، وساطت‌های متنی، وساطت‌های فرامنتی

مقدمه

نفوذ و گسترش رسانه‌های جمعی در سطوح و لایه‌های مختلف حیات جوامع توسعه یافته و در حال توسعه- از جمله نهاد خانواده- از یک سو، و تغییر و تحولات عمیق پدید آمده در ساختارهای اقتصادی و فرهنگی حیات خانواده- در سده اخیر- از سوی دیگر، حوزه مطالعاتی بدیع، چندبعدی و پیچیده‌ای را پیش روی پژوهشگران قرار داده است که تا چند دهه قبل، حرفی از آن در جوامع علمی دنیا در میان نبود.

این حوزه مطالعاتی بدیع که عمدتاً از آن با عنوان «رسانه‌ها و خانواده» یاد می‌شود، در ردیف حوزه‌های مطالعاتی «میان‌رشته‌ای»^۱ قرار دارد که به نوعی از نظریه‌ها و یافته‌های سه حوزه مطالعاتی با سابقه در علوم اجتماعی و علوم ارتباطات - شامل جامعه‌شناسی توسعه و ارتباطات و توسعه، جامعه‌شناسی ارتباطات و رسانه‌های جمعی، و مطالعات خانواده - جان گرفته است.

به عبارت دیگر، اسکلت‌بندی اصلی موضوعات و مسائل حوزه رسانه‌ها و خانواده، تقاطعی از مسائل سه حوزه هم‌جوار - ارتباطات و توسعه، جامعه‌شناسی رسانه‌ها و مطالعات خانواده - است که این بدان معناست که رسانه‌ها و خانواده همچون بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی هم ارز آن - نظیر رسانه‌ها و دین یا رسانه‌ها و سیاست - در صدد است اقتضانات و پیامدهای گوناگون ورود رسانه‌های نوین به عرصه حیات نهادهای اصلی اجتماعی - خانواده، دین و سیاست - را مورد واکاوی همه‌جانبه قرار دهد.

طرح مسئله پژوهش

اگر قرار باشد تأثیر و تأثرات متقابل نهاد رسانه و نهاد خانواده بر یکدیگر مورد ارزیابی قرار گیرند، از سه منظر مختلف قابل بررسی است:

۱. بررسی سطوح و لایه‌های گوناگون عملکرد نظام تولید رسانه‌ای از منظر عناصر و پارامترهای مرتبط با خانواده.
۲. مطالعه معانی و مؤلفه‌های مربوط به خانواده در گستره متون رسانه‌ای تولید شده.

۳. پژوهش پیرامون کم و کیف مصرف- فردی یا جمعی- رسانه در محیط و بستر زیست خانواده.

در این میان، دو منظر نگاه نخست را می‌توان با عنوان خانواده در رسانه جمع‌بندی نمود؛ چرا که کم و کیف حضور عناصر خانوادگی در بستر عمل رسانه‌هاست که مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما در رویکرد سوم، زاویه مطالعه موضوع معکوس می‌گردد؛ زیرا عوامل و پدیدارهای رسانه‌ای عینی هستند که در زیست‌جهان^۱ خانواده مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ مشابه همان منظری که در سنت‌های جدید مخاطب‌پژوهی و تحلیل دریافت مخاطبان مورد توجه قرار گرفته و با توسل به روش‌ها و تکنیک‌های مردم‌نگارانه، تجربه رسانه‌ای افراد و حضور رسانه در متن زندگی روزمره آنان، به نحوی بی‌واسطه و نزدیک مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ لذا از این رویکرد می‌توان با عنوان رسانه در خانواده یاد کرد.

در عین حال، توصیف و تبیین پیامدهای فرهنگی- اجتماعی اشاعه رسانه‌های جدید، همواره یکی از پرچالش‌ترین مسائل پژوهشی در حوزه‌های مطالعات ارتباطی و رسانه‌ای- هم‌چون ارتباطات و توسعه، رسانه‌ها و دین و جامعه‌شناسی ارتباطات- بوده است.

در این میان، نظریه‌پردازان نوگرا^۲ با تأکید بیشتر بر برخی خصایل تکنولوژی- جدید ارتباطی؛ نظیر انعطاف‌پذیری، ضریب دسترسی بالا، دوسویگی، سرعت، کیفیت و تنوع چشم‌انداز ضعیفی برای ارتباطات سنتی- شفاهی و میان‌فردی- متصور گردیده و بر این باورند که سنت‌های ارتباطی حاکم بر نهادهای سنتی نظیر دین و خانواده- به تدریج- به حاشیه می‌روند.^۳

-
1. Life world
 2. Modernist

هم‌چنین، این تغییرات باعث دگرگونی مناسبات، معنا و مسیر زندگی می‌شود؛ گرمای حاصل از مناسبات عاطفی خانواده که از طریق دیدار چهره به چهره و بدنی منتقل می‌شود، در این وضعیت کاهش پیدا می‌کند و بخش مهمی از کارکرد خانواده که از طریق تماس فیزیکی به دست می‌آید، کمرنگ می‌شود؛^۱ چنان‌که اکنون در شماری از خانواده‌ها، بعضی اعضای خانواده با دیگران زیر یک سقف زندگی نمی‌کنند و یا به صورت گذرا و کوتاه‌مدت زندگی می‌کنند.^۲

همه این تحولات بدین معناست که با ظهور فناوری‌های رسانه‌ای جدید در چند دهه اخیر - اکنون - به تدریج بروز فرایندهای رسانه‌ای شدن^۳ خانواده مشاهده می‌شود؛^۴ فرایندهایی که عمدتاً در نتیجه حضور و انتقال پیوسته فضاهای عمومی برون‌خانگی به درون خانه - از طریق فناوری‌های بی‌سیم - حاصل گردیده و خانه را به جای نقطه‌ای ثابت یا پایگاهی که محدود و از دنیای فرهنگی جدا شده، به فضایی آکنده از جریان‌های متعدد رسانه‌ای و شبکه‌های چندگانه اجتماعی تبدیل کرده است؛^۵ لذا لیوینگستون^۶ - نظریه‌پرداز حوزه رسانه‌ها و خانواده - می‌گوید:

امروزه برای بیشتر خانواده‌ها، جایگاه عنصر رسانه از یک حالت - صرفاً - ضمنی و شاید دلخواه زندگی خصوصی و فراغت، به حالتی بسترسازی شده در زندگی روزمره تغییر کرده است؛ چیزی که شالوده جدایی‌ناپذیری را برای فضای خانه و برنامه‌های روزانه فراهم می‌کند.^۷

۱. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۱۸.

2. Livingston, 2002: 175.

3. Mediatization

4. Schofield Clark, 2013: 211.

۵. هیلز، ۱۳۹۱: ۲۱۳.

6. Sonia Livingstone

۷. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۱.

در چارچوب این بوم‌شناسی رسانه‌ای، عرصه‌ها و زمینه‌های زندگی فرهنگی که به صورت قراردادی - سنتا - از هم جدا بودند - خانه / مدرسه، خانه / کار، دوستان / خانواده - شروع به در آمیختن و ادغام در یکدیگر می‌کنند.^۱

البته تأثیرات رسانه‌ای شدن مناسبات خانواده در همین حدود و ثغور باقی نمانده است؛ چرا که چارچوب و اسلوب کاربری رسانه‌های جدید - هم‌راستا با سایر عوامل و عناصر جهان اجتماعی مدرن - میل به سمت و سوی نوعی فردگرایی^۲ داشته است.

بر این اساس، تحرک وسایل فناوری اطلاعات و ارتباطات^۳ و نقاط دسترسی به شبکه در گرداگرد خانه، موجب ساخت‌زدایی تضاد - تفکیک - قدیمی بین فناوری‌های رسانه‌ای خانگی ثابت - تلویزیون در قلب خانه - و وسایل شخصی متحرک به فضاهای عمومی تغییر مکان داده شده، می‌شود.^۴

به عبارت دیگر، تغییر ماهیت جسمانی رسانه‌های متحرک جدید از چیزی متعلق به فضای عمومی به فضای خصوصی، موجب جهان‌زیست ارتباطی جدیدی با عنوان ارتباطات خانه به دوشی^۵ می‌شود که به روشنی در تقابل با عمومیت سابق قلمروی خانه بوده و سبب‌ساز پیدایش پدیده تحرک خصوصی یا خصوصی‌سازی متحرک در مناسبات اجتماعی افراد جامعه می‌گردد.^۶

۱. هیلز، ۱۳۹۱: ۲۱۳.

2. Individualism

3. Information and Communications Technology (ICT)

۴. همان.

5. Nomadic Communications

۶. ر. ک: همان: ۲۱۰-۱۳.

روشن است که جهان‌زیست ارتباطی کودکان و نوجوانان در محیط خانواده نیز از این تحولات مصون نمی‌ماند؛ چنان‌چه مندوزا^۱ در مطالعه خود، سقف زمان مشترک صرف شده نوجوانان ۸ تا ۱۸ ساله با والدینشان در یک شبانه‌روز را تنها دو ساعت و ۱۵ دقیقه برآورده کرده است.^۲

پژوهش دیگری که در سال ۲۰۰۸ میلادی در سطح کشورهای عضو اتحادیه اروپا^۳ انجام شده است، استفاده کودکان از اینترنت را رو به افزایش دانسته و این افزایش مصرف را در میان کودکان کشورهای جدیدالورود این اتحادیه-کشورهای کمتر توسعه یافته- چشمگیرتر توصیف کرده است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، کودکان تمامی کشورهای اروپایی در محیط خانه بیش از هر جای دیگری از اینترنت استفاده می‌کردند.^۴

ردپای اسلوب فردگرایانه و شخصی رسانه‌های جدید را حتی در مکان و کیفیت مصرف رسانه‌ای کودکان امروز نیز به وضوح می‌توان ملاحظه نمود؛ به طوری که امروزه فرزندان بیش از گذشته مایل‌اند در اتاق خواب خود یک دستگاه تلویزیون و رایانه داشته باشند، چندین کار را به طور همزمان با رسانه‌ها انجام دهند و برای برقراری ارتباط با سایرین از اینترنت استفاده کنند؛^۵ لذا بسیاری از نظریه‌پردازان، امروزه از مفاهیم دوگانه قطب رسانه‌ای و قطب خانه سخن به میان آورده‌اند.^۶

1. Kelly Mendoza

۲. مندوزا، ۱۳۹۱.

3. European Union (EN)

4. Hasebrink and Others, 2009.

۵. مندوزا، ۱۳۹۱.

۶. نادعلی، ۱۳۹۳.

در عین حال، با افزایش تعداد کودکانی که دسترسی غیر قابل کنترل به این فناوری‌ها در اتاق خواب- فضای شخصی- خود دارند، بسیاری از کارشناسان در باب دورنمای شکاف الکترونیکی بین نسلی- که منجر به قطع رابطه کودکان با ارزش‌های والدینشان می‌شود- هشدار می‌دهند؛ چه اینکه کودکان دارای فضای رسانه‌ای به خصوص هستند که بزرگسالان نفوذ یا حتی فهم و درک آن را سخت می‌یابند؛^۱ زیرا فرزندان که با یک رسانه بزرگ می‌شوند- همزمان- ویژگی‌های آن را نیز فرا می‌گیرند.^۲

این مسئله بدین معناست که پیش افتادن کمی و کیفی کودکان و نوجوانان از والدینشان در زمینه مصرف- فردی- رسانه‌های جدید، می‌تواند عارضه بهره‌مندی محرومیت دیجیتال^۳ و شکاف آگاهی میان فرزندان و والدین- در باب منطق عمل رسانه‌های جدید- را به دنبال داشته باشد؛ چنانچه لیوینگستون، در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۴ میلادی درباره مسئله دسترسی به اینترنت در میان ۱۵۱۱ کودک و نوجوان و ۹۰۶ پدر و مادر انگلیسی انجام داده است، شکاف مهارتی بین والدین و فرزندان را- کاملاً- محسوس توصیف کرده و گفته است: ۶۷ درصد والدین خواستار راهنمایی‌های بیشتری هستند.^۴

کیسلر^۵ و همکارانش نیز شکاف فوق را با عنوان معنادار معلمان نوجوان نامگذاری کرده و نوجوانان را منبع انتقال کمک‌های فنی تکنولوژیک به افراد بالغ برشمرده‌اند.^۶

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۳۰۳ و ۴۹.

۲. کندانیز، ۱۳۹۳: ۷۸.

3. Digital inclusion

۴. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

5. Sara Kiesler

6. Kiesler and Others, 2000.

در صورت ادامه این روند، والدین از بسیاری مخاطرات بالقوه رسانه‌های مجازی برای فرزندانشان غافل می‌مانند؛ چنان‌چه یافته‌های مطالعه لیوینگستون نیز نشان دهنده آن است که والدین تجربه‌های اینترنتی منفی فرزندان خود را دست‌کم می‌گیرند؛ به طوری که تنها ۷ درصد از آنها تصور می‌کنند که فرزندشان مطالب جنسی دریافت کرده است، از این رو از نیاز بالقوه فرزندانشان به راهنمایی آگاه نیستند.^۱

بر این اساس، برخی از محققان معتقدند ویژگی شخصی بودن و قابلیت جابجایی فناوری، مرزهای تربیت فرزند را به سمت و سوی تازه‌ای کشیده است؛^۲ به طوری که با ادامه این وضعیت، والدین - تقریباً - هیچگونه اشرافی بر آنچه فرزندانشان با فناوری انجام می‌دهند نداشته و نوجوانان از سلطه - کنترل - والدین رها خواهند شد.^۳

این مسئله، همان مقوله‌ای است که در بسیاری از مطالعات غربی انجام شده در دو سه دهه اخیر نیز مشهود بوده است؛ به عنوان مثال، در یک نمونه (۱۹۹۹)، نزدیک به نیمی - ۴۹ درصد - از بچه‌های مورد مطالعه و در موردی دیگر (۱۹۹۹)، ۶۱ درصد از کودکان مورد مطالعه گفته‌اند از سوی خانواده هیچ مقرراتی برای تماشای تلویزیون ندارند.^۴

۱. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

۲. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

۳. همان.

۴. به نقل از: پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۴.

طبیعی است در چنین شرایطی، کودکان نه تنها به عنوان شهروند صرف که چون مصرف کنندگان، قدرت کسب کرده و به همین دلیل نمی‌توان آن دو- کودکان و رسانه‌ها- را از هم جدا ساخت.^۱

در عین حال، برای پیدا کردن منشأ و چیستی فرایندهای جاری قدرت‌یابی کودکان از رسانه‌های تصویری، تاکنون کمتر نظریه‌پردازی به دقت پستمن^۲ پیدا شده است؛ کسی که در ابتدای ظهور تلویزیون و دیگر رسانه‌های تصویری، رواج این قبیل تکنولوژی‌ها در جامعه و خانواده‌ها را سبب‌ساز دسترسی کودکان به اسرار و اطلاعاتی درباره زندگی بزرگسالان، روابط نامشروع، مواد مخدر و خشونت دانسته و مقصد نهایی روند کنونی ترویج رسانه‌های تصویری در میان کودکان را انحلال و محو شدن مرزهای میان کودکی و بزرگسالی ارزیابی کرده است؛^۳ امری که در صورت تحقق، از جهات مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و حتی سیاسی برای جامعه مسئله‌ساز و بحران‌ساز خواهد بود.

وجود این قبیل چالش‌ها و نگرانی‌ها درباره ترویج بی‌حساب و کتاب رسانه‌های تصویری در میان کودکان در حالی است که اکنون بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط، با همین بهانه که رسانه‌های جدید می‌توانند اسباب تسریع و تسهیل رشد کودکان شوند، با اشتیاق تمام اقدام به تهیه و در دسترس قرار دادن به روزترین نسخه‌های این رسانه‌ها برای فرزندانشان می‌کنند.^۴

روشن است که در صورت تداوم این روند، نسل‌های در حال ظهور و امروزی که در چارچوب مناسبات خانوادگی جدید رسانه‌ای تربیت می‌شوند، احساسات،

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۶۰.

2. Niel Postman

۳. پستمن، ۱۳۸۷.

۴. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۱.

خواست‌ها، باورها و ارزش‌های جدیدی می‌یابند که برای نسل‌های پیشتر ناشناخته و نامأنوس‌اند؛ به طوری که در نهایت شکاف نسل‌ها شکل می‌گیرد^۱ و فاصله و تفاوت‌های ارزشی زیادی بین نسل قدیم و نسل جدید و حتی نسل‌های موازی و نزدیک ایجاد می‌شود؛^۲ زیرا به تعبیر تامپسون^۳ تعاملات و تجربیات رسانه‌ای، نوعی از تجربه است که در آن عمومیت، ریشه در مجاورت مکانی ندارد؛ یعنی افراد می‌توانند تجربیات مشترکی از طریق رسانه‌ها کسب کنند، بدون آنکه در زمینه‌های زندگی مشابهی سهم باشند و حتی بدون آنکه فرصت‌های جدید، گزینه‌های جدید و ابزارهای جدید برای تجربه نفس داشته باشند.^۴

در چنین شرایطی، هویت به جای آنکه امری مربوط به حقوق ناشی از تولد در خانواده یا سرزمینی خاص - بستر بومی - باشد، امری مرتبط با انتخاب فردی دیده می‌شود و افراد در استفاده، تفسیر و برداشت خود از کالاهای فرهنگی، بیشتر متفاوت، مستقل و خود سر هستند.^۵

وقوع این وضعیت بدان معناست که تلاش برای دموکراتیک کردن مناسبات خانوادگی، گسترش رفاه و امکانات برای تک‌تک اعضای خانواده، گسترش فناوری‌هایی مانند اینترنت و موبایل، گسترش معماری‌های جدید که فضاهای خانوادگی را تفکیک - شخصی‌سازی - می‌کنند، موجب تحول درونی خانواده ایرانی به سوی یک خانواده فردگرا می‌شود^۶ تا جایی که نقش خانواده به عنوان محیطی برای سرگرمی،

۱. فاضلی، ۱۳۹۳: ۳۵۶.

۲. عاملی، ۱۳۹۰: ۶۵.

3. John Thompson

۴. ر. ک: تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۸۱-۴.

۵. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۵۰.

۶. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۱۶.

به شکل‌های مختلف کاهش یافته است؛ حتی وقتی افراد درون خانه سرگرم هستند، نوع سرگرمی آنها که مواردی مانند بازی‌های کامپیوتری و گوش دادن به موسیقی و استفاده از اینترنت را در بر می‌گیرد، ارتباطی به مناسبات خانوادگی ندارد و باعث شده بود در خانه نیز نوعی زیست در انزوا باشد؛^۱ چرا که استفاده بیش از حد از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌تواند ارتباط رو در رو را که مردم نقطه مشترک تمامی روابط صمیمانه می‌دانند، نابود کند.

برای همین است که امروزه تعداد افرادی که غروب‌های جمعه - روز تعطیل - احساس دل‌تنگی می‌کنند، در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. بروز این مسئله به این سبب است که در گذشته آیین‌های روز جمعه انجام می‌شدند و همه اعضا دور هم بودند اما این کارها امروزه انجام نمی‌شود؛ لذا چنین خانواده‌ای دیگر تنی واحد نیست که از پیوست و ترکیب چند جزء پدید آید، بلکه اجتماعی از افراد مستقل است که دیگر حتی آستانه تحملی برای حل تنش‌ها، سازگار شدن با مشکلات و پذیرش یکدیگر ندارد.^۲

به عبارت دیگر، از آن جایی که تجربه رسانه‌ای - معمولاً - شامل رویدادهایی است که از نظر مکانی و شاید از نظر زمانی دور بوده و احتمال تأثیرپذیری رویدادها از کنش‌های افرادی که آن رویدادها را تجربه می‌کنند، بعید است؛ لذا در این تجربیات بیشتر محتمل است که افراد رابطه‌ای ضعیف و متناوب با خویشان داشته باشد.^۳

به این ترتیب، سیطره و استیلای مناسبات ارتباطی فردگرایانه، متمیزه و مجازی حاکم در رسانه‌های جدید، بر شالوده حقیقی و عینی روابط خانوادگی از یک سو و

۱. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۱۶.

۲. ر. ک: همان: ۳۲۰ و ۳۱۶، ۳۰۱.

۳. تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۷۹ و ۲۷۷.

زیر سؤال رفتن اقتدار و مشروعیت تربیتی والدین نزد کودکان به واسطه دسترسی و تسلط نرم‌افزاری بیشتر کودکان بر رسانه‌های جدید از سوی دیگر، می‌تواند به تدریج کالبد گروهی و جماعتی مناسبات خانوادگی را به حاشیه برده و ظرفیت‌های حمایت‌گراانه و تربیتی روابط خانوادگی را تا حد زیادی از بین ببرد؛ چرا که در چنین فضایی، هیچ اهرم و امکان ارتباطی بین فردی برای هدایت و نظارت کودکان و نوجوانان در اختیار خانواده باقی نمانده و فرزندان نیز به تدریج نسبت به بهره‌گیری از ظرفیت‌های حمایتی خانواده احساس بی‌نیازی خواهند کرد؛ لذا در نهایت نقش‌های سنت‌گرایانه نهاد خانواده نظیر نقش‌های هنجارآفرین و هویت‌ساز آن-کاملاً- به محاق می‌رود.^۱

بر این اساس، نتایج یک پژوهش اخیر بر روی ۳۸۴ دانشجوی جوان ایرانی، نشان دهنده آن است که هر چه افراد به اینترنت و استفاده از آن وابستگی بیشتری داشته باشند، از تعهد آنها به ارزش‌های خانوادگی کاسته می‌شود.^۲

هم‌چنین در مطالعه دیگری که با نمونه‌ای ۳۹۸ نفره در شهر تهران انجام شده است، از گسترش رسانه‌های جدید به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگونی ارزش‌های و هنجارهای خانوادگی میان والدین و فرزندان شناسایی شده است.^۳ در چنین وضعیتی، هر چند شواهد قابل تأملی برای پذیرش آرای متفکران الگوی نوسازی پیرامون تحولات نهاد دین و نهاد خانواده در دوران جدید وجود دارد- چنان‌چه با آغاز روند مدرنیزاسیون جامعه ایران در دو دهه اخیر، بسیاری از عناصر ارتباطی و فرهنگی سنتی هم‌چون انجمن‌ها، مساجد، روابط خانوادگی و

۱. ر. ک: تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۲۸-۹.

۲. به نقل از: فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۰۵.

۳. به نقل از: همان: ۴۰۶.

خویشاوندی رونق گذشته را از دست داده‌اند- اما بسیاری از نظریه‌پردازان متأخر و انتقادی حوزه ارتباطات و توسعه در رویکردهای مشارکتی و رهایی‌بخش، برآنند که حتی در صورت صحت- نسبی- صورت‌بندی الگوی نوسازی از پیامدهای گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن، رکود پیش آمده در روند حیات نهادهای فوق امری مقطعی و میان‌مدت بوده و الزاماً پایدار نخواهد ماند.

به بیان دیگر، سنت را -مطابق مفروضات الگوی نوسازی- نباید تنها به عنوان بازگشت به گذشته، مأمنی برای آدم‌های مرتجع و میراث و بازمانده‌ای از دوران گذشته فهم و توجیه کرد؛ بلکه باید آن را به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از زمان حال قلمداد نمود؛^۱ زیرا رسانه‌ها سنت را از میان نبرده‌اند، بلکه آن را تغییر شکل داده و جابجا کرده و از حیاتی تازه برخوردار کرده‌اند؛ به طوری که افراد به طور انتخابی تجربه رسانه‌ای را با تجربه زنده که به بافت ارتباطی زندگی روزمره‌شان شکل می‌دهد، درون پیوند کرده و در طرح زندگی پیوسته در حال تکامل خود همساز و ادغام می‌کنند.^۲ این مسئله بدان معناست که تکنولوژی‌های رسانه‌ای جدید، در تعارض ذاتی و جبری با ساختارهای ارتباطی سنتی و سنت‌های ارتباطی شفاهی حاکم بر جوامع قرار ندارند؛ رسانه‌های نوین با وجود آنکه ماهیت ذهنی فضا را تغییر داده‌اند، اما هنوز بسیاری از ویژگی‌های خانه بسته به مکان است؛^۳ لذا می‌توان از همگرایی^۴ تکنولوژی‌های ارتباطی جدید با نهادها و ارتباطات سنتی نظیر خانواده و دین نیز سخن به میان آورد؛ زیرا همان‌طور که شولتز^۵ گفته است، در روزگار امروز رسانه‌ها

۱. تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۲۶.

۲. ر. ک: همان: ۲۸۰ و ۲۲۲-۳.

۳. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

چالش رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی / ۹۳

می‌توانند با فعالیت‌های غیر رسانه‌ای متنوعی در زندگی اجتماعی در هم آمیخته و بازیگران و سازمان‌های تمام بخش‌های جامعه با منطق رسانه‌ها همساز و هم‌نوا شوند.^۱ علاوه بر این، از آنجایی که فناوری‌های رسانه‌ای، راهی روشن و آسان برای ارضای کنجکاوی ذاتی بچه‌ها در جهت مشاهده جهان پیرامونشان فراهم کرده^۲ و به یادگیری، بازی کودکان با یکدیگر، ایجاد مهارت‌های خلاقانه و اجتماعی شدن آنان کمک شایانی می‌کنند؛^۳ لزومی ندارد مدافعان و دلبستگان خانواده و ارزش‌های خانوادگی در مواجهه با رسانه‌های جدید- ضرورتاً- به سراغ سیاست‌های سلبی نظارتی و کنترلی بروند، بلکه می‌توان سیاست‌های ایجابی و راهبردهای نظارتی غیر مستقیم برای آموزش مصرف صحیح رسانه‌ای را در دستور کار قرار داد.

پیشینه تحقیق

تجارب عملی و نظری بدست آمده از جوامع توسعه یافته که از چند دهه قبل، رسانه‌های مختلف دیجیتال در دسترس کودکان و نوجوانانشان بوده است، می‌تواند اندوخته ارزشمندی برای شناسایی وضعیت امروز و فردای خانواده ایرانی و طراحی سیاست‌های حمایتی عالمانه و اثرگذار در حوزه مصارف رسانه‌ای کودکان و نوجوانان باشد.

در این میان، نخستین راهبرد ایجابی که از بدو ورود و رواج تکنولوژی نوین رسانه‌ای در میان کودکان و نوجوانان در اواخر قرن بیستم مورد توجه سیاست‌گذاران جوامع غربی قرار داشته و در صحنه عمل نیز بیشترین سرمایه‌گذاری را در پی داشته است،

۱. به نقل از: نادعلی، ۱۳۹۳.

۲. کندانیز، ۱۳۹۳.

۳. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

آموزش مستقیم سواد رسانه‌ای از مجاری عرفی نظیر نهاد آموزش- مدرسه و دانشگاه- و سایر نهادهای مدنی اجتماعی بوده است؛ سیاستی که برونداد و خروجی آن را در وضع کنونی مصرف رسانه‌ای کودکان و نوجوانان در کشورهای توسعه یافته، می‌توان تعقیب و جستجو نمود.

برای نمونه می‌توان به نسل هزاره "Y" - کودکان و نوجوانان متولد دهه هشتاد میلادی- اشاره نمود که به گفته اشتراوس و هاوا^۱، از برجسته‌ترین موارد بهره‌مندی از سیاست‌های حمایتی عرفی و جامعه‌گرایانه در چند دهه اخیر بوده‌اند؛ این در حالی است که کندانیز^۲ در ارزیابی وضع این سیاست‌ها در دوران رشد نسل هزاره می‌گوید: با وجود همه قواعد وضع شده مراقبت از کودکان در برابر رسانه‌ها در سال ۱۹۹۰ میلادی، هم‌چنان بخش عمده محتوای برخی رسانه‌ها بزرگسال‌محور و شامل اخبار خشونت‌آمیز درباره جوانان است؛ علاوه بر این، هیچ‌یک از تلاش‌های متعدد برای محدود کردن هزینه‌نگاری در اینترنت در دهه ۹۰ میلادی نیز به فرجام مشخصی نرسید.^۳

چنانچه نظام‌های قانون‌گذاری و رتبه‌بندی برای نظارت بر مصرف رسانه‌ای فرزندان نیز راه‌حل مؤثری از آب در نیامد؛^۴ لذا همان‌طور که باکینگهام^۵ - مدیر مرکز مطالعات کودکان، جوانان و رسانه‌ها در دانشگاه لندن- گفته است؛ در طول یک دهه گذشته، باوری رو به رشد وجود داشته است مبنی بر اینکه مدرسه تنها ملک مطلق آموزش نیست و یادگیری- صرفاً- نتیجه ساده آموزش به عنوان فرایند کم و بیش صریح معلمان نیست؛

1. Strauss and How

2. Kundanis

۳. ر. ک: فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۲۰ و ۳۱۶، ۳۰۱.

۴. مندوزا، ۱۳۹۱.

5. David Buckingham

بلکه وقوع فرایند یادگیری می‌تواند در کارگاه، در خانه و در بافت فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت صورت گیرد؛ فضاهاى این‌چنینی که خود در برگیرنده روابط اجتماعی و مفاهیم متفاوتی است نسبت به آنچه دانش رسمی محسوب می‌شود.^۱

به خاطر همین تغییر روند بود که رفته‌رفته مشروعیت مدرسه نیز به مثابه نهاد اجتماعی مورد سؤال واقع شده و اینک مدافعین آموزش رسانه در بسیاری کشورها، اهمیت موقعیت‌های غیر رسمی آموزش را به طور فزاینده‌ای پذیرا هستند؛^۲ از این رو، اکنون دور از منطق است که مدعی شد آموزش رسانه مدرسه‌ای به تنهایی قادر است چنان جهت‌گیری‌هایی از رسانه‌ها را دگرگون سازد به مانند آنچه که نسل‌های پیشین معلمین آموزش رسانه بدان امید داشته‌اند؛ لذا اکنون نیازمند به آن است تا سهم بالقوه آموزش رسانه در گونه‌های نوین یادگیری و رای کلاس درس آزموده شود.^۳

این نتیجه‌گیری باکینگهام، مشابه همان تجویزی است که لیوینگستون در یکی از آثار اخیر خود در سال ۲۰۰۹ میلادی بدان اشاره کرده و ضمن تأکید مضاعف بر سیاستگذاری‌های ملی برای گسترش یادگیری غیر رسمی در هر زمان و هر مکان، حمایت از پیوند خانه و مدرسه را وابسته به مشارکت فعال تک‌تک والدین برشمرده است؛^۴ هم‌چنین کلارک^۵ - محقق حوزه رسانه‌ها و خانواده - در جدیدترین اثر خود^۶ جایگاه و نقش والدین در عصر رسانه‌های دیجیتال را مورد توجه همه‌جانبه

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۳۲۷.

۲. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۱۸۵ و ۵۱؛ به نقل از: همان: ۳۳۲ و ۳۲۸.

۳. همان: ۳۵۰ و ۵۱.

۴. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۱.

5. Lynn Schofield Clark

6. "The Parent App: Understanding Families in the Digital Age"

قرار داده و چالش‌ها و فرصت‌های ایفای نقش سازنده و مؤثر والدین در عصر رسانه‌ای شدن خانواده را به دقت تحلیل کرده است.^۱

پاتر^۲ - نظریه پرداز مطالعات سواد رسانه‌ای - نیز یکی دیگر از نظریه پردازان مشهوری است که در آسیب‌شناسی خود پیرامون الگوهای آموزش مدرسه‌ای سواد رسانه‌ای، به رهاوردی مشابه دست یافته و گفته است:

بزرگسالان به عنوان اهداف وساطت به طور کل نادیده گرفته می‌شوند؛ بنابراین باید بیشتر به آنها توجه نمود.^۳

افزون بر این سه، بروکمن^۴ و یاردی^۵ - استادان دانشگاه جورجیا تک و میشیگان - در انتهای پژوهش خود، تمایل والدین برای کنترل و مدیریت استفاده اجتماعی کودکان از رسانه‌ها را تأیید کرده‌اند.^۶

در این میان، آستین و رابرتز^۷ نقش آفرینی والدین برای یافتن روش‌های پیچیده تحلیل جهان رسانه‌ای را بدان سبب ضروری می‌دانند که خانواده به طور طبیعی، مطمئن‌ترین و قابل اعتمادترین مرجع مقایسه در زندگی واقعی و منبع معتمد اطلاعات درباره رسانه‌ها و سایر بخش‌های دنیا برای فرزندان است.^۸

1. Schofield Clark, 2013.

2. James Potter

۳. پاتر، ۱۳۹۱: ۲۹۵.

4. Amy Bruckman

5. Sarita Yardi

۶. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

7. Austin and Roberts

۸. به نقل از: کندانیز، ۱۳۹۳: ۲۰۵.

چارچوب مفهومی

مجموع تجربه‌های به دست آمده از روند گسترش رسانه‌های جدید در میان کودکان و نوجوانان در کشورهای توسعه یافته، بیانگر این مطلب است که آموزش عرفی‌نگر و مدنی سواد رسانه‌ای - برای نخستین نسل از کودکان و نوجوانان عصر رسانه‌های دیجیتال در این جوامع - چندان ثمربخش نبوده است؛ برای همین، اکنون بسیاری از محققان و سیاستگذاران با سابقه حوزه سواد رسانه‌ای، روی به رهیافت‌های همگرایانه و نهادگرایانه‌ای آورده‌اند که بتواند مواجهات و مصارف رسانه‌ای فرزندان را در بستر خانواده و روابط خانوادگی سامان بخشد.

بر این مبنا، برای جلوگیری از وقوع چالش‌های ناشی از رواج رسانه‌های مجازی در عرصه خانواده، می‌بایست - اولاً - ظرفیت‌ها و امکان‌های بدیلی برای احیای بستر جماعتی و حمایتی خانواده در محیط حضور رسانه‌های جدید استخراج نموده تا شالوده جماعتی و تربیتی روابط خانوادگی تحلیل نرود، و - ثانیاً - با تمهید سازوکارهای مشارکتی و آگاهی‌بخش مناسب، از بروز شکاف رسانه‌ای میان والدین و فرزندان پیشگیری شود تا بدین ترتیب، مشروعیت و اقتدار جایگاه تربیتی والدین در محیط رسانه‌های جدید حفظ گردیده و بدین سان، ساختار روابط خانوادگی - به نحوی ساختاری و کارکردی - با ساختار عملکردی رسانه‌های جدید همگرا و منطبق گردد. در عین حال، برای تحقق دو هدف اشاره شده، طیف گوناگونی از راهبردها و سازوکارها برای مشارکت رسانه‌ای والدین قابل دسترس است که یک سر آن را جهت‌گیری‌های ایجابی و غیر مستقیم مشارکت رسانه‌ای شکل داده و سوی دیگر طیف را جهت‌گیری‌های سلبی و مستقیم تشکیل می‌دهد.

در این میان، رویکردهای ایجابی و غیر مستقیم به سبب آن‌که بیشتر معطوف به مؤلفه‌های زمینه‌ای مصرف رسانه‌ای هستند، مداخله مستقیم و منفی در کم و کیف

مصارف رسانه‌ای کودکان و نوجوانان را دنبال نمی‌کنند؛ این در حالی است که جهت‌گیری‌های سلبی و مستقیم- عمدتاً- ناظر به رسانه و متن رسانه‌ای بوده و عمده‌اها تمام خود را مصروف به این داشته که به نحوی بی‌واسطه و- بعضاً- جبری، کودکان و نوجوانان را از آسیب رسانه‌های جدید مصون داشته و به زوایا و کارکردهای سالم رسانه‌های جدید رهنمون سازند.

در چنین وضعیتی، اگر قرار باشد راهبردهای گوناگون اشاره شده را مورد تحلیل و ارزیابی عمیق قرار داد، باید فهمی دقیق از پیش‌زمینه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی حاکم بر رویکردهای ایجابی و رویکردهای سلبی به دست آورد.

از آن جایی که رویکردهای سلبی- به ویژه مستقیم- اعتنا و وزن اندکی برای اختیار و فهم عاملین انسانی- کودکان و نوجوانان- قائل هستند، بیشتر، واجد سویه‌ای ساختارگرایانه و جبری بوده و بهای کمی برای جهات فردی مصرف‌کنندگان رسانه‌ای قائل می‌شوند؛ این در حالی است که ماهیت تکنولوژیکی و اقتضانات کاربری بسیاری از رسانه‌های جدید، از منطقی فردگرایانه پیروی می‌کند؛ لذا تسری و احاطه تام و تمام رویکردها و سازوکارهای مشارکت رسانه‌ای سلبی توسط والدین، در تعارض و ناسازگاری روشن با اسلوب فردگرایانه رسانه‌های جدید قرار گرفته و اجرای آن موجب سردرگمی، گسست و واکنش عملی کودکان و نوجوانان خواهد شد. برای نمونه؛ در یکی از مطالعات کیفی جدید صورت گرفته در آمریکا، تمام شانزده پدر و مادری که در مطالعه حضور داشتند، اعلام کرده بودند کنترل دفعات استفاده از تلفن همراه و اینترنت برای آنان دشوار است و راهکارهای قطع دسترسی، دشوار و ناکارآمد بوده است؛^۱ چنان‌چه پاسکوئر^۲ نیز احتمال استفاده رسانه‌ها در

۱. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

بین کودکانی که با محدودیت روبرو بوده‌اند را در مقایسه با سایر کودکان، برابر توصیف کرده و می‌گوید:

محدودیت رسانه‌ای در نظر کودکان یعنی انجام کارهای ممنوعه و یا عدم پیروی از قوانین به نحوی که نشان دهید بزرگ شده‌اید؛ چون بازی با دوزن زدن قوانین رسانه‌ای برای کودک راهی است برای آشنایی بیشتر با جهان بزرگسالان و زندگی پشت صحنه آنها.^۱

البته حساسیت این مسئله برای نوجوانان به مراتب بیشتر است؛ زیرا غالب نوجوانانی که در خانه از اینترنت استفاده می‌کنند، برای حفاظت از حریم خصوصی خود در اینترنت دست به اقداماتی زده‌اند؛^۲ این بدان معناست که اعمال وساطت محدودکننده از سوی والدین می‌تواند به کاهش نگرش مثبت نوجوانان نسبت به آنها انجامد؛ چرا که نوجوانان تصور می‌کنند والدینشان به آنها اعتماد ندارند، برای همین در مقابل برنامه‌های تلویزیونی با نگرش مثبت‌تری نگاه کرده و درباره تماشای برنامه‌های محدود شده با دوستان خویش، نگرش مثبت‌تری دارند؛^۳ لذا حتی آن دسته از پژوهشگرانی که الگوی تربیتی مقتدرانه را تجویز و تأیید کرده‌اند، بر اهمیت احترام به حوزه‌های خصوصی نوجوانان تأکید ویژه دارند.^۴

روشن است که طرح این گره و اشکال، به معنای تسلیم شدن در برابر ماهیت فردگرایانه رسانه‌های جدید و کنار گذاشتن کامل سازوکارهای محدودکننده نیست؛ بلکه جرقه‌ای برای حل این پرسش کلیدی است که چگونه می‌توان در برابر

1. Pasquier, 2001.

۲. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

3. Nathanson, 1999.

۴. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

کنجکاوی و پافشاری ذاتی کودکان و نوجوانان برای سرک کشیدن در تولیدات رسانه‌ای نامناسب در دسترس بزرگسالان، سازوکاری نسبتاً پایدار طراحی نمود؟ به نظر می‌رسد توجه به دو شرط زیر برای طراحی هر گونه سازوکار محدود کننده برای مصارف رسانه‌ای فرزندان ضروری باشد:

۱. توجه به تناسب مقیاس و موقعیت‌های زمانی، مکانی و رسانه‌ای.
۲. ارجحیت اجرای غیر مستقیم و نامحسوس آموزش‌های رسانه‌ای؛ زیرا در این صورت، از تعارض سازوکارهای محدود کننده با ماهیت فردگرایانه تکنولوژی‌های جدید کاسته خواهد شد.

علاوه بر این دو شرط، به نظر می‌رسد اتکا و بهره‌برداری بیشتر از سازوکارهای ایجابی، راه چاره مؤثرتری برای حل چالش‌های ناشی از اجرای شیوه‌های سلبی و تحمیلی باشد؛ زیرا در سازوکارهای ایجابی، به سبب آن‌که قدرت فهم و اختیار کودکان و نوجوانان توسط والدین به رسمیت شناخته شده و زیر سؤال نمی‌رود، کودکان و به ویژه نوجوانان زمینه پذیرش و اقبال بیشتری داشته و در صحنه عملی نیز توفیق بیشتری در پی دارد؛ زیرا همان‌طور که پستمن گفته است، در نتیجه ترویج رسانه‌های تصویری در میان کودکان، ایشان به تدریج هم‌چون بزرگسالان رفتار می‌کنند و حقوق ویژه ایشان را طلب می‌کنند.^۱ در عین حال، با وجود آن‌که فرزندان به مهارت‌های اینترنتی خود اطمینان دارند، اما خودشان نیز می‌دانند که از بسیاری جهات سردرگم، نامطمئن و یا فاقد مهارت هستند و می‌خواهند با این وضعیت مقابله کنند؛^۲ برای همین کودکان- غالباً- روی گشوده‌ای برای پذیرش کنش‌های ایجابی و وساطت فعالانه والدین از خود نشان

۱. پستمن، ۱۳۸۷.

۲. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

می‌دهند؛ چنان‌چه آلتروز^۱ و کلارک نیز در مطالعه میدانی خود بر روی نحوه مصرف رسانه‌ای در دو خانواده مختلف آمریکایی به همین نتیجه رسیدند که:

بچه‌ها می‌خواستند پی ببرند که والدین آنها در مورد ارتباط با رسانه چه نظری دارند، بچه‌ها در هر دو خانواده قصد داشتند زمینه‌ای را که پشت سر راهنمایی‌های رسانه‌ای خانواده‌هایشان وجود دارد را بشناسند و به کار گیرند؛ به همین دلیل در هر دو خانواده بچه‌ها به نقطه نظرانی از رسانه می‌رسیدند که - تقریباً - نزدیک به نقطه نظرات والدین آنان بود.^۲

افزون بر این، یافته‌های یک مطالعه میدانی دیگر نیز نشان می‌دهد که بچه‌ها از هم صحبتی با والدین در حین استفاده از رسانه‌ها لذت می‌برند تا جایی که یکی از دانش‌آموزان گفته است: دوست دارم با والدینم درباره برنامه‌ها صحبت کنم تا بدانم چه اشتراکاتی با یکدیگر داریم؛ وقتی درباره برنامه‌های تلویزیونی با والدینم صحبت می‌کنم، با آنها احساس نزدیکی می‌کنم.^۳

این توضیحات بدین معناست که سواد دیجیتال موضوعی فراتر از مراقبت ساده دانش‌آموزان از رسانه‌های دیجیتال است و آموزش رسانه را نمی‌توان - صرفاً - از راه فشار و جبر یا منطقی استدلال تحت قیمومیت خود قرار داد؛^۴ لذا تربیت صحیح نیازمند تعادل میان میزان اعمال نفوذ والدین و میزان آزادی عمل نوجوانان است، چه اینکه محدودیت بیش از حد، ممکن است به بازخوردهای روان‌شناختی نوجوانان بیانجامد؛ به طوری که خلاف خواست والدین واکنش نشان دهند یا محدودیت‌ها را دور بزنند.^۵

1. Diane Alters

۲. اسکافیلد کلارک و آلتروز، ۱۳۸۴: ۱۷۶ و ۲۷.

۳. مندوزا، ۱۳۹۱.

۴. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۳۰۸ و ۱۸۶.

۵. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

بنابراین، بهترین توصیه به والدین این است که تنها به حفاظت از فرزندان خویش در برابر اثرات رسانه‌ای تمرکز نکرده و به توانمندسازی^۱ آنها در جهت تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌ها و پیام‌های ارتباطی و نیز انتخاب گزینه‌های آگاهانه به نفع خویش توجه داشته باشند.^۲

رهیافت‌ها

اگر قرار باشد شیوه‌های گوناگون تربیتی فرزندان را از منظر شاخصه مورد بحث- طیف فردگرایی/ خانواده‌گرایی- تحلیل و طبقه‌بندی نمود، چهار الگوی مختلف قابل طرح است:

۱. الگوی آزادگیرانه؛ والدین آزادگیر پاسخ‌گو هستند، اما هیچ‌گونه توقع و

درخواستی ندارند. آنها همواره مدارا می‌کنند و از مشاجره می‌پرهیزند.

۲. الگوی بی‌طرفانه؛ والدین بی‌طرف، نه درخواستی دارند و نه پاسخ‌گو

هستند. آنها همیشه کناره‌گیری می‌کنند و به امور، بی‌اعتنا هستند.

۳. الگوی مقتدرانه؛ والدین مقتدر، هم توقع دارند و هم در قبال آنها پاسخ‌گو

هستند. آنها معیارها و محدودیت‌هایی روشن مشخص می‌کنند و هنگام

تنبیه فرزند خود، دلیل و انگیزه خویش را نیز به او توضیح می‌دهند.

کارشناسان تربیت فرزند، تربیت مقتدرانه را بهترین نوع تربیت معرفی

کرده‌اند؛^۳ چرا که ضمن اجتناب از سخت‌گیری‌های مکرر و بی‌جا و

دیگته کردن سلايق و نظرات شخصی والدین، شأن و جایگاه فرد- فرزند-

و خانواده را به طور توأمان به رسمیت شناخته و در قبال برآوردن

خواسته‌ها و مطالبات مشروع و فردی فرزندان نیز متعهد و وفادار است.

1. Empowerment

۲. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۳۰۸؛ مندوزا، ۱۳۹۱.

۳. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

چالش رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی / ۱۰۳

۴. الگوی استبدادی؛ والدین مستبد، توقعات بالایی دارند، اما در قبال آنها پاسخگو نیستند. آنها انتظار دارند قوانینشان بدون هیچ‌گونه توضیح یا دلیلی پذیرفته شوند.

اینک، با توجه به الگوی عمل مقتدرانه و با ملاحظه اصل تعادل میان دو قطب فردگرایی و خانواده‌گرایی، می‌توان مجموعه‌ای از سازوکارها و روش‌های حمایتی مشارکتی را برای نقش‌آفرینی والدین در نحوه مصرف رسانه‌ای فرزندان طراحی و پیاده نمود؛ سازوکارهایی که بخش عمده‌ای از آن، ناظر بر شرایط محیطی و زمینه‌ای دریافت و مصرف رسانه‌ای است و بخش دیگر، معطوف به محتوای رسانه‌های جدید است.

بر این مبنای، دو گونه رهیافت حمایتی مشارکتی برای والدین قابل اجرا خواهد بود؛ نخست وساطت متنی و دیگری وساطت فرامتنی؛ در این بین، مهم‌ترین هدف از اعمال وساطت‌های متنی، راهنمایی مستقیم و متن‌محور کودکان و نوجوانان برای مقابله با دریافت و پردازش محتواهای نامناسب در دسترس آنان است و مهم‌ترین هدف از اهتمام به وساطت‌های فرامتنی، هدایت و سوق یافتن مقیاس فردی کاربری رسانه‌های شخصی شده جدید به کیفیتی جماعتی و خانوادگی با اتکا به عوامل محیطی مثبت و غیر مستقیم است.

أ. وساطت‌های متنی

۱. مشارکت تفسیری والدین

یافته‌های یک مطالعه میدانی - نسبتاً جدید در آمریکا، حاکی از آن است که بچه‌ها در خانواده‌ها می‌خواهند بفهمند چگونه می‌توان تفسیرهای انتقادی از رسانه به عمل آورد؟^۱

۱. اسکافیلد کلارک و آلترز، ۱۳۸۴: ۱۳۷.

مدارک متعدد دیگری نیز در دست هست که نشان می‌دهد مشارکت تفسیری والدین در مورد رسانه‌ها با خواهش فرزندان انجام می‌شود؛ یعنی این بچه‌ها هستند که هنگام تماشای تلویزیون از پدر و مادر خود مسائلی را می‌پرسند.^۱

همه این شواهد بدین معناست که در میان فرزندان - به ویژه کودکان - اشتیاق و زمینه پذیرش بالایی برای بهره‌مندی از نظرات روشنگرانه والدین پیرامون رسانه‌ها وجود دارد. وقتی این مسئله را در کنار شاخص - نسبتاً - بالای اعتماد کودکان به محتوای اینترنتی^۲ می‌گذاریم، ضرورت اهتمام والدین به این شیوه وساطت - بیش از پیش - محرز و مسلم می‌گردد؛ این درحالی است که نتایج یک نظرسنجی معتبر آمریکایی (گالوپ، ۱۹۹۳) نشان می‌دهد در صحنه عمل، مشارکت تفسیری والدین بسیار کم اتفاق می‌افتد؛^۳ اما در این شیوه - که برخی از نظریه‌پردازان از آن با عنوان وساطت فعال^۴ و برخی با نام وساطت سازنده^۵ یاد کرده‌اند - والدین باید با اتخاذ موضعی همدلانه و برابر - دوسویه - در قبال فرزندان، متون و قالب‌های رسانه‌ای مثبت و منفی را به نحوی مستدل، گویا و غیر مستقیم مورد تفسیر تأییدآمیز یا منتقدانه قرار دهند.

ضرورت حفظ موضع همدلانه و برابر از جانب والدین، بیش از هر چیز از آن روست که روابط سنتی اقتدار بین کودکان و بزرگسالان در ۵۰ سال گذشته به طور اساسی تغییر یافته است؛ لذا اگر بزرگسالان جوری رفتار کنند که انگار فقط خودشان هستند که تأثیرات رسانه بر کودکان را می‌فهمند، معنی ضمنی‌اش این است که بر خود آنها

۱. به نقل از: پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۶.

۲. لیوینگستون، ۱۳۸۴: ۵۷.

۳. پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۶.

4. Nathanson and Cantor, 2000: 125.

۵. ر. ک: پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۳.

اثری ندارد؛ روشن است که کودکان در برابر چنین رفتاری بگویند این استدلال‌ها تنها برای کوچکتر از آنها به کار می‌آید.^۱

این بدان معناست که کودکان و به ویژه نوجوانان، در برخورد با فناوری درست مانند دیگر حوزه‌ها از امتیاز نوعی اعتماد به نفس برخوردارند و می‌خواهند در فرایند آموزش دخیل شوند و از خود مایه بگذارند.^۲ بنابراین، لازم است والدین به کودکان اجازه دهند و از آنها بخواهند که بخشی از گفتگو درباره مطالب رسانه‌ای و دیگر رویدادهای روز باشند؛ زیرا هیچ‌کدام از این رویدادها آن قدر پیچیده نیستند که کودکان نتوانند آنها را درک کنند.^۳ بر این اساس، توسل والدین به بعضی حربه‌های کلیشه‌ای که در آنها نصیحت و پند و اندرز مستقیم و یک‌سویه والدین به فرزندان، محور قرار می‌گیرد، توفیق و اقبال چندانی در پی نداشته و کم‌ثمر و ابتر باقی خواهد ماند.

در این میان، اشکال غیر مستقیم مشارکت تفسیری را در قالب دو رویکرد اصلی می‌توان جمع‌بندی نمود؛ رویکرد نخست، خطاب قرار دادن رسانه و متعلقات آن در اظهارات تفسیری است. در این الگو، چارچوب تفسیری اظهار شده از سوی والدین مستقیم نبوده و خطاب والدین به فرزندان با واسطه قرار دادن و مرکز قرار دادن رسانه اتفاق می‌افتد؛ به این ترتیب، فرزندان - دیگر - احساس تنزل مرتبه و جایگاه برای فرزندان حادث نمی‌شود و آنها هم‌چون یک ناظر بیرونی، شنونده نظرات تحلیلی والدین خود خواهند بود. نمونه‌هایی از مشارکت تفسیری والدین با خطاب قرار دادن رسانه و محتوای آن عبارت است از: من عاشق این برنامه هستم یا این واقعی نیست.^۴

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۹۸.

۲. همان: ۳۰۶.

۳. کندانیز، ۱۳۹۳: ۳۰۲.

۴. مندوزا، ۱۳۹۱.

رویکرد دوم، انجام مداخله تفسیری از طریق طرح سؤالات جهت‌دار، باز و تأمل برانگیز- به ویژه سؤالات انتقادی- پیرامون رسانه‌ها و متون رسانه‌ای است؛ بسیاری از مدافعان این رویکرد معتقدند که پرسش انتقادی- طرح سؤال پیرامون متون رسانه‌ای- ستون مرکزی چتر سواد رسانه‌ای است و شالوده سواد رسانه‌ای را شکل می‌دهد.^۱ در این رویکرد، نه تنها خبری از نصیحت و پند و اندرزهای پدربزرگ‌مآبانه و ناخوشایند فرزندان نیست؛ بلکه پیش‌فرض‌های والدین درباره رسانه‌ها نیز- عمدتاً- ناگفته می‌ماند، یعنی همه چیز از طریق تحریک غیر مستقیم و گفتگو محور فرزندان برای تفکر و تدبیر در زوایای پیدا و پنهان عملکرد رسانه‌ها به جریان می‌افتد. در این وضعیت، اگر قرار باشد محتوای مداخلات تفسیری والدین را مورد واکاوی همه‌جانبه قرار داد، در سه الگو و چارچوب مفهومی و موضوعی زیر قابل بررسی خواهد بود:

۱. محور قرار دادن اعتبار بیرونی متون رسانه‌ای و مقایسه آن با واقعیت‌های بیرونی جامعه در تحلیل متون رسانه‌ای؛ در این چارچوب، تمسخر و تحقیر ماهیت غیر واقعی رسانه‌ها و به بازی گرفتن روابط بین رسانه و واقعیت از اهمیت حیاتی برخوردار است، زیرا این قبیل قضاوت‌ها فرد گوینده را وا می‌دارند تا خویش را به عنوان بیننده‌ای دانا و فرهیخته که قادر است و رای توهمات تلویزیونی ببیند، بشناسد.^۲
۲. این ارزش‌ها، انگیزه‌ها^۳ و دلایل اخلاقی والدین از دنبال کردن گونه‌ها و متون رسانه‌ای مورد نظرشان است که محور اظهارات و گفتگوهای فی مابین قرار می‌گیرد؛ در این چارچوب، والدین این فرصت طلایی را دارند که

۱. پاتر، ۱۳۹۱: ۲۹۱؛ مندوزا، ۱۳۹۱.

۲. ر. ک: باکینگهام، ۱۳۸۹: ۹۷-۸.

۳. مندوزا، ۱۳۹۱.

چالش رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی / ۱۰۷

جنبه‌های جذاب، مهیج و دراماتیک علایق رسانه‌ای موردنظرشان را به نحوی مستدل و عینی به فرزندان نشان دهند تا به این ترتیب، نوعی مبادله ذائقه میان والدین و فرزندان اتفاق بیافتد و از شکاف نسلی والدین و فرزندان در حوزه ذائقه‌های رسانه‌ای کاسته شود.

۳. مداخلات تفسیری والدین، منطق و بنیان‌های اقتصاد سیاسی در عملکرد رسانه‌ها؛ چیزی که باکینگهام آن را این‌گونه توصیف کرده است: اندیشیدن درباره اینکه رسانه چگونه شکل می‌گیرد.^۱ ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که رسانه‌ها به طور تفکیک‌ناپذیری با شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و نهادی قدرت گره خورده‌اند و لازم است جوانان-فرزندان-روش‌های پیچیده و گاه ضد و نقیضی که این‌ها به آن عمل می‌کنند، بفهمند.^۲

در این میان، از آن جایی که اغلب گونه‌ها و مضامین رسانه‌ای نامناسب- نظیر محتواهای جنسی و یا صنایع مصرفی- در چارچوب منطق سرمایه‌داری، امکان حیات پیدا کرده‌اند، آگاهی یافتن فرزندان و به ویژه نوجوانان از منطق اقتصادی و زرسالارانه صنایع مصرفی رسانه‌ای یا تولیدات رسانه‌ای جنسی، می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در اجتناب درونی و خودخواسته نوجوانان از فضاهای ناامن و ناسالم رسان‌ای و فراغتی داشته باشد.

روشن است که تثبیت این سنت تفکر انتقادی در رویه‌های مشارکت تفسیری والدین، در ادامه به طرز دو مینویی به فرزندان کوچک‌تر خانواده نیز تسری یافته و خصلتی انباشتی خواهد یافت.

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۹۷.

۲. همان: ۷۹.

در نهایت، بسیاری از مطالعات میدانی صورت گرفته، شیوه مشارکت تفسیری را در ردیف موفق‌ترین شیوه‌های وساطت رسانه‌ای والدین قرار داده و عامل آثار متعدد شناختی، احساسی، نگرشی و رفتاری خوانده‌اند؛^۱ بر این اساس، شک‌گرایی بیشتر نسبت به اخبار تلویزیونی، کاهش پرخاشگری، کاهش اثرات آگهی‌های تبلیغاتی، کاهش اثرات منفی محتواهای جنسی و خشونت‌آمیز در نوجوانان^۲ از جمله همین اثراتی است که محققان در مطالعه بازخوردهای شیوه مشارکت تفسیری در میان فرزندان گزارش کرده‌اند؛ لذا باکینگهام، بهترین نقش والدین در آموزش رسانه‌ای را عمل کردن به مثابه مفسران و خلق گونه‌های متفاوت دریافت، پیش و دانش دانسته است.^۳

۲. تعاملات رسانه‌ای خانوادگی و محتواهای خانوادگی کاربرمحور^۴

هرچند فناوری‌های دیجیتال در بسیاری موارد می‌تواند استفاده بی‌هدف و تفتنی را در میان فرزندان تسهیل کند؛ اما در عین حال، این فناوری‌ها با ایجاد دسترسی‌های دموکراتیک‌تر به گونه‌های پیچیده تولید رسانه‌ای و قابلیت دستکاری و تدوین تصاویر متحرک دیجیتال، میزانی از انعطاف‌پذیری و کنترل را همراه با گونه‌ای ژرف‌نگری خودآگاه به فرزندان عرضه می‌دارد؛^۵ برای همین، برخی نظریه‌پردازان برآنند که چنین فناوری‌های نوینی - ذاتاً- کودکان را توانمند می‌سازد. آنها فرصت‌های نوینی را در نظر می‌آورند که به کودکان امکان بیان خویش و آماده ساختن ایشان در تولید فرهنگ‌ها و جماعت‌های خاص خود می‌بخشد.^۶

۱. پاتر، ۱۳۹۱: ۲۹۰.

۲. مندوزا، ۱۳۹۱: ۱۰۷.

۳. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۵۱.

4. User-Centered

۵. همان: ۳۲۲.

۶. نقل از: همان: ۳۰۲.

بر این اساس، در محیط شبکه‌های اجتماعی و فضاهای آنلاین که واجد اسلوبی مجازی و شخصی است، می‌توان به نحوی همگرایانه، میدان بازی را تغییر داده و فضاهای خانوادگی آنلاین را در بسترهای امن و خصوصی رونق بخشیده و پیوندهای خانوادگی سنتی را بازتولید نمود.

به این ترتیب، گسیختگی ناشی از چندمکانی شدن و فاصله‌های جغرافیایی به وجود آمده، تحمل‌پذیرتر می‌شود؛ در این صورت پسرعموها، پسرخاله‌ها و پسرادی‌ها که پیش از این کمتر یکدیگر را می‌دیدند، ارزش‌های جمعی خود را به مدد ارتباطات آنلاین و چندرسانه‌ای توسعه داده و تقویت می‌کنند.^۱

روشن است که حضور و نقش‌آفرینی خلاقانه و مولد نوجوانان در این چرخه خانوادگی مجازی، می‌تواند راهگشا واقع شود؛ زیرا نوجوانان به اقتضای آستانه سنی و فکری‌شان از سطوح تعاملی، خلاقانه و پیشرفته‌تری از کاربری فناوری‌های دیجیتال برخوردارند.^۲

ب. وساطت‌های فرامنتی

۱. مصارف فرهنگی و رسانه‌ای مشترک

نهاد و ساختار خانواده همواره در بستر عینی خانه معنا پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر، تحقق هویت خانوادگی، بدون امکان مکان استقرار ثابت و مشترک، غیر قابل تصور است، این بدان معناست که بعد ارتباطی خانواده و روابط و مناسبات میان افراد خانواده در صورت مهیا گردیدن بستر مکانی مشترک برای هم‌زیستی اعضای خانواده میسر می‌گردد.

۱. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۲۵.

از سوی دیگر، زمان صرف شده برای فعالیت‌های خانوادگی نیز همواره به عنوان عاملی حیاتی در رونق‌بخشی کیفی روابط خانوادگی شناخته شده است؛ لذا بدون اختصاص بستر زمانی مشترک در امورات روزمره نیز نمی‌توان ساختار جماعتی خانواده را تحقق بخشید؛ چیزی که جان تامپسون از آن با عنوان تعامل رو در رو و تجربه زنده^۱ یاد کرده و آن را تجربه‌ای بدون واسطه، مداوم، مقیم و وابسته به محل و موقعیت توصیف کرده است.^۲

با وقوع جنگ جهانی دوم و تسریع در فرایند صنعتی شدن جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، زنان- به نحو روزافزونی- تبدیل به نیروی کار تمام‌وقت شده و ساختار زندگی خانوادگی به ویژه در طبقات متوسط، به طور معناداری تغییر یافته است؛ لذا فاصله جغرافیایی، فرصت شکل دادن مناسبات جدید میان افراد خانواده را از بین برده و فرزندان برای تأمین نیازهای خود بیشتر به شبکه‌های دوستی روی می‌آورند.^۳ در عین حال، با افزایش سرعت تبدیل مادران خانه‌دار به نیروی کار در بعد از دهه ۱۹۶۰ میلادی، بحث‌های زیادی در مورد اینکه چه کسی از بچه‌ها مراقبت می‌کند، به وجود آمده است؛^۴ اما از آنجایی که ساختار مستقر فرهنگی- اقتصادی جوامع توسعه یافته اجازه فراغت زمانی و مکانی را به هیچ‌یک از والدین نمی‌دهد و والدین زمان کمتری را با فرزندان خود می‌گذرانند، تلاش می‌کنند با اختصاص منابع اقتصادی بیشتری برای تربیت کودک، به نوعی کمبود را جبران کنند.^۵

1. Erlebnis

۲. تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۷۷.

۳. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۱۸.

۴. به نقل از: آلتز، ۱۳۸۴: ۸۳.

۵. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۵۸.

به تعبیر آلترز، والدین شاغل به اقتضای شغلشان، پول را با محبت و آزادی را با سرپرستی جایگزین می‌کنند و نقش‌های والدینی خود را به جانشین‌های خود واگذار می‌کنند.^۱ در این میان، یکی از بی‌دردسرت‌ترین و در دسترس‌ترین گزینه‌های جانشین برای والدین که با اقبال و اشتیاق اولیه کودکان نیز مواجه می‌گردد، گونه‌های مختلف تکنولوژی‌های دیجیتال هستند؛ برای همین لیوینگستون معتقد است خانواده‌هایی که در آنها هر دوی والدین شاغلند -معمولاً- خانه‌های خود را از رسانه، غنی می‌کنند؛^۲ لذا برخی از محققان، این جایگاه رسانه‌ها در خانواده‌ها را با عنوان معنادار پرستار بچه نامگذاری کرده‌اند.^۳

از آنجایی که اغلب رسانه‌های جدید، واجد اسلوبی مجازی و فردگرایانه هستند، با فراگیر شدن این رسانه‌ها در میان فرزندان و در غیاب والدین، رکن مکانی خانواده به محاق رفته و دیگر ردپایی از هم‌زیستی والدین و فرزندان باقی نخواهد ماند؛ البته گشایش و حل این گره تنها با احیای مناسبات ارتباطی اعضای خانواده امکان‌پذیر است که برای تحقق این منظور، پیش از هر چیز باید بستر و پیش‌زمینه ارتباطی والدین با فرزندان اصلاح و بازیابی شود.

این امر متضمن آن است که همواره یکی از والدین در خانه -در کنار فرزندان- حضور داشته باشند؛ در غیر این صورت، هیچ نوع مشارکت و مداخله‌ای در کم و کیف مصرف رسانه‌ای فرزندان، ثمربخش نخواهد بود.

۱. اسکافیلد کلارک و آلترز، ۱۳۸۴: ۸۴.

۲. لیوینگستون، ۲۰۰۲: ۱۲۱.

۳. کندانیز، ۱۳۹۳: ۲۲۰.

روشی که ناتانسون^۱ از آن با عنوان همراهی در حین تماشا- عمل ساده تماشا بدون بحثی درباره محتوا یا کارکرد آن- نام برده و آن را راهکاری مؤثر برای ساماندهی و هدایت مصارف تلویزیونی کودکان و نوجوانان توصیف کرده است.^۲ این شیوه، مدخل مناسبی جهت طراحی و تدوین یک چارچوب پدیدارشناختی^۳ کلان برای مصرف رسانه‌ای مشترک والدین و فرزندان است؛ زیرا بسیاری از عناصر ارتباطی و تربیتی میان فردی و عاطفی مورد انتظار، بدون چالش خاصی در این مجرا محقق می‌گردد؛ چنان‌که مطالعات میدانی صورت گرفته نیز موفقیت این شیوه را تأیید کرده و از کاهش کلی میزان تماشای محتواهای جنسی در مواقع حضور پدر و مادر- چه در ساعات پربیننده و چه در طول روز- حکایت داشته است.^۴ اکنون با توسعه و تسری همه‌جانبه رسانه‌های جدید در میان فرزندان و اعضای خانواده، بعید است چنین ترفندی- صرفاً در مقیاس تلویزیون- از کفایت حداقلی برخوردار باشد؛ لذا ضروری است والدین- به نحوی فراگیر و انعطاف‌پذیر- از تاکتیک همراهی در حین تماشا به عنوان راهبردی کلی و مستمر در عرصه مصرف گونه‌ها و اشکال رسانه‌ای جدید بهره‌برداری نمایند. تحقیقات صورت گرفته نشان داده است که این راهبرد در عمل نیز کارگشا بوده و سطح بالایی از توجه و صمیمیت را در ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان ایجاد کرده است؛ چنان‌چه در یک مورد، مادری که دارای سه فرزند بالغ و یک نوجوان بود، گفته است او و پسر کوچکش همواره با یکدیگر بازی جهان جنگ‌افزار را می‌کنند و ناتوانی او را در بازی دست‌آویز خنده قرار می‌دهند.^۵

1. Amy Nathanson

2. Nathanson and Cantor, 2000: 125.

3. Phenomenology

۴. به نقل از: کندانیز، ۱۳۹۳: ۲۱۴.

۵. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

در عین حال، این رهیافت کلیدی محقق نمی‌شود مگر به شرط تنوع بخشی فعالیت‌های فراغتی و رسانه‌ای خانواده، با این ملاحظه و معیار که فعالیت‌های فراغتی تمهید شده واجد جنبه‌ای عینی - مکان‌مند - و یا جمعی - تعاونی - باشند نه آن‌که در مقیاسی مجازی و فردی رخ بدهند؛ یعنی مشابه بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکانه آنالوگ که هر کدام به نحوی از انحاء کودکان را باهم و یا در کنار والدین برای مدتی قابل توجه، در یک محل نشانده و به تعاملات رودر رو و می‌داشت؛ البته در چارچوب و بستر عملی فعالیت‌های فراغتی و رسانه‌ای دیجیتال نیز چنین نظم جمعی و مکان‌مندی محوریت می‌یابد.

این بدان معناست که برای حفظ صمیمیت و ایجاد سطوح بالایی از توجه، باید ارتباط خانوادگی در مکان‌ها و زمان‌های متفاوتی برقرار شود؛^۱ زیرا سنت‌ها - ارزش‌های خانوادگی - تنها در صورتی با گذشت زمان برقرار می‌مانند که همواره در بافت‌ها و زمین‌های جدید بازتثبیت شده و دیگر بار به انواع جدید واحد سرزمینی متصل گردند؛ در این صورت سنت‌ها در عین آن‌که از قید محل رها شدند، ولی مکان‌زدایی نگردیده و امکان بسترگزینی مجدد در کثرت محل‌ها را می‌یابند؛^۲ به طوری که در نهایت گستره - زمانی - مکانی - مشترک بالایی برای تجربیات زنده و تعاملات رودروی خانوادگی مهیا خواهد گردید.

بیان این نکته لازم است که این زاویه نگاه، نقطه مقابل رویکردی است که به نحوی خیالی و غیر مسئولانه، اولویت را در ایجاد تکثرگرایی رسانه‌ای - ذائقه‌های رسانه‌ای - در محیط‌های خانوادگی قرار می‌دهد؛ نسخه‌ای کلیشه‌ای که به بهانه فراهم آوردن بستر مناسب برای همزیستی مسالمت‌آمیز اعضای خانواده ترویج

۱. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۱.

۲. تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۴۲، ۲۳۰.

و توجه می‌شود؛ اما در صحنه عملی می‌تواند به تشدید فاصله‌ها و گسل‌های بین نسلی منجر شده و آورده خاصی در راستای تقویت پیوندهای جماعتی و ظرفیت‌های حمایتی در روابط خانوادگی نخواهد داشت

در این میان، آیین‌های خانوادگی مناسبتی - نظیر جشن تولد و مراسم عروسی - یکی از مصادیق بارز فعالیت‌های فراغتی جمعی و حقیقی هستند که ساختار جماعتی و مجاورت مکانی اعضای خانواده را به خوبی احیاء نموده و سبب‌ساز ایجاد انسجام خانوادگی و تحکیم پیوندهای ناشی از آن شده و شور و اشتیاق فردی برای در کنار هم بودن را قوام می‌بخشند.^۱

هم‌چنین، برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری جمعی هر چه بیشتر از فضاهای شهری خانوادگی - نظیر پارک‌ها، میادین، مراکز فرهنگی و هنری شهری - و آیین‌های شهری خانوادگی - نظیر جشنواره‌های فرهنگی و هنری، ورزشی، علمی و تفریحی خانواده محور - که شهروندان بتوانند از طریق مشارکت جمعی و خانوادگی در آنها به بازتولید خانواده‌گرایی بپردازند، مفید و ثمربخش خواهد بود.^۲

بنابراین، مهم‌ترین اولویت والدین در حوزه مصارف رسانه‌ای و فراغتی این است که تا حد ممکن، تمامی فعالیت‌های فراغتی جذاب و سالم را در پازل مصارف فرهنگی و رسانه‌ای خانواده جای دهند؛ البته التفات و اهتمام والدین به تحولات ذائقه فرزندان در مراحل مختلف سنی نیز امری ضروری و حیاتی است؛ زیرا مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که با افزایش سن فرزندان، گرایش به بازی‌ها کاهش می‌یابد و فعالیت‌هایی مثل ویدئو، تلویزیون و فعالیت‌های آنلاین مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرند.^۳

۱. به نقل از: لیبی، ۱۳۹۲.

۲. فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۱۹.

۳. نادعلی، ۱۳۹۳: ۱۸۸.

در این میان، هرچند آشنا کردن هوشمندانه فرزندان با ابعاد جذاب و مهیج سلايق رسانه‌ای والدین نیز می‌تواند کمک بسزایی به افزایش محدوده اشتراکی مصارف فرهنگی خانواده کند؛ اما در نهایت، این انعطاف و روحیه مداراجویی والدین در قبال سلايق فراغتی نوظهور فرزندان است که می‌تواند از وقوع گسل‌های بین نسلی عمیق میان فرزندان و والدین جلوگیری نموده و فضای خودمانی و نزدیک میان والدین و فرزندان را تحکیم بخشد.

یادآوری این تذکر نیز ضروری است که صرف اجرای استراتژی مصارف رسانه‌ای مشترک، کافی نیست؛ زیرا مصرف مشترک تنها قادر به ایفای نقش وساطت مثبت، غیر انتقادی و تأییدآمیز است نه وساطت منفی و انتقادی؛ لذا کودکان، تجربه مصرف مشترک را نوعی حرکت تأییدآمیز از جانب والدین تفسیر می‌کنند.

بر این اساس، وقتی والدین در کنار فرزندان به مصرف محتوای رسانه‌ای نامناسب و ناسالم می‌پردازند و در مخالفت با آن چه نمایش داده می‌شود، اظهار نظری نمی‌کنند، فرزندان حضور والدین را نشانه تأیید تعبیر کرده و چنین می‌پندارند که این کار فعالیت ارزشمند و مفید است؛^۱ از این رو، استراتژی مصرف مشترک به تنهایی نمی‌تواند مهارت‌های مصرف‌نقدانه و آگاهانه را در کودکان افزایش دهد و لازم است برنامه‌های حمایتی و مشارکتی دیگری نیز برای آموزش تفکر انتقادی کودکان تمهید گردد.

۲. مرجعیت عادات رسانه‌ای والدین

کندانیز، در شمار پیشنهاداتی که در بخش نتیجه‌گیری فصل نقش والدین و خانواده‌ها از کتاب خود- «کودکان و نوجوانان نسل هزاره»- آورده است، پرسیده است: بررسی کنید که خودتان چگونه از تلویزیون- رسانه- استفاده می‌کنید؟^۲

1. Nathanson, 2001.

۲. کندانیز، ۱۳۹۳: ۲۲۰.

این نتیجه‌گیری معنادار، کم و کیف مصارف رسانه‌ای والدین را در کانون تحلیل قرار می‌دهد؛ نکته‌ای که نامربوط و غیر منطقی به نظر نمی‌رسد، چنان‌چه مطالعات جدید صورت گرفته نیز از افزایش نکان دهنده و قابل ملاحظه استفاده والدین از اینترنت و معکوس شدن روند پیشی گرفتن نوجوانان از بزرگسالان در استفاده از اینترنت حکایت داشته و می‌گوید:

هرچه والدین از اینترنت بیشتر استفاده کنند، کودکان آنان نیز از اینترنت بیشتر استفاده خواهند کرد؛^۱ زیرا الگوبرداری فرزندان در رفتارهای رسانه‌ای می‌تواند به وسیله راهبردهای میان‌فردی شکل بگیرد؛ به ویژه از پدر و مادری که الگوهای خوبی هستند.^۲

این توضیحات بدان معناست که کوچکترین و جزئی‌ترین رفتارهای رسانه‌ای فردی والدین از جهات گوناگون زمانی، مکانی، حجمی و محتوایی به دقت مورد توجه و رجوع فرزندان قرار گرفته و در بلندمدت در عادات رسانه‌ای ایشان بازتولید خواهد شد؛ به این ترتیب، اگر در عادات رسانه‌ای والدین نوعی گرایش به مصرف رسانه‌ای در فضای خصوصی - مثلاً اتاق خواب - و یا در ساعات نامتعارف شبانه روز - مثل نیمه شب و یا ابتدای صبح - وجود داشته باشد، این گرایش به فرزندان نیز منتقل خواهد شد، و یا اگر والدین عادت به مصرف رسانه‌ای بالا یا مصرف محتواهای مشکوک یا ناسالم - ولو دور از دید فرزندان - داشته باشند، این عادت ایشان برای همیشه از چشم فرزندان دور نمانده و در بلندمدت توسط فرزندان الگوبرداری خواهد شد.

1. Hasebrink and Others, 2009.

۲. به نقل از: پاتر، ۱۳۹۱: ۲۹۲.

۳. مشارکت و تعاملات دینی و سایر ابعاد فرزندان در بستر خانواده

لیوینگستون و داس در تحلیل خود پیرامون زمینه‌ها و عوامل تقویت فرایند رسانه‌ای شدن خانواده، از عارضه و سندروم نوظهوری با نام درون و بیرون^۱ سخن به میان آورده‌اند که مطابق با آن، بسیاری از والدین به دلیل نگرانی از فضاهای عمومی و ترس از امنیت فرزندانشان در اماکن عمومی، روی به تجهیز کردن منزل برای گذران اوقات فراغت آورده و با ایجاد فرهنگ اتاق غنی از رسانه برای فرزندان، آنها را در خانه نگه می‌دارند.^۲

به این ترتیب، والدین - با دست خود- بسیاری از امکان‌های حمایتی و تربیتی خود در قبال فرزندان را کم‌رنگ و کم‌رمت ساخته و به بهانه مصون داشتن فرزندان از مخاطرات فضای عمومی حقیقی، آنها را- در مقیاسی فراگیر- در معرض بسیاری از مخاطرات فضاهای عمومی آنلاین قرار می‌دهند؛ این در حالی است که توانمندی و قدرت کنشگری مقابله با مخاطرات فضاهای عمومی- چه مجازی و چه عینی- هیچ‌گاه در یک بستر ایزوله، آزمایشگاهی و غیر واقعی نظیر فضاهای آنلاین حاصل نشده است؛ وضعیت بغرنجی که تامپسون از آن با عبارت انزوآگزینی تجربه در محل‌های مکانی- زمانی زندگی روزمره یاد کرده است.^۳

این مسئله در مطالعات اخیر صورت گرفته نیز یکی از دو نگرانی اصلی والدین بوده است: رسانه‌ها بچه‌های آنان را نسبت به مشکلات زندگی جدید- آینده- بی‌درد یا بی‌تفاوت بار بیاورد؛^۴ بلکه همواره این تعاملات و مراودات عینی، دینی و

1. Inside-Outside

۲. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۳.

۳. ر. ک: تامپسون، ۱۳۹۱: ۲۵۵.

۴. اسکافیلد کلارک و آلترز، ۱۳۸۴: ۱۰۳.

اقتصادی و آموزشی بوده‌اند که مانند منابع و ذخایر معنایی پایدار و عملی، کنشگران اجتماعی را به نحوی درونی در برابر چالش‌ها و آسیب‌های اخلاقی فضاهای عمومی - مجازی و حقیقی - یاری رسانده‌اند.

برای نمونه، می‌توان به نتایج مطالعه مردم‌نگارانه کلارک و آلترز در رابطه با وجه ممیزه مصارف رسانه‌ای دو خانواده مسلمان و کاتولیک در قیاس با سایر خانواده‌های آمریکایی اشاره کرد.

نتایج این پژوهش نمایان‌گر آن است که در خانواده‌های مذهبی به خاطر پرورش عمده باورهای اسلامی توسط والدین، بچه‌ها از قبل از زمینه بزرگتر باورهای اسلامی و یا آمیزه ارزش‌ها، مناسک، ایده‌های به دست آمده از زمینه انجیلی‌شان، به عنوان یک واسطه در مواجهه با تجارب زندگی روزمره و فرهنگ مسلط آمریکایی که شامل رسانه‌ها نیز می‌شد، استفاده می‌کردند؛ به طوری که آنها را در قضاوت‌هایشان در مورد موضوعاتی مانند سکس و انحراف در تلویزیون راهنمایی می‌کرد.

به همین سبب، می‌توان ادعا نمود که فاصله انتقادی فرزندان خانواده‌های مذهبی از رسانه، به نحو معناداری با فاصله انتقادی آنان از فرهنگ آمریکای شمالی و ارزش‌های آن مرتبط بوده است.^۱

در سایر خانواده‌های غیر مذهبی یا نیمه‌مذهبی نیز، ارزش‌ها و معانی جمعی نقش بی‌بدیلی در نحوه مواجهه اعضای خانواده با متون رسانه‌ای داشته‌اند؛ زیرا همه خانواده‌ها در چارچوب یا فلسفه‌ای از زندگی که آنها به عنوان یک خانواده قبول داشتند، فیلم‌ها و محتوای رسانه را درک می‌کردند.^۲

۱. کلارک و آلترز، ۱۳۸۴: ۱۳۹ و ۲۷.

۲. همان: ۲۴۱.

در چنین وضعیتی، اگر ارکان مذهب را شامل باورها، شخصیت‌های دینی، مکان‌های دینی و مناسک-آیین‌ها-بدانیم، واضح است که امروزه هر چهار رکن مذهب در خانواده‌های عرفی کم‌رونق‌تر و کم‌رنگ‌تر شده^۱ و هر کدام جایگزین‌های دیگری پیدا کرده‌اند؛ اما احیای مذهب و بازیابی جایگاه و منزلت پیشین عناصر دینی در زندگی روزمره خانواده‌های عرفی، مستلزم آن است که خانواده‌ها ضمن حفظ تبار و اصالت‌های معنایی ارکان اشاره شده، آنها را در هیبت و قامتی دراماتیک و حیات‌بخش با مقتضیات جهان‌زیست مدرن خود پیامیزند.

بنابراین، پیش‌بینی و تمهید تعاملات و مراودات حقیقی دینی، اقتصادی و آموزشی در زندگی روزمره خانواده و فرزندان، نقش قابل توجهی در توانمندسازی بلندمدت و آموزش رسانه‌ای مثبت فرزندان خواهد داشت.

در زمینه تعاملات اقتصادی فرزندان نیز تفویض اختیار نسبی به کودکان و به ویژه نوجوانان در اداره مخارج و هزینه‌های خانواده، می‌تواند نقش مؤثری در خودآگاهی یافتن فرزندان نسبت به هسته واقعی و پر زحمت زندگی-امرار معاش- ایفا نموده و چشم‌انداز بدیع و تکان‌دهنده‌ای از خسارت‌های عادات مصرفی خانوار و صدمات بلندمدت آن به منابع اقتصادی محدود خانواده، برای فرزندان بگشاید.

اشراف و تفهم یافتن فرزندان نسبت به کم و کیف اداره هزینه‌های زندگی را در اینجا می‌توان به منزله فاکتور و عاملی مردانه به حساب آورد که در روزگار تسریع رویه‌های مصرفی شدن خانواده، می‌تواند از روند زنانه شدن خانواده ایرانی به معنای غالب گردیدن زبان، امیال، ارزش‌ها، باورها و ذهنیت‌های زنانه^۲ جلوگیری نموده و جان دوباره‌ای به بُعد تولیدی حیات خانواده و تربیت فرزندان ببخشد؛ به طوری که هویت مردانه- ارزش‌ها، علایق و احساسات-

۱. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۳۳.

۲. همان: ۳۳۱.

ارزش و اهمیت خود را به شکلی متناسب در فضای مناسبات خانوادگی باز یافته و در نهایت توازنی پایدار و پویا میان عناصر زنانه و مردانه در بستر زیست و تربیت فرزندان حاصل گردد. روشن است که تحقق فاصله انتقادی فرزندان با ساختار و سیستم اقتصاد مصرفی و ایجاد توازن میان ماهیت زنانه و مردانه محیط رشد فرزندان، گام بزرگی در جهت دفع رویه‌های رسانه‌ای شدن خانواده و فردگرایی در روزگار کنونی خواهد بود؛ چرا که اغلب رسانه‌های جدید- به نوعی - از ساختار و سیستم اقتصاد مصرفی پیروی نموده و بسیاری از آنها نیز هم‌چون شبکه‌های اجتماعی، واجد ماهیتی زنانه و عاطفی هستند.

۴. نظارت غیر مستقیم بر مصارف رسانه‌ای فرزندان

یافته‌های یک مطالعه- نسبتاً- جدید در اروپا نشان می‌دهد تنها ۱۶ درصد از والدین تصور می‌کنند که فرزند آنها مطالب و تصویرهایی را در اینترنت دیده است؛ در حالی که بیش از نیمی از فرزندان، مطالب و تصویرهای مستهجن اینترنتی را دیده‌اند.^۱ وجود این شکاف، نمایانگر بی‌اطلاعی جبری والدین نسبت به کیفیت مصارف رسانه‌ای فرزندان است؛ شکافی که تنها در صورت پر شدن خلأ نظارتی والدین قابل جبران خواهد بود، امری که بیش از هر چیز در گرو عمومی‌سازی حداکثری مالکیت و مکان دسترسی به ادوات رسانه‌ای در محیط خانه است؛ زیرا بخش عمده‌ای از فرایند تربیت فرزندان تنها به کنترل و اطمینان از آگاهی آنها به این امر معطوف می‌شود. در این میان، مکان استفاده به طور خاص به توانایی کنترل از سوی والدین مربوط می‌شود و فناوری‌هایی که فعالیت‌های اینترنتی اعضای خانه را در موقعیت مرکزی نشان می‌دهد، می‌توانند به والدین و فرزندان در این زمینه کمک کنند.^۲

۱. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

۲. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

بر این اساس، اگر ابزارهای رسانه‌ای در فضای عمومی خانه قرار گرفته باشند، والدین می‌توانند هنگام استفاده فرزندان به نحوی غیر مستقیم و حتی مستقیم بر آنها نظارت کنند؛ این در حالی است که هم اکنون بسیاری از رسانه‌ها در اتاق خواب کودکان است؛ یعنی جایی که وساطت- نظارت- والدین را دشوار می‌کند.^۱

علاوه بر نظارت‌های نامحسوس میدانی، بررسی‌های تعقیبی و پسینی توسط والدین نیز شیوه نظارتی غیر مستقیم دیگری است که می‌تواند آگاهی و اشراف بهتری از وضعیت مصارف رسانه‌ای فرزندان به دست دهد؛ در این شیوه نظارتی، والدین با طرح رابطه دوستی در شبکه‌های اجتماعی^۲ و یا با استفاده از امکانات حافظه تکنولوژی‌های دیجیتال، اقدام به بررسی نحوه استفاده فرزندان از رسانه‌ها می‌کنند. روشن است که برای نظارت بر چند و چون کاربرد اینترنت توسط فرزندان کوچکتر، زمینه بیشتری و بهتری وجود دارد؛ در این میان، بهره‌گیری از مجرای فرزندان بزرگتر برای نظارت غیر مستقیم بر نحوه مصرف رسانه‌ای فرزندان خردسال و کودک، راهکار هوشمندانه و مفیدی به نظر می‌رسد؛ زیرا بسیاری از نوجوانان، وقتی از محدوده هیجانی دوره بلوغ عبور کنند، به آسیب‌های رسانه‌های دیجیتال وقوف پیدا کرده و پذیرش درونی لازم برای همراهی با اهداف نظارتی والدین را خواهند یافت؛ به نحوی که حتی در اقلیم فرهنگی اروپا نیز مشاهده می‌شود نیمی از کاربران ۱۸ و ۱۹ ساله اینترنت که- قبلاً- مطالب و تصاویر مستهجن را دیده‌اند، تصور می‌کنند نخستین بار که این مطالب و تصویرها را دیده‌اند، برای دیدن آن مقولات، کم سن و سال بوده‌اند.^۳

۱. کندانیز، ۱۳۹۳: ۲۱۱.

۲. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

۳. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

در چنین شرایطی، تسلط و تبحر روزآمد فرزندان نوجوان بر چم و خم کاربری رسانه‌های جدید و نیز حس صمیمت و قرابت بیشتر فرزندان کوچک نسبت به فرزندان بزرگتر، موقعیت ویژه و منحصر به فردی برای نقش‌آفرینی فرزندان بزرگتر پدید می‌آورد که می‌تواند کمک شایانی به نظارت با واسطه و غیر مستقیم والدین بر کم و کیف مصارف رسانه‌ای فرزندان کوچکتر نماید.

در این بین، حتی برای اجرای ترفند طرح دوستی با فرزندان نیز در محیط شبکه‌های اجتماعی، می‌توان بر روی ظرفیت فرزندان بزرگتر و یا خویشاوندان مورد اعتماد حساب ویژه‌ای باز کرد؛ زیرا مطالعات صورت گرفته نشان داده است وساطت گروه همسالان- به ویژه در دوران نوجوانی- کارآمدتر از وساطت پدر و مادر است؛^۱ لذا کودکانی که مایل نیستند با والدین خود در شبکه‌های اجتماعی دوست شوند، دوستی با خویشاوندان را به راحتی می‌پذیرند.^۲

۵. تکثر اعضای خانواده- فرزندان- و شبکه روابط خویشاوندی

همان‌طور که روسی^۳- محقق حوزه مطالعات خانواده- گفته است، مؤلفه تعداد اعضای خانواده یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت روابط خانواده و نشان دهنده بالا یا پایین بودن چگالی روابط است؛^۴ لذا تنها در صورت کاهش اهمیت خانواده و بُعد خانواده است که عنصر دوستی اهمیت بیشتری نسبت به روابط خانوادگی پیدا کرده^۵ و پیوندهای دوستی نقشی حیاتی‌بخش نزد جوانان و گروه‌های همکار پیدا می‌کنند تا جایی که بیشتر ارتباطات اینترنتی با دوستان محلی شده است.^۶

۱. به نقل از: پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۹ و ۲۹۱.

۲. یاردی و بروکمن، ۱۳۹۲.

3. Giovanna Ross

۴. به نقل از: لیببی، ۱۳۹۲.

۵. فاضلی، ۱۳۹۲: ۳۰۹.

۶. لیوینگستون، ۱۳۸۴.

در چنین شرایطی، فرزندان که به لحاظ شرایط فیزیکی و روحی در اوج هیجان و انرژی و تحرک به سر می‌برند، زمینه بیشتری برای دوری‌گزینی از محیط یکدست، آرام، بدون تغییر و بی‌هیجان خانواده- در یک محیط خویشاوندی و خانوادگی کم جمعیت- پیدا کرده و تمایل مضاعفی برای سوق یافتن به زیست رسانه‌ای فردی خواهند داشت.

بنابراین، رونق و اقبال خانواده و فرزندان نسبت به آیین‌های خانوادگی، در گرو تکثریابی شمار فرزندان خانوار و شبکه‌های خویشاوندی است؛ زیرا فرزندان بیش از هر چیز به انگیزه انس و دوستی با کودکان و نوجوانان هم سن و سال خود به حضور در آیین‌ها و جمع‌های خانوادگی و خویشاوندی راغب می‌شوند؛ چنان‌چه در صحنه عملی نیز خویشاوندان نزدیکی که در تمامی جمع‌های خانوادگی حضور دارند، همان والدین و فرزندان آنها هستند که بزرگ شده و پیوندهای قوی میان خانواده اصلی و خانواده‌های مشتق شده به وجود آورده‌اند؛^۱ پیوندهایی که احساس همدلی و انس و الفت میان اعضای خانواده را منتقل ساخته و مقوم روابط انسانی و عاطفی آنان هستند.

از سوی دیگر، از آن‌جایی که در خانواده‌های کم‌فرزند یا تک‌فرزند، همیشه امکان مالی بیشتری برای پشتیبانی از حیث تجهیزات و فعالیت‌های رسانه‌ای وجود دارد^۲ و فرزند ارشدی نیز در خانه حضور ندارد که همچون یک بازوی کمکی به نظارت غیر مستقیم والدین بر کاربری رسانه‌ای فرزند کوچک یاری رساند، به طور طبیعی زمینه مساعدتری برای سوق یافتن و دسترسی آزادانه و فارغ‌بالانه کودکان و نوجوانان به انواع و اقسام رسانه‌های شخصی در چنین خانواده‌هایی فراهم خواهد بود.

۱. لیبی، ۱۳۹۲.

۲. لیوینگستون و داس، ۱۳۹۳.

۶. نهادینه‌سازی ضوابط زمانی، مکانی و کیفی مصارف رسانه‌ای خانواده

چنان‌چه در مباحث مربوط به سازوکارهای ایجابی و سلبی نقش‌آفرینی والدین در حوزه مصارف رسانه‌ای فرزندان به تفصیل پرداخته شد، بسیاری از محققان حوزه آموزش رسانه‌ای، ثمربخشی و کارایی راهبرد سلبی مستقیم- به ویژه در مورد نوجوانان- را در سال‌های اخیر مورد تردید قرار داده‌اند؛^۱ شیوه‌ای که از آن با عنوان وساطت محدود کننده نیز یاد شده است.^۲

علت این امر آن است که اسلوب تحمیلی و جبری محدودیت‌های رسانه‌ای، همخوانی چندانی با ماهیت عاطفی و محبت‌آمیز روابط خانوادگی ندارد و در صورت عدم اقتناع فرزندان و پافشاری بر موضع، می‌تواند به ساختار کلی روابط والدین و فرزندان آسیب برساند؛ از این رو، امروزه سعی می‌شود محدودیت‌های جبری و سازوکارهای کنترلی مصرف رسانه‌ای کودکان و نوجوانان در سطحی کلان- فراتر از خانواده و حتی مدرسه- طراحی و پیاده‌سازی شود تا ترکش‌های احتمالی آن بر پیکره خانواده و روابط خانوادگی اصابت نکنند.

با همه اینها، عدم تحقق محدودیت‌های کلان برای مصارف رسانه‌ای فرزندان، راه چاره‌ای جز این برای خانواده‌ها باقی نگذاشته است که شماری از محدودیت‌های ضروری را به نحوی محتاطانه و مثبت در قالب ضوابط تفاهمی و اقناعی خانوادگی به اجرا گذارند؛ از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به محدودیت‌های زمانی: تعیین ساعت و روزهای فراغت برای مصرف و سقف زمانی متوازن مصرف در روز، محدودیت‌های مکانی: مکان عمومی و قابل دسترسی در مصارف رسانه‌ای و محدودیت‌های کیفی: انواع کاربری رسانه‌ای- اشاره نمود.

۱. مندوزا، ۱۳۹۱؛ باکینگهام، ۱۳۸۹.

۲. ر. ک. پاتر، ۱۳۹۱: ۲۸۳.

البته همان‌طور که لیونگستون و هلسپر در یافته‌های مطالعه خود اشاره کرده‌اند، کودکان هر چه از نظر سنی رشد می‌کنند، در پیوستار موضوعی فعالیت‌های دیجیتال رو به مراحل بالاتر پیشرفت می‌کنند و فعالیت‌های آنلاین آنها با افزایش سن افزایش می‌یابد؛^۱ لذا پیشی گرفتن و اشتغال مفرط کودکان به فعالیت‌های رسانه‌ای آنلاین، می‌تواند موجب ورود پیش از موعد کودک به مراحل پیشرفته کاربری رسانه - نظیر جستجوها و فعالیت‌های تعاملی آزادانه در فضای آنلاین - گردیده و احتمال آسیب‌پذیری بیشتر آنان از محیط رسانه‌های آنلاین را جدی‌تر سازد. با همه اینها، اجرای ضوابط و محدودیت‌ها برای مصرف رسانه‌ای فرزندان، تنها در صورت اقناع و توجیه آنها از مصالح آن، ثمربخش و موفقیت‌آمیز خواهد؛ در غیر این صورت اجرای تحمیلی و فرسایشی محدودیت‌ها - به ویژه در رده سنی نوجوانان - می‌تواند عواقب زیانباری بجای گذاشته و اعتماد میان والدین و فرزندان را به نحوی عمیق و دوجانبه سلب کند.

نتیجه‌گیری

مباحثی که در این پژوهش پیرامون سیاست‌های حمایتی خانواده در قبال مصارف رسانه‌ای فرزندان بیان شد، در یک چشم‌انداز کلی بدین معناست که تنها با پیدا کردن طرح و ایده‌ای متوازن از روابط خانوادگی واقعی می‌توان چالش‌های احتمالی حادث شده میان رسانه‌های جدید و ارزش‌های خانوادگی را حل و فصل نمود؛ طرح و ایده‌ای که تعادل و هم‌افزایی مطلوبی میان خصایل فردگرایانه و خانواده‌گرایانه حاکم بر جهان‌زیست ارتباطی عصر رسانه‌های جدید ایجاد کرده و برخلاف جهت‌گیری غالب در مطالعات رسانه‌ای، ارکان فردی و جمعی سازنده هویت را به طور همزمان به رسمیت شناخته و مفروض بدارد.

1. Livingstone and Helsper, 2007.

در این میان- همان طور که اغلب پژوهشگران و نظریه پردازان این حوزه اذعان داشته‌اند- موقعیت‌های آموزش غیر رسمی و در صدر آن خانه و خانواده، نقش بی‌بدیلی در تداوم و قوت‌یابی بستر حمایتی و جماعتی روابط خانوادگی در عصر رسانه‌های متحرک خواهد داشت؛ الگو و چارچوبی که کلارک و آلتز از آن با عنوان سرپرستی کردن بازاندیشانه^۱ و لیونگستون از آن با عنوان خانواده بازسازی شده^۲ نام برده‌اند. برای تحقق این مقاصد لازم است آگاهی‌های انتقادی والدین پیرامون قواعد و منطق عملکرد رسانه‌های جدید و نحوه سامان‌دهی مصارف رسانه‌ای فرزندان- به نحو نظام‌مند- روزآمد و مستمر تقویت گردد؛ چرا که بسیاری از والدین برخلاف اظهاراتشان، نقش مشارکتی ناچیزی در نحوه مصرف رسانه‌ای فرزندان خود ایفا می‌کنند. باکینگهام در اظهارنظرهای شخصی والدین به وجود نوعی ضرورت اجتماعی- عرفی- پی برد که به موجب آن والدین تصور می‌کردند با اعلام رفتارهای محدود کننده تصویری خوب از خود ارائه داده و والدین مسئولیت‌پذیری هستند؛ حال آن‌که فرزندانشان مدعی بودند کمتر از آن چیزی که والدین اظهار داشته‌اند با محدودیت روبرو هستند.^۳ این مسئله بیان‌گر آن است که ضرورت مشارکت در آموزش رسانه‌ای فرزندان برای بیشتر والدین امری درونی و توجیه شده است؛ اما به دلیل عدم آموزش سواد مهارتی و تحلیلی رسانه، ایده و رهیافت روشنی برای انجام این مسئولیت خود ندارند. بنابراین، یکی از ضروری‌ترین اولویت‌ها در فرایند آموزش و راهبری رسانه‌ای کودکان و نوجوانان در دوران کنونی، طراحی یک الگو و فرایند منطقی برای حرفه‌ای شدن والدین از جهات مختلف مهارتی، تحلیلی و کنشگری رسانه‌ای است.

۱. ر. ک: کلارک و آلتز، ۱۳۸۴: ۲۴۵.

۲. ر. ک: لیونگستون و داس، ۱۳۹۱

۳. باکینگهام به نقل از مندوزا، ۱۳۹۱.

در این میان، انجمن‌های اولیا و مربیان در مدارس - در قالب جلسات حضوری و یا شبکه‌های اجتماعی مجازی - مجامع، مکان‌ها، شخصیت‌ها و سازمان‌های مذهبی و دینی، آموزش‌های حین خدمت در محل کار، انجمن‌های خانوادگی و خویشاوندی حضوری یا مجازی از جمله مناسب‌ترین مجاری بالقوه برای توسعه آگاهی‌ها و سواد رسانه‌ای والدین هستند؛ به ویژه از زاویه نگاه دینی، آموزش رسانه از آن‌جا که به مثابه نقطه مخالف و متضاد ارزش‌های مصرف‌گرایی که توسط رسانه‌ها رواج پیدا می‌کند، قلمداد می‌شود،^۱ می‌تواند به عنوان اولوی‌تی حیاتی و البته علمی توسط متولیان دینی به دقت شناسایی و پیگیری شود.

فهرست منابع

۱. اسکافیلد کلارک، لین. و دایان آلتز (۱۳۸۴). رسانه، خانه و خانواده. ترجمه علی اکبر محمودزاده. مشهد: انتشارات تابران.
۲. باکینگهام، دیوید (۱۳۸۹). آموزش رسانه‌ای: یادگیری، سواد رسانه‌ای و فرهنگ معاصر. ترجمه حسین سرفراز. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. پاتر، جیمز (۱۳۹۱). نظریه سواد رسانه‌ای: رهیافتی شناختی. ترجمه ناصر اسدی، محمد سلطانی فر و شهناز هاشمی. تهران: انتشارات سیمای شرق.
۴. پستمن، نیل (۱۳۸۷). نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
۵. تامپسون، جان (۱۳۹۱). رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش.
۶. عاملی، سید سعید رضا (۱۳۹۰). مطالعات جهانی شدن: دوفضایی شدن‌ها و دوجاهانی شدن‌ها. تهران: انتشارات سمت.

۱. باکینگهام، ۱۳۸۹: ۱۸۳.

۷. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران: انتشارات تپسا.
۸. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگی ایران مدرن. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. کندانیز، رز. ام (۱۳۹۳). کودکان و نوجوانان نسل هزاره: خانواده و رسانه‌های جمعی. ترجمه فرزانه نزاکتی و فرج حسینیان. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۰. لیبی، محمد مهدی. (۱۳۹۲). مروری بر یافته‌های نوین در حوزه مطالعات رسانه و خانواده. جامعه، فرهنگ و رسانه. شماره ۶: ۹۸-۸۱.
۱۱. لیوینگستون، سونیا (۱۳۸۴). کودکان انگلیسی به اینترنت وصل می‌شوند. ترجمه داوود حیدری. رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲۷: ۶۳-۵۴.
۱۲. لیوینگستون، سونیا. ورنجانا داس. (۱۳۹۱). گزارش تحقیق رسانه و خانواده. ترجمه وحیده پیشوایی، رسانه و خانواده. شماره ۳ (پیاپی ۳۹): ۱۱۶-۱۰۱.
۱۳. مندوزا، کلی. (۱۳۹۱). بررسی وساطت والدین: روابط، چالش‌ها و پرسش‌هایی برای سواد رسانه‌ای. ترجمه امیر یزدیان. قم: رسانه و خانواده. شماره ۵ (پیاپی ۴۱): ۱۲۳-۱۰۰.
۱۴. نادعلی، منا (۱۳۹۳). خانواده و فناوری‌های سیار، تعاملی و دیجیتال. رسانه و خانواده. شماره ۱۱-۱۰ (پیاپی ۴۵): ۱۹۴-۱۶۹. (ترجمه شده)
۱۵. هیلز، مت (۱۳۹۱). فرهنگ مشارکتی: جایجایی، تعامل و هویت در «فرهنگ‌های دیجیتال: در درک رسانه‌های جدید»، ترجمه واگن سرکیسیان. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. یاردی، ساریتا. و امی بروکمن (۱۳۹۲). چالش‌های اجتماعی و فنی والدین در رویارویی با نحوه استفاده نوجوانان از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی. ترجمه منا نادعلی. رسانه و خانواده. شماره ۹-۸ (پیاپی ۴۴): ۱۴۶-۱۲۰.

17. Hasebrink, U. Livingstone, S. Haddon, L. and K Ólafsson (2009). **Comparing Children's Online Opportunities and Risks Across Europe: Cross-National Comparisons for EU Kids Online (2nd edn)**. London: London School of Economics and Political Science. EU Kids Online (Deliverable D3.2 for the EC Safer Internet Plus Programme).
18. Kiesler, S. Kimmerly, Zdaniuk, B. Lundmark, V. and R Craut (2000). **Troubles with the Internet: The Dynamics of Help at Home**. Human-Computer Interaction. 15 (4): 323-351.
19. Livingstone, S (2002). **Young People and New Media**. London: Sage Publications.
20. Livingstone, S. and E Helsper (2007). **Gradations in Digital Inclusion: Children, Young People and the Digital Divide**. New Media and Society. 9 (4): 671-696.
21. Nathanson, A. I (1999). **Identifying and Explaining the Relationship between Parental Mediation and Children's Aggression**. Communication Research. 26: 124-164.
22. Nathanson, A. I. and J Cantor (2000). **Reducing the Aggression-Promoting Effect of Violent Cartoons by Increasing Children's Fictional Involvement with the Victim: A Study of Active Mediation**. Journal of Broadcasting and Electronic Media. 44 (1): 125-142.
23. Nathanson, A.I (2001). **Parent and Child Perspectives on the Presence and Meaning of Parental Television Mediation**. Journal of Broadcasting and Electronic Media. 45 (2): 201-220.

24. Pasquier, D (2001). **Media at Home: Domestic Interactions and Regulation. In Children and their Changing Media Environment: A European Comparative Study.** ed., S. Livingstone and M. Bovill: 161-177. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
25. Schofield Clark, L (2013). **The Parent App: Understanding Families in the Digital Age.** London: Oxford university press.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن

نویسنده: بهنام ریحانی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

تعلیم و تربیت از جمله امور انسانی است که به دلیل نقش برجسته‌اش در تمام امور زندگی بشر اهمیت به‌سزایی داشته؛ به طوری که همواره مورد توجه صاحب‌نظران بوده و هر کدام با بیانی بر آن تأکید نموده‌اند. به طور کلی، پرداختن به تعلیم و تربیت هم از نظر چند بعدی بودن و هم پیچیدگی‌های خاصش در سطح نظری و عملی، آن را تبدیل به امری مهم و بی‌بدیل ساخته است. در این میان، یکی از تأثیرگذارترین و در عین حال دشوارترین مباحث در حوزه تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی نوجوانان و جوانان است؛ لذا پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و پیرو آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. فلاسفه و عالمان این حوزه نیز از دیرباز به مقوله اخلاق و حتی اخلاق از منظر تربیت، نظر داشته‌اند؛ چنانچه ارسطو غایت تعلیم و تربیت را تربیت اخلاقی و فضیلت دانسته و خواجه نصیر اراده و اندیشه را خاستگاه اخلاق دانسته است. افزون بر این، کار مربیان پرورشی نیز مانند سایر عرصه‌های دیگر زندگی انسان، آمیخته با مسائل اخلاقی است که حل مشکلات و تعارضات اخلاقی در عرصه کاری این مربیان - به ویژه در فضای مجازی - از دغدغه‌های جامعه علمی است. این پژوهش که بر اساس روش‌ها و اهداف اخلاق کاربردی نوشته شده است، به عنوان زمینه‌ساز تنظیم منشور اخلاقی در فضای مجازی برای مربیان پرورشی به شمار می‌رود که مهمترین بحث در این پژوهش، چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از این چالش است.

واژگان کلیدی: مربیان پرورشی، چالش‌های اخلاقی، فضای مجازی، راهکارهای برون‌رفت

۱. کارشناس ارشد گروه اخلاق کاربردی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران،

مقدمه

امروزه رسانه‌ها- خصوصاً رسانه‌های جمعی- عامل مهمی در اثرگذاری بر افکار عمومی و جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، جامعه دانش‌آموزی کشور و به ویژه دانش‌آموزان مقطع متوسطه- به عنوان آینده‌سازان کشور- از اهمیت و حساسیت خاصی برای مربیان برخوردارند.

ارتباط از طریق فضای مجازی در سال‌های اخیر جایگاه قابل توجهی در بین نسل جوان جامعه پیدا کرده است.

شبکه‌های اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی افراد- فردی و اجتماعی- تأثیرگذارند، در شکل‌دهی به هویت نقش دارند و حتی روی ابعاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع نیز تأثیرگذارند.

امروزه با توجه به نقشی که تاکنون در ابعاد مختلف زندگی داشته‌اند، نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در حال حاضر اینترنت و فضای مجازی ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه‌های بشری محسوب می‌شود به شرط آن‌که در راه صحیح استفاده شود که به فرموده رهبر معظم انقلاب:

اینترنت یکی از نعم بزرگ الهی است؛ اما در عین حال يك نعمت بزرگ هم هست، یعنی يك چاقوی دو دم و خطرناک.

اینترنت الان مثل يك جریان افسار گسیخته است... این مثل آن است که کسی يك سگ وحشی را بیاورد، بگویند قلاده اش کو؟ بگویند سفارش کرده ایم آهنگر قلاده را بسازد.^۱

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰: خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

بیان مسئله پژوهش

یکی از چالش‌هایی که در حال حاضر مربیان پرورشی با آن رو به رو هستند، فضای مجازی است. از طرفی ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه‌های بشری محسوب می‌شود، از طرف دیگر وجود سایت‌های مبتذل با موضوعات جنسی و رفتارهای ناشایست در این فضا موجب سخت‌تر شدن این مشکل برای خانواده‌ها و مربیان پرورشی می‌شود و سبب تهدید دانش‌آموزان در این فضا می‌شود.

ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری جوانان، خانواده‌ها و مربیان نسبت به تهدیدات فضای سایبری در درجه نخست اولویت قرار دارد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توجه والدین و مربیان به رفتار فرزندان بسیار مهم است و برای جلوگیری از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط شوند و آگاه باشند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آنهاست و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آنها به صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود. بر این اساس، اگر مربیان و خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط دانش‌آموزان آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از انجام بسیاری از جرایم و ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل می‌آید.

برای اینکه به راهکارهای عملی برخورد با آسیب‌های اجتماعی ناشی از فناوری اطلاعات برسیم، باید آسیب‌شناسی کرد و به وجود آسیب‌ها اعتقاد داشت.

اگر رهبر معظم انقلاب خطر تشکیل ناتوی فرهنگی و فعلیت تهاجم را گوشزد می‌کنند و اگر باور کنیم که دشمن برای از بین بردن هویت دینی و ملی مردم و فرو ریختن سد عظیم آنها، صحنه جنگ را به داخل خانه‌ها آورده است، باید شیپور

جنگ را به صدا درآورد و با نواختن این شیپور همه را از این موضوع با خبر کرد؛ همچنین ابزارهای لازم را در اختیار مردم قرار داد.

مفهوم مربی

مربی اسم فاعل باب تفعیل از ماده «ر ب و» به معنای رشد و نمو و زیادت است. مربی در لغت به کسی گفته می‌شود که رشد و نمو دیگری را بر عهده داشته باشد و بر وجود او بیفزاید؛^۱ این معنا شامل مربی در تربیت بدنی، تربیت ذهنی و تربیت اجتماعی می‌شود. در این تحقیق مراد از مربی، مربی پرورشی است؛ یعنی کسی که در ارتباط نزدیک با دیگری بتواند او را متحول کند، بار آورد و پایبندی اخلاقی یا بهره‌های معنوی را در وجود او بیفزاید.

در اصطلاح عرفان عملی مراد از مربی انسان وارسته‌ای است که در عمل به شریعت و دریافت‌های دینی و معنوی توانا باشد و مهارتی داشته باشد که جوینده کمال را در انتقال از عالم طبیعت به سوی خدا یاری دهد. به چنین کسی استاد، مرشد، پیر، مراد، ولی، شیخ، قطب، غوث، دلیل، خضر، هادی و مقتدا گفته می‌شود. همان‌گونه که در ادامه بیان خواهد شد، نقش مربی در عرفان- بیشتر- ناظر به مراتب بالای رشد معنوی و فاصله گرفتن از روابط مادی است.

دورنمایی از مقصد رشد

اهداف تربیت از آن جهت بیان می‌شود که با دغدغه‌های مربی پرورشی و تلاش‌های او بیشتر آشنا شد؛ همچنین بیان نمونه‌های ملموس به جای بیان امور کلان- مانند رشد و کمال و سعادت- به مخاطب کمک می‌کند از فضای انتزاعی و دیرپاب مباحث بیرون آید و از نزدیک با عرصه کار تربیتی مواجه شود.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۳۵

با این مقدمه، ارزش‌های اخلاقی به چهار حوزه اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و خانوادگی تقسیم می‌شوند که نمونه‌هایی از هر یک معرفی می‌شود؛ البته به صورت کلی، مربی پرورشی تلاش می‌کند باورها، روحیات، عادات و رفتارهای شایسته‌ای در جان‌متربی ایجاد کند و او را از شر عقاید، انگیزه‌ها و عادات بد نجات دهد.

۱. در حوزه اخلاقی بندگی تلاش‌های مربی معطوف به امثال چنین غایاتی است: متربی به نماز خواندن عادت پیدا کند و عبادت و ذکر و مناجات با خدا برای او ملکه شود، ایمان و معرفت در وجود او تقویت شود، از خدا بترسد و به او امیدوار باشد، بر خدا توکل و به او توجه کند، به یاد او باشد، با او ارتباط برقرار کند و سخن بگوید، از او درخواست و تقاضا کند و تنها از او کمک خواهد.

۲. در حوزه اخلاق فردی مربی باید شخصی منظم و آراسته باشد، برای زندگی خود برنامه داشته باشد، بر خود مسلط باشد و بتواند هیجان‌ات خود را مدیریت کند، از پرخویی و پرگویی و لغو پرهیز کند و هوس‌های خود را مهار کند، بسیار امیدوار و زرنگ و پرکار و پرنشاط باشد، همواره احساس مسئولیت کند و زندگی را جدی ببیند، هدفمند و آرمان‌گرا باشد، قدر لحظات عمر خود را بدانند، به دنبال رشد باشد و روز به روز در حیات انسانی پیشرفت کند، بتواند به خوبی تصمیم بگیرد؛ یعنی مراحل تصمیم‌گیری را بلد باشد و به خوبی اجرا کند، دوراندیش، متفکر، دانا و حکیم باشد و برای اجزای شخصیت خود و نیز برای توازن و تناسب و اعتدال شخصیتی خود ارزش قائل باشد، قاطع و مصمم باشد و از استقامت و پیگیری لازم برای دنبال کردن اهداف برخوردار باشد.

۳. در حوزه اخلاق اجتماعی مربی تلاش می‌کند مرتبی را به چنین افقی برساند که به حقوق دیگران احترام بگذارد، به حضور دیگران واکنش شایسته نشان دهد، برای دیگران ارزش قائل باشد، خود را برتر از دیگران نیند، برای دیگران خیر بخواهد، از حسادت و بدگویی و دروغ و غیبت و تهمت و ظلم بپرهیزد، به کار خدمت دیگران باشد، سعی کند گره از مشکلات دیگران باز کند، در ایفای نقش اجتماعی خود کارآمد باشد و نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی حساس باشد.
۴. در حوزه اخلاق خانوادگی نسبت به خانواده خود احساس مسئولیت کند و غیرت ورزد، مهربان باشد، در تربیت آنان بکوشد و برایشان وقت بگذارد. علاوه بر این موارد، لازم است مرتبی از آسیب‌های روانی و عوارض روان‌شناختی مانند افسردگی، وسواس و پرخاشگری نیز به دور باشد.^۱

ارزش و مقام مربی

پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را به دانش‌پژوهی و اندیشیدن و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آنان بیفزاید و قرآن مجید نیز در تشویق به ایمان و دانش‌اندوزی فرموده است: خداوند مقام آن گروه از شما که ایمان آورده باشند و کسانی که به آنها دانش عطا گردیده، رفیع می‌گرداند.

در قرآن کریم، مربی جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی است تا جایی که نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد به این صورت بود:

«إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^۲؛ بخوان به نام پروردگارت

۱. عالم‌زاده نوری و همکاران، ۱۳۹۳.

۲. علق، ۱-۵.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۳۷

که جهانیان را آفرید، انسان را از خون بسته سرشت، بخوان و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست.

ماهیت مربی پرورشی

برای شناخت ماهیت مربی، لازم است نقش عملکرد او را بهتر شناخت؛ مربی پرورشی یک مسئولیت مرکب و پیچیده دارد، می‌آموزد، تذکر می‌دهد، نظارت و ارزیابی می‌کند، انگیزه می‌بخشد، همراهی می‌کند و در مجموع، آن‌قدر تلاش می‌کند تا مربی را بار آورد؛ یعنی یک تغییر شخصیتی پایدار در وجود او ایجاد کند.

به عنوان نمونه؛ به عملکرد یک مربی ورزشی توجه کنید: تعلیم، تذکر، نظارت، ارزیابی، انگیزه‌دهی، همراهی و مدارا می‌کند تا جسم مربی را از یک مدار به مدار دیگر آورد و توان و مهارتی پایدار در او ایجاد کند.

معمولاً برخورد انسان‌ها با یکدیگر در سطحی افقی و از منظر حقوق و تکالیف صورت می‌گیرد؛ اما ممکن است در مواجهه با دیگران پا از قلمرو فردیت فراتر گذارد و از سر رحمت و شفقت موضع درمان‌گرانه و اصلاحی بگیرد؛ البته نه اصلاح وضع زندگی و معیشت ظاهری که در این صورت یک خادم اجتماعی خواهد بود، بلکه اصلاح نگرش‌ها، بینش‌ها، پسندها، خلیات و عادات دیگران؛ این چنین مواجهه‌ای یک مواجهه تربیتی است که از مربی انتظار می‌رود.^۱

ضرورت مربی پرورشی

اکنون وقت آن رسیده که از جایگاه مربی پرورشی در تربیت اخلاقی با طرح پرسش زیر، سخن گفت:

۱. عالم‌زاده نوری و همکاران، ۱۳۹۳.

- آیا در فرآیند تربیت، حضور مربی ضروری است، چگونه و تا چه میزان این حضور، لازم است؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است ابتدا اصل پرسش به خوبی تعیین شود؛ وقتی گفته می‌شود مربی ضرورت دارد، یعنی بدون حضور مربی و همکاری او تربیت اخلاقی و تحول انسانی انجام نمی‌پذیرد و آدمی نمی‌تواند به مقصد برسد.

واژه «نمی‌تواند» قابلیت دو تفسیر دارد:

۱. عدم امکان عقلی؛ یعنی بدون دستگیری و همکاری مربی رسیدن به رشد اخلاقی یا معنوی امکان‌پذیر نیست.

۲. عدم وقوع غالبی؛ یعنی هر چند رسیدن به رشد اخلاقی یا معنوی بدون دستگیری و همکاری مربی، امکان عقلی دارد و چه بسا واقع نیز شده باشد، اما بسیار دشوار است و - نوعاً - محقق نمی‌شود؛ لذا این احتمال که کسی بدون مربی به مقصد برسد، بعید است.

بنابراین، می‌توان پرسش را این‌گونه بیان کرد:

- آیا مربی نقش بی‌بدیلی در تربیت دارد، یعنی بدون حضور او فرآیند تربیت انسان همواره مختل و ناممکن است یا امر تربیت بدون فرض مربی - نوعاً و نه دائماً - مختل و نامحقق است؟

هرگاه ضرورت مربی به یکی از دو معنای بالا ثابت شود، متناظر با مراجعه به مربی نیز ضرورت می‌یابد؛ به بیان دیگر، لازمه ضرورت مربی وجوب مراجعه به او و تبعیت از اوست:

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۳۹

فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الْفَيِّقِ الْعَالِمِ الْمُجَرَّبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَتُعْقِبُ
النَّدَامَةَ؛^۱ نافرمانی از دستور نصیحت‌کننده مهربان، استاد دانا و با تجربه،
باعث اندوه و پشیمانی خواهد شد.

آسیب‌های ناشی از استفاده نادرست و کنترل نشده از فضای مجازی

در این بخش به برخی پیامدهای عمومی استفاده گسترده از اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در جامعه که - عمدتاً - از سوی نوجوانان و جوانان - دانش‌آموزان - صورت می‌گیرد، اشاره می‌شود:

استفاده از اینترنت و فضای مجازی به خودی خود ابزار بی‌ضرری است؛ اما استفاده بیش از حد و نادرست و مهار نشده از این فضا ممکن است آثار منفی بر سازگاری اجتماعی، درسی، زناشویی و روابط میان‌فردی، سلامت روانی و جسمانی، روابط خانوادگی و وضعیت هیجانی افراد داشته باشد که این پدیده مشکل عمده‌ای را برای بهداشت روانی جامعه ایجاد کرده است.

به طور کلی، تأثیرات منفی استفاده از اینترنت و فضای مجازی زمانی افزایش پیدا کرد که کامپیوتر و موبایل به منازل، مدارس، دانشگاه‌ها و مشاغل راه پیدا کرد.^۲ به طور واقع فضای مجازی و اینترنت نقش مهم و روزافزونی در زندگی نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند. جاذبه این امر باعث شده تا بسیاری از جوانان و نوجوانان به جای تعامل با همسالان و والدین، کامپیوتر و موبایل را برگزینند.

این همنشینی، به مرور زمان شیرینی در جمع بودن را از فرد می‌گیرد و می‌تواند منجر به انزوا و افسردگی شود؛^۳ همچنین فضای مجازی با داشتن ویژگی‌های

۱. عالم‌زاده نوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۳.

۲. ناستی‌زایی، ۱۳۸۸؛ مسعودنیا، ۱۳۹۰.

۳. درگاهی و رضوی، ۱۳۸۶.

منحصر به فرد مثل دسترسی آسان سهولت استفاده، گمنامی کاربران و هزینه پایین، در سالیان اخیر به یکی از عمومی‌ترین رسانه‌های جمعی جهان تبدیل شده است.^۱ استفاده از فضای مجازی در بین نسل جدید جامعه در حال گسترش است و بخشی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد. امروزه برای خرید، جمع‌آوری اطلاعات، گفتگو با سایر کاربران و بسیاری از فعالیت‌های دیگر از اینترنت استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هیچ جنبه‌ای از زندگی نیست که تحت تأثیر این دهکده جهانی قرار نگرفته باشد.^۲

فناوری فضای مجازی به طور وسیعی در جوامع گسترش پیدا کرده است؛ بدین معنا که مردم نقاط مختلف در سراسر کره زمین به مثابه یک دهکده، امکان برقراری ارتباط با یکدیگر و اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی را دارند. در چند سال اخیر شاهد تحولات شگرف فناوری و تأثیرات، فرهنگی، اجتماعی و حرفه‌ای ناشی از آن هستیم، انقلاب الکترونیک، انفجار اطلاعات و انقلاب رایانه‌ای تفاوت کمی و کیفی بسیاری را در جهان نسبت به دو دهه پیش با خود به همراه آورده است و آن تبدیل جهان به یک کل واحد است. بر این اساس - اینترنت - بازاری جهانی برای خرید و فروش اطلاعات است که می‌توان از این بازار به نحو مطلوب استفاده شود؛ اما در جامعه ایران به جهت وجود محدودیت‌هایی، اینترنت به منزله ابزاری برای آشنایی افراد مطرح است. به طور کلی، اینترنت دارای خدمات گوناگونی است از قبیل: وب‌سایت، وبلاگ، ایمیل، پروفایل، گروه‌های اینترنتی، چت و انواع خدمات جستجو.

۱. فیاض‌بخش و همکاران، ۱۳۹۰.

۲. سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸.

چالش‌های اخلاقی مریمان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۴۱

از طرفی ایجاد امنیت اینترنتی برای افراد- به خصوص نسل جوان- لازم و ضروری است؛ زیرا غالب جوانان و نوجوانان اطلاعات ناچیزی از خطرهای اینترنت دارند. امروزه دنیای رایانه هویت‌یابی نسل جوان را در ابعاد فکری و اخلاقی تحت تأثیر قرار داده و موجب اعتیاد نو و مدرن شده و بدین وسیله سبب آسیب اجتماعی می‌شود.

سودجویان نیز از طریق اینترنت به راحتی کالای خود را تبلیغ می‌کنند، خبرهای دروغ را برای جوامع می‌فرستند، ابهت فرهنگی و دینی خانواده‌ها را می‌شکنند و زمینه‌های آشفستگی هویت را برای جوانان فراهم می‌کنند.

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت و فضای مجازی سبب احساس ناکامی، تنهایی، اضطراب و در مجموع کاهش سلامت روانی می‌شود.

پیامدهای منفی استفاده از فضای مجازی از جمله تغییر دادن سبک زندگی به منظور صرف زمان بیشتر در اینترنت، بی‌توجهی به سلامت خود، اجتناب از فعالیت‌های مهم زندگی، افت شدید درسی و تحصیلی، کاهش روابط اجتماعی، نادیده گرفتن خانواده و دوستان، مشکلات مالی ناشی از هزینه‌های بهره‌بردن از اینترنت و فضای مجازی نام برد.

در پژوهشی نشان داده شد که ارتباط اینترنتی و میزان استفاده از این فناوری به صورت منفی با ادراک نوجوانان از کیفیت ارتباط با فامیل رابطه دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نوجوانانی که- معمولاً- از اینترنت استفاده می‌کنند با والدین، دوستان و مربیان خود دچار مشکل هستند و این مسئله بر کیفیت ارتباط آنها اثر می‌گذارد؛ لذا دانش‌آموزان در تمام سنین ممکن است تا حد نزول نمره‌های درسی و به هم خوردن روابط دوستانه آنها در اینترنت، زمان صرف کنند.^۱

در مطالعه برانی و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده شد که اضطراب، هم به عنوان یک برآیند و نتیجه استفاده از اینترنت و هم یک عامل خطر برای استفاده از آن است؛ به بیان دیگر، نشان دادند مشکلات، روانی - مانند اضطراب - نه تنها نتیجه، بلکه علت استفاده ناسازگارانه از اینترنت است.

همچنین در مطالعه خود اضطراب را هم به عنوان نتیجه و هم به عنوان یک عامل خطر در استفاده از اینترنت معرفی کردند. آنها با مطالعه درباره جوانانی که استفاده از اینترنت داشتند، نشان دادند که هر مقدار جوانان احساس اضطراب بیشتری را در مدرسه گزارش کرده بودند، به همان اندازه استفاده از اینترنت به ویژه به صورت ارسال پیام نیز بالاتر بود.^۱ محققان شکل‌های متعددی برای استفاده آسیب‌شناختی از اینترنت برشمرده‌اند که از جمله می‌توان به معاشرت افراطی از طریق چت، ایمیل، تبادل پیام، بازی‌های کامپیوتری، فعالیت‌های جنسی از جمله تماشای وب سایت‌های مربوط به بزرگسالان، فعالیت‌های آنلاین افراطی مانند قماربازی و هک کردن یا برنامه‌نویسی کامپیوتری اشاره کرد.^۲ از دیگر چالش‌هایی که فضای مجازی برای مربیان پرورشی ایجاد می‌کند، می‌توان به مشغول شدن فکر افراد به مسائلی که آنها را از شکوفایی باز می‌دارد اشاره کرد؛ زیرا ذهن فعال بزرگترین سرمایه برای جامعه امروزی است؛ اما وقتی ذهن به عوامل مبتذل مشغول شود، جایی برای خلاقیت و سازندگی باقی نمی‌ماند. بیان این نکته لازم است که برای پر کردن اوقات فراغت استفاده از فضای مجازی مانعی ندارد؛ اما تنها استفاده از سرگرمی که فعالیت‌های مفید زندگی را تحت الشعاع قرار دهد و فکر را معطوف به عواملی کند که جز گمراهی سودی ندارد، می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شود.

۱. مسعودنیا، ۱۳۹۰.

۲. همان.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۴۳

در این میان نقش خانواده در هدایت استفاده از اینترنت به سزاست؛ لذا آشنایی فرزندان با خطرات جسمانی، رفتاری و اخلاقی و تقویت مبانی ارزشی، اخلاقی و دینی فرزندان و نیز ایجاد خودکنترلی و خودایمنی در آنها برای استفاده بهینه از فناوری‌های جدید، با اهمیت است.

نتایج تحقیقات و نیز نظر متخصصان مؤید این نکته است که بهترین کاری که می‌توان در این خصوص انجام داد، این است که قبل از فراهم‌آوری امکان استفاده از اینترنت، یک خط‌مشی کامل و دقیق درباره نحوه استفاده از اینترنت ترسیم شود.

بر این اساس، والدین می‌توانند ضمن آن‌که رایانه را در مکان عمومی منزل بگذارند، زمانی را به استفاده از اینترنت اختصاص دهند و خود نیز در این زمینه همراهی کنند.

البته هر یک از وسایل ارتباط جمعی اینک به لحاظ تسهیل امور، آثار مثبتی در جامعه داشته و دارند به لحاظ سوءاستفاده‌ای که از آنها می‌شود، ممکن است آسیب‌هایی برای جامعه به دنبال داشته باشند؛ لذا هر چه وسایل ارتباط جمعی - بیشتر - قابل کنترل باشند، آسیب‌هایی ناشی از آنها کمتر است.

به طور کلی، مهم‌ترین آسیب‌های فضای مجازی و اینترنت را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد که البته دو مورد آخر - به صورت تفصیلی - بیان می‌شوند:

۱. آسیب فکری؛ استفاده از حد متعارف از اینترنت به وابستگی شدید روانی

و فکری می‌انجامد.

۲. آسیب جسمانی؛ موجب فشارهای عصبی، چاقی، انزوا و چشم درد می‌شود.

۳. آسیب اجتماعی - فرهنگی؛ گاهی مشاهده می‌شود که افراد چنان در اتاق‌های

گفتگو غرق می‌شوند که حتی زمان صرف غذا را فراموش می‌کنند. این

دسته افراد، علائمی شبیه الکلی‌ها یا معتادان دارند؛ لذا بسیاری از آنها از

بی‌خوابی رنج می‌برند، خسته‌اند و روابطشان با اطرافیان به حداقل رسیده است.

۴. گسست فکری و عاطفی؛ با ورود اینترنت و رایانه به درون خانواده‌ها بین والدین و فرزندان جدایی فکری- عاطفی و فیزیکی رخ می‌دهد، هم‌چنان که پیشرفت خیره‌کننده فناوری تأثیرات محسوس و نامحسوس زیادی را بر زندگی دختران گذاشته است.

۵. درگیری احساسی در اینترنت و فضای مجازی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که دانش آموزان با آن مواجه هستند، عشق اینترنتی و رابطه‌های جنس مخالف در آن است؛ معضلی که مربیان پرورشی بایستی برای این چالش با آگاهی کامل به حل آن بپردازند.

بر این اساس، بسیاری از روانشناسان، تحقیقات خود را به آن اختصاص داده‌اند و برنامه‌های زیادی در رسانه‌ها و مجامع به آن می‌پردازند و البته یکی از بزرگترین نگرانی‌های خانواده‌هایی شده است که فرزندان‌شان به این وسیله گرایش دارند؛ زیرا سایت‌هایی وجود دارد و چت‌روم‌هایی طراحی شده‌اند که مکانی برای دوست‌یابی دختران و پسران است و بسیاری از افراد تنها هدفشان از وارد شدن به این سایت‌ها یافتن دوست و گاهی انتخاب همسر برای آینده خود است.

۶. جاسوسی اینترنتی

دسترسی آسان به سایت‌های جاسوسی رژیم آمریکا و رژیم صهیونیستی و کشورهای دیگر، امکان ارسال و دریافت ایمیل به هر نقطه از دنیا و غیر قابل کنترل بودن داده‌های مبادله شده در ایران، ضریب انجام جاسوسی از طریق اینترنت و فضای مجازی را بالا برده است.

ابعاد اجتماعی استفاده از فضای مجازی و اینترنت

۱. ارتباطات نامتعارف میان قشر جوان

جوانان، یکی از گروه‌های سنی هستند که علاقه شدیدی به اینترنت و فضای مجازی نشان داده‌اند. این رسانه به واسطه چندگانگی و نیز قدرت جذب افراد، جایگاه ویژه‌ای در میان این گروه سنی در سراسر دنیا پیدا کرده است.

چالش‌های اخلاقی مرزبان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۴۵

فضای مجازی به دنیای مجازی ایجاد ارتباط و ابراز عقاید جوانان تبدیل شده و این حالت در کشورهای گوناگون از شدت و ضعف برخوردار است. اینترنت و فضای مجازی، فضای لازم برای بروز هیجانات جوانان را فراهم می‌آورد؛ این افراد به راحتی می‌توانند در حالی که در محیط خانه یا مدرسه هستند با دیگران ارتباط برقرار نمایند. به طور کلی، فضای مجازی شکل‌های جدیدی از انسان اجتماعی تولید می‌کند و جوانان به لحاظ انعطاف‌پذیری در پذیرش اجتماع جدید انسانی، بیشترین علاقه را به این رسانه نشان می‌دهند.^۱

امروزه در سایه رشد و گسترش روزافزون فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، یکی از روش‌های جدید دوست‌یابی و ایجاد ارتباط با سایرین، استفاده از اینترنت - مخصوصاً - فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است.

در این مقوله، اتاق‌های گفتگو که به چت‌روم معروف هستند و در سایت‌های گوناگون در دسترس همگان قرار دارند، بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. افزایش امکانات تصویری در این سایت‌ها باعث شده است با نصب یک دوربین کوچک روی مانیتور، امکان ارتباط چهره به چهره نیز فراهم شود تا فضای ارتباطی حالتی طبیعی‌تر به خود بگیرد. این فناوری پیشرفته، انقلابی در نزدیک‌تر شدن افراد در سراسر دنیا به یکدیگر ایجاد کرده است؛ اما این ارتباط در چت‌روم‌ها و از طریق فضای مجازی، نوع جدیدی از عشق‌های مجازی را ایجاد نموده که به عشق‌های اینترنتی معروف است.

چت یکی از پرطرفدارترین امکانات فضای مجازی در ایران است؛ به طوری که بسیاری از زوج‌ها، دوست دخترها، دوست پسرها، نامزدها - زن و مرد - هستند که از طریق اتاق‌های گفتگو با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

البته گروه‌هایی به صورت آنلاین هستند که افراد مجرد در زمان‌های مشخص به آنها پیام فرستاده و متقابلاً پیام دریافت می‌نمایند و گاهی این ارتباط ساعت‌ها به طول می‌انجامد و موجب گمراهی آنها از ارتباط حقیقی نمی‌شود؛ اما عده‌ای نیز همراه می‌شوند و نمی‌توانند خود را از شبکه آشفته فضای مجازی رها کنند؛ نمی‌توانند معشوقه‌های جدید مجازی خود را کنار زده و یا آنها را مهار کنند، بر عکس آنها را بر روابط زندگی خود ترجیح می‌دهند.

در ارتباط مجازی، دختران به لحاظ احساس خطر یا بروز شرم در حضور جنس مخالف، ترجیح می‌دهند در دنیای مجازی و فارغ از دغدغه‌های حضور واقعی به گفتگو بپردازند. دختران در این شرایط به لحاظ غلیان احساسات و گرایش‌های جدید و ناملموس در خود، علاقه وافری به این نوع ارتباط نشان می‌دهند و به طور معمول از هویت و شناسه‌های غیر واقعی برای حضور و معرفی خود استفاده می‌کنند. بنابراین، زنان بیشتر به دنبال گروه‌های دوستی و حمایت و روابط عاشقانه هستند؛ در مقابل، مردان در اینترنت به دنبال راه‌هایی برای کسب قدرت و شهوت و همین‌طور رؤیای جنسی خود هستند.^۱

در مجموع، این فضا به دلیل تسهیل ایجاد روابط دوستانه و عاشقانه با سرعت نور، در زمینه‌های غیر اخلاقی بسیار مورد توجه است. اغلب، گسترش روابط غیر اخلاقی مجازی در عرصه اینترنت، در جهت روابط غیر اخلاقی واقعی صورت می‌گیرد. در این میان، شبکه اینترنت مجال مناسبی برای رشد و توسعه انواع مختلف رفتارهای غیر اخلاقی است؛ این پدیده یک فضای مجازی برای فعالیت‌های غیر اخلاقی می‌آفریند. همچنین موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی و روابط نامشروع می‌شود.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۴۷

اگر اصول اخلاقی نادیده گرفته شود، می‌توان گفت اینترنت چیز خوبی است که می‌توان به آسانی به دنبال اعمال غیر اخلاقی، قماربازی، خرید و فروش و بورس‌بازی در آن رفت بدون این‌که مجبور شد با انسان‌های مختلف تعامل و برخورد رو در رو داشت. نتیجه آن‌که روابط غیر اخلاقی برخط، به طور معمول برخط باقی نمی‌ماند و در بسیاری موارد به روابط فیزیکی می‌انجامد؛ البته جذابیت این مسئله قابل انکار نیست، اما به نظر معقولانه می‌رسد که برای قابلیت تغییر رفتاری اینترنت، چند متغیر تحریک برانگیز مهیج و نگهدارنده را برشمرد.

این متغیرها عبارتند از: روابط نزدیک غیر اخلاقی، فقدان کنترل و بازدارندگی، فقدان مسئولیت‌پذیری، فقدان محدودیت زمانی و احساس تحت کنترل نبودن.

۲. جرایم رایانه‌ای و اینترنتی

شاید هک شدن سایت بانک ملی ایران و شبکه شتاب یکی از نخستین نشانه‌های ورود ایران به جامعه اطلاعاتی باشد؛ با این حال گسترده بودن تعداد سایت‌های آموزش هک و بالا بردن تعداد هکرها و آمار بالای سایت‌های هک شده حکایت از رسوخ این پدیده به جامعه دارد.

بر این اساس، گسترش شبکه‌های مجازی تجارت الکترونیک و آنچه به نام «گلد کوئیست» و «پنتاگون» و چند نام دیگر شناخته شده است، آسیب‌پذیری ساختار ایران در این زمینه را نشان می‌دهد.

۳. انحراف‌های اخلاقی و فردی (سوء استفاده جنسی)

در سال ۱۹۹۹ میلادی گردهمایی جهانی با عنوان «کارشناسی برای حمایت کودکان در برابر سوء استفاده جنسی از طریق اینترنت» برگزار گردید که منجر به صدور قطعنامه‌ای شد که در آن آمده است:

هرچه اینترنت بیشتر توسعه پیدا کند، کودکان بیشتر در معرض محتویات خطرناک آن قرار خواهند گرفت. فعالیت‌های محرمانه مربوط به فحش‌های کودکان و پورنوگرافی که از طریق اینترنت مورد استفاده واقع می‌شود، اکنون از مسائل حاد به شمار می‌رود. نتیجه آن‌که کار با اینترنت، امکان و ضریب انحراف اخلاقی جوانان را بالا برده است.

۴. انزوای اجتماعی

انزوای اجتماعی وضعیتی است که در آن ارتباطات فرد مذکور و حمایت اجتماعی وی در سطح پایینی قرار دارد. انزوای اجتماعی را می‌توان فقدان ارتباط و سست شدن پیوندهای میان افراد با یکدیگر و با جامعه دانست.

امروزه فضای مجازی در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی می‌گذرانند بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چراکه فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورد. نتایج پژوهش شاندرز^۱ نشان داد که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند.^۲

بررسی محققان نشان می‌دهد شاید هیچگاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود، آگاه نباشند و در صورت آگاهی آن را تأیید نکنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق می‌کند. پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که دنیای اجتماعی در آینده دنیایی منزوی باشد؛ چرا که

1. Chanders

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۴۹

اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیت‌های کاذبی که برای نوجوانان ایجاد می‌کند، آنها را به خود معتاد ساخته و جانشین والدین می‌شود.

۵. بلوغ جنسی زودرس در اتاق‌های گفتگو و شبکه‌های اجتماعی

بخش مهمی از محتواهای ارائه شده در فضای مجازی - به خصوص سایت‌های زندگی دوم، بدون در نظر گرفتن اقتضای سنی مخاطب - حاوی مباحث جنسی در سطوح مختلف است که چون در سیستم آموزش و پرورش و خانواده به طور صحیح این اطلاعات به فرزندان منتقل نمی‌شود، ممکن است به سرعت در معرض دید و برداشت و تحلیل کاربران نوجوان قرار گیرد و به تدریج جوان و نوجوان را که در شرایط خاص جسمی و غلیان غرایز جنسی که آمادگی آن را ندارد، قرار دهد و فرزندان را دچار سردرگمی و انحراف از مسیر ارزش‌های جامعه نماید.

با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند؛ چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند، یعنی اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیت‌های متنوع نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.

از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکل‌گیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگونی است؛ عمده‌ترین این منابع، خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان است. از این میان رسانه‌های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آن اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند و گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای موجب شده شکل‌گیری نظام شخصی و هویت افراد تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرار گیرد.^۱

۶. تهدید بنیان‌های خانواده و نارضایتی‌های خانوادگی

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا است، ضعف بنیاد خانواده است. از آن‌جا که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن از اهمیت بالایی برخوردار است. آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده‌ها به شمار می‌رود؛ چرا که جوانان باید بتوانند به خصوص برای زندگی‌های مشترک آماده شوند و سعی نمایند روابط خود را با پیرامون- در حد متعارف و قابل قبولی- تنظیم نمایند.

صرف‌نظر از آمار و ارقام بالا و روزافزونی که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسایل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی و نارضایتی‌ها از زندگی خانوادگی باعث ناکامی‌ها و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان شده است که نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد؛ لذا این مسائل باید ریشه‌یابی و درمان شوند.

امروزه با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی در خانواده، خانواده ایرانی با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده است. در بررسی وضعیت خانواده‌های ایرانی می‌توان گفت که در معرض تغییرات مهمی که ناشی از پیدایی و ورود تکنولوژی‌های جدید به حریم خانواده است، قرار دارند.

در میان تکنولوژی‌های نو، اینترنت به لحاظ ویژگی‌های خاص، دارای اهمیتی شگرف است؛ زیرا سبب شده تا ساختار تازه‌ای در خانواده‌های ایرانی در شرف تکوین باشد.

در خصوص این پدیده، آن‌چه در خانواده‌های ایرانی مشاهده می‌گردد این است که حضور این رسانه و به طور کلی رایانه شخصی، ارتباطات خانوادگی را دستخوش تغییر نموده است.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۵۱

به طور کلی، استفاده از فضای مجازی، فعالیتی زمان‌بر است که مدت تعامل افراد خانواده را با یکدیگر کاهش می‌دهد. در این میان جوانان به واسطه فراغتی که دارند- نسبت به بزرگسالان، مدت زمان بیشتری را به فضای مجازی اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر، فضای مجازی کشمکش‌های جدیدی را در خانواده ایجاد می‌کند که شامل زمان استفاده از اینترنت، نوع صفحاتی که توسط اعضای کاربر خانواده مورد استفاده واقع می‌شود و دستیابی جوانان و والدین آنان به اطلاعات خصوصی یکدیگر است؛ چنانچه جوان در پیوندهای عاطفی و درک متقابل با سایر اعضای خانواده دچار مشکل باشد، احساس تنهایی، افسردگی و بی‌تفاوتی کرده و برای جبران آن به یک دوست و سرگرمی خاص روی می‌آورد که فضای مجازی مناسب‌ترین محمل برای این مقصود است. بنابراین، یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و نیز نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده و باعث گردیده سطح توقع و رضایت از زندگی‌های مشترک را به خصوص در میان نسل جوان بالا ببرد. تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد- به نوعی- تحریف می‌شود.

از طرف دیگر، لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها مانند فیلم‌ها و سریال‌ها در اذهان جوانان نقش می‌بندد تا حد بسیار زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نخواهند بود و این می‌تواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد. نتیجه آن‌که تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی- به نوبه خود- بنیان‌های خانوادگی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. تغییرات تکنولوژیکی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ لذا یکی از چالش‌های فراوری فرهنگ‌ها بر خورد با این پدیده است، چون ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی در کشورهای دیگر به وجود آورده است.

از آن جا که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی - ارزش های اسلامی و ایرانی - است، پس اینترنت می تواند آسیب های زیادی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال؛ ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده ها می شود؛ هم چنان که در یک مطالعه تجربی نشان داده شد استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزش های خانواده شده است.

۷. اعتیاد اینترنتی

یکی از آسیب های اینترنت، اعتیاد به آن است به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده کننده از اینترنت در آمریکا، ۲ تا ۵ میلیون دچار اعتیاد اینترنتی شده اند و با معضلات زیادی گریبان گیر هستند.^۱

در جامعه ایران نیز با گسترش روزافزون اینترنت، این مسئله مشاهده می شود؛ به نحوی که نتیجه تحقیقات انجام شده در کشور نشان می دهد که بیشترین استفاده کنندگان از اینترنت جوانان هستند و ۳۵ درصد از آنها به خاطر حضور در چت روم، ۲۸ درصد برای بازی های اینترنتی، ۳۰ درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و ۲۵ درصد نیز به دلیل جستجو، در شبکه جهانی هستند.

توان اعتیاد آورنده مواد مخدر، بر اساس سرعت جذب مواد مزبور به بدن انسان است؛ اما در مورد اینترنت، این سرعت و در دسترس بودن آن است که ایجاد اعتیاد می کند. اگر این فرضیه درست باشد، باید با افزایش سرعت مودم ها و سهولت دسترسی، منتظر سطوح بالاتری از استفاده های اعتیاد آمیز اینترنت بود.

بر این اساس، قدرت محتواها به عنوان پتانسیل تحریک برانگیزی، مطالبی است که به صورت برخط مورد مطالعه قرار می گیرد و مشخص است که تحریک برانگیزترین محتواها - محتواهای جنسی - بیشترین و بالاترین سطوح استفاده در اینترنت را دارا هستند؛

۱. اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۵۳

لذا این احتمال وجود دارد که با چند زیرمجموعه از اعتیاد اینترنتی و سوءاستفاده از اینترنت روبه‌رو باشیم و این احتمال قوی نیز وجود دارد که درجاتی از سطوح مشترک میان اعتیاد به اینترنت، اعتیاد جنسی، اعتیاد به قمار و اعتیاد به خرید و مصرف - بریز و پپاش - وجود داشته باشد.

اعتیاد به اینترنت مثل هر نوع اعتیاد دیگری صرف‌نظر از اینکه آن را یک بیماری روانی به حساب آورد یا یک معضل اجتماعی، پدیده‌ای فراگیر است که با صدمات روانی اجتماعی، خانوادگی، جسمانی و حتی اقتصادی همراه است؛ لذا معتادان به اینترنت مانند اغلب انواع معتادان، دچار افت در کارکردهای فردی و اجتماعی می‌شوند؛ اما فرق این اعتیاد با بقیه این است که معتادان اینترنت کمتر احساس گناه می‌کنند، چون این افراد - اغلب - جزو افراد باکلاس و بافرهنگ جامعه هستند.

هر چند هنوز معیاری برای تشخیص اعتیاد به اینترنت ارائه نشده است؛ اما علائم این نوع اعتیاد را به دو دسته زیر تقسیم کرده‌اند:

۱. علائم روانی که عبارتند از: نوعی احساس لذت و رضایت هنگام دسترسی به اینترنت، ناتوانی در متوقف کردن افسردگی و بدخلقی در مواقعی که دسترسی به اینترنت وجود ندارد و دروغ گفتن به دیگران در مورد میزان استفاده از اینترنت.

۲. علائم جسمی که عبارتند از: علائمی که ناشی از نشستن زیاد است مثل سوزش چشم و سردرد و کمردرد و اضافه وزن، علائمی که ناشی از غفلت فرد نسبت به خودش است مثل بی‌نظمی در غذا خوردن و صرف‌نظر کردن از بعضی وعده‌های غذایی و توجه نکردن به بهداشت و آراستگی فردی و اختلالات خواب و تغییر در الگوی خواب.

همچنین اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد.

به طور کلی، اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند؛ لذا مشاهده می‌شود برخی جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند که این مسئله آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز می‌شود؛ از جمله آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی.

ابعاد فرهنگی فضای مجازی و اینترنت

۱. ایجاد محرکه‌های قوی برای تبادلات فرهنگی غیر قابل کنترل

با وجود اینترنت بسیاری از محصولات فرهنگی که ماده اولیه آنها اطلاعات است- مثل کتاب، مقاله، موسیقی، فیلم، نقاشی و عکس- به راحتی و بدون مانع تبادل می‌شوند که این به هم آمیختگی فرهنگی بویژه میان ایرانیان داخل و خارج کشور، غیر قابل کنترل شده است.

۲. بسترسازی بیشتر برای تهاجم فرهنگی

رسانه اینترنت با همه سرویس‌های متنوعش، قابلیت تبدیل شدن به بستری برای تهاجم فرهنگی را دارد. فضای مجازی و تکنولوژی‌های مرتبط با این دنیا- اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری- دانشی است که در غرب تولید شده و هنوز امتیاز این علم در دست آنان است؛ این بدین معناست که کشورهایی خاص فرصت بیشتری برای حضور در فضای گسترده و نامتناهی مجازی دارند، لذا امکان وسیعی برای تأثیرگذاری بر روی دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها خواهند داشت.

این موضوع به فرهنگ‌های ارزشی، غنی و با ریشه‌ای که به دلایل متعدد از حضور مؤثر در فضای مجازی محروم یا ناتوان‌اند، آسیب جدی وارد می‌کند و به نوعی

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۵۵

آنها را در معرض استحاله و اثرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه مسلط بر فضای مجازی قرار می‌دهد. بنابراین، دور از انتظار نیست سیاستگذاری‌های این دنیا بر اساس راهبردهای چنین جوامعی طرح‌ریزی می‌شود.

۳. انتقال هنجارها و نرّم‌های ارزشی و اخلاقی غربی

اینترنت یک پدیده غربی است و فرهنگ حامل آن نیز غربی است؛ پس چندان غیر معقول نیست اگر گفته شود اینترنت موجب انتقال هنجارها و نرّم‌های ارزشی و اخلاقی غربی می‌شود.

راهکارهای برون رفتن از چالش فضای مجازی برای مربیان پرورشی

با توجه به اینکه بیشتر استفاده‌کنندگان از اینترنت و فضای مجازی، نوجوانان و جوانان هستند، فرهنگ‌سازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است.

یکی از علت‌هایی که استفاده درست از بعضی از وسایل دانسته نمی‌شود، فرهنگ غلطی است که افراد درونی شده است؛ در حالی که هر وسیله جدیدی که وارد جامعه می‌شود باید کاربرد آن در مواردی باشد که برای مردم و اجتماع مفید باشد نه آن‌که همواره به دنبال جاذبه و سرگرمی بود و جذابیت را فدای منفعت کرد.

همچنین باید از طریق امکاناتی که در ادامه بیان می‌شود، فواید اینترنت و کاربردهای آن آموزش داده شود و کاربران را تشویق کرد که به جای صرف کردن ذهنشان به کارهای حاشیه‌ای، به مسائل علمی و شکوفایی جامعه توجه نمایند و از نعمت‌های خدا بهترین استفاده را انجام دهند و از لحظه لحظه زندگیشان بهترین بهره‌برداری را نمایند و قدر ثانیه‌هایی را که می‌گذرد بدانند و از این مسئله غافل نشوند که هر ثانیه عمر هیچ بازگشتی نیست.

امکاناتی که می‌توان از آنها استفاده کرد به شرح زیر است:

۱. آگاهی بخشیدن به مردم از طریق بسیج امکانات موجود؛
۲. راه اندازی اینترنت ملی یا بانک اطلاعات ملی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛
۳. استفاده حداکثری از امکانات صدا و سیما در مسیر آگاهی دادن به مردم؛
۴. استفاده از نشریات و روزنامه‌ها با برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
۵. پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت ارشاد در صدا و سیما در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینترنت؛
۶. پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان نخبگان، ورزشکاران و هنرمندان الگوی جوانان؛
۷. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
۸. استفاده از امکانات آموزش و پرورش و مدارس به وسیله معلمان و مربیان پرورشی در مسیر آشنایی دانش آموزان با خطر تهاجم فرهنگی؛
۹. آموزش استفاده صحیح از اینترنت توسط مربیان پرورشی به نوجوانان؛
۱۰. معرفی سایت‌هایی مفید توسط مسئولین مدرسه و مربیان در زمینه‌های مختلف با نصب دستورالعمل استفاده از کامپیوتر و اینترنت در اتاق سایت مدارس با تنظیم شیوه‌نامه آن توسط مسئولان مرتبط در وزارت آموزش و پرورش و جلوگیری از سوء استفاده‌ها در این مورد؛
۱۱. پیشگیری از آسیب‌های اینترنتی با اقدامات مناسب اولیای مدرسه؛
۱۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان
۱۳. معرفی مزایا و معایب فناوری‌های جدید و نحوه استفاده صحیح از آنها؛

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۵۷

۱۴. طراحی و تدوین بخشی از کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی

دانش آموزان با فناوری‌های جدید، اینترنت و خطرات بالقوه آنها؛

۱۵. استفاده از امکانات دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برای برگزاری

همایشی‌های تخصصی؛

۱۶. استفاده از ظرفیت‌های اثرگذار بسیج، مساجد و روحانیت؛

۱۷. استفاده از دیگر ابزارهای فرهنگی مانند سینما و تئاتر؛

۱۸. برگزاری کلاس‌های آموزشی، علمی، مذهبی، تفریحی و انجام

مسابقات مختلف ورزشی توسط سازمان ملی جوانان و با هزینه کم؛

۱۹. برگزاری اردوهای تفریحی، علمی و آموزشی به تفکیک سن و جنس

برای دانش آموزان و دانشجویان و انجام مسابقات ورزشی در سطح گسترده؛

۲۰. در دسترس بودن مشاوران آگاه، مجرب، متعهد و دلسوز برای

راهنمایی نوجوانان و جوانان و خانواده‌های آنان برای پیشگیری از

بروز این نوع مشکلات؛

۲۱. استفاده از امکانات آموزشی نیروهای نظامی در دوره‌های سربازی؛

۲۲. تحکیم و تقویت مبانی عقیدتی جامعه خصوصاً جوانان از طریق

نهادهای مسئول؛

۲۳. برنامه‌ریزی برای آموزش تخصصی مردم خصوصاً جوانان برای ورود

مؤثر به فضای مجازی و ابراز وجود و ارائه برنامه‌های دینی و ملی جذاب؛

۲۴. ایجاد اشتغال برای جوانان توسط برنامه‌ریزان و به دنبال آن فراهم

کردن زمینه‌هایی برای رفع مشکلات ازدواج جوانان.

در مجموع، اولین مکانی که انسان، فرهنگ می‌آموزد، خانواده است و تأثیری که

خانواده بر فرد می‌گذارد غیر قابل انکار است؛ پس در شکل‌گیری شخصیت فرزندان،

والدین می‌توانند نقش مهمی داشته باشند و اگر با آموزش صحیح و با کمک مربیان پرورشی و نیز با شکل‌گیری عواطف و محبت به فرزندان و فراهم کردن سرگرمی- های سالم برای آنها و کنترل صحیح فرزندان خود می‌توانند از جذب آنها به امور گمراه کننده و انحرافات جلوگیری کنند و نیازهای جوانان را به گونه‌ای بر طرف نمایند و مانند یک دوست برای بچه‌های خود باشند که آنها فرصت فکر کردن به سرگرمی‌های کاذب را نداشته باشند و در صورت آگاهی به آنان بیاموزند که هر وسیله‌ای چه کاربردهای مفیدی دارد.

به طور کلی، اگر کانون خانواده گرم و دوستانه باشد، نیازهای عاطفی فرزندان را به درستی تأمین نماید و افراد خانواده بدانند که والدین برایشان بهترین دوست هستند و مشورت با آنها باعث خوشبختی‌شان می‌شود، به دنبال عشق و محبت در اینترنت نمی‌گردند.

بر این اساس، از جمله تدابیر پیش گیرنده توسط والدین را می‌توان چنین نام برد:

۱. با فعالیت‌های اینترنتی و آنچه فرزندان‌شان در این فضا می‌توانند انجام دهند، آشنا شده و راه‌های مقابله با آن را فرا بگیرند.
۲. رایانه‌ها را در منزل در جایی قرار دهند که امکان استفاده خصوصی از آن وجود نداشته باشد و بتوانند به راحتی فعالیت‌های فرزندان را تحت نظر داشته باشند.
۳. درباره قواعد و مقررات استفاده از اینترنت در منزل، بحث و تبادل نظر کنند و در نهایت مقررات خاصی را در این زمینه به فرزندان خود ابلاغ نمایند و موضوعات و موارد مربوط را به آنها تذکر دهند؛ به عنوان مثال:
 - زمان و شرایط لازم برای استفاده از اینترنت؛
 - مدت زمان مجاز استفاده از اینترنت؛
 - انواع وب سایت‌ها و فعالیت‌های قابل قبول و غیر قابل قبول؛

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۵۹

- افشای اطلاعات ضمن استفاده از اینترنت؛
 - چگونگی مواجهه با مشکل در هنگام استفاده از اینترنت و کمک گرفتن از والدین.
۴. دیدگاه خود را در خصوص موضوعات صریح جنسی و رفتارهای ناشایست تشریح کنند و درباره غیر مجاز و مخرب بودن برخی از سایت‌ها برای فرزندان توضیح دهند؛ در غیر این صورت، آنها واکنش‌های منفی نشان داده و به بیراهه خواهند رفت.
۵. این واقعیت را بپذیرند که فرزندانشان نسبت به آنها، بیشتر با فضای اینترنت خو گرفته‌اند؛ پس اگر می‌خواهند در این مورد اقدامات مؤثری انجام دهند، باید وقت بیشتری صرف کرده و این خلأ را پر کنند؛ مانند گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی، احساس خلأ نکنند و جهت جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند.
۶. به تفاوت میزان اعتماد به نفس فرزندان خود در فعالیت‌های آنلاین و فعالیت در فضای خارج پی ببرند و به آن توجه داشته باشند؛ چرا که جوانان ممکن است در فضای مجازی دست به کارهایی بزنند که در عالم فیزیکی جرئت ارتکابش را نداشته باشند؛ لذا والدین باید نسبت به فعالیت‌های آنها مراقبت ویژه‌ای به عمل آورند.
۷. به فرزندانشان هشدار دهند که رمزهای عبور شخصی خود را کاملاً مخفی نگه دارند و حتی در اختیار نزدیکترین دوستان خود نیز قرار ندهند تا با استفاده از نشانی پست الکترونیکی آنها مطالب نامناسب برای دیگران ارسال نگردد.

۸. باید به نوجوانان آموزش داد تا هیچ‌یک از اطلاعات و عکس‌های شخصی و خانوادگی خود را به ویژه در اتاق‌های گفتگو در اختیار کسی قرار ندهند.
۹. توجه عملی خانواده‌ها به ارزش‌های دینی و ملی مانند صلح ارحام و ارتباط با فامیل در اعیاد و مراسم ملی و مذهبی که مانع از دوستیابی‌ها و از هم پاشیده شدن خانواده‌ها می‌شود.
۱۰. نظارت مراکز مسئول به کافی‌نت‌ها و تولید بازی‌های رایانه‌ای و پیگیری بیشتر پلیس پیشگیری سایبری برای گشت در فضای سایبر و کمک به افرادی که در معرض خطر هستند و نیز آگاهی و هوشیاری بیشتر پلیس سایبری در مورد انواع جدید جرایم رایانه‌ای و اقدام در جهت ناکارآمد کردن دسیسه‌های دشمن در این زمینه؛
۱۱. تشکیل ستادی و متشکل از همه نهادهای ذی‌ربط تحت نظر دادستانی کل کشور برای برنامه‌ریزی جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و سایر آسیب‌های مرتبط با فناوری اطلاعات.
۱۲. کنترل صحیح و جلوگیری از ایجاد سایت‌های مبتذل و ایجاد سرگرمی‌های مناسب برای جوانان توسط مراکز مسئول که می‌تواند مانع انحرافات شود.
۱۳. قانونگذاری به منظور تعیین وظایف نهادها در فضای سایبر و احیاناً تشکیل نهادهای ضروری برای پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و نیز وضع قوانین سختگیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان اینترنتی و اجرایی نمودن این قوانین.
۱۴. انجام تحقیقات میدانی و کاربردی و یافتن مشکلات با توجه به فرهنگ بومی هر استان جهت ارائه راه‌حل‌های لازم در خصوص رفع مشکلات موجود و حرکت به سمت اینترنت ملی و داخلی که این نیز، ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

با مرور نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی در زمینه آسیب‌شناختی فضای مجازی چنین درک می‌شود که اینترنت در بسیاری از جنبه‌ها از جمله استفاده به منظور آموزش از راه دور و کسب اطلاعات، ایجاد وبلاگ‌های متنوع علمی و شخصی و انتقال سریع اطلاعات، افزایش میزان آگاهی و سطح اطلاعات افراد جامعه مفید و مؤثر است؛ اما نباید از پیامدهای نامطلوب و منفی آن غافل شد از جمله ارتباط آزاد و دنیای بی‌مرز آن. به عنوان مثال؛ افرادی که در فضای مجازی چت می‌کنند و به گپ‌زنی می‌پردازند، با مشخصات غیر واقعی و مجازی ظاهر می‌شوند و با شخصیتی دروغین در کمین افراد هستند و از آنجا که نوجوانان در دوران بلوغ با حجم گسترده اطلاعات مواجه می‌شوند و در دنیای مجازی هویت خویش را جستجو می‌کنند، در چنین مواجهه‌ای دچار بحران می‌شوند.

سوء استفاده جنسی نیز از خطرات جدی فضای مجازی محسوب می‌شود که ممکن است نوجوانان با ارسال تصاویر تحریک‌کننده از طریق چت فریب‌خورده و سپس به دنبال حضور فیزیکی در محل خاصی دعوت شده و مورد تجاوز واقع شوند. تأثیر منفی دیگر این فضا را می‌توان در بازماندن نوجوانان از فعالیت‌های درسی و سایر فعالیت‌های ورزشی، روابط اجتماعی و تفریحات سالم دانست؛ همچنین گاهی استفاده از سایت‌های گوناگون و صفحات و وبلاگ‌ها که محتویات آن متناسب با سن کودک و نوجوان نباشد، می‌تواند سبب کجروی و مجادله بین والدین و فرزندان شود. نتیجه آن‌که مربی تأثیر فراوانی بر متربی دارد و نقش‌های متعددی نسبت به او ایفا می‌کند؛ لذا متربی نیز به جهات متعددی نیاز به مربی دارد، به نحوی که هر چه این تأثیرها مهم‌تر، مطلوب‌تر و در زندگی و سعادت انسان پررنگ‌تر باشد، این نیاز بیشتر حس خواهد شد.

گستره فعالیت‌های مربی بسیار متنوع است؛ به تعبیر دیگر، مربی برای دستیابی به اهداف بیان شده از روش‌های مختلفی بهره می‌گیرد.

برای درک بیشتر نقش مربی و رابطه او با مربی، توجه به مثال زیر مفید خواهد بود: کسی که قصد فراگیری شنا دارد، اطلاعات زیادی نیاز دارد؛ چرا که اگر اطلاعات کافی درباره نحوه حرکت دست و پا، حفظ تعادل و آرامش در آب و نفس‌گیری نداشته باشد، درون آب تنها به حرکت‌های طبیعی و دست و پا زدن‌های بی‌هدف و کم‌فایده می‌پردازد؛ لذا دانستن تکنیک‌ها و تصور دقیق مراحل کار به او کمک می‌کند که در عمل موفق‌تر باشد؛ در عین حال آموختن شنا با دانستن و تصور کردن تمام نمی‌شود، چرا که کسی با درس نظری و با توصیه و دستورالعمل شناگر نمی‌شود؛ بلکه شناگری نیاز به تمرین و تلاش دارد و آموزش این مهارت نیز پایان نمی‌یابد، مگر این‌که تمرین و تکرار به فراوانی اجرا شود.

بنابراین، می‌توان در دوره آموزش شنا شرکت کرد و در یک زمان مشخص - با تمرین و تلاش - به این مهارت دست یافت؛ اما این‌گونه نیست که همگان انگیزه و اشتیاق آن را داشته باشند و برای ثبت نام در این دوره اقدام کنند؛ چون کسی که انگیزه لازم را دارد و ثبت نام کرده، معلوم نیست بتواند تمرین‌های آن را با دقت و حوصله پیگیری کند و به درجات بالای آن برسد. همیشه در وسط راه موانعی مانند خستگی و ناامیدی وجود دارد که فرد را از ادامه راه باز می‌دارد و او را منصرف می‌کند یا به وضع موجود خود قانع می‌سازد.

بر این اساس، نقش مربی این است که هدف را در نظر مربی جدی کند و اهتمام و عزم و جدیت را در او پدید آورد و در میانه راه با استفاده از روش‌های تربیتی، استقامت او را افزایش داده، انگیزه و امید او را ترمیم کند و خستگی و ناامیدی را از او بزداید و با شناسایی استعداد و توانایی مشخص کند که او تا چه میزان می‌تواند در این رشته پیشرفت کند و تا چه حد از خود انتظار داشته باشد.

چالش‌های اخلاقی مربیان پرورشی در فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت از آن / ۱۶۳

در انتهای مقاله، مواردی جهت بهبود عملکرد مربیان پرورشی بیان می‌شود:

۱. برقراری رابطه حسنه و گرم و صمیمی با دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها؛
۲. توجه به تفاوت‌های فردی و نیازهای مادی و معنوی در روند فعالیت؛
۳. جریان و فعالیتی مستمر، مداوم و امیدبخش بودن تربیت؛
۴. خارج ساختن کلاس‌ها و محیط مدرسه از حالتی بی‌روح و کسل‌کننده به فضایی پرطراوت و با نشاط با فراهم کردن فضای فیزیکی و روانی مناسب و با برنامه‌های معنوی؛
۵. برقراری رابطه تعاملی، باز و شفاف با دانش‌آموزان تا مرحله بیان صادقانه مسائل و مشکلات آنها؛
۶. توجه کردن به نظرات و پیشنهادات و افکار دانش‌آموزان و پرهیز از تبعیض و تحقیر و توهین و پرخاشگری آنان؛
۷. آموزش خانواده‌ها و برقراری ارتباط مستمر با آنان، هماهنگی و همکاری با مشاوران مدرسه و بعضاً معرفی دانش‌آموزان به مراکز مشاوره؛
۸. تشویق و ترغیب دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی و فعالیت‌های سالم و خلاق در تربیت اجتماعی و مذهبی آنان؛
۹. تقویت و بالا بردن انگیزه‌های خدمت فقط برای رضای خداوند و بی‌توجهی به بی‌مهری‌هایی که به امور تربیتی شده؛
۱۰. ارتقای جایگاه و منزلت مربیان امور تربیتی بسته به فعالیت و تلاش خالصانه و فداکارانه آنها در امر تربیت دانش‌آموزان در محیط مدرسه و خارج از مدرسه.

فهرست منابع

۱. بیانات مقام معظم رهبری، <http://farsi.khamenei.ir/index.html>
۲. اکبری، ابوالقاسم. و مینا اکبری. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۳. عالم‌زاده نوری. بوسلیکی، حسن. و حسین مرادی (۱۳۹۳). نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. سلیمی، عظیمه. جوکار، بهرام. و روشنک نیک‌پور (۱۳۸۸). ارتباطات اینترنتی در زندگی: بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی و احساس تنهایی در استفاده از اینترنت. مطالعات روان‌شناختی. دوره ۵. شماره ۳: ۱۰۲-۸۱.
۵. فیاض‌بخش، احمد. خواجه کاظمی، رضیه. سلیمانی‌نژاد، مرضیه. رحیمی، فاطمه. جهانگیری، لیلا. حیدری، سمانه. و محسن شمس (۱۳۹۰). استفاده از اینترنت و سلامت در دانشجویان بررسی آگاهی، نگرش و سبک زندگی مرتبط با اینترنت. حکیم. دوره ۱۴. شماره ۲: ۱۰۵-۹۶.
۶. درگاهی، حسین. و سید منصور رضوی (۱۳۸۶). اعتیاد به اینترنت و عوامل مؤثر بر آن در ساکنان منطقه ۲ غرب تهران. پایش. دوره ۶. شماره ۳: ۲۷۲-۲۶۵.
۷. مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۹۰). رابطه استفاده آسیب‌شناختی / جبری از اینترنت با بروز علائم اضطراب و بی‌خوابی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه یزد. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۱۶: ۹۶-۷۵.
۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. ناستی‌زایی، ناصر (۱۳۸۸). بررسی ارتباط سلامت عمومی با اعتیاد به اینترنت. طبیب شرق. دوره ۱۱. شماره ۱: ۶۳-۵۷.
۱۰. معمار، ثریا. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱۰. شماره ۴: ۱۷۶-۱۵۵.
۱۱. فرهمند، مریم (۱۳۸۷). دختران و کاربرد اینترنت. مطالعات راهبردی زنان. دوره ۱۱. شماره ۴۱: ۱۷۰-۱۳۵.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی (لاین، تلگرام، فیسبوک، اینستاگرام)

و میزان دینداری جوانان ۲۹-۱۸ سال شهر مشهد

نویسندگان: علی نباتی (ایران)^۱، دکتر غلامرضا خدیوی رفوگر (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

چکیده

اولویت استفاده جوانان از شبکه‌های اجتماعی به ترتیب در زمینه امور تفریحی و سرگرمی و علمی آموزشی است؛ به نحوی که مردان بیشتر از زنان از فیلترینگ استفاده می‌کنند. آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مدت زمان استفاده با بعد شریعت از شاخص دینداری و نیز بین سرعت ارتباط با ابعاد اخلاقیات و عقاید از شاخص دینداری رابطه معکوس و معناداری برقرار است؛ همچنین بین سرعت ارتباط با شاخص دینداری رابطه معکوس و معناداری برقرار است در حالی که بین دو بعد دیگر با شاخص دینداری رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود. در این پژوهش که متغیر دینداری با استفاده از الگوی کرم الهی و با سه بعد عقاید، اخلاقیات و شریعت سنجیده شده است، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۲۰ نفر شده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از پرسشنامه استاندارد داده‌های تحقیق جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد در متغیر سرعت ارتباط بر شاخص شریعت در متغیر دینداری، بیشترین و کمترین تأثیر را مدت زمان استفاده بر شاخص اخلاقیات متغیر دینداری دارند تا جایی که متغیر رسانه‌های نوین ارتباطی ۲۷ درصد از تغییرات شاخص دینداری را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: دینداری جوانان، عقاید، اخلاقیات، شریعت، رسانه‌های جدید ارتباطی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران،

Ali.nabati65@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

Khadivi0086@mshdiau.ac.ir

مقدمه

جوانی در تعریف کلاسیکش دوره‌ای است ما بین کودکی و بزرگسالی در سنین ۲۰ تا ۴۰ سالگی که اهمیتش تنها از بعد جسمی - سن رشد - و روانی - بلوغ فکری - است و نه اجتماعی.^۱

این دوره، زمانی اهمیت و موضوع اجتماعی پیدا کرد که بعد از انقلابات اجتماعی دهه ۱۹۶۰ میلادی اروپا به بعد جنبش‌ها، اعتراضات و ایستادگی جوانان در مقابل نظام اجتماعی فرهنگی جوامع غربی و تأثیر مدرنیته و الگوی مصرف و سبک زندگی جدید که منجر به پیدایش خرده‌فرهنگ‌های جوانی در این جوامع شد - مثل هپی‌ها دهه ۶۰ آمریکا و تدهای انگلستان در اواخر دهه ۶۰ میلادی - و به عنوان پدیده جدیدی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی گردید؛ بدین منظور تعریف مدرن و اجتماعی فرهنگ جوانی، گروه‌هایی از جوانان که وجه مشخص آنان باورها ارزش‌ها و هنجارهای خاص آنها در مقابل فرهنگ مسلط یا نظم اجتماعی حاکم باشد، فرهنگ جوانان را تشکیل می‌دهند.^۲

در زمینه دینداری جوانان - چه در داخل و چه خارج از ایران - تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ در جامعه امروز ایران، دین خرده‌نظام پویایی فرهنگی است و بعد از انقلاب به عنوان فرایند عمده جامعه‌پذیری شناخته می‌شود؛ لذا نوع شناخت، رفتار و تغییر در باب دینداری جوانان موضوع و مسئله مهمی در باب مطالعات جامعه‌شناختی محسوب می‌گردد.^۳

۱. ذکایی، ۱۳۸۶: ۴۳.

۲. همان: ۴۲.

۳. برگر، ۱۳۸۰: ۸۸.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۶۷

پدیده دینداری از موضوعات قابل توجهی است که اهمیت آن را از کثرت تلاش‌هایی می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر برای ساخت و به‌کارگیری سنجه‌های دینداری مصروف شده است. این تلاش‌ها از دل اقتضانات و ضرورت‌های قابل درکی بیرون آمده است که نمی‌توانست بدون پاسخ باقی بماند؛ لذا هویت هر جامعه‌ای نتیجه اطلاعات ملی، دینی و فرهنگی آن جامعه است و در صورت هر تغییری در اطلاعات، ضروری است که آگاهی‌های لازم به تدریج و بر حسب نیاز مخاطبان انتقال یابد تا از فروپاشی وحدت نظر در الگوهای ارزشی و دینی جلوگیری شود.

به عبارت دیگر، رسانه‌ها بر شیوه‌های رفتاری، نحوه سلوک و سلاقی عمومی در جامعه تأثیر می‌گذارند.^۱

بر این اساس، دین سنگ بنای سامان اجتماعی بوده و منبعی برای ارزش‌های اجتماعی است و بر گزینش‌های فردی و بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و نیز به عنوان تجلی روح جمعی و عامل همبستگی و یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود.

امروزه پدیده‌هایی هم‌چون مهاجرت روستایی، ورود ابزار و وسایل ارتباط جمعی و آموزش و پرورش گسترده، ارزش‌ها و روابط سنتی را مورد پرسش قرار داده و تغییراتی در دینداری نسل جدید به وجود آورده است؛ به نحوی که پژوهشگران ناگزیرند به بررسی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌های دینی جوانان از سویی و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر آنان - از سوی دیگر - بپردازند. در نظر کاستلز^۲ یکی از پیامدهای مهم گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین مبتنی بر آن، دگرگونی‌های فرهنگی است.

۱. باهنر و جعفری، ۱۳۹۱: ۸.

هابرماس^۱ - به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان انتقادی - به ظهور فناوری ماهواره‌ها و اطلاعات دیجیتال و تأثیر آن در فرآیند جهانی شدن تأکید کرده است. به نظر او، هر چند مهم‌ترین بعد این جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد بوده اما در عرصه‌های فرهنگی نیز گرایش به تولیدات فرهنگی خاص، نوعی همسانی در فرهنگ‌ها را به دگرگونی ساختاری دنبال داشته است؛ همچنین هابرماس در اثر معروف خود با عنوان «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» به چگونگی پیدایش حوزه عمومی در جوامع سرمایه‌داری پرداخته و اظهار کرده که اطلاعات، هسته مرکزی حوزه عمومی است و رسانه‌های جمعی و نهادهای اطلاعاتی در ایجاد و گسترش این حوزه نقش داشته‌اند.^۲

امروزه شبکه‌های اجتماعی، یکی از سرویس‌های مهم اینترنتی است که توجه کاربران زیادی را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. مهم‌ترین مزایای این شبکه‌ها را می‌توان انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات دانست که به افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی در سطح جامعه می‌انجامد.

فناوری‌های ارتباطی جدید و بزرگراه‌های اطلاعاتی آن بویژه، شبکه‌های اجتماعی منجر به تحول در شدت و میزان ارتباط انسان‌ها در اقصی نقاط جهان شده‌اند و تحولی کیفی در نحوه ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ایجاد کرده‌اند؛ به این معنا که امروزه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و با حضور در این بزرگراه، امکان بهره‌گیری از انبوهی از اطلاعات در کمترین زمان ممکن و برقراری ارتباط گفتاری، نوشتاری و دیداری با هزینه‌ای به نسبت کم، فراهم آمده است.^۳

1. Jürgen Habermas

۲. امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰۲.

۳. سلطانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۶۹

امروزه رسانه‌های ارتباطی، نظامی غول‌آسا و پر قدرت از وسایل ارتباطی گوناگون پدید آورده‌اند که تحت کنترل کشور خاصی نیست و نظارت، تصحیح مسیر و مداخله در فرآیند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آن کار دشواری است؛ این شبکه، مجموعه پیچیده‌ای از شبکه‌های کوچک‌تر است که با یکدیگر تبادل اطلاعات دارند.^۱ به این ترتیب، آن‌چه در حوزه دین و اعتقادات موجب نگرانی و دغدغه شده است، افزایش روزافزون کاربران و عضویت پُررنگ جوانان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مختلف است بدون آن‌که آموزش‌های لازم را دیده و در سطح عمومی آگاهی‌های کافی داشته باشند؛ این درحالی است که فضای موجود در شبکه‌های اجتماعی بر خلاف فضای سنتی، قابل کنترل نبوده و در عین حال افراد و گروه‌های مختلفی در آنها فعالیت می‌کنند که - بعضاً - با اعتقادات دینی جامعه در تعارض و تضاد جدی هستند؛ به همین دلیل باورهای دینی - به خصوص در بین جوانان - را به شدت به چالش می‌کشند. بر این اساس، آشنایی با میزان تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی در میزان دینداری جوانان می‌تواند به اهمیت ورود تخصصی‌تر در زمینه برنامه‌ریزی برای جلوگیری از تأثیر این شبکه‌ها بر اعتقادات جامعه جوان ایران یاری رساند؛ به همین منظور در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های شبکه‌های مجازی - لاین، فیسبوک، تلگرام و اینستاگرام^۲ - و ارتباط آن با دینداری جوانان پرداخته شده است.

هدف تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین رسانه‌های نوین ارتباطی و ابعاد آن با دینداری و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر مشهد است.

۱. سلطانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۳.

متغیرهای تحقیق

- متغیر وابسته

میزان دینداری جوانان مشهد در این پژوهش به عنوان متغیر وابسته تحقیق مورد نظر است و تأثیر رسانه‌های ارتباطی بر این مقوله سنجیده می‌شود.

غالب پژوهشگران دینی بر این باورند که ارائه تعریف واحد و دقیق و روشنی از دین به طوری که اولاً تمامی مصادیق ادیان موجود را شامل شود و ثانیاً مصادیق غیر دینی بر اساس این تعریف از حوزه دین خارج شوند، امکان‌پذیر نیست؛ به همین جهت است که در تعریف دین گفته شده هیچ تعریف واحدی که شامل مجموعه‌های متفاوت سنت‌ها، اعمال و عقایدی شود که ادیان مختلف را می‌سازند، وجود ندارد.^۱

- متغیرهای مستقل

در این پژوهش میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و ابعاد آن به عنوان متغیر مستقل شامل لاین، تلگرام، فیسبوک و اینستاگرام در نظر گرفته شده‌اند؛ در آن سه بعد مدت زمان استفاده، سرعت ارتباط و دسترسی به انواع امکانات موجود در رسانه‌های ارتباطی مورد توجه است.

- رسانه‌های نوین ارتباطی

از سال ۲۰۰۴ میلادی تاکنون، به دنبال استقبال جامعه جهانی و به خصوص قشر جوان از شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و توئیتر^۲، گردانندگان و برنامه‌ریزان این حوزه به فکر ابداع شبکه‌های اجتماعی نوین افتادند که مختص تلفن همراه بوده تا کاربران با نصب و راه‌اندازی این شبکه‌ها بتوانند اجتماعات انسانی مجازی نوین را راه‌اندازی نمایند.

۱. فخار نوغانی، ۱۳۹۳: ۴۰.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۷۱

با توجه به فرصت در اختیار داشتن تلفن همراه که به مراتب بیشتر از رایانه است، امکان حضور در شبکه‌های اجتماعی به مراتب بیشتر است.

- لاین

برنامه‌ای است که امکان ارسال پیام متنی و برقراری تماس را به طور رایگان در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد. این برنامه به عنوان بهترین برنامه رایگان در چند کشور دنیا شناخته شده است و تمام کاربران این برنامه می‌توانند از صدایی شفاف هنگام برقراری تماس و ارسال و دریافت پیام‌هایی با آیکن‌های رنگی، عکس‌ها و اطلاعات مرتبط به محل تماس گیرنده بهره‌مند شوند.

- فیسبوک

یک شبکه اجتماعی مجازی است که در چهارم فوریه ۲۰۰۴ میلادی تأسیس و راه‌اندازی شد. کاربران فیسبوک با دوستانی که دارای حساب کاربری هستند، عکس و فیلم و پیغام به اشتراک می‌گذارند.

فیسبوک هم‌اکنون به طور رایگان در اختیار مردم قرار گرفته است و کاربران دارای یک صفحه شخصی هستند. همچنین، کاربران می‌توانند گروه تأسیس کنند و یا در سایر گروه‌های موجود عضو شوند.

کاربران فیسبوک در دسته‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند شامل: دوستان، دوستان اعضای هم‌شبکه‌ای، غریبه‌ها و کاربرانی که احیاناً توسط کاربرانی بسته شده‌اند.

- تلگرام

برنامه‌ای پیام‌رسان است که تمرکزش را روی سرعت انتقال پیام و امنیت گذاشته است. این برنامه بسیار ساده و استفاده از آن رایگان است. با تلگرام می‌توان عکس، ویدئو، متن و هر نوع فایلی را ارسال کرد.

همچنین، این برنامه اجازه می‌دهد گروه‌هایی با ظرفیت حداکثر ۲۰۰ نفر ایجاد شود و افراد را با نام کاربری جستجو کرد. به عبارت دیگر، تلگرام ترکیبی از پیام کوتاه و ایمیل است. تلگرام از هشتگ و منشن - ذکر نام یک فرد- نیز پشتیبانی می‌کند؛ پس کسانی که دنبال بالاتر بردن امنیت هستید، می‌توانند به تنظیمات برنامه رفته و امنیت را بالا ببرند. از طرف دیگر، می‌توان گفتگوهای خصوصی داشت و قابلیت از بین رفتن خود به خودی در آن را فعال نمود؛ همچنین می‌توان برای برنامه خود رمز عبور قرار داد.

- اینستاگرام

اینستاگرام یا اینستاگرام، شبکه اجتماعی اشتراک‌گذاری عکس و ویدئو است که این امکان را به کاربران خود می‌دهد عکس‌ها و ویدئوهای خود را در دیگر شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک، توئیتر، تامبلر و فلیکر به اشتراک بگذارند. یک ویژگی متمایز اینستاگرام، قابلیت‌های تصویری است که با استفاده از آنها قبل از ارسال بر روی شبکه اینترنت، جذابتر می‌شود؛ این تغییرات و افکت‌های تصویری یکی از دلایل جذابیت اینستاگرام شده‌اند. کاربران همچنین می‌توانند از فیلترهای دیجیتال برای عکس‌هایشان استفاده کنند.^۱

پیشینه تحقیق

۱. تحقیقات انجام شده در داخل کشور

- عدلی‌پور و علیزاده (۱۳۹۳) در تحقیق خود، شبکه‌های اجتماعی فیسبوک را یکی از فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی قرن حاضر دانسته‌اند که به دلیل جذابیت‌ها و قابلیت‌های خاص خود

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۷۳

برای برخی کاربران، مسئله استفاده اعتیادی از آن را به همراه می‌آورد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد پدیده استفاده اعتیادی از فیسبوک در میان کاربران تبریزی وجود دارد و استفاده اعتیادی از فیسبوک در بین برخی نوجوانان و جوانان با مسائلی مانند عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انزوای اجتماعی، نبودن حمایت اجتماعی، افت و ناکارآمدی تحصیلی و کاری ارتباط مستقیم و نیز با احساس خودارزشی ارتباط معکوس دارد.

- پیشوایی (۱۳۹۳) هدف از تحقیق خود را تحلیل تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی جوانان دانسته که به واسطه معرفی و رواج شبکه‌های اجتماعی مجازی پدید آمده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شبکه اجتماعی فیسبوک منجر به تغییراتی در سبک زندگی جوانان در زمینه‌هایی مثل اوقات فراغت، توجه و گرایش به بدن، نحوه پوشش، شیوه و سبک بیان، ایجاد شرایط برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و به دست آوردن توانمندی‌های روز در نگرش به فضای جهانی شده است.
- بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نحوه عضویت در این شبکه‌ها با مقوله‌هایی نظیر نحوه ارتباط با جنس مخالف و شیوه محاورات اعضا در محیط بیرونی ارتباط وجود دارد.
- سلیمانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند افراد معتاد به اینترنت نسبت به کاربران عادی اینترنت از نظر سبک زندگی سالم، در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند.

- فیضی (۱۳۸۴) نشان داد افرادی که به میزان زیادی از اینترنت استفاده کرده‌اند، اظهار داشته‌اند روابط خانوادگی‌شان دچار آفت و اختلال شده؛ اما روابط دوستانه آنها گسترده‌تر و مؤثرتر گشته است.
- شجاعی زند (۱۳۸۴) در تحقیق خود، مدلی برای سنجش دینداری در ایران ارائه داده است. او ضمن معرفی مشهورترین مدل‌های دینداری و بررسی و نقد هر یک از آنها، مدل خود را برای سنجش دینداری در ایران ارائه داده است. در مدل او، دین دارای ۵ بعد اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات بوده و دینداری نیز شامل ۵ بعد معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرف بودن است.
- کرم الهی (۱۳۸۸) به بررسی وضعیت التزام دانشجویان به ابعاد نشانه‌های دینداری می‌پردازد و ضمن معرفی انتقادی برخی از مدل‌های غربی الگویی بومی و مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام برای سنجش تجربی و پیمایشی دینداری در ایران را پیشنهاد کرده و در پایان نیز با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی تحقیق، وضعیت دینداری دانشجویان شهر قم را مورد بررسی می‌دهد.
- گنجی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان» به ابعاد متنوع دینداری بر اساس الگوی گلاک و استارک^۱ به پنج وجه اعتقادی، عاطفی، مناسکی، پیامدی و دانشی (فکری) پرداخته و نشان می‌دهد محرومیت مطلق و محرومیت نسبی رابطه معنی‌دار و معکوسی با دینداری دانشجویان داشته؛

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۷۵

اما گزینش عقلانی، شیوه عرضه دین از سوی مبلغان دینی و سرمایه اجتماعی، رابطه معنی‌دار و مستقیمی با دینداری دانشجویان داشته است.

۲. تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

- جوینسون^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (فیسبوک)» به دنبال این هدف است که چه چیزی در این شبکه‌ها وجود دارد که شخص را تحریک به ماندن در فضای شبکه می‌کند. نتایج این مطالعه تعیین نمود که حفظ تماس و ارتباط با دوستان دلیل اصلی استفاده کاربران از این شبکه‌ها بوده است.
- برنر^۲ (۱۹۹۶) طی مطالعه‌اش به بررسی تأثیرات استفاده از اینترنت بر زندگی حرفه‌ای و شغلی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ۳۰ درصد پاسخگویان تلاش ناموفق در ترک استفاده از اینترنت داشته‌اند؛ همچنین ۵۸ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که دیگران (خانواده و دوستان) راجع به استفاده بیش از حد از اینترنت، نکاتی را به آنها گوشزد کرده‌اند.
- فانک و بومن^۳ (۱۹۹۶) در تحقیق خود بیان کردند که قرار گرفتن در معرض رسانه‌هایی چون اینترنت و ماهواره می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتار و هویت افراد تأثیر بگذارد. همچنین تداوم پرداختن به آنها ممکن است در بلندمدت تأثیر منفی داشته باشد و باعث کاهش

1. Joinson

2. Barner

3. Fank and Boman

همدلی و ایجاد پاسخ‌های پرخاشگرانه، عدم احساس تعلق ملی و مذهبی و تقویت این عقیده شود که دنیا محل خطرناکی است.

- رینگولد^۱ (۱۹۹۳) در کتاب «اجتماعات مجازی» نشان می‌دهد که فضای مجازی اینترنت نسخه تکنولوژیکی اجتماعی سنتی است. وی بر آن است که تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی فرصت بازسازی اجتماعات را در عصر جدید می‌دهند.

در یک جمع‌بندی کلی، بسیاری از محققین در بررسی‌های خود به دنبال سنجش جداگانه دینداری جوانان و استفاده از رسانه‌های نوین- شبکه‌های اجتماعی- بوده‌اند. همچنین توجه به محتوای داخلی و آسیب‌های هویتی بر دینداری جوانان و ویژگی‌های این نوع رسانه‌ها که با سرعت و سهولت موجب مصرف و زمان بیشتر استفاده کاربران از آن و تغییرات ظاهری بر اعمال و رفتار دینی و روحیه دینداری آنان می‌شود، صورت گرفته است.

دینداری و مدل‌های سنجش آن

مدل‌های دینداری به دلیل ریشه داشتن در سنت مسیحیت و شرایط اجتماعی- تاریخی غرب، دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌بایست از سوی دین‌پژوهان برخوردار از سنت دینی و شرایط اجتماعی متفاوت با غرب مسیحی، مورد توجه قرار گیرند؛ چرا که:

- سنجه‌های دینداری غربی- اعم از آمریکایی یا اروپایی- مسیحی و غربی هستند، پس تلقی عمومیت و شمولیت مطلق و به‌کارگیری سهل‌انگارانه آنها در بسترها و شرایط دینی و اجتماعی مغایر، موجبات بروز اشتباه در سنجش، کاهش اعتبار علمی پژوهش و ارزش کاربردی نتایج آنها می‌شود؛ البته نقد غیر بومی بودن این

1. Hovard Ringold

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۷۷

- سنجه‌ها نیز- لزوماً- به معنی نقد خود سنجه نیست، بلکه نقد مدعای عمومیت و امکان کاربست آن در محیط و شرایط مغایر است.
- در بحث دینداری و ابعاد تفصیل یافته آن، کمتر اثری از بعد شریعت- پایبندی به احکام و دستورات دینی- مشاهده می‌گردد و یا تفکیک روشنی میان ایمان و اعتقاد وجود ندارد و متأثر از غلبه رهیافت مسیحی، غالباً یکی به دیگری تقلیل داده شده است.
 - عدم تفکیک و تفصیل روشن میان مقولات بکار رفته در سنجه‌های مذکور وجود دارد؛ بدین معنا که مقولات مربوط به ابعاد دینداری، از مقولات مبین نشانه‌های دینداری و هر دو از مقولات پی‌آمدی به خوبی تمیز داده نشده‌اند که همین آمیختگی کار پژوهشگر را در تشخیص صحیح گونه‌های دینداری با مشکل مواجه می‌سازد.^۱

۱. مدل‌های غربی

از همان اوایل دهه شصت قرن بیستم که لنسکی^۲، نخستین مدل دینداری را پیشنهاد کرد، تاکنون ابعاد و شاخص‌های دینداری، تحولات بسیاری به خود دیده است.^۳

- نظریه هیل و هود^۴ (۱۹۹۹)

با فراتحلیل تحقیقات انجام شده در خصوص سنجش دینداری، تعداد ۱۲۳ مقیاس ارائه شده از سوی جامعه‌شناسان و روانشناسان دین را شناسایی و آنها را برحسب موضوع، گونه‌شناسی کرده‌اند؛ این گونه‌شناسی شامل ۱۷ گونه مجزا بدین شرح است:

۱. شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۸.

2. Gerhard Lenski

۳. سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۸.

4. Hiel and Hool

۱. مقیاس های اعتقادات و اعمال دینی؛
۲. مقیاس های گرایش های دینی؛
۳. مقیاس های جهت گیری دینی؛
۴. مقیاس های رشد دینی؛
۵. مقیاس های التزام و اهتمام دینی؛
۶. مقیاس های تجربه دینی؛
۷. مقیاس های ارزش های اخلاقی - دینی یا خصوصیات فردی؛
۸. مقیاس های چندبعدی دینی بودن؛
۹. مقیاس های مقابله دینی با مشکلات و حل مسئله؛
۱۰. مقیاس های معنویت و عرفان گرایی؛
۱۱. مقیاس های مفهوم خدا؛
۱۲. مقیاس های بنیادگرایی دینی؛
۱۳. مقیاس های نگرش به مرگ و زندگی پس از آن؛
۱۴. مقیاس های مداخله الهی و انتساب دینی؛
۱۵. مقیاس های غفران؛
۱۶. مقیاس های دین نهادی؛
۱۷. مقیاس های سازه های مرتبط با دین.^۱

- مدل گلاک و استارک^۲

به عنوان مهم ترین کاری که به نوعی بر تمام حوزه های مطالعات سنجش دینداری اثر گذاشته و مدل های ساخته و استعمال شده پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی را تحت تأثیر قرار داده؛ پرکاربردترین سنجه غربی در بین پژوهش های دینداری جامعه شناسان داخلی نیز بوده است.

۱. کرم الهی و محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۳۰.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۷۹

شهرت گلاک و استارک به دلیل پیشنهاد و اجرای سنجه چندبعدی دینداری است که مدعی شده‌اند به رغم زمینه و صبغه مسیحی و غربی آن، قابلیت بکارگیری و تعمیم به هر یک از ادیان جهانی را هم دارد.^۱

- دینداری واخ^۲

این جامعه‌شناس آلمانی، گونه‌شناسی‌ای شبیه گونه‌شناسی وبر دارد که البته از او وام گرفته است. به نظر واخ، مراسم یا نهادهایی وجود دارد که ترجیحاً یا انحصاراً گروهی را که به یک شغل، مرتبه یا پایگاه اجتماعی خاص تعلق دارند، وحدت می‌بخشد. واخ سه نوع شغل یا حرفه را در بسیاری از جوامع در توسعه دین مؤثر می‌داند و دینداری هر یک از این سه گروه را بررسی می‌کند: جنگجویی، بازرگانی و کشاورزی.^۳

- رویکرد اسمیت^۴

رابرتسون اسمیت - یکی از روانشناسان کارکردگرا - معتقد است دین را نباید وسیله‌ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد؛ بلکه باید آن را طریقه‌ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد نمود.

به طور کلی - به ادعای رابرتسون - دین دو کارکرد عمده دارد:

- تنظیم کننده رفتار فردی برای خیر همگان یا برای گروه؛
- برانگیزاننده احساس مشترك جهت وحدت اجتماعی که از طریق مناسك مذهبی انجام می‌شود.^۵

۱. شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۲.

2. Joachim Vakh

۳. واخ، ۱۳۸۰: ۲۵۰.

4. Robertson Smith

۵. همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۰.

۲. مدل‌های داخلی

برخی از دین‌پژوهان به رغم نوپا بودن مطالعات تجربی سنجش دینداری در ایران، با درک کاستی‌های موجود در مدل‌ها و مقیاس‌های ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی و تشخیص ناکارآمدی آنها در سنجش وضعیت دینداری در بین جامعه آماری ایرانیان، تلاش‌هایی در راستای ساخت مدل‌ها و مقیاس‌های بومی سنجش دینداری انجام داده‌اند که در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- رویکرد شجاعی زند

شجاعی زند- از پژوهشگران جامعه‌شناسی دین- با این استنباط که دین برای انسان نازل شده، پس ضرورتاً وجوه و ابعاد دین نیز باید نسبتی با ابعاد وجودی انسان داشته باشند- یعنی دینداری دارای ابعاد و اجزایی است منبعت از وجوه مختلف دین و به نوبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان و نه فراتر از آن- سعی کرده مدل پیشنهادی‌اش از یک سو بیان‌گر نسبت‌های منطقی میان این مقولات باشد و از سوی دیگر، علاوه بر ابعاد و تجلیات، آثار و پیامدهای عمیق دینداری را نیز که در سنجش به کار می‌آیند، نمایان سازد.

بر این اساس، دینداری، تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد است که با ابعاد پنج‌گانه دینداری، شامل عقیده (معتقد بودن)، ایمان (مؤمن بودن)، عبادت (اهل عبادت بودن)، اخلاق (اخلاقی عمل کردن) و شریعت (متشرع بودن) قابل شناختن خواهد بود.

در این مدل پیشنهادی، شریعت به عنوان بعدی از دینداری در نظر گرفته شده است؛ احکام و شریعت در دین اسلام و یهودیت- برخلاف دین مسیحی- رسماً اعلام شده و قوانین اخلاقی و چارچوب کلی زندگی دینی مسلمانان را شامل می‌شود. همچنین، پیامد دینداری از چارچوب ابعاد دینداری خارج شده است؛ چون- همان‌طور که برخی از دین‌پژوهان نیز به آن اذعان دارند- پیامد دینداری آثار و نتایج

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۸۱

سایر ابعاد در زندگی روزمره افراد است نه بعدی از دینداری؛ لذا در این مدل، نشانه‌های دینداری از ابعاد دینداری تفکیک شده است.

- رویکرد کرم الهی

کرم الهی با الهام گرفتن از مدل شجاعی زند و ایجاد اصلاحاتی در آن- مانند حذف شاخص‌های (مؤمن بودن و پیامدهای دینداری- به ارائه مدلی جهت سنجش دینداری پرداخته است که برخی از ویژگی‌های این مدل عبارتند از:

- نیازمند جامع‌نگری نسبت به ابعاد دین، دینداری و ابعاد وجودی انسان است.
- این مدل پیشنهادی بر اساس منابع و آموزه‌های اسلامی سه مقوله عقاید، اخلاقیات و شریعت- مناسک و احکام- به عنوان سه ساحت اصلی دین اسلام در نظر گرفته شده است.

جدول ۱: مدل سنجش دینداری کرم الهی

نشانه‌های دینداری	ابعاد دینداری		ساحت‌های دین اسلام	
داشتن معلومات دینی	معتقد بودن		عقاید	
-	اخلاق فردی	انجام اعمال اخلاقی	اخلاقیات	
	اخلاق اجتماعی			
-	عبادات واجب		شریعت (عبادات و احکام)	
	فردی	عبادت		انجام اعمال عبادی
		جمعی		
داشتن ظاهر دینی	تکالیف فردی		التزام به احکام و اعمال غیر عبادی	
تعظیم شعائر دینی	تکالیف جمعی			
داشتن مشارکت دینی				
داشتن معاشرت دینی				

- نتیجه‌گیری

پس از بررسی مدل‌های ارایه شده در زمینه ابعاد دینداری اسلامی که با توجه به هنجارها و ارزش‌های اسلامی انجام شده است، لازم است به بررسی و سنجش دینداری جوانان پرداخته شود؛ هرچند به صورت کلی می‌توان از برخی نظریه‌های ارائه شده که هماهنگی لازم را با شرایط محیطی امروز جامعه ایران دارد و نزدیکی بیشتری با مدل‌های ارائه شده در کشورهای اسلامی است، بهره‌مند گردید.

شبکه‌های اجتماعی و مدل‌های سنجش آن

۱. نظریه استفاده و رضایتمندی در شبکه‌های اجتماعی

طبق نظریه هاستون^۱ استفاده و رضایتمندی ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه‌های وی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند و بر آن است که ارزش‌ها و علائق و نقش اجتماعی کاربران مهم است. آنان بر اساس این عوامل، آنچه را که می‌خواهند انتخاب می‌کنند. نظریه استفاده و رضایتمندی با اتخاذ رویکردی کارکردگرایانه به ارتباطات و رسانه، مهم‌ترین نقش رسانه‌ها را برآورده ساختن نیازها و انگیزه‌های مخاطب می‌داند؛ لذا به هر میزان که رسانه‌ها این نیازها و انگیزه‌ها را برآورده سازند- به همان میزان- موجبات رضایتمندی مخاطب را فراهم می‌کنند.

۲. نظریه کاشت یا پرورش

نظریه گربنر^۲ بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند نیز چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر کاربران تأکید دارد.

1. Haston
2. Gorbнар

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۸۳

فرض اساسی این نظریه آن است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و در برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد؛ به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود.

به طور کلی، نظریه پرورشی با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورد استفاده از رسانه‌ها، میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست یابد.

۳. نظریه هانسن^۱، اشنايدرمن^۲ و اسمیت^۳

از نظر این سه پژوهشگر، امروز شناخت ابزارهای جدید ارتباطی و اهداف شبکه‌های اجتماعی - از جمله فیس بوک و توییتر - برای برقراری ارتباطات و توفیق در حراست و پویایی، امری ضروری است و آشنا نبودن با ابزارها و چگونگی کاربرد و گستره فعالیت آن‌ها موجب ناتوانی در معرفی و اجرای برنامه‌ها خواهد شد.

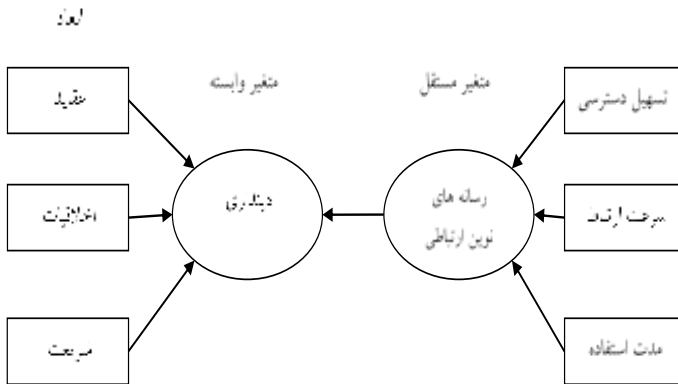
چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

در این تحقیق پس از بررسی الگوهای سنجش متغیر دینداری - در مدل‌های غربی و داخلی - با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود و با توجه به مقیاس‌سازی مدل‌های داخلی در مبحث دینداری از مدل سنجش دینداری کرم الهی که با توجه به این مدل تحقیقی در خصوص دینداری جوانان شهر قم انجام شده است، در سه بعد - عقاید، اخلاقیات و شریعت - استفاده شده است که در آن علاوه بر ابعاد دینداری، نشانه‌های دینداری نیز حائز اهمیت است.

-
1. Hansen
 2. Shneiderman
 3. Smith

همچنین جهت بررسی متغیر رسانه‌های نوین ارتباطی- شبکه‌های اجتماعی- به صورت کلی و در انواع لاین، تلگرام، فیسبوک و اینستاگرام از تلفیق نظریه‌های استفاده و رضایتمندی، کاشت و نظریه هانسن، شنایدرمن و اسمیت استفاده شده است. در نظریه رضایتمندی و کاشت نیز هر چند که به صورت کلی به رسانه توجه شده است؛ اما یکی از ابعاد آن رسانه‌های نوین ارتباطی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

روش استفاده در این پژوهش، پیمایشی است؛ ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد است که در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیر دینداری، رسانه‌های نوین ارتباطی است. همچنین، پژوهش در شهر مشهد صورت گرفته که جامعه آماری آن، تمامی جوانان مشهد است که بین ۱۸ تا ۲۹ سال سن دارند که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ شهر مشهد، حدود ۷۰۰۰۰۰ نفر هستند که جمعیت ۲۴-۱۵ سال ۵۳۷۴۲۶ نفر و جمعیت ۶۴-۲۵ سال ۱۴۲۸۲۹۹ نفر هستند.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۸۵

از این تعداد نیز ۲۴۰ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب و به وسیله پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است که با روش نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی به مکان‌هایی که حضور جوانان در آنها بیشتر است- از جمله پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها و انتخاب تصادفی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال- به تکمیل پرسشنامه پرداخته شده است. میزان پایایی تحقیق با با کمک ضریب آلفای کرونباخ، مقدار بالای ۰/۷ را نشان می‌دهد که نشان می‌دهد تحقیق از پایایی مناسبی برخوردار است.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیر رسانه‌های نوین ارتباطی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	مقیاس سنجش
مدت زمان استفاده	میزان زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز	فاصله‌ای
تسهیل و راحتی در دسترسی به امکانات	دسترسی به انواع امکانات موجود در شبکه‌های مجازی شامل: متن، عکس، ویدئو، صوتی و ضبط و پخش	ترتیبی
سرعت ارتباط	کم یا زیاد بودن سرعت شبکه‌های اجتماعی در زمان ارتباط و استفاده	ترتیبی
نقش اجتماعی	وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال	اسمی- ترتیبی

جدول ۳: تعریف عملیاتی متغیر دینداری

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	مقیاس سنجش
عقاید (اعتقادات)	انواع اعتقادات و داشتن معلومات دینی (اعتقاد به توحید، معاد، نبوت، قرآن و امامت)	ترتیبی
اخلاقیات	رعایت اصول اخلاقی فردی و اجتماعی (انجام اعمال اخلاقی)	ترتیبی
شریعت	انجام امور عبادی (عبادات واجب و مستحب) و غیر عبادی (انجام تکالیف فردی و جمعی)	ترتیبی

جدول ۴: فرضیه‌های تحقیق

نوع آزمون	فرضیه	
همبستگی پیرسون	به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و دینداری جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال رابطه وجود دارد.	۱
همبستگی پیرسون	به نظر می‌رسد بین مدت زمان استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و دینداری جوانان رابطه‌ای وجود دارد.	۲
همبستگی پیرسون	به نظر می‌رسد بین سرعت ارتباط در استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و دینداری جوانان رابطه معکوسی وجود دارد.	۳
همبستگی پیرسون	بین تسهیل و راحتی در دسترسی به انواع امکانات در استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و دینداری جوانان رابطه معناداری وجود دارد.	۴

همچنین، سیمای کلی پاسخگویان به شرح زیر است:

تعداد ۱۱۰ نفر - ۵۰ درصد- از پاسخگویان را زنان و ۱۱۰ نفر - ۵۰ درصد- را مردان تشکیل می‌دهند که در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۹ سال قرار دارند. از این تعداد، ۷۱ نفر متأهل (۳۲/۳ درصد)، ۱۴۲ نفر (۶۵/۴ درصد) مجرد و ۷ نفر (۳/۲ درصد) طلاق گرفته و یا همسرانشان فوت کرده اند؛ لذا تعداد مردان متأهل، بیشتر از زنان است. غالب پاسخگویان (۷۲ نفر با ۳۲/۷ درصد) نیز دانشجو بوده‌اند که سهم زنان (۴۰ نفر با ۱۸/۲ درصد) بیشتر از مردان (۳۲ نفر با ۱۴/۵ درصد) است و کمترین تعداد را کارمندان با ۲۳ نفر (۱۲ نفر مرد و ۱۱ نفر زن) تشکیل می‌دهند و از نظر تحصیلات، افراد دارای مدرک کارشناسی (۴۴/۱ درصد) بیشترین تعداد را شامل می‌شوند. در اولویت‌بندی استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی نیز بیشترین انتخاب پاسخگویان در اولویت‌های اول و دوم استفاده از فضای مجازی برای تفریحی و سرگرمی بوده است (۷۶ درصد با توجه به فراوانی تجمعی در اولویت‌های اول و دوم) که پس از آن به ترتیب عبارتند از: علمی، آموزشی (۶۶/۵ درصد فراوانی تجمعی)، کسب و کار و تجارت (۵۳/۴ درصد فراوانی تجمعی) و اخبار (۲۸/۵ درصد فراوانی تجمعی).

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۸۷

از طرف دیگر، بیشتر جوانان بین ۲ تا ۳ ساعت در شبانه‌روز از رسانه‌های نوین ارتباطی استفاده می‌کنند؛ همچنین بیشتر جوانان از فیلتر جهت دسترسی به انواع محیط‌های مجازی استفاده می‌کنند (۵۵/۴ درصد) که این میزان در مورد زنان بیشتر مشاهده می‌شود. (۳۱/۸ درصد زنان و ۲۳/۶ درصد مردان)

آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول ۵: آزمون شاخص دینداری (بعد عقاید) با رسانه‌های نوین ارتباطی

نام متغیر	همبستگی	ضریب	معناداری	نتیجه آزمون
مدت زمان استفاده	پیرسون	۰/۰۵۸	۰/۱۲۵	معنادار نیست
سرعت ارتباط	پیرسون	*-۰/۲۲۴	۰/۰۴۸	معنادار است
راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	پیرسون	۰/۰۲۵	۰/۸۵۱	معنادار نیست
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				
*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).				

اطلاعات جدول بر اساس همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سرعت ارتباط با شاخص عقاید رابطه معنادار معکوس برقرار است.

جدول ۶: آزمون شاخص دینداری (بعد اخلاقیات) با رسانه‌های نوین ارتباطی

نام متغیر	همبستگی	ضریب	معناداری	نتیجه آزمون
مدت زمان استفاده	پیرسون	۰/۰۲۱	۰/۲۸۴	معنادار نیست
سرعت ارتباط	پیرسون	*-۰/۲۷۴	۰/۰۲۵	معنادار است
راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	پیرسون	۰/۸۹	۰/۲۹۱	معنادار نیست
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				
*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).				

نتایج جدول نشان می‌دهد بین سرعت ارتباط با شاخص اخلاقیات رابطه معنادار و معکوس برقرار است و با دو بعد دیگر رسانه‌های نوین ارتباطی رابطه‌ای ندارد.

جدول ۷: آزمون شاخص دینداری (بعد شریعت) با رسانه‌های نوین ارتباطی

نام متغیر	همبستگی	ضریب	معناداری	نتیجه آزمون
مدت زمان استفاده	پیرسون	-0.238^*	0.05	معنادار است
سرعت ارتباط	پیرسون	-0.113	0.342	معنادار نیست
راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	پیرسون	0.49	0.65	معنادار نیست

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).
* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

بر اساس داده‌های جدول، رابطه بین بعد شریعت با مدت زمان استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی معنادار و معکوس است و با سایر متغیرهای تحقیق رابطه‌ای ندارد.

جدول ۸: آزمون شاخص دینداری با رسانه‌های نوین ارتباطی

نام متغیر	همبستگی	ضریب	معناداری	نتیجه آزمون
مدت زمان استفاده	پیرسون	0.18	0.11	معنادار نیست
سرعت ارتباط	پیرسون	-0.303^*	0.05	معنادار است
راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	پیرسون	0.49	0.65	معنادار نیست

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).
* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول فرضیه‌ها نشان می‌دهد بین و سرعت ارتباط رسانه‌های نوین ارتباطی با شاخص دینداری رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد و با شاخص مدت زمان استفاده و راحتی و تسهیل دسترسی به امکانات رسانه‌های نوین ارتباطی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۸۹

تحلیل رگرسیون

در این تحقیق جهت تحلیل مدل تحقیق نشان داده می‌شود که هر یک از شاخص‌های مشخص شده جهت سنجش متغیرهای مستقل به چه میزان بر شاخص‌های متغیر دینداری- عقاید، اخلاقیات و شریعت- تأثیرگذار بوده و در نهایت رسانه‌های نوین ارتباطی چند درصد از تغییرات دینداری را در مورد جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال مشهود را نشان می‌دهند و چه درصدی مربوط به سایر عواملی است که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است.

جدول ۹: تحلیل رگرسیون مدل مفهومی تحقیق

شاخص عقاید			متغیر مستقل
Beta	B	شاخص	
۰/۱۰	۰/۱۰	مدت زمان استفاده	رسانه‌های نوین ارتباطی
-۰/۰۸	-۰/۱۲	سرعت ارتباط	
۰/۱۵	-۰/۲۲	راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	
شاخص اخلاقیات			رسانه‌های نوین ارتباطی
۰/۰۶	۰/۰۸	مدت زمان استفاده	
-۰/۰۸	-۰/۱۱	سرعت ارتباط	
۰/۰۹	۰/۱۲	راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	رسانه‌های نوین ارتباطی
شاخص شریعت			
۰/۰۷	۰/۱۲	مدت زمان استفاده	
۰/۱۷	۰/۱۷	سرعت ارتباط	رسانه‌های نوین ارتباطی
۰/۱۳	۰/۲۷	راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات	

با توجه به آمار به دست آمده در جدول، بیشترین شاخص تأثیرگذار بر شاخص‌های متغیر دینداری مربوط به تأثیر شاخص سرعت ارتباط بر شاخص شریعت- در متغیر دینداری- با ۱۷ درصد ($Beta=0/17$) است که بهترین میزان تأثیرگذاری است که به مقدار واقعی نزدیک است. ($Beta=B=0/17$)

کمترین میزان تأثیرگذاری نیز مربوط به مدت زمان استفاده بر شاخص اخلاقیات است، ($Beta=0/06$) و بیشترین وزن تأثیر خالص مربوط به شاخص راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات در رسانه‌های نوین ارتباطی است که بر شاخص شریعت در متغیر دینداری است که توانسته است ۲۷ درصد میزان تأثیر را نشان دهد. ($B=0/27$)

نتیجه آن‌که ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته- دینداری جوانان- به متغیرهای مستقل مورد نظر در تحقیق وابسته است و ۷۴ درصد مربوط به سایر عواملی است که در این تحقیق آورده نشده است که بیشترین این تغییرات متعلق به متغیر مستقل سرعت ارتباط در رسانه‌های نوین ارتباطی است. (۱۷ درصد)

نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد بین مدت زمان استفاده با بعد شریعت از شاخص دینداری و بین سرعت ارتباط با ابعاد اخلاقیات و عقاید از شاخص دینداری رابطه معکوس و معنادار برقرار است و نیز بین سرعت ارتباط با شاخص دینداری رابطه معکوس و معناداری برقرار است؛ در حالی که بین دو بعد دیگر با شاخص دینداری رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود. نتایج این بخش نشان می‌دهد مدت زمان استفاده می‌تواند بر بعد شریعت شاخص دینداری شامل انجام امور عبادی به تدریج تأثیرگذار باشد؛ در حالی که سرعت ارتباط می‌تواند بر اخلاقیات و عقاید جوانان تأثیر داشته باشد.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۹۱

به طور کلی، در بخش آزمون فرضیه‌های معناداری رابطه بین ابعاد مختلف مربوط به رسانه‌های نوین ارتباطی با ابعاد و شاخص دینداری به طور کامل برقرار نیست و نشان می‌دهد که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سهم عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی دیگر، ادعا کرد که رسانه‌های نوین ارتباطی بر میزان دینداری جوانان تأثیر مهمی داشته و سهم آن چقدر است.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد هر یک از متغیرهای مستقل رسانه‌های نوین ارتباطی در سه شاخص مدت زمان استفاده، سرعت ارتباط و راحتی و تسهیل در دسترسی به انواع امکانات تا چه اندازه تغییرات متغیر وابسته- دینداری- را نشان می‌دهند که بیشترین تأثیر که به مقدار واقعی نیز نزدیک است، مربوط به متغیر سرعت ارتباط بر شاخص شریعت در متغیر دینداری است ($Beta=0/17$) و کمترین تأثیر در مدت زمان استفاده بر شاخص اخلاقیات است. ($Beta=0/06$) به صورت کلی، تأثیرات شاخص‌های رسانه‌های نوین ارتباطی بر شاخص شریعت بیشتر و بر مقدار واقعی نزدیکتر است، و این تأثیر بر شاخص اخلاقیات کمتر و دورتر از واقعیت است؛ همچنین سهم تمامی ابعاد رسانه‌های نوین ارتباطی با متغیر وابسته در حدود ۲۷ درصد است که نشان می‌دهد سهم عوامل مختلف دیگر در این تحقیق به منظور بررسی تأثیر رسانه‌های نوین ارتباطی با دینداری باید در نظر گرفته شود.

در مجموع، نتایج تحقیق با نتایج تحقیق کرم الهی (۱۳۸۸) از حیث شاخص سنجش، تحقیق علی‌پور و علیزاده (۱۳۹۳) به جهت بررسی تأثیر رسانه‌های نوین، تحقیق فیضی (۱۳۸۴) از جهت بررسی روابط خانوادگی و وضعیت تأهل، تحقیق محسنی و همکاران (۱۳۸۵) و نیز تحقیق جوینسون (۲۰۰۸) به جهت تأثیر مدت زمان استفاده از رسانه‌ها بر دینداری، همخوانی دارد.

پیشنهادهای تحقیق

با توجه به تحقیق انجام شده موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. جهت دسترسی به اطلاعات و داده بهتر است با توجه به جمعیت مناطق ۱۲ گانه مشهد، نسبت به تکمیل پرسشنامه اقدام نمود.
۲. محققان با فاصله زمانی چندین ساله نسبت به میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های مورد نظر اقدام نمایند.
۳. بهتر است چنین کاری بدون در نظر گرفتن محدودیت سنی و به صورت کلی در سطح جامعه انجام شود.
۴. نتایج این تحقیق می‌تواند مدیران را در شناسایی عوامل تأثیرگذار بر دینداری جوانان یاری نموده و مسیری را برای تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های آینده فراهم آورد.
۵. قبل از ورود هر نوع تکنولوژی ارتباطی به جامعه، آگاهی‌های لازم توسط برنامه‌ریزان این حوزه به کاربران داده شود.
۶. بهتر است جهت اهمیت و حساسیت موجود در زمینه دینداری در جامعه از روش مصاحبه جهت فهم و آگاهی بیشتر از رفتارها و کنش‌های جوانان استفاده شود.

فهرست منابع

۱. امام جمعه‌زاده، سید جواد. ابراهیمی‌پور، حوا. ملکان، مجید. و رضا محمود اوغلی (۱۳۹۲). رابطه مصرف اینترنتی و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. رفاه اجتماعی. سال ۱۴. شماره ۵۵: ۳۱۴-۲۹۱.
۲. باهنر، ناصر. و طاهره جعفری (۱۳۹۱). تلویزیون و تأثیر آن بر هویت دینی، گروهی و جنسیتی ایرانیان. مطالعات فرهنگ و ارتباطات. سال ۱۳. شماره ۴۹: ۴۴-۷.

بررسی ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی و میزان دینداری جوانان / ۱۹۳

۳. برگر، پیتر (۱۳۸۰). افول سکولاریسم. ترجمه امیر افشاری. تهران، نشر پنگان.
۴. بروگمان، یرون (۱۳۸۹). درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی. ترجمه خلیل میرزایی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. ذکایی، محمد حسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران: انتشارات آگه.
۶. سراج‌زاده، حسن (۱۳۸۴). چالش‌های دین و مدرنیته. تهران، انتشارات طرح نو.
۷. سلطانی‌فر، محمد. بخشی، شیرزاد. و سعید فرامرزیانی (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و توئیتر بر گرایش اعضا به این شبکه‌ها. پژوهش‌های ارتباطی. سال ۲۰. شماره ۴: ۱۹۰-۱۷۱.
۸. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶. شماره ۱: ۶۶-۳۴.
۹. فخار نوغانی، وحیده (۱۳۹۳). تحلیل دیدگاه ملاصدرا در میزان تأثیر صدق باورهای دینی در نجات انسان‌ها. حکمت صدرایی. سال ۲. شماره ۲: ۹۰-۷۷.
۱۰. کرم الهی، نعمت‌الله. و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۸۸). بررسی وضعیت التزام دانشجویان به ابعاد و نشانه‌های دینداری. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. دوره ۳. شماره ۲: ۳۳-۷.
۱۱. گنجی، محمد (۱۳۸۳). تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۱۲. واخ، یواخیم (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین. ترجمه جمشید آزادگان. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. همیلتون، ملکم (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ ۲. تهران: انتشارات تبیان.



دورية علمية متخصصة متعددة اللغات

PURE LIFE

العدد الخامس بمونان: ﴿ المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني ﴾ (٧)

العدد السادس عشر - السنة الخامسة، رجب المرجب ١٤٤٠ / ١٣٩٧ ش / ٢٠١٩ م

صاحب الامتياز: جامعة المصطفى العالمية

جامعة المصطفى المفتوحة، عمادة البحث والإنتاج العلمي

المشرف العام: الدكتور محسن قنبري

رئيس التحرير: الدكتور عابدين سياحت اسفندياري

السكرتير العلمي: الدكتور توفيق أسدوف

المدير التنفيذي: سماحة الشيخ محمد جواد نجفلي

أعضاء هيئة التحرير:

محسن قنبري	معاون التعليم في جامعة المصطفى العالمية (إيران)
عابدين سياحت اسفندياري	عميد البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى المفتوحة (إيران)
توفيق أسدوف	مدير الدراسات الإسلامية في جامعة المصطفى المفتوحة (أذربايجان)
غلام جابر محمدي	مدير الدراسات القرآنية في جامعة المصطفى المفتوحة (باكستان)
سيد محمد علي عون نقوي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى المفتوحة (الهند)
يحيى عبدالحسن الدوخي	عضو في اللجان العلمية في جامعة آل البيت (العراق)
بيلديز قدرلي	أستاذ في جامعة المصطفى المفتوحة (تركيا)

العنوان: قم، شارع ساحلي جنوبي، غربي مصلى القدس، ما بين الزقابين ٤-٦

ص ب: ٣٧١٣٩١٣٥٥٤ **العاتف / الفكس:** ٢٢١١٤١٧٥ - ٢٢٦١٣٨٧٥

عدد الصفحات: ٢٤٤ ص نوع الطبع: إلكتروني

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

موضوع القرار:

حسب القرار المنبثق من الإجتماع الثاني والعشرين لمجلس إدارة منشورات المصطفى عليه السلام (بتاريخ: ١٣٩٢/١٢/١٩)،
لقد تمت المصادقة على إصدار هذه المجلة المصنفة ضمن المنشورات العلمية المتخصصة، رقم ترخيص ٧٤٣٢٧ الصادر من الجهاز الشامل لوسائل الإعلام الرسمية (وزارة الثقافة والأرشاد الإسلامي)
(بتاريخ: ١٣٩٣/١٢/١١)

هذه المجلة متاحة بشكل إلكتروني، ويمكن تحميلها على العنوان التالي:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

شروط كتابة المقال

- ١- يجب أن يتضمن المقال ما يلي: العنوان والملخص والمفردات الرئيسية والمقدمة والعرض والنتيجة والمصادر.
- ٢- تخضع المقالات المستلمة للتحكيم العلمي شريطة أن لم تنشر سابقاً، ويتعين على الكاتب التعهد بعدم قيامه بإرسال مقاله إلى مؤسسات أخرى.
- ٣- يتحمل «الكاتب المراسل» مسؤولية صحة المعلومات الواردة في المقال من الناحيتين العلمية والحقوقية.
- ٤- تحتفظ المجلة لنفسها بحق رفض المقالات أو قبولها كما تتعهد أمانة المجلة بتقديم تقرير عن نتيجة التحكيم العلمي للكاتب المراسل خلال فترة لا تتجاوز شهر - 30 يوماً- على الأكثر.
- ٥- لا يتم القبول النهائي لطبع المقال في المجلة إلا بعد موافقة هيئة التحكيم وهيئة التحرير عليه.
- ٦- يجب عدم تجاوز حجم المقال 8 صفحات كحد أدنى و25 صفحة كحد أقصى وكل صفحة عبارة عن 250 كلمة.
- ٧- يجوز النقل والإقتباس من المقالات المنشورة الأخرى شرط ذكر المصدر.
- ٨- يستخدم نوع الخط (IRLotus) وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالفارسية والعربية، ويستخدم نوع الخط (Alvi Nastaleeq) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالأردية، ويستخدم نوع الخط (Times New Roman) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالإنجليزية ولغات أخرى.
- ٩- يتضمن قائمة المصادر المرتبة وفق الحروف الأبجدية ما يلي:
✓ فيما يتعلق بالكتاب والمقالة: لقب واسم الكاتب، (تاريخ النشر)، عنوان (بخط غامق)، اسم المترجم، الطبعة، مكان النشر: اسم الناشر.
- ١٠- تدرج التوثيق المرجعية في النص الأصلي على النحو الآتي (اسم المؤلف، تاريخ النشر: الصفحة).
- ١١- تدرج التوثيق التوضيحية في هامش الصفحة نفسها ككتابة المفردة باللاتينية وشرح المصطلحات وغيرها.
- ١٢- على كاتب أو كاتب المقال إرسال أبحاثهم إلى معاونية البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة عبر هذا العنوان: "research@mou.ir" مزودة بالمعلومات: الاسم واللقب والمستوى العلمي والعنوان المقالة.
- ١٣- نظراً لتنوع لغات المجلة يمكن للباحثين الأعداء إرسال مقالاتهم إلى مكتب المجلة بإحدى اللغات التالية: الفارسية والعربية والأردية والإنجليزية والفرنسية والتركية والأذرية و...
١٤- يتعين على أمانة سر المجلة إرسال نسخة من المجلة الإلكترونية- بعد نشرها- إلى كاتب أو كاتب المقال عبر البريد الإلكتروني.

كلمة المشرف العام

مجلة "PURE LIFE" سوف تظل نافذة إلى حياة الإنسان الأبدية، تهدف جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة بوصفها داعية الإنسان الأرضي إلى معرفة التعاليم الإلهية لبناء حياة جديدة من خلال ما أودعه الله فيه من علم ولتجلب له السكينة الدنيوية والسعادة الأخروية معا.

"PURE LIFE" هي فرصة للباحثين وخريجي الجامعات لبسط معلوماتهم العلمية المعرفية عبر الفضاء الإلكتروني على نطاق واسع وإسقاط المعارف الدينية على مختلف شؤون الحياة البشرية.

على أمل أن تسطع أنوار هذه النافذة أكثر فأكثر في ظل جهود الباحثين عن نور المعرفة.

كلمة رئيس التحرير

البحث العلمي هو بمثابة شريان الحياة في مجال المعرفة والبصيرة والذي يمكن أن يُحفَّزَ - في ديناميتها- النمو والتوسّع لحدود العلم والمعرفة ويؤدي إهمال هذا المجال إلى ركود المعرفة بل موتها في نهاية المطاف، فإن الجهل هو أول آثار التخلي عن البحث كما نشهد اليوم كارثة الجهل العصرية التي ظهرت جراء فقدان البحث القويم في مختلف المجالات.

ثم يتمُّ توسيع حدود المعرفة من خلال البحوث بوصفها حائزة على مكانة مرموقة ضمن الأنشطة البشرية اليوم، فإن التحقيق في مجال العلوم الإنسانية والإسلامية يمكن الباحث من فهم المشكلات والقضايا الإنسانية كما يوفر لها حلولاً عملية.

والتطور المتزايد في المجال المعرفي يفرض علينا الدخول في المجالات العلمية أكثر فأكثر، فالآن العديد من مجالات المعرفة الإسلامية هي بحاجة إلى الشرح والعرض على نطاق عالمي.

"PURE LIFE" هي مجلة طلابية تحاول إعداد أرضية لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وتحسين مستوى البحوث الطلابية المتعلقة بالعلوم الإسلامية كما هي تعد أرضية مناسبة لتطوير العلاقات بين الباحثين في مجال العلوم الإسلامية-الإنسانية.

"PURE LIFE" هي مجلة فصلية، متعددة اللغات، إلكترونية-تخصصية، أما عنوان هذا العدد فهو: «المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني (٧)»، وهو يتكون من تسع مقالات باللغات الثالثة (الفارسية والعربية والإنجليزية) حيث قامت بها معاونة البحوث في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة.

يتمُّ إصدار مجلة "PURE LIFE" برعاية لجنة نشر الكتب في جامعة المصطفى ﷺ العالمية ووزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي في إيران بصفتها أول مجلة علمية في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وهي مستعدة لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ العالمية.

القدرات التعليمية في الفضاء الإلكتروني في العالم الإسلامي: الواقع والتحديات

الكاتب: الدكتور. عزوز بن تمسك (تونس)^١

قبول: ١٤٣٩/٠١/٢١

استلام: ١٤٣٨/٠٤/٢١

المستخلص

يشهد العالم منذ ما يزيد على ربع قرن ثورة علمية وتكنولوجية فاقت في أهميتها وتأثيراتها ونتائجها ثورة القرن الثامن عشر الصناعية في أوروبا، هذه الثورة كان الإتصال والمعلوماتية من أبرز مظاهرها فقد أكدت العديد من الدراسات أن شبكة المعلومات العالمية^٢ هي أهم وأعظم ما أفرزته التطورات الهائلة في مجال تكنولوجيا المعلومات والإتصال^٣ والتي أسهمت في إحداث تأثير بالغ الأهمية في ظرف زمني قصير جدا، وبشكل جذري في جميع أنماط التعامل، وأساليب التفكير والحياة طغت على الأنماط التقليدية التي ألفها الناس من قبل في كل شيء^٤. يعتبر هذا التطور أمرا طبيعيا على أساس أن أي نمو مطرد في مجال العلم والتكنولوجيا يتسبب في إحداث إرباك للبنى والعلاقات الاقتصادية والاجتماعية والسياسية والثقافية والتعليمية الموجودة، ومن ثمة يصبح لزاما علينا أن نبادر لوضع خطة منهجية علمية منطقية لمواجهة هذه التقنية التي لا بد منها ولا غنى عنها^٥. وإذا ما أردنا التطرق إلى اركيولوجيا هذا التطور في مجال التربية والتعليم والتكوين والبحث، فإننا نجد أن بداياته تعود في الغرب وفي الولايات المتحدة الأمريكية إلى بداية الثمانينيات من القرن الماضي، ففي سنة ١٩٨٢ بدأت الدراسات ذات العلاقة بهذه المجالات تطرح مجموعة من الأسئلة والقضايا الهامة التي أفرزتها الثورة العلمية والتكنولوجية حيث دعت هذه الدراسات إلى ضرورة الإهتمام بالبحث العلمي في مجال التعليم الإلكتروني لمواجهة التحديات التي تفرضها هذه الثورة التكنولوجية^٦.

١. استاذ المساعد في كلية الحقوق والعلوم السياسية، جامعة سوسة، سوسة، تونس،

abentemessek@yahoo.fr

2. International Net Work

3. TIC

٤. العمر، 2004.

٥. جابر، تاريخ شبكة المعلومات العالمية (إنترنت).

٦. المحيسن وهاشم، ١٤٢٣.

غير أنه ومنذ منتصف عقد التسعينيات من القرن الماضي ونتيجة لتطور استخدام الإنترنت وانتشار استعمالها بين الأفراد والمؤسسات التعليمية كانت أو غير تعليمية، تغير الكثير من مفاهيم هذا النمط من التعليم وظهرت مصطلحات جديدة، ومن هنا بدأ التفكير الجاد حول إمكانية استغلال الإنترنت في المجالات المدنية المختلفة ومنها بالخصوص مجال التعليم. هذه التطورات التكنولوجية الهائلة والتي مست جميع النشاطات الحياتية كما سبق وأن أشرنا، هل يمكن اعتبارها مؤشرا على نهاية الأنظمة التعليمية التقليدية أو الحضورية؟ في كل الأحوال لا، ولكن مع ذلك يلاحظ اليوم في كل المجتمعات بما في ذلك في العالم الإسلامي احتلال التعليم الإلكتروني لمساحات معتبرة كما تشير إلى ذلك عديد الإحصائيات، ومن أجل التأقلم مع هذه البيئة التعليمية الجديدة والمستحدثة تواجه المؤسسات التعليمية الإسلامية اليوم تحديات حقيقية فرضتها التطورات العلمية والتكنولوجية المتلاحقة، ومن ثمة أصبح لزاما على هذه المؤسسات أن تواجه الإقبال المتزايد على التعليم الإلكتروني، والإرتقاء بمستوى كفاءته وفعالته وجودته ليتماشى مع متطلبات العصر، ويفي باحتياجات المجتمع في الميادين المختلفة. في هذه المداخلة، سنحاول الإجابة على الإشكالية الرئيسية التالية: ما هو واقع وتحديات القدرات التعليمية في الفضاء الإلكتروني في العالم الإسلامي؟ تنفرع عن هذه الإشكالية الأسئلة الفرعية التالية:

- ماذا يعني مصطلح التعليم الإلكتروني؟
 - ما هي علاقة التعليم الإلكتروني بالتعليم التقليدي أو الحضورى من حيث كونها علاقة تكامل أو علاقة تنافس؟
 - كيف يمكن تحقيق عملية تعميم التعليم الإلكتروني في العالم الإسلامي؟
 - ما هي الآليات التي تحقق الاستفادة من القدرات التعليمية في الفضاء الإلكتروني في العالم الإسلامي وخاصة في مجال التعليم الديني؟
 - هل نحن في حاجة فعلا إلى تعليم الكتروني في العالم الإسلامي مكان التعليم التقليدي أو الحضورى؟
 - إلى أي مدى يمكن الحديث اليوم عن خلق تعليم الكتروني إسلامي حقيقي ودائم في ظل وجود تحديات متعددة المصادر؟
- الإجابة عن مختلف هذه التساؤلات الفرعية ستشكل حجر الأساس في هذه المداخلة.

الكلمات المفتاحية: التعليم الحضورى، التعليم الافتراضى، مستوى الدراسات الدينية، الدور المتبادل

تحديد مفهوم مصطلح التعليم الإلكتروني

إن انتشار تكنولوجيا المعلومات والاتصالات بالشكل الذي نعيشه اليوم قد أوجد الحاجة لإستغلال هذه التقنية في تطوير أساليب التعلم وطرق اكتساب المعرفة عن طريق التعليم المرن المتمسم بالديناميكية والفاعلية، دون ضرورة الارتباط بعامل المكان والزمان، فظهر التعليم الإلكتروني الذي يرى فيه عدد من العلماء والباحثين أنه سيكون تعليم المستقبل. وقبل البدء في تحديد مفهوم مصطلح هذا النمط من التعليم، يجدر بنا أن نشير إلى أن الأدبيات التعليمية والتربوية^١ تستخدم الكثير من المصطلحات عند الإشارة لمفهوم التعليم الإلكتروني من قبيل:

- التعليم المفتوح،^٢
- التعليم عن بعد،^٣
- التعليم الموزع،^٤
- التعليم المرتكز على المصادر،^٥
- التعليم المرن.^٦

وهناك الكثير من المصطلحات التي تزخر بها مثل هذه الأدبيات، والتي يختلف تحديد مفاهيمها حسب النظرة للتعليم والفهم لجوانبه، فعلى سبيل المثال، تبني منظمة التربية والعلوم والثقافة مصطلح التعليم المفتوح والتعليم عن بعد وهو إشارة إلى التعليم الذي يكون فيه المتلقي بعيدا عن مكان تعلمه.^٧

١. الفريخ، ٢٠٠٥.

2. Open Teaching
3. Distance Learning
4. Distributed Education
5. Resource-Based Teaching
6. Flexible Teaching

٧. يعود استخدام مصطلح التعليم المفتوح إلى نهاية القرن التاسع عشر، وكان ظهوره يهدف إلى فتح الفرص أمام الأفراد للتعلم بغض النظر عن مواقعهم الجغرافية أو حالتهم الاقتصادية والاجتماعية. يأخذ التعليم عن بعد أنماطا متنوعة في العالم الإسلامي، فهناك جامعات متخصصة في التعليم المفتوح مثل

لقد أصبح التعليم المفتوح أو التعليم عن بعد في وقتنا الحاضر حقيقة مستقلة بهيكلها ومؤسساتها، فهناك جامعات أوروبية متخصصة في التعليم المفتوح مثل الجامعة البريطانية المفتوحة والجامعة الهولندية المفتوحة كما أن هناك جامعات عربية مفتوحة مثل جامعة القدس المفتوحة، وجامعة ليبيا المفتوحة وجامعة السودان المفتوحة وكذلك الجامعة العربية المفتوحة بفروعها المتعددة والتي يوجد مقرها بالكويت.

وتشير منظمة التربية والعلوم والثقافة إلى أن المقصود بالتعليم عن بعد أنه عملية تربوية يتم فيها كل أو أغلب التدريس من شخص بعيد في المكان والزمان عن المتعلم، مع التأكيد على أن أغلب الاتصالات بين المعلمين والمتعلمين تتم من خلال وسيط معين سواء كان إلكترونياً أو مطبوعاً، أما الجمعية الأمريكية للتعليم عن بعد فتعرف هذا النوع من التعليم على أنه عملية اكتساب المعارف والمهارات بوساطة وسيط لنقل التعليم والمعلومات، متضمناً في ذلك جميع أنواع التكنولوجيا وأشكال التعليم المختلفة للتعلم عن بعد.

إن التعليم عن بعد مر بأربعة مراحل على النحو التالي:

- نظام التعليم عن طريق المراسلة^١ الذي ظهر منذ نهاية القرن التاسع عشر ولازال موجوداً في الكثير من بلدان العالم، بل ما زال الطريقة التعليمية الوحيدة المتاحة لأولئك الذين لم يسعفهم الحظ في مواصلة التعليم النظامي أو أخفقوا في إكمال دراستهم في معظم البلدان المتخلفة، حيث يلقي رواجاً كبيراً وتتسع قاعدته من سنة إلى أخرى، يركز هذا النوع من التعليم على المواد المطبوعة التي قد تتضمن في بعض البلدان، وسائل سمعية وبصرية ويكون البريد العادي وسيلة التواصل بين طرفي العملية التعليمية من معلم ومتعلم.

جامعة القدس المفتوحة والجامعة المفتوحة بليبيا، وجامعة السودان المفتوحة وكذلك الجامعة العربية المفتوحة بفروعها المتعددة والتي مقرها الرئيس دولة الكويت.

- نظام التعليم عن طريق التلفزيون والراديو^١ وتستخدم في هذا النظام التعليمي تقنيات متعددة كوسيلة للتواصل وتقديم المحاضرات الحية المباشرة أو المسجلة مثل المحطات الفضائية والتلفزيون الخطي^٢ والراديو.
 - نظام التعليم عن طريق الوسائط المتعددة^٣ وتتضمن النصوص والأصوات وأشربة الفيديو الخ، وغالباً ما تستخدم الجامعات المفتوحة هذه الأنظمة حيث يقدم التدريس فيها من قبل فرق عمل متنوعة التخصصات.
 - نظام التعليم المعتمد على استخدام شبكة الإنترنت^٤ والذي تكون المواد التعليمية فيه متضمنة للوسائط المتعددة ومجهزة بطريقة إلكترونية تنتقل إلى المتلقين بوساطة جهاز الكمبيوتر مع توافر إمكانية الوصول إلى قواعد البيانات والمكتبات الإلكترونية، ويمكن من خلال تلك الأنظمة توفير التفاعل بين المعلم والمتعلم من جهة، وبين المتعلم وزملائه من جهة أخرى، سواء بطريقة متزامنة^٥ من خلال برامج المحادثة والفيديو (أنظر الملحق رقم ٢) أو غير متزامنة^٦ باستخدام البريد الإلكتروني ومنتديات الحوار.
- غير أن تطور شبكة الإنترنت في النصف الثاني من عقد التسعينات، وازدياد أعداد المشتركين فيها من أفراد وجماعات ومنظمات غير كثيرا من مفاهيم هذا التعليم بل وأفرز مصطلحات وقضايا جديدة داخله،، ومن هنا بدأ التفكير الجاد في إمكانية استغلال هذه التقنية في مجال التربية، والتعليم والتكوين والبحث، وبذلك ظهر مفهوم التعليم الإلكتروني^٧ الذي سيكون بدون شك تعليم المستقبل.
- فما هو إذا مفهوم التعليم الإلكتروني؟

-
1. TV and Radio Education System
 2. Cable TV
 3. Multimedia
 4. Education System based on the use of the Internet
 5. Synchronous
 6. Asynchronous
 7. E-Learning

يمكن تعريف التعليم الإلكتروني على أنه طريقة للتعليم باستخدام آليات الاتصال الحديثة كالحاسوب، الشبكات، الوسائط المتعددة (صوت، صورة، رسومات، آليات بحث ومكتبات إلكترونية) وبوابات الإنترنت، من أجل إيصال المعلومات للمتعلمين أو المتلقين بأسرع وقت وبأقل تكلفة وبصورة تمكن المشرفين من إدارة العملية التعليمية وضبطها وتقييم أداء المتعلمين، سواء تم ذلك عن طريق التعليم المتزامن أم عن طريق التعليم غير المتزامن.^٢

يعتبر التعليم الإلكتروني شكلا من أشكال التعليم عن بعد بحيث يعتبر العديد من الكتاب أن مصطلح التعليم المفتوح والتعليم عن بعد يمكن أن يكون مظلة مناسبة يندرج تحتها جميع المسميات التي ظهرت في هذا الحقل كما يمكن أن نجد تصنيفا للمؤسسات التعليمية التي تقدم هذا النوع من التعليم بالاعتماد على أساليب العمل المتبعة، حيث تقسم إلى ثلاثة أنواع:

- الأسلوب الفردي للتعلم المفتوح والتعلم عن بعد، ينطبق هذا النموذج على المؤسسات التي يكون لأنشطة التعليم عن بعد النصيب الأوفر مقارنة بأنشطة التعليم المباشرة.
- أسلوب التعلم المزدوج للتعلم المفتوح والتعلم عن بعد، ينطبق هذا النموذج على الجامعات التي تمزج بين نوعي التعليم المفتوح والتقليدي وقد أخذ هذا النوع ينتشر في العديد من الجامعات التقليدية لتوفير فرص التعليم لغير القادرين من المتعلمين على متابعة تعليمهم بانتظام.
- الأسلوب المختلط أو المتآلف الذي يمزج بين النوعين من التعليم مستفيدا من التكنولوجيا المتطورة.

1. Learners

٢. طريقة من طرق التعليم الإلكتروني يتم من خلالها ربط المعلم بالمتلقين في بيئة تعليمية حقيقية بحيث يكون التواصل بين طرفي العملية التعليمية مباشرة على الرغم من البعد والانفصال الجغرافي، في هذا النمط من التعليم يكون المعلم مشرفا على قاعة الدرس مع إمكانية محادثة المتلقين مباشرة بالإضافة إلى إمكانية رؤية المتلقين للسطورة الإلكترونية داخل القاعة في وقت الشرح.

لقد ساهم كل نظام من الأنظمة السابق ذكرها في ظهور مؤسسات تعليمية متنوعة مستفيدة من تطبيقه. كما أن الانتشار الهائل للإنترنت والتدفق السريع للمعلومات عمل على ظهور أنواع جديدة من المؤسسات التعليمية التي تعتمد على التكنولوجيا بشكل رئيس وهي التي تعرف بالمؤسسات أحادية النموذج، حيث يكون التعليم عن بعد هو مسؤوليتها الوحيدة ويشار للنوع المتطور منها بالجامعات الافتراضية كما أن هناك المؤسسات التعليمية التي تعتمد النموذج الثنائي والذي يتضمن كلا النوعين التقليدي والتعليم عن بعد.

إن بيئات التعليم الإلكتروني تتنوع بحسب الاستقلالية التي توفرها للمتعلمين، حيث نجد في هذا الشأن ثلاثة أنواع من تلك البيئات:

- التعلم الشبكي المباشر، يتسم في أن المادة التعليمية يتم تقديمها بالكامل بوساطة الشبكة.
- التعلم الشبكي المختلط أو المتآلف، تعمل البيئة فيه على تيسير التعليم بشكل متكامل مع التعليم الصفي التقليدي.
- التعلم الشبكي المساند، يشير إلى استخدام الشبكة من قبل المتعلمين لتنزيل تكاليف المقرر واستخدام مصادر المعلومات المختلفة.

شروط الانتقال نحو التعليم الإلكتروني

المنظومة التعليمية الإسلامية الإسلامية يجب ألا تقتصر على التعليم الحضوري أو التقليدي بل لابد من توظيف التطورات الحديثة في تكنولوجيا المعلومات والاتصالات وإستخدامها لتوفير ذلك النوع من التعليم القادر على تمكين المؤسسات التعليمية من منح المهارات والمعارف الضرورية اللازمة لنجاح روادها في الحياة الإجتماعية والمهنية في عصر ثورة المعرفة، بمعنى الوصول إلى حالة من التزاوج بين التعليم التقليدي والتعليم الإلكتروني تقوم على أساس تفعيل الأول، والأخذ بعين الاعتبار أهمية الثاني.

وتحقيق هذه الغاية أي الانتقال نحو التعليم الإلكتروني ليس بالعملية السهلة التي يمكن أن تتم بقرار فوقي، وإنما هي عملية معقدة تتطلب وضع إستراتيجية محكمة واتباع خطوات معينة يمكن إجمالها فيما يلي:

- إعداد الإطار البشري المؤهل للتأطير والمتابعة،
- صياغة محتوى تعليمي يتلاءم مع البيئة الجديدة،
- توفير بيئة الاستقبال المناسبة،
- ضبط خطة سير الدراسة في أبعادها المختلفة (المحاضرات، الأعمال الموجهة، الحلقات النقاشية)،
- تحديد عدد المجموعات المتلقية للتعليم الإلكتروني،
- وضع الجهاز المشرف على إدارة العملية التعليمية،
- وضع الآليات المتعلقة بالتقويم المستمر للمجموعات المتلقية،
- وضع قاعدة بيانات لرصد سير التجربة في أبعادها المختلفة من أجل التطوير وزيادة الفاعلية والمردودية على اعتبار أن العملية في حد ذاتها عملية استثمارية في أهم قطاع وهو قطاع رأس المال البشري.

هل أن المؤسسات التعليمية في الدول الإسلامية جميعها مستعدة لتوفير هذه البيئة التعليمية الضرورية للتحويل نحو التعليم الإلكتروني؟

نظريا، يمكن أن نجيب بنعم، لكن من الناحية العملية قليلة هي الدول الإسلامية المؤهلة مؤسساتها التعليمية للتحويل نحو التعليم الإلكتروني فغالبية الدول الإسلامية عاجزة عن وضع خطة فعالة قادرة على إصلاح منظومتها التعليمية التقليدية، ناهيك عن قدرتها على ولوج عالم المؤسسات التعليمية الإلكترونية على الأقل ضمن المنظور القريب والمتوسط، فالمؤسسات التعليمية الإسلامية وخاصة الجامعية تواجه اليوم تحديات كبيرة فرضتها عليها التطورات العلمية والتكنولوجية المتلاحقة، وأصبح لزاما على هذه المؤسسات أن تواجه الإقبال المتزايد على التعليم العالي والارتقاء بمستوى كفاءته وفعالته وجودته ليتماشى مع متطلبات العصر.

ورغم ما يعانيه نظامنا التعليمي فإنه يجب ألا يبقى نظاما تعليميا مقتصرًا على نمط التعليم التقليدي بل لابد من توظيف التطورات الحديثة التي أفرزتها تكنولوجيا الاتصالات والمعلومات واستخدامها لتوفير نمط تعليمي يتسم بالمرونة والكفاءة والفاعلية، وذلك من خلال الدمج بين نمط التعليم التقليدي والتعليم الإلكتروني. تعليم قادر على تمكين منتسبيه، في أي وقت وفي أي مكان من اكتساب القدرات والمهارات والمعارف الضرورية اللازمة للنجاح في الحياة الاجتماعية والمهنية.

مزايا التعليم الإلكتروني

لقد بدأ التعليم الإلكتروني يحتل مساحات واسعة ويجلب إليه أنصارا عديدين وفرض بذلك حضوره على التعليم التقليدي أو الحضوري حتى أصبح تعليما قائما بذاته فإلى ما يعود ذلك؟

من خلال مقارنة أساليب النظامين التعليميين الإلكتروني والتقليدي، يمكن رصد ميزات أساسية للتعليم الإلكتروني والتي يمكن حصرها في الأمور التالية:

- تحقيق قدر أكبر من التفاعلية بين عدد من المرسلين إلى عدد من المتلقين وهذا ما هو غير قابل للتطبيق في التعليم التقليدي أو الحضوري،
- تجاوز قيود المكان والزمان في العملية التعليمية،
- توسيع فرص القبول في التعليم خاصة العالي وتجاوز عقبات محدودية الأماكن وتمكين مؤسسات التعليم العالي من تحقيق التوزيع الأمثل لمواردها المحدودة،
- مراعاة الفروق الفردية بين المتعلمين وتمكينهم من إتمام عمليات التعليم في بيئات مناسبة لهم والتقدم حسب قدراتهم الذاتية،
- إتاحة الفرصة للمتعلمين للتفاعل الفوري إلكترونيا فيما بينهم من جهة وبينهم وبين المعلم من جهة أخرى من خلال وسائل البريد الإلكتروني وحلقات النقاش وغرف الحوار ونحوها،

- نشر ثقافة التعلم الذاتي^١ والتقييم الذاتي^٢ بين أفراد المجتمع التي تمكن من تحسين وتنمية قدرات المتعلمين بأقل تكلفة^٣
- إحساس الطلاب بالمساواة في إتاحة الفرص في العملية التعليمية وكسر حاجز الخوف والقلق لديهم،
- تمكين المتلقين من التعبير عن أفكارهم والبحث عن المعلومات بوسائل أكثر وأجدي مما هو متبع في قاعات الدرس التقليدية،
- سهولة الوصول إلى المعلم حتى خارج أوقات العمل الرسمية،
- تخفيض الأعباء الإدارية للمقررات الدراسية من خلال استغلال الوسائل والأدوات الإلكترونية في إيصال المعلومات والواجبات والفروض للمتعلمين وتقييم أدائهم،
- استخدام أساليب متنوعة ومختلفة أكثر دقة وعدالة في تقييم أداء المتعلمين،
- تمكين المتعلم من تلقي المادة العلمية بالأسلوب الذي يتناسب مع قدراته من خلال الطريقة المرئية أو المسموعة أو المقروءة.

وتحقيق هذه الغايات مرهون بتوفر الأمور التالية:

- قاعات مجهزة بالكمبيوتر وملحقاته،
- شبكة اتصالات متطورة قادرة على مواجهة كل المتطلبات العملية التعليمية الإلكترونية،
- هيئة تدريس مؤهلة قادرة على التفاعل مع متطلبات تكنولوجيا المعلومات والاتصالات الرقمية، أي التعامل بقدرة واقتدار مع متطلبات الكمبيوتر، الإنترنت، الوسائط المتعددة والبريد الإلكتروني،

-
1. Self-Teaching
 2. Self-Evaluation

- بنية إدارية و بيداغوجية كفيلة بإنجاح العملية التعليمية الإلكترونية في جميع مراحلها.

وباختصار، يعزز التعليم الإلكتروني قدرات خبراء التكنولوجيا المتقدمة وخبراء التربية والتعليم والتكوين في مخاطبة شرائح مختلفة من المتعلمين والسماح بتنوع أنماط التعليم للتغلب على قيود المسافة وغياب الترابط والتواصل مع المتعلمين بعضهم ببعض وبينهم ومعلميهم وأطراف عملية التعليم الآخرين من خلال طرق تدريس تتسم بالابتكار والإبداع لإثارة رغبة وحماس المتعلمين في التعلم وزيادة فعاليتهم.¹

- هل كل مؤسساتنا التعليمية الإسلامية قادرة إداريا وبيداغوجيا وبشريا على تحقيق كل هذه المتطلبات؟

لا أجد حرجا في الواقع، وحسب مشاهدتي وتجربتي، بأن أجب بنفي قاطع ذلك أن غالبية هذه المؤسسات عاجزة عن توفير المتطلبات الدنيا للتعليم التقليدي فكيف يمكنها في وضعها الحالي المليء بالمشاكل والتناقضات أن تواجه متطلبات التعليم الإلكتروني. وعلى الرغم من هذا الواقع القائم سيكون من الضروري بمكان وضع استراتيجيات شاملة وواقعية لتطوير المنظومة التعليمية الحالية حتى يتمكن أفراد المجتمع من اكتساب المهارات الضرورية للمشاركة الفعالة في مجتمع المعلومات وفهمه والانتفاع بكل ما يتيح من إمكانيات، وكل ذلك لا يكون ناجعا وفعالا إلا بإشراك هؤلاء الأفراد في تحديد احتياجاتهم وفي وضع البرامج الكفيلة بتلبية هذه الاحتياجات.

إن ما سبق ذكره، بخصوص مزايا التعليم الإلكتروني لا يعني بتاتا أننا نقلل من أهمية التعليم الحضوري أو التقليدي بل بالعكس هو دعوة للانفتاح على تكنولوجيا المعلومات والاتصال والاستفادة منها بقدر الإمكان في تطوير المنظومة التعليمية التقليدية حتى تكون فعالة وقادرة على المنافسة على أساس أن خلق منظومة تعليمية إلكترونية متكاملة إلى جانب المنظومة التعليمية التقليدية بات أمرا لا مفر منه إن لم يكن اليوم بإرادتنا فسيكون غدا رغما عنا.

1. هو جزء من المفهوم العام للتعليم الإلكتروني ومعناه أن يقوم المتعلم بتعليم وتدريب نفسه باستخدام وسائل معينة في ذلك حيث يكون المتدرب هو الذي يبدأ العملية التعليمية ويحدد الخبرات التي يطمح الحصول عليها وكيف يتم ذلك بالإضافة إلى الأهداف ووسائل تحقيق تلك الأهداف.

مآخذ التعليم الإلكتروني

مع ما للتعليم الإلكتروني من مزايا إلا أن الاندفاع وراء التعليم الإلكتروني قد يحرم الطالب مهارات هو في أمس الحاجة إليها مثل الإستماع والكتابة والتفاعل مع الأقران والتحدث والحوار والمناقشة إلى غير ذلك

وعليه، فإن الدراسة المتأنية للمحتوى قبل إعداد الأنشطة التعليمية ضرورية جدا لو يتم ذلك من قبل فريق تربوي متخصص في اللغة والبرمجة، يقرر متى يذهب المعلم بطلابه إلى مختبر الكمبيوتر ومتى يقيهم في غرفة الصف ليتعلموا على يديه أبجديات الاستماع والحوار، وبالطريقة التي تعلم بها أبأؤهم من قبل كما يمكن إضافة بعض المآخذ ومنها:

- إضعاف دور المعلم كمشرف تربوي وتعليمي مهم وارتباطه المباشر مع طلابه وبالتالي قدرته على التأثير المباشر،
- إضعاف دور المدرسة كمؤسسة تعليمية هامة في المجتمع لها دورها الهام في تنشئة الأجيال المتعاقبة،
- ظهور الكثير من الشركات التجارية والتي هدفها الربح فقط والتي تقوم بالأشراف على تأهيل المعلمين وإعدادهم وهي في الحقيقة غير مؤهلة علميا لذلك،
- كثرة الأجهزة العلمية المستخدمة في العملية التعليمية قد تصيب المتعلم بالفتور في استعمالها.

تحديات التعليم الإلكتروني

- على الرغم من المزايا المتعددة التي يوفرها التعليم الإلكتروني إلا أن المؤسسات التعليمية الإسلامية لا زالت تواجه الكثير من التحديات من أجل تركيز التعليم الإلكتروني في القطاعات المختلفة، ولعل من أكبر تلك المعوقات:
- قناعة الكثيرين من رجال التربية والتعليم والتكوين بعدم جدوى التعليم الإلكتروني،

- عدم قدرة الكثيرين من رجال التربية على التغيير والتأقلم مع مقتضيات البيئة التعليمية الإلكترونية الجديدة،
 - اعتقاد الكثيرين من رجال التربية بأن التعليم الإلكتروني هو منافس للتعليم التقليدي وليس مكمل له، بمعنى أن ترسيخ الأول لا يتحقق إلا بزوال الثاني،
 - عدم وضوح أسلوب وأهداف هذا النوع من التعليم للمسؤولين على قطاع التربية والتكوين والتعليم في كثير من البلدان الإسلامية،
 - ضعف نسبة المواظبة^١ وهي مسألة تعاني منها المنظومة التعليمية الإلكترونية لا على مستوى العالم الإسلامي فقط وإنما على مستوى العالم بأكمله حتى أصبحت من المعوقات التي باتت تشكل خطراً على البيئة التعليمية الإلكترونية برمتها، فعلى سبيل المثال يذكر^٢ في دراسة أعدها حول المواظبة في جامعة أبيبيرا الوطنية بفنزويلا أن نسبة عدم المواظبة في بعض البرامج بلغت ٧٥% وهي نسبة باتت تهدد هذه البرامج بالزوال،^٣ من جهته توصل^٤ إلى نفس النتيجة عند دراسته لنفس الظاهرة في جامعة أتاباسكا^٥ والتي زادت فيها نسبة عدم المواظبة لتصل إلى ٥٦%.
- ويعيد^٦ في دراسة أعدها سنة ١٩٩٣ أسباب هذه الظاهرة إلى أربعة عوامل رئيسية حددها في التالي:
- عوامل مؤسسية مرتبطة بالوضع الخاص بالمتلقي،
 - عوامل مؤسسية مرتبطة بالقواعد التي تضعها المؤسسة الجامعية المكلفة بالتكوين،
 - عوامل متصلة بعادات المتلقي والأسلوب الذي يدير به عمله،
 - عوامل استمولوجية مرتبطة بمحتوى الدرس.

-
1. Perseverance
 2. Siqueira de Freitas and Lynch
 3. www.cict.co.uk/software/markin/index.htm
 4. Brindley
 5. Athabaska
 6. Garland

وبالنظر إلى واقع المجتمعات الإسلامية يمكن رصد العديد من المعوقات التي يعود بعضها إلى العقلية المجتمعية السائدة، وبعضها إلى طبيعة التعليم الإلكتروني في حد ذاته وبعضها الآخر يعود إلى الواقع المادي المتدهور لكثير من المجتمعات الإسلامية:

- بدائية البنية التحتية لشبكة المعلومات والاتصالات في غالبية البلدان الإسلامية وعدم انتشار استخدام الكمبيوتر في كثير من الدول الإسلامية نتيجة لتدني دخل الأفراد،
- ضعف الوعي التكنولوجي لدى الكثير من المجتمعات الإسلامية لأسباب عديدة لا يسع المقام هنا لذكرها وتفشي الأمية خاصة التقنية والرقمية منها،
- التكلفة المادية التي يتطلبها شراء المعدات اللازمة والأجهزة الأخرى المساعدة والتي بدونها لا يمكن خلق تعليم إلكتروني حقيقي وفعال.

آليات تحقيق الفاعلية في التعليم الإلكتروني في العالم الإسلامي

من المؤكد أن نجاح أي منظومة تعليمية يعتمد بشكل كبير على التزامها بمعايير جودة متفق عليها عالمياً، وفي مجال التعليم الإلكتروني فإن المسألة تأخذ أهمية خاصة نظراً لطبيعة هذا النوع من التعليم والذي يتميز بتباعد المعلم عن المتعلم أو المتلقي.

وتحقيق النوعية مطلب أساسي في جميع النشاطات وتزداد أهميتها حينما يتعلق الأمر بقطاع حيوي كقطاع التربية والتعليم والتكوين والبحث، وهو أمر يؤكد الكثيرون بأن التربية النوعية هي التي تجعل من الإنسان قادراً على الإنجاز والنهوض بالإنسان والوطن، والإسهام في التنمية الاجتماعية المستدامة^١.

وذلك يتطلب تحقيق ثلاثة شروط أساسية:

- ضمان النمو الحقيقي في شخصية وسلوك المتعلم،
- المواءمة مع احتياجات المجتمع في الظروف القائمة،
- توفر الخصائص العلمية والمهنية للمؤسسة.

١. الخوالدة، مفهوم التعلم عن بعد والتعليم المفتوح ودور تكنولوجيا الاتصالات في تفعيلها.

أما بخصوص التعليم الإلكتروني، فما هي آليات تحقيق الجودة والفاعلية؟
هذه الآليات يمكن تلخيصها في النقاط التالية:

- توفير شروط أساسية في الطلبة الملتحقين بهذا النوع من التعليم لضمان مدخلات تعليمية مناسبة تملك الإمكانيات النفسية والعقلية والجسمية،
- تخطيط البرامج التعليمية بحيث تقوم بنيتها على أفضل أنواع المعارف المعاصرة والمعلوماتية وتكنولوجيا الاتصالات المرتبطة بالإحتياجات المجتمعية،
- استخدام تكنولوجيا الاتصالات والمعلومات وملحقاتها استخداما حقيقيا وفعالا بحيث تساعد المتعلم على امتلاك المعارف والمهارات والتقنيات والمنهجية التي تمكنه من القدرة على الإنتاج والإبداع،
- توفير شروط نوعية التعليم في المادة التعليمية والوسائط التعليمية والمعلم وكافة البرمجيات التي تستخدم في هذا النوع من التعليم غير التقليدي،
- تنفيذ البرامج التعليمية وفق مراقبة دقيقة تمكن من تنفيذ البرامج وفق أهدافها ومراقبتها من حالات التدني أو الخروج عن أهدافها الحقيقية،
- تقييم البرامج التعليمية المستخدمة في ضوء المستجدات من أجل إدخال الإصلاحات والتطوير بصورة مستمرة،
- تطوير أداء أعضاء هيئة التدريس وكذلك شروط قبول الطلبة حرصا على استمرار مدخلات نوعية في الطلبة والمعلمين، لما لذلك من أثر على نوعية المخرجات من الطلبة ومستوى أداء المعلمين،
- إعادة النظر في النظام الإداري والفني بصورة مستمرة وتخليصه من كل ما من شأنه عرقلة توفير تعليم نوعي للطلبة الملتحقين به.

هل بالإمكان توفير هذه الآليات في المؤسسات التعليمية الإسلامية؟

بالنظر إلى المشاكل التي تعاني منها المنظومة التعليمية الإسلامية التقليدية والتي تزداد حدتها من سنة إلى أخرى، فإن الإجابة بنعم قد تنطوي على كثير من المغالطات، بمعنى أنه على المنظور القريب والمتوسط وبالنسبة لغالبية الدول الإسلامية، فإن توفير هذه

الإمكانيات يصبح وببساطة ضربا من الخيال سيما وأن الأمر يتعلق بمنظومة تعليمية جديدة أساسها تكنولوجيا المعلومات والاتصال وملحقاتها.

التعليم الإلكتروني؛ ضرورة أم ترف

إن الدخول إلى عصر المعرفة، والذي يركز على استغلال التقنيات الحديثة في شتى مناحي الحياة، يتطلب الارتقاء بالرؤية المستقبلية، وإعادة النظر في أساليب العمليات التقليدية على جميع الأصعدة فقد غدت تكنولوجيا المعلومات والاتصالات وسيلة حياة وليس مجرد أدوات رفاهية مقتصرة على مجال معين أو نخبة اجتماعية محددة.

وفي ظل التوجه العالمي نحو اقتصاد المعرفة الذي يعتمد بشكل أساسي على التقنيات الحديثة لاستغلال المعرفة في رفع مستوى الأفراد الاجتماعي واستغلال الموارد المختلفة خير استغلال، أصبحت تكنولوجيا المعلومات والاتصالات وسيلة بقاء و أداة لا يمكن الاستغناء عنها في ظل عالم معولم مفتوح يعتمد على القدرة التنافسية كمييار للتقدم و الازدهار.

وفي هذا الإطار تبرز المنظومة التعليمية كأهم محرك لإحداث تغيير جذري وثورة حقيقية في نمط الحياة و التفكير فالأجيال الصاعدة هي دائما الأقدر على تحقيق نقلة نوعية إن توفرت لها آليات التغيير.

إن الانتقال إلى اقتصاد المعرفة، بكل ما يحتوي هذا المصطلح من تحديات، لا بد من البدء بالمدارس والجامعات بحيث تصبح المعرفة والوسائل التي تدعم تحصيلها، والحفاظ عليها هي المرتكزات الأساسية للمنظومة التعليمية التقليدية والإلكترونية، وإدراكا من الغرب بأهمية التعليم كقاطرة للتنمية البشرية وكأداة لتحقيق التغيير في نمط تفكير الأفراد، فقد انصبت الجهود ومنذ مطلع التسعينيات من القرن الماضي على تأسيس نظام تعليم معرفي يعتمد التقنيات الحديثة كوسيلة فاعلة لتحصيل وحفظ ونقل المعرفة بأشكالها المختلفة، وكل هذا يتم ضمن رؤية واعية ودعم غير محدود من كافة الشركاء الأساسيين والفاعلين مجتمعيا.

وعليه، فإذا ما أردنا اللحاق بهذا الركب يصبح لزاما علينا كدول وكمجموعة إسلامية تبني إستراتيجية إسلامية للتعليم الإلكتروني تطوي على استغلال التقنيات الحديثة كوسيلة أساسية في المنظومة التعليمية في مراحلها المختلفة، ولكن مثل هذا الخيار الاستراتيجي يتطلب تغييرا جذريا في بيئة وأساليب التعليم ويحتاج إلى جهود جبارة ومصادر مادية ضخمة مما يشكل تحديا كبيرا للغاية للبلدان الإسلامية.¹

مستقبل التعليم الإلكتروني في العالم الإسلامي

ما هو مؤكد أن التعليم الإلكتروني العالمي يشهد تطورا مطردا وما هو مؤكد أيضا عجز التعليم الإلكتروني الإسلامي بصفة عامة على مواكبة هذا التطور واستفادته منه بالقدر الذي يجعله يفرض نفسه كواقع يهم حياتنا في أبعادها المختلفة. قولنا هذا لا يجعلنا ننكر على هذا التعليم تمكنه بشكل أو بآخر من فتح المجال أمام أولئك الذين يريدون أن يتعلموا ولم تسمح لهم ظروفهم من الالتحاق بمؤسسات التعليم التقليدي.

— ما هي إمكانية تدارك هذا الوضع ؟

تدارك الوضع ليس مستحيلا، لكن يضل في رأينا مرهونا بتوسيع قاعدة التعليم الإلكتروني، وهو أمر لا يتأتى إلا بزيادة انتشار استعمال شبكة الإنترنت ووسائل الإتصال الأخرى من قبل أفراد المجتمع، والمرتبطة حتما بعوامل أخرى في مقدمتها نسبة التعليم، والمستوى الاقتصادي والظروف السياسية. وللتأكد من ذلك يكفي أن نرى ما هو موجود عند الآخرين وما هو موجود في بيئتنا الإسلامية، فالأرقام العالمية تشير إلى تزايد عدد المشتركين على شبكة الإنترنت باطراد، ففي سنة 1996 كان هناك 40 مليون مشترك وفي سنة 2002 وصل العدد إلى أكثر من 250 مليون مشترك من أصل 6 مليارات نسمة ومن المتوقع أن يصل العدد إلى مليار مشترك بين سنوات 2018-2020 كما أن نسبة 70% من مستخدمي الإنترنت في العالم متركزون في بلدان أوروبا وأمريكا الشمالية وأكثر من 35% من هؤلاء في الولايات المتحدة الأمريكية هذه الأخيرة يوجد بها 154 مليون مستخدم لشبكة الإنترنت.²

١. الفيومي، ٢٠١٤.

٢. مؤتمر صحافة الإنترنت في الوطن العربي: الواقع والتحديات، ٢٠٠٥.

ومن جهة أخرى، تشير الإحصائيات إلى أن هناك ٢٥% من سكان العالم يملكون ما نسبته خط هاتفي واحد لكل 100 شخص وفي بعض المناطق ترتفع النسبة لخطين هاتفين لكل شخص، بينما سكان أفريقيا البالغ عددهم 700 مليون نسمة، وإلى وقت قريب لا توفر لهم شبكة الخطوط الهاتفية الثابتة أكثر من 14 مليون خط، ومنطقة المغرب العربي التي هي جزء من أفريقيا، والتي بلغ عدد سكانها سنة 1992 حوالي 70 مليون نسمة لا تتوفر إلا على مليونين ونصف مليون من الخطوط الهاتفية والتي من المتوقع أن تصل إلى 7 ملايين خط في أفق عام ٢٠١٨ وما بين 12 إلى 14 مليون خط سنة ٢٠٢٠ لمجموع السكان الذي سيبلغ حوالي 100 مليون.

وإذا ما قارنا نسبة استخدام العالم الإسلامي لشبكة الإنترنت مع المعدل العالمي لأدركنا ضعفنا وحجم تأخرنا فنسبة مستخدمي الإنترنت من المسلمين لا تمثل سوى 0.34% من عدد مستخدمي الإنترنت على المستوى العالمي أي أن نسبة المستخدمين المسلمين أقل بحوالي 11 مرة من معدل الاستخدام العالمي وهذا في الوقت الذي يبلغ فيه سكان العالم الإسلامي نحو 300 مليون نسمة أي حوالي 5% من سكان العالم لا يستخدم منهم الانترنت سوى 6.1%.

مع وجود هذه الأرقام يضاف إليها ضعف الإمكانيات وارتفاع نسبة الأمية بأبعادها المختلفة، هل يمكننا الحديث عن رفع نسبة المستخدمين للانترنت ووسائل الاتصالات الأخرى وبالتالي زيادة مساحة التعليم الإلكتروني؟

إن الوقائع أصلا غير مشجعة بالنسبة لغالبية الدول الإسلامية، فحسب تقرير صادر سنة 2003 هناك أقل من 18 حاسوبا لكل 1000 شخص في الدول الإسلامية بينما المتوسط العالمي هو 78.3 حاسوبا لكل 1000 شخص، هذا الأمر قد يطول بالنسبة لغالبية الدول العربية باستثناء بعض دول الخليج والأردن.

إن التعليم الإلكتروني لن يصبح واقعا ممكنا وحقيقة ملموسة في بيتنا الإسلامية إلا إذا تمكنا في مرحلة أولى من مواجهة آفة الأمية الأبجدية، وفي مرحلة ثانية من مواجهة أنواع الأمية الأخرى كالأمية العلمية والتقنية والأمية الرقمية. لماذا؟

لأن مؤشرات التقدم اليوم أصبحت في أي مجتمع من المجتمعات تقاس خاصة بارتفاع معدلات التعليم، ومكافحة الأمية ومحاصرة مساحات الأمية الإلكترونية وزيادة نسبة الحواسيب الشخصية وتوسيع قاعدة عدد مستخدمي الإنترنت مقارنة مع عدد السكان. أين نحن من كل ذلك؟

المقترحات

لم يعد قطاع التربية والتعليم والتكوين والبحث بمعزل عن الانتشار العالمي لتكنولوجيا الاتصالات والمعلومات التي أنتجت نمطا جديدا يطلق عليه مصطلح التعليم الإلكتروني ونجح هذا النمط التعليمي في كثير من البلدان المتقدمة في تخطي الحواجز الزمنية والمكانية للعملية التعليمية، وخلق أسواقا وفرصا استثمارية لم يستطع التعليم التقليدي الوصول إليها أو إنتاجه، لكن في غالبية مجتمعاتنا الإسلامية ظل هذا النوع من التعليم يراوح مكانه إن لم نقل غائبا عن القاموسي البيداغوجي.

ورغم ذلك فإنه من المهم بمكان ألا تبقى منظومتنا التعليمية مقتصرة على النمط التعليمي التقليدي، بل لابد من توظيف التطورات الحديثة التي أفرزتها تكنولوجيا الاتصالات والمعلومات واستخدامها لتوفير نمط تعليمي يتسم بالمرونة والكفاءة والفاعلية، وذلك من خلال المزوجة بين نمط التعليم التقليدي والتعليم الإلكتروني، وبغية تحقيق هذه الغاية يجب ألا يغيب عن الأذهان بأن التعليم الإلكتروني لا يمثل حدثا طارئا، بل هو ظاهرة ستستمر في التطوير وتمر بعدة تغييرات أساسية تصب كلها في خدمة العملية التعليمية برمتها.

ولخلق منظومة تعليمية إلكترونية وأيضا لتطويرها وزيادة فاعليتها في العالم الإسلامي يصبح لزاما مراعاة ما يلي:

- ضرورة تبني إستراتيجية إسلامية موحدة للتعليم الإلكتروني تنطوي على استغلال التقنيات الحديثة كوسيلة أساسية في المنظومة التعليمية في مراحلها المختلفة،

- ضرورة إحداث تغيير جذري في بيئة وأساليب التعليم وذلك يحتاج بطبيعة الحال إلى جهود جبارة ومصادر مادية ضخمة،
- ضرورة توفير البنية التحتية التي يتطلبها التعليم الإلكتروني والتي تتمثل في إعداد هيئة تدريس مؤهلة قادرة على التفاعل مع متطلبات تكنولوجيا المعلومات والاتصالات الرقمية، أي التعامل بقدرة واقتدار مع متطلبات الكمبيوتر والإنترنت والوسائط المتعددة والبريد الإلكتروني،
- ضرورة الاستفادة البناءة من تجارب وخبرات الآخرين بمعنى أقلمة هذه الاستفادة وإخضاعها لمتطلبات واقع العالم الإسلامي.

قائمة المصادر

١. جابر، خليل. تاريخ شبكة المعلومات العالمية (إنترنت):
http://www.angelfire.com/biz/kha98/maqlat_mhadrat/internethistory.htm
٢. الخوالدة، محمد. مفهوم التعلم عن بعد والتعليم المفتوح ودور تكنولوجيا الاتصالات في تفعيلهما:
www.elearning.edu.sa/?page=SelfLearning
٣. العمر، محمد (٢٠٠٤). مستقبل بدأ البارحة: تحديات الصحافة الورقية في عصر الإنترنت. مجلة إتصال، عدد ٩:
٤. الفريخ، سعاد (٢٠٠٥). التعلم عن بعد ودوره في تنمية المرأة العربية. القاهرة: منتدى المرأة العربية والعلوم والتكنولوجيا: ١٠-٨.
٥. الفيومي، نبيل (٢٠١٤). التعلم الإلكتروني في الأردن: خيار استراتيجي لتحقيق الرؤية الوطنية. التحديات، الإنجازات والطريق نحو المستقبل. الأردن: وزارة الاتصالات وتكنولوجيا المعلومات.
٦. المحيسن، إبراهيم. وخديجة هاشم. (١٤٢٣). المدرسة الإلكترونية: مدرسة المستقبل. دراسة في المفاهيم والنماذج. ندوة مدرسة المستقبل. الرياض: جامعة الملك سعود:
www.ksu.edu.sa/seminars/futur-school/Abstracts

7. مؤتمر صحافة الإنترنت في الوطن العربي: الواقع والتحديات (٢٠٠٥). الصحافة الإلكترونية العربية: الواقع والأفاق. الإمارات العربية المتحدة: جامعة الشارقة.
8. المؤتمر العلمي الثاني عشر لنظم المعلومات وتكنولوجيا الحاسبات. (٢٠٠٥). التعلم الإلكتروني وعصر المعرفة. القاهرة: من تنظيم الجمعية المصرية لنظم المعلومات وتكنولوجيا الحاسبات: ١٧-١٥.

9. www.cict.co.uk/software/markin/index.htm

1. Become a means of clarification for the Shi'a School that often gets terror, slander and infidelity both done personally and organizationally.
2. Become a tool to explain and introduce the teachings and values of the Ahlul Bayt school.
3. Become a communication tool for Shi'i adherents who still number a little in Indonesia.

References

1. Brandtzaeg, P.B. and J Heim (2011). **A Typology of Social Networking Sites Users**. Int. J. Web, Based Communities. 1, 7: 28-51
2. <https://apjii.or.id/survei2016>
3. <http://nasional.kompas.com/read/2017/02/27/20420841/alissa.wahid.nilai.ujaran.kebencian.di.media.sosial.semakin.menguat>

Conclusion

The Government of Indonesia has a huge role and contribution to the dissemination of religious teachings and values on the website, But in the case of the Indonesian state the government is not sufficient to be alone in handling religious cases.

The reason is that some community groups have not been able to accept the government as a religious authority.

Therefore, the government should be able to cooperate with religious organizations that are viewed as an organization that is trusted by the government and society in general namely; Nahdatul Ulama and Muhammadiyah.

The role and function of government in relation to the dissemination of religious teachings and values on the website is:

1. Regulator.
2. The Organizer of the Religious Agenda.
3. Protector.

Meanwhile, the role of religious organizations especially Nahdatul Ulama and Muhammadiyah are:

1. Opening Jobs.
2. Being a Reference and reference for people to understand religion.
3. Media to align information, information and books that are diverted by certain groups.

The function of the website of the Shia School in Indonesia are:

Another Islamic organization worthy of discussion regarding the issue of website functionality is the website produced by ABI (Ahlul Bayt Indonesia) under the name of the website <http://www.ahlulbaitindonesia.or.id>.

This website which intensively loads and posts matters pertaining to the teachings of the Shi'a school. This website is not just a focus on the discussion of Shia teachings but also with regard to the issue of acts that are discussed at national and international levels. But the discussion of the topic remains based on the views and values of the teachings of the Shi'a School.

The function of the website of the Shi'a School in Indonesia is:

1. Become an information and referral center for Shia Muslims in Indonesia.

2. Become a means of clarification for Shi'a schools that often get terror, slander and infidelity both done personally and organizational. The Shia school in Indonesia although the state does not prohibit but some famous individuals in Indonesia as well as a small number of organizations in Indonesia who have not accepted the presence of Shia in Indonesia.

3. Become a tool for explaining and introducing the teachings and values of the Ahlul Bayt School.

4. Become a communication tool for Shi'i adherents who still number a little in Indonesia.

This is very important because many radical Islamic groups in Indonesia have many websites and are very aggressive about posting views and religious teachings based on the views and thoughts of their group. Something very harmful for the majority of Muslims is they are on behalf of Ahlusunnah wal jamaah.

3. As a medium for rectifying information and books that are distorted by certain groups. There are many statements of the great scholars in Indonesia as well as the books written by the great ulama of Nahdatul Ulama are distorted by those who wish to defame and the teachings of ahlusunnah wal jamaah.

4. To counter the spread of the teachings of radicalism and terrorism in Indonesia.

Along with the growth and the rise of radicalism and hate speech in Indonesia, the organization of Nahdlatul ulama and muhammadiyah came to the forefront to ward off and eradicate the movement.

The cyber team of Nahdatul Ulama has gathered hundreds on behalf of Islamic sites that used to make posts that threaten and endanger the stability of society and the state. He also has a list of Islamic sites that are considered radical. The number is 208.

The site is widely read by millions of netizens. Not infrequently attacked scholars, country symbols and the philosophy of the state of Indonesia. Such Islamic sites also often attack and mislead Shi'a schools.

In addition, these organizations have also international figures among others; K.H.Ahmad Dahlan, K.H. Hasyim Asyari, K.H.Abdurrahman Wahid and Prof.K.H.Syafii Maarif. Both of them are organizations which is based on Sunni school.

Nahdatul Ulama and Muhammadiyah realize indeed that promoting and teaching the religious view based on Ahlu Sunnah Waljamaah school on website is very important. The reason is not only because the majority of Muslims in Indonesia follow the Ahlu Sunnah Wal Jamaah school but also there are many websites that are handled by extremists group in Indonesia.

Based on the reality, the website produced by Nahdatul Ulama and Muhammadiyah have many functions, that are; 1. Opening job field. With the website of Nahdatul Ulama, the citizens (members) of the Nahdatul Ulama and Muhammadiyah organizations are empowering professionals from Nahdatul Ulama and Muhammadiyah to manage and fill the website. To obtain professional resources, training needs to be done early for them and also understanding on an ethics of the world of the website.

2. Become a reference for the people to understand religion. With the website of the NU and Muhammadiyah organizations will be the main reading for the people of Indonesia who are looking to learn or want to explore the religious sciences, especially with respect to the Ahlu Sunnah Wal Jamaah School.

Based on the above understanding, I agree with what the Indonesian government has done through the Ministry of Communication and Information decided to block a web application that is known to be a hotbed for radicalism to develop its influence and followers; Telegram.

The application, according to the Chief of Police of the Republic of Indonesia, is to become a coordinating place for terrorists in building networks and preparing the bomb-making training process.

The privacy features that conceal the identity of the users, plus the delay in Telegram's response to the demands of the government, are a list of additional errors by Telegram.

Telegram has plagued police efforts to infiltrate terrorism networks that have taken a large share of the world's narratives since the collapse of the World Trade Center building in the United States on September 15 last year. It's no secret that Telegram has become a favorite app for terrorist extremist groups as a means of communicating between groups like ISIS (The Islamic State of Iraq and Syria).

2. The Biggest Religious Organization in Indonesia

The biggest religious organization in Indonesia are Nahdatul Ulama dan Muhammadiyah. The greatness both of organizations is signed by the historical trace for fighting and guarding the republic of Indonesia. Therefore Nahdatul Ulama and Muhammadiyah is very worth to become a sight source and religious thought in Indonesia.

For the case of Indonesia, the religious organizations of Nahdatul Ulama and Muhammadiyah are representations of these positions and conditions.

Therefore the main role of the government with regard to the spread of the teachings of religious values in Indonesia especially for the teachings of Islam in cyberspace are as follows:

- **Regulator**

The function of the state in the virtual world in order to spread the teachings and religious values is as regulator. The government provides models and examples of religious values that are viewed in accordance with the views and foundations of life of a nation. The appropriate religious style in Indonesia is the pattern and the value of a moderate religion.

- **The Organizer of the Religious Agenda**

The government should set a special schedule for religious festivals. The government should have the authority to determine the day of religious importance and also the religious agenda. In Indonesia there is The Majelis Ulama Indonesia (MUI–Indonesian Council of Ulama) which is representative of various Islamic organizations in Indonesia but Indonesian Council of Ulama is also often not so influential for other Islamic mass organizations in Indonesia.

- **Protector**

The government must protect the people from religious teachings that lead to extremism and treachery. In addition, a religious teaching that weakens the unity of Indonesian citizens.

It is necessary because not everything can be handled by the government effectively especially when it comes to religious issues. Religious issues in Indonesia have a little problem when left entirely to the government of Indonesia.

Historically there has been an unfavorable trace of the relationship between government and adherents of certain religions (in this case Muslims). In the Soeharto government the Islamic movement was once suspected of being a separatist movement or a rebel. With such experience, radical and extreme religious organizations play down the role of government in religious issues.

Therefore, there needs to be strong support from religious organizations that are trusted by the government and also by Indonesian society in general. For the case of Indonesia the religious organization of Nahdatul Ulama and Muhammadiyah is a representation of those positions and conditions.

Historically there has been an unfavorable trace of the relationship between government and adherents of certain religions (in this case Muslims).

In the Soeharto government the Islamic movement was once suspected of being a separatist movement or a rebel. With such experience, some radical and extreme religious organizations have played down the government on religious issues. Therefore the government needs strong support from religious organizations that are trusted both by the government and by the people of Indonesia in general.

For 30 years Indonesia lived in the New Order regime which suppressed freedom of expression. After the 1998 Reformation, freedom of expression was achieved, but not yet accompanied by enough maturity of mind and emotions, good preparedness and self-control.

Our educational attainment is still quite low in population. The quality of education emphasizes more the aspect of cognitive rationality alone. Fueled by advances in information and communication technology through social media, Indonesia has never experienced hurricanes of speech and open controversy in this massive society. Hate speech in social media has become a particular group strategy to provoke hatred and anarchy.

The Role of State and Religious Organization

1. The Role of State

Based on the number of internet users and various motivations, the government as the party responsible for the security, awareness, intelligence and education of citizens then the government should have a significant role on the system that works on the internet.

In my opinion that the discussion that received the full attention of social media users in Indonesia in general is a matter of religion. With such a reality it should not only the government that should have a big role in cyberspace but also religious organizations must participate actively.

The targets of hate speech include tribes, religions and beliefs, race, class, color, ethnicity, gender, persons with disabilities or persons of different physical and mental nature, including different sexual orientations: male, female, transgender. Hate speech media include: social media, print and electronic mass media, pamphlet, banner, campaign oration, lecture including religious lecture.

The Chief of the Indonesian National Police, General Tito Karnavian has been issued regarding the handling of hate speech as a guide in handling cases of hate speech. The hope, when there is a case of hate speech in the community, immediately prevention to not rolling enlarged, reconciled between the disputing parties. If it can not be reconciled, then taken legal steps.

When we were seeing hate speech in social media so rife, it raises questions for the people of Indonesia. They are worried about Indonesia's rampant condition with hate speech while Indonesian people are known as a friendly and courteous. The reality of today is so contrary to what is believed before. Why and what is the cause so that a well-known society has a temperament and a gentle character can change so violently and fiercely in social media?

The answer most often heard both from the analysis and the general public that it happens is the fruit of the pressure of the regime of the new order which has long been in power in Indonesia with tyranny.

This type relies heavily on the internet to carry out practical tasks and uses them primarily for instrumental reasons. The fifth type is Actives. These are users who have a high level of participation and have a balanced motivation between informational and recreation. antara informational dan recreation.

I would like to add some motivations and types of social media users by taking samples of social media users in Indonesia. First, Hate Speaker. According to Gusdurian (An organization the followers of K.H.Abdurrahman Wahid as known Gus Dur) Indonesia Network Coordinator, Alissa Wahid that the message of hostility circulating in social media is getting stronger.

Nearly the perpetrators of violence are the ones who often do hate speech postings on social media. Based on the research, Alisa Wahid found that from the third week of September to the first week of October 2016, there were 28,000 tweets containing the word "misguided" and 21,000 chirp containing "kafir" on Twitter. "If on Facebook it's worse, 113,000 within three months from September to November, so imagine the hostility continues," Alissa said.

The rise of hate speech in Indonesian society has caused some horizontal conflicts. Hate makes a lot of information into bias, fake and slander spread. Tolerance, empathy and brotherhood are torn apart by different views. Even physical attacks and clashes occur in some areas due to hate speech in social media. Hate speech forms: humiliation, defamation, blasphemy, disrespectful acts, provocation, incitement and spreading false news can have an impact on discrimination, violence, disappearance, or social conflict.

Users who actively use social media on mobile devices also rose from 66 million to 92 million. In terms of increasing the number of users in social media services, Indonesia even occupies the third position in the world. Indonesia defeated countries like Brazil and the United States, and only lost to China and India.

Brandtzaeg and Heim (2011) mentioned that social media users can be classified into five types namely, Sporadic, Lurkers, Socialisers, Debaters, Actives. The first type is Sporadic. Sporadic is a user who visits social media on an irregular basis.

Users in this type have low participation rates and tend to use more social media to find information. In this type they usually just make a status and check if anyone is commenting or not on their status.

The second type is Lurkers. Lurkers is having a low participation rate and tend to be more towards recreation. Users of this type are involved in some activities on social media, but their participation is low. This type thinks of technology just for fun and for maintaining good relationships with others. The third type is Socialisers. This type is a user who has a high participation rate and tends more towards recreation.

Social media for this type is very important because people in this type use social media to keep in touch with friends. The fourth type is debaters. This type, users who have high participation rates and tend to be more towards informational.

As for the object of study of this paper are the conditions in the state of Indonesia both the role of government and Islamic organizations which are representations of Indonesian Muslim society, namely: Nahdatul Ulama and Muhammadiyah. In addition, the organization of a minority group of Muslim in Indonesia is Shia with the name of the organization; Ahlul Bayt of Indonesia.

Key Words: Religious Organizations, State, Terrorist, Indonesia Web-based Teachings

Preface

Survey conducted by Asosiasi Penyelenggara Jasa Internet Indonesia (APJII) (the Association of Internet Service Providers Indonesia) in 2016 mentions that there are 63 million Indonesian people connected to the Internet.

As many as 95 percent of the population's activity when accessing the virtual world is to open social media. On January 26, 2017, We Are Social research firm re-announced their latest report on the development of Internet use worldwide. The result, they call Indonesia as a country with the largest number of internet users in the world. Having only about 88.1 million internet users by early 2016, the number of Internet users in Indonesia has increased by 51 percent to 132.7 million users in early 2017.

But from the side of the device used to access the internet, no significant changes. The growing number of internet users is also accompanied by the increasing number of users of social media services. Just numbering 79 million last year, that number has now risen to 106 million users.

The Role of State and Religious Organizations in Indonesia in Web-based Teachings

Author: Dr. Supratman Supratman (Indonesia)¹

Receive: 06/07/2016

Accept: 28/09/2017

Abstract

According to data from the Association of Indonesian Internet Service Providers that the Indonesian people are the highest internet users in the world. It means that the people of Indonesia are well informed today, including regarding their religious knowledge mostly obtained via the internet. The problem are:

1. Many groups of takfiri and terrorists spread their propaganda through cyberspace.
2. Debating on social media has generally more negative effects. Most of those who argue are mutually disparaging, insulting and disbelieving.

This paper will examine the role and function of the state as well as religious organizations in spreading religious teachings and values. The state functions are:

1. State is as cyberspace controller and supervisor.
2. State is as donors for religious organizations.

Meanwhile the religious organizations have roles and functions that are:

1. To introduce the true teachings and values of Islam.
2. To resist the teachings of takfiri and acts of terrorism that are spread and popularized by an extremist group which their actions are named as teachings and Islamic values.
3. To cooperate with online media from other Islamic countries.

1. Assistant Professor in Department of Cultural Sciences, University of Hasanuddin, Makassar, Indonesia, supa.athana@gmail.com

A Word from Managing Editor

Research is the artery of life in the realm of insight and science. Its dynamism leads to generation and expansion of knowledge borders and discarding this area, makes knowledge resting and lifeless; and the first achievement of this resting is ignorance. In these very days, we are witnessing the modern ignorance, which roots in absence of sound and lucid research in different areas.

Today research is considered to be a gate for expanding the borders of knowledge and plays an eminent role in human activities. Exploring Humanities and Islamic areas can enable people to understand the human issues and difficulties to offer solutions for them.

The growing development in different areas of knowledge demands discussions in more scientific areas. Explaining a huge range of Islamic Science areas in global scope is a necessity today.

“**Pure Life**” student journal, with the aim of creating a situation for presenting articles of Al-Mustafa Open University students, is trying to improve the level of student researches in Islamic Science and also grounding an area for expanding the relationships among researchers in humanities and islamic science areas.

“**Pure Life**” is published, every season, in a form of a multilingual, electronic and promotive student journal. This very volume, trying to discuss “**First International Conference of Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education**” (7), represents the nine best articles in Three language: Farsi, Arabic and English.

Thanks to Al-Mustafa Journals Commission and Ministry of Culture and Islamic Guidance in Islamic Republic of Iran, “**Pure Life**” journal, as the first scientific journal in Al-Mustafa Open University is ready to publish the students’ journal.

A Word from Chief Editor

“PURE LIFE” will be a window towards man’s eternal life. Al Mustafa Virtual University considers its mission to introduce the divine teachings to ground dwelled man, so that he could be able to establish a fresh living by using the knowledge bestowed upon him by Almighty God in such a manner **that it** brings him worldly peace and eternal prosperity.

“PURE LIFE” is an opportunity for the students and graduates of the university to spread out their scientific and cognitive knowledge on the vast arena of cyberspace and also, with the use of scholarly dialect, reflect religious cognition into various aspects of human life. Hope that through efforts of knowledge seekers, this window may become more magnificent.

Guide for Article Writers

- 1- Articles must include following sections:
title, abstract and keywords, prelude or introduction of the subject, main body of the article, conclusion, references
- 2- Only those articles will be considered which had not been published before and their corresponding authors have not been obliged to publish them elsewhere.
- 3- Responsibility of scientific and legal authenticity of the articles will rest upon the corresponding author.
- 4- The right to accept or reject an article is reserved for the journal. However, the secretariat of the journal is bound to report the final situation of sent articles to their corresponding authors within one month (30 days).
- 5- Final approval for an article to be published in the journal will be made by the editorial board after the recommendation of referees.
- 6- Size of an article must be eight pages at least and 25 pages at most where each page contains 250 words.
- 7- Quotation and adaptation from articles of the journal, with reference to the source, are allowed.
- 8- Persian, English and Arabic abstracts of an article should be 300 words at most.
- 9- To type a Persian article, "B Mitra" font with the size of 14pt should be used.
 - ✓ To type an article in Arabic, "Arabic Typesetting" font with the size of 14pt and in English, "Times New Roman" font with the size of 14pt should be used.
- 10- References should be arranged alphabetically and should be listed as under:
 - ✓ In Case of Book: Surname, Name, (Year of Publication), Title of Book (with "Bold" font style), Name of Translator or Editor (if applicable), Volume, Edition, Place of Publication: Name of Publisher.
 - ✓ In Case of Article: Surname, Name, Title of Article, Translator (if applicable), Name of Publication (with "Bold" font style), Periodicity, Edition, Total Number of Article Pages: (Year of Publication).
- 11- Endorsement of references related to sources in the text should be made in form of (Name of Author, Year of Publication: Page Number) e.g., (Tabatabai, 1376: 89).
- 12- Explanation references of each page, like Latin form of alphabets, Description of terms, etc, should be given in footnote of the same page.
- 13- Author or Authors of an article must endorse their name, surname, academic level, address, cell number and their email along with their articles sent to the University's Secretariat of Research and Production on: (research@almustafaou.com).
 - ✓ As the journal is multilingual, venerable scholars can submit their articles in four languages: Persian, Arabic, English and Urdu.
- 14- After the article is published, the secretariat of journal is bound to email the electronic edition of the journal to the given email address of the author(s).

On the basis of the act approved in the Twenty second meeting of Al-Mustafa publications Council (on 10/03/2014) and 74327 E-Rasaneh's, in Ministry of Culture and Islamic Guidance, this special edition has been designated as at the level of academic- specialized journals with student pivoted approach.

This journal is in the electronic form which after being published will be uploaded to the following addresses:

(and can be downloaded completely)

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html



Academic – Specialized Journal (Multilingual)

PURE LIFE

Special Issue: First International Conference “Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education” (7)

Vol.5, No.16, March 2019 (Rajab 1440/ Esfand1397)

Concessionaire: (Al-Mustafa International University)
Al-Mustafa Open University, Secretariat of Research and Production

Chief Editor: Mohsen Qanbari (PhD)

Managing Editor: Abedin Siahat Isfandiari (PhD)

Academic Secretary: Tofiq Asadov (PhD)

Executive Manager: Mohamad Javad Najaflo (Hojjatul Islam)

Editorial Board:

Mohsen Qanbari	Deputy Communications and International, Al-Mustafa International University (Iran)
Abedin Siahat Isfandiari	Research and Production Secretary, Al-Mustafa Open University (Iran)
Tofiq Asadov	Professor at Al-Mustafa Open University (Azerbaijan)
Ghulam Jabir Muhammadi	Professor at Imam Khomeini Specialized University (Pakistan)
Syed Mohammad Ali Aon Naqavi	Professor at Al-Mustafa Open University (India)
Yahya Abdul Hasan Dookhi	Professor at Ahlbyt University (Iraq)
Kadri Yildiz	Professor at Al-Mustafa Open University (Turkey)

Publisher: Al-Mustafa Open University

Address: Qom, Southern Sahili Road, Before Musallah, Between Lanes 4-6

Post Box: 3713913554

Telephone and Fax: 32613875 - 32114175

Number of Pages: 244

Circulation: Electronic Printing

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

*In the name of God, Most
Gracious, Most Merciful*